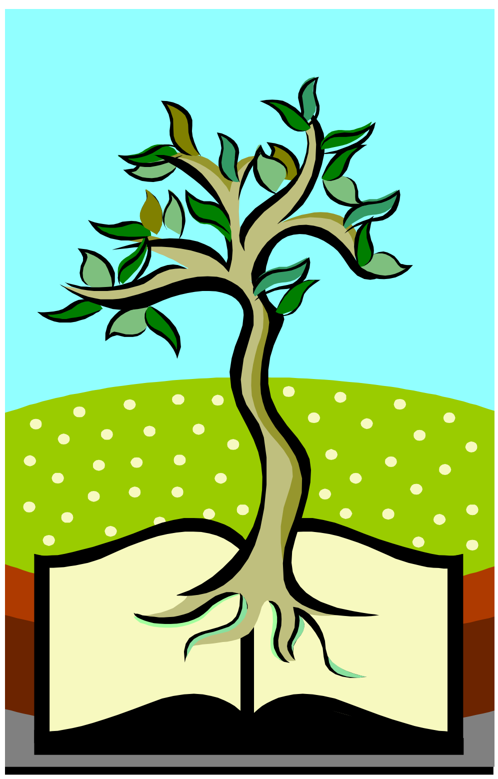
بروید و شاگردان بسازید



دوره شاگرد سازی از رادیو

دستورعمل شاگردسازی - کتاب دوم

مــقــدمـــه

آیا می خواهید بعنوان شاگرد عیسی مسیح رشد کنید؟ آیا می خواهید به ایمانداران دیگر نیز کمك کنید تا در ایمانشان رشد کنند؟
دراینصورت **چهار کتاب دستورعمل شاگردسازی** را مطالعه کنید و مطالبش را بکار ببرید و خود را بیازمایید. عیسی شاگرد ساخت. او به مردم گفت: " بیایید و ببینید" و" از من پیروی کنید " (یوحنا ۱: ۳۹ ، ٤۳). مردم از همه جا میآیند تا ببینند او چگونه زندگی کرد و زندگی اش را صرف چه کاری نمود، علت اینکه مردم در تمام کشورهای جهان او را پیروی می کنند این است که آنها در می یابند عیسی کیست و چه اعمالی انجام می دهد.
او زندگی انسانها را دگرگون می سازد، او زندگی ما را کاملاً دگرگون ساخت.

عیسی با دعا دوازده نفر را انتخاب کرد تا شاگردانش باشند و آنها را آماده ساخت. او می خواست این شاگردان در حال رشد " با او" وقت بگذرانند، تا به کلامش گوش دهند و زندگی اش را از نزدیك ببینند، از زندگی اش سرمشق گیرند ومانند او خدمت کنند (مرقس ۳: ۱۳- ۱۵).
حدود دوسال بعد عیسی به شاگردانش ماموریتی داد: " بروید همه امتها را شاگردان بسازید" (متی ۲۸: ۱۸- ۲۰) و آنها رفتند و از اورشلیم تا اقصای عالم شاگردان ساختند (اعمال رسولان ۱: ۸).
این شاگردان هم به نوبه خود شاگردان بیشتری تربیت کردند و به مکان های دور دست دیگر رفتند و آنچه را یاد گرفته بودند به دیگران انتقال دادند (دوم تیموتائوس ۲: ۲)
بنابراین امروزهم شاگردان خداوند عیسی مسیح در تمام کشورهای جهان درحال تربیت شاگردان جدید هستند.
پولس رسول تعلیم می دهد که عیسی مسیح به مسیحیان ماموریت مشخصی داده است:
" تا قوم خدا را برای انجام خدمت آماده بسازند بطوریکه بدن مسیح بنا شود" (افسسیان ٤: ۱۱- ۱٦).

هدف چهار کتب دستورعمل شاگردسازی، کمك کردن به سرگروه ها در مجهز کردن ایماندارانی است که تحت سرپرستی آنها هستند تا آنان شاگردان مسیح بشوند. شاگرد، یك مسیحی بالغ می باشد.

این دوره، آموزش شاگردان را عملی و کاربردی می سازد چون سرگروه ها را در موارد زیر یاری می کند:
۱- هر یك از چهار کتابهای دستورعمل شاگردسازی شامل ۱۲ درس می باشد که می توان آنرا در ۳ ماه تمام کرد.
۲- آیات اشاره شده از کتاب مقدس به شاگرد کمک میکند تا عیسی مسیح و کتاب مقدس را بشناسد.
۳- دستورالعمل هایی که با حروف پررنگ چاپ شده مثل " **بخوانید**"، " **کشف و گفتگو کنید**" به سرگروه درهدایت گروه کمك می کند.
٤- " **ملاحظات** " جواب مختصری به هر سوال می دهند که می توانند بعنوان خطوط راهنما برای سرگروه مورد استفاده قرار گیرند.
٥- این دوره آموزشی بطور انفرادی یا گروهی، روش هایی عملی را برای تمرین شاگردی مسیح بطور انفرادی یا گروهی تعلیم می دهد.
٦- هر درس دارای یك تکلیف خارج از کلاس می باشد.
۷- انتقال این دوره آموزشی به دیگران بسیار آسان است و بعد از گذراندن دروس یکی ازکتب دستورعمل شاگردسازی، فقط شاگردانی که تصمیم دارند این دوره آموزشی شاگردسازی را به یک گروه کوچک دیگر تعلیم دهند، می توانند یك نسخه از آن کتاب دستورعمل شاگردسازی را دریافت کنند.

توجه: در این دوره برای درک بهتر در زبان فارسی، از کلمه خداوند به جای " یهوه" استفاده میشود. " یهوه" نام خداوند درزبان عبرانی است.

دعای ما این است که خداوند به سرعت تعداد شاگردان مسیح را در محل زندگی شما افزایش دهد و عده زیادی مطیع ایمان گردند (اعمال رسولان ٦: ۷).
با امید به اینکه نام خداوند جلال یابد: " زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است و او را تا ابدالاباد جلال باد، آمین ". (رومیان ۱۱: ۳٦)

<u>دوره شاگرد سازی از رادیو</u>

حقوق مؤلف کتاب

توصیه:
این دوره آموزشی بدین منظور تهیه شده است که بطور گسترده استفاده شود و باعث برکت بسیاری گردد، اما از آنجا که هدف چهار کتب دستور عمل شاگردسازی، آموزش یا مجهز کردن مسیحیان است، توصیه میشود که فقط سرگروه های این دوره آموزش شاگردسازی از چهار کتاب دستورعمل شاگردسازی برابربا اصل، کپی یا رونوشت بردارند.
هر شاگرد فقط پس از آنکه یک درس یا یک کتاب دستورعمل را بپایان رسانده و میخواهد شخص یا گروه کوچك دیگری را تعلیم دهد، می تواند یك نسخه از آن درس یا کتاب دستورعمل را داشته باشد.

فهرست مطالب
دستورعمل شاگردسازی - کتاب دوم

صفحه

برنامه آموزشی ۱

يك برنامه هفتگی برای سه ماه - حدود ۱/۵ تا ۲ ساعت درهرهفته - تعداد افراد گروه بین حدود ۳ تا ۱۰ نفر باشد. هر برنامه با دعا شروع میشود و با دعای در پاسخ به كلام خدا و يك تكليف برای منزل پايان مییابد.

ضمیمه‌های دستور عمل شاگردسازی - کتاب اول " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید: روش‌های رازگاهان، بررسی کتاب مقدس، تعمق و حفظ کردن

برنامه آموزشی ۲

این برنامه فشرده را می‌توان هفته‌ای یکروز (یك روز کامل) و یا در یك دوره فشرده آموزشی شش روزه استفاده کرد. تمام گروه را با همراهی یك سرگروه آموزش دیده به گروه های کوچك تقسیم کنید. تعداد افراد هرگروه بین حدود ۳ تا ۱۰ نفر باشد.

برنامه پیشنهادی:

۹:۰۰ - ۹:۳۰	پرستش (گروه)
۹:۳۰ - ۱۱:۰۰	تعلیم (گروه)
	وقت استراحت
۱۱:۳۰ - ۱۳:۰۰	بررسی کتاب مقدس (گروه)
	وقت استراحت
۱٦:۰۰ - ۱۷:۰۰	وقت اضافی برای پایان دادن تعلیم یا بررسی کتاب مقدس، برای پاسخ به سؤالات یا برای یک تعلیم دیگراحتمالی (گروه)
	وقت استراحت
۱۷:۳۰ - ۱۷:٤٥	تعمق و حفظ کردن آیات (دونفری)
۱۷:٤٥ - ۱۸:۳۰	مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (به تنهایی)
۱۸:۳۰ - ۱۹:۰۰	رازگاهان (دو نفری)
۱۹:۰۰ - ۱۹:٤٥	در میان گذاشتن برکات و دعا (در گروههای کوچك حداکثر ده نفره)

روز اول (دروس ۱۳ و ۱٤)

دعا
پرستش (خدا، خدای واحد و تنها نجات‌دهنده است).
تعلیم (ثمر آوردن: در میان گذاشتن انجیل و شهادت زندگی خود)
بررسی کتاب مقدس (اول قرنتیان ۱۳: ۱ – ۱۳ " خصوصیات محبت مسیحی چیست؟ ")
حفظ کردن (مسیح - دوم قرنتیان ٥: ۱۷)
مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (یوحنا ۱٥ – ۲۱)
رازگاهان (دونفری: یوحنا ۱۷: ۱ – ۲٦)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

روز دوم (دروس ۱٥ و۱٦)

دعا
پرستش (خدای صلح دهنده)
تعلیم (شخصیت مسیحی: اعتماد به نفس مسیحی)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱٥: ۱۳ – ۱٥ " مشخصات دوستی مسیحی چیست؟ ")
حفظ کردن (کلام - متی ٤: ٤)
مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (اعمال رسولان ۱ – ۷)
رازگاهان (دو نفری: اعمال رسولان ۳: ۱ – ۲٦)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

روز سوم (دروس ۱۷ و۱۸)

دعا
پرستش (خدا امین است)
تعلیم (ارتباطات: روابط مردان – زنان)
بررسی کتاب مقدس (اول تسالونیکیان ٤: ۱ – ۸ " ویژگی های ارتباط مسیحی با جنس مخالف چیست؟ ")
حفظ کردن (دعا - یوحنا ۱۵: ۷)
مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (اعمال رسولان ۸ – ۱٤)
رازگاهان (دونفری: اعمال رسولان ۱۱: ۱ – ۳۰)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

روز چهارم (دروس ۱۹ و۲۰)

دعا
پرستش (خدا از نظر اخلاقی کامل است)
تعلیم (خداوندی: اولویتهای مسیحی)
بررسی کتاب مقدس (افسسیان ٥: ۲۲ – ۳۳ " خصوصیات ازدواج مسیحی چیست؟ ")
حفظ کردن (مشارکت - اول یوحنا ۱: ۷)
مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (اعمال رسولان ۱۵ – ۲۱)
رازگاهان (دو نفری: اعمال رسولان ۲۰: ۱۳ – ۳۸)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

روز پنجم (دروس ۲۱ و۲۲)

دعا
پرستش (خدا عظیم و خلاق است)
تعلیم (روح‌القدس: شخصیت و عملکردهای روح‌القدس)
بررسی کتاب مقدس (افسسیان ٦: ۱ – ٤ " خصوصیات خانواده مسیحی چیست؟ ")
حفظ کردن (شاهد بودن: متی ۱۰: ۳۲)
مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (رومیان ۱ – ۸)
رازگاهان (دو نفری: رومیان ۸: ۳۱ – ۳۹)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

روز ششم (دروس ۲۳ و۲٤)

دعا
پرستش (خدا فیاض است)
تعلیم (شاگردی: خصوصیات يك شاگرد)
بررسی کتاب مقدس (دوم قرنتیان ٦: ۱٤ – ۷: ۱ " خصوصیات ارتباط با یوغ نابرابر چیست؟ ")
حفظ کردن (مرور آیات درباره زندگی جدید در مسیح)
مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (رومیان ۹ – ۱٦)
رازگاهان (دو نفری: رومیان ۱۲: ۱ – ۲۱)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

امکانات برای تعلیم دیگراحتمالی

ضمیمه ۱: ذات خدا
ضمیمه ۲: روح‌القدس مسیحیان را در رنج‌هایشان مدد می‌کند.
ضمیمه ۳: شخصیت مسیحی: غیبت و تهمت
ضمیمه ٤: امتیازهای استفاده از روشهای عملی در دوره آموزش شاگردسازی

درس ۱۳

۱	**دعا**

سر گروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**پرستش (۲۰ دقیقه)** **خدا، خدای واحد و تنها نجات دهنده است**

موضوع: خدای کتاب مقدس تنها خدا و تنها نجات‌دهنده است.

بخوانید و شرح دهید: هر قسمت را بخوانید و شرح دهید و خواندن آن را برای پرستش به یکی از اعضاء گروه محول کنید.

۱) خروج ۳: ۱٤ – ۱۵ – خدای پاتریارخ‌ها (دوره پدرسالاری) **خداوند** (به عبری یهوه) نامیده شده است. نام او به معنی " هستم آنکه هستم " یا " قطعاً آنچه هستم خواهم بود " است.

۲) خروج ۲۰: ۲ – ۳ – خدا هر انسانی را منع می‌کند از اینکه خدایی غیر از **خداوند** داشته باشد. **خداوند** خدایی است که خودش را در کتاب مقدس آشکار کرد. او نجات دهنده از زندان گناه و بندگی است.

۳) اشعیاء ٤۰: ۱۸ – **خداوند** بی مانند است. هیچکدام از خدایان سایر مذاهب با **خداوند** قابل قیاس نیست.

٤) اشعیاء ٤۲: ۸ – **خداوند** جلالش را (صفات الهی و حضورش را) به خدایان سایر مذاهب نمی‌بخشد.

۵) اشعیاء ٤۳: ۱۰ – ۱۱ – **خداوند،** خدایی که خود را در کتاب مقدس آشکار کرد، تنها خدای زنده است. به غیر از **خداوند** هیچ نجات‌دهنده‌ای در جهان نیست.

٦) اشعیاء ٤٤: ٦ – ۸ – از ازل تا به ابد، **خداوند** تنها خدایی بوده که تا به حال وجود داشته است. به غیر از او هیچ خدای دیگری تا به حال وجود نداشته است. گرچه روحهای شریر بسیاری تا به حال ادعای خدایی کرده‌اند ولی هرگز نتوانسته‌اند آنچه را که درگذشته اتفاق افتاده است، آشکار کنند یا آنچه را که در آینده اتفاق خواهد افتاد پیشگویی کنند.

۷) اشعیاء ٤۵: ۱۸ – ۲۱ – **خداوند** تنها خدا است و هیچ خدای دیگری وجود ندارد. **خداوند** نه به صورت مخفیانه، بلکه در یك دوره متجاوز از ۱۵۰۰ سال، با دادن پیغام مشابه‌ای به حدود چهل تن از انبیاء و شاگردان مختلف سخن گفته است. او به تنهایی وقایع آینده را مدتها قبل از اینکه واقعاً اتفاق بیفتند، اعلام می‌کند.

۸) اشعیاء ٤۵: ۲۱ – ۲۳ – به غیر از **خداوند** هیچ خدای زنده دیگری وجود ندارد. درنتیجه هیچکدام از آنهایی که در مذاهب دیگر جهان " خدایان " نامیده شده‌اند خدای واقعی نیستند. هیچ خدای عادل و نجات‌دهنده‌ای به غیر از **خداوند** وجود ندارد. پس هیچکدام از " خدایان " سایر مذاهب عادل یا نجات دهنده نیستند. بنابراین تمام مردم زمین بایستی به سوی **خداوند** بازگشت کنند و نجات یابند. سرانجام خواسته یا ناخواسته هر زانویی نزد **خداوند** خم خواهد شد و هر زبانی با ایمان یا با تاسف اعتراف خواهد کرد که تنها خدای واقعی خدایی است که خود را در عیسی مسیح آشکار نمود (فیلیپیان ۲: ۹ – ۱۱).

پرستش کنید: از هرکدام از اعضاء گروه بخواهید تا برای پرستش خدا از آیه کتاب مقدس خود استفاده کند.
به نوبت خدا را به عنوان خدای واحد و تنها نجات دهنده بپرستید.
خدا را به خاطر اینکه خدای شما و نجات‌دهنده شما شده است، بپرستید.
خدا را در گروه بزرگ یا در گروه های کوچك سه نفره پرستش کنید.

۳	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **یوحنا**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (یوحنا ۱۵: ۱ – ۱۸: ۲۷) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٤	**تعلیم (۷۰ دقیقه)** **درمیان گذاشتن انجیل و شهادت زندگی خود**

در این تعلیم، نخست یاد می‌گیرید که پیغام انجیل را درک کنید و سپس یاد می‌گیرید آن را با دیگران درمیان بگذارید. همچنین یاد خواهید گرفت که چطور شهادت نجات خودتان را با دیگران درمیان بگذارید.

الف – <u>پیغام انجیل</u>

پیغام انجیل یا خبر خوش در باره نقشه خدا، مشکل انسان و اینکه چگونه خدا مشکل انسان را حل می کند، میباشد. راه حل خدا برای حل مشکل انسان، عیسی مسیح است. پاسخ مطلوب خدا برای نجات بشر، ایمان به عیسی مسیح میباشد.

تعلیم و آموزش دهید: به شاگردان كمك كنید تا " تصویر پل حیات " را درك كنند و بخاطر بسپارند. سپس به آنها آموزش دهید تا در حین در میان گذاشتن پیغام انجیل با دیگران، از این تصویر استفاده کنند.
بخوانید: هر یک قسمتی از کتاب مقدس را بخوانید.
کشف و گفتگو کنید:

الف – حقیقت در مورد خدا

ب – حقیقت درمورد انسان

پ – حقیقت در مورد مسیح

ت – حقیقت در مورد نجات

ث – حقیقت در مورد زندگی تازه مسیحی

الف – نقشه خدا

۱) رومیان ۱: ۱۹ – ۲۰ خدا خودش را آشکار کرد. شما می‌توانید خدا را بشناسید.
۲) اول یوحنا ۱: ۵ – ۶ خدا نور است. اگر می‌خواهید خدا را بشناسید به نور داخل شوید.
۳) اول یوحنا ٤: ٨ خدا محبت است. اگر می‌خواهید خدا را تجربه کنید، محبت خدا را بپذیرید و دیگران را محبت کنید.
٤) پیدایش ۱: ۲۷ خدا شما را خلق کرد تا خصوصیات خدا را داشته باشید نه شیطان را.
٥) اشعیاء ٤٣: ٧ خدا شما را خلق کرد تا برای خدا زندگی کنید نه برای خودتان.

گناه

انسان

پل به سوی خدا مسیح است.

خدا

ب – مشکل انسان (وضعیت)

٦) اشعیاء ٥٩: ۱ – ۲ گناه شما را از خدا جدا می‌کند.
۷) رومیان ۱: ۱۸، ۲۸ – ۳۲ گناه، خدانشناسی و شرارت است.
۸) رومیان ٦: ۲۳ نتیجه گناه مرگ است.
۹) عبرانیان ۹: ۲۷ بعد از مرگ داوری است.
۱۰) رومیان ۳: ۲۳ همه مردم گناه کرده‌اند و از معیار عادلانه خدا قصور کرده‌اند.

پ – مسیح، راه حل خدا برای مشکل انسان است.

۱۱) رومیان ٥: ٨ محبت خدا از طریق مرگ مسیح به شما ابراز می‌شود (که کفاره گناهان شما باشد).
۱۲) اول پطرس ۲: ۲٤ مسیح مرد تا گناهان شما را دور سازد (شما را عادل سازد).
۱۳) اول پطرس ۳: ۱۸ مسیح مرد تا شما را به نزد خدا آورد (شما را با خدا مصالحه دهد).
۱٤) رومیان ٦: ٤ – ٥ مسیح قیام کرد تا به شما هم اکنون زندگی تازه بدهد (شما را مقدس سازد) و شما را بعد از مرگ قیام دهد (شما را تا ابد جلال بخشد).
۱٥) افسسیان ۲: ۸ – ۹ اعمال خوب نمیتوانند شما را نجات دهند.

ت – ایمان، پاسخ به درخواست خدا برای نجات یافتن است.

۱٦) یوحنا ٥: ۲٤ هرکسی که بشارت (خبر خوش) را بشنود و ایمان بیاورد.
- حیات ابدی دارد.
- محکوم نخواهد شد.
- از مرگ به سوی حیات عبور کرده است.

۱۷) یوحنا ۱: ۱۰ – ۱۳ هرکس که مسیح را بپذیرد فرزند خدا را تولدی تازه است. یک فرزند دوباره متولد شده خدا است.
۱۸) رومیان ۱۰: ۹ – ۱۳ قلباً ایمان بیاورید و از طریق دعا به زبان خود اعتراف کنید.

دعا

خداوند عزیز عیسی مسیح
- اعتراف می‌کنم که گناهکار و گمشده هستم.
- قلباً ایمان دارم که تو مردی تا جریمه گناهان مرا بپردازی و قیام کردی تا به من حیات ابدی ببخشی.
- حال نام تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم که به قلبم و زندگیم وارد شوی.
- به زبان اعتراف می‌کنم که از حالا به بعد نجات دهنده و خداوند من هستی در نام عیسی مسیح، آمین.

ث – نتیجه: زندگی تازه مسیحی

۱۹) یوحنا ۱۰: ۲۷ – ۲۸ از حالا به بعد ...
- کلام خدا را گوش می‌کنید و مسیح را پیروی می‌کنید.
- مسیح به شما این اطمینان را می‌بخشد که هیچکس شما را از مسیح جدا نخواهد کرد.

۲۰) یوحنا ۱۰: ۷ – ۱۰ مسیح به شما یک زندگی پر ثمر و پر برکت می‌بخشد.

تعلیم دهید: معنی کلمات مشکل زیر را آموزش دهید:

کفاره گناهان شما شد یعنی اینکه خشم عدالت خدا نسبت به گناهان شما را محو کرد. مرگ مسیح یك قربانی کفاره‌ای است قربانی که خشم خدا نسبت به گناهان شما را دور می‌سازد (رومیان ۳: ۲۵).
عادل کردن شما یك واژه حقوقی و به معنی عادل اعلام کردن شما از نظر خدا است. مسیح برروی صلیب ناپاکی شما را بر خود گرفت و عدالتش را به شما بخشید (دوم قرنتیان ۵: ۲۱). به عنوان یك شخص عادل بخشیده شده‌اید و با خدا در رابطه‌ای صحیح قرار گرفته‌اید. این اتفاق در لحظه‌ای انجام می‌شود که ایمان می‌آورید. از آن لحظه به بعد خدا شما را شخصی کاملاً عادل به حساب می‌آورد و با شما اینگونه رفتار می‌کند.
مصالحه شما با خدا به معنی تغییر دشمنی خدا برعلیه شما و شیوه زندگی قبلی شما است. از لحظه‌ای که ایمان می‌آورید خدا با شما آشتی می‌کند و شما آرامش قلب و فکرتان را تجربه می‌کنید. (رومیان ۵: ۱ ، ۹ – ۱۰ ؛ فیلیپیان ٤: ۷)
مقدس شدن شما به معنی تبدیل بیشتر و بیشتر شما به شباهت عیسی مسیح است (دوم قرنتیان ۳: ۱۸). این اتفاق در سرتاسر زندگی شما برروی زمین صورت می‌گیرد.
جلال دادن شما یعنی تبدیل شما به شباهت عیسی مسیح است (اول یوحنا ۳: ۲). که این شامل تبدیل جسم فعلی شما است که شبیه جسم جلال یافته مسیح خواهد شد (فیلیپیان ۳: ۲۱). این واقعه در زمان بازگشت ثانویه مسیح اتفاق خواهد افتاد.

ب – درمیان گذاشتن پیغام انجیل

۱ – پیشنهادات عملی زیر را تعلیم دهید.

الف – " انجیل " خبرهای خوش است:
- در مورد محبت، فیض و پادشاهی خدا
- در مورد مرگ، قیام و سلطنت گرفتن مسیح
- در مورد بخشش، نجات و پیروزی هر کسی که ایمان آورد.

ب – در پنج قدم پیام انجیل را درمیان بگذارید:
هرگاه انجیل را موعظه می‌کنید، تعلیم می‌دهید، در میان می‌گذارید یا توضیح می‌دهید می‌توانید از ۵ قدم زیر استفاده کنید:

الف – نقشه خدا
(خدا مقدس و محبت است)

گناه

انسان | **پل به سوی خدا مسیح است** | **خدا**

ب – مشکل انسان
(گناه و داوری)

پ – مسیح، راه حل خدا برای مشکل انسان است.
(مرگ و قیام مسیح)

ت – پاسخ مطلوب خدا برای نجات بشر، ایمان است.
(با دعا به مسیح ایمان آورید و اورا بپذیرید).

ث – نتیجه: زندگی تازه مسیحی
(بخشیده شده و با ارزش)

پ – به يك شخص كمك كنيد تا حقيقت را براى خودش كشف كند.
به طريقى موعظه كنيد يا تعليم دهيد كه مردم بتوانند حقايق را براى خودشان كشف كنند.
۱) بعضى اوقات انجيل را براى مردم موعظه كنيد. حقايق انجيل را به وضوح شرح دهيد.
۲) بعضى اوقات " تصوير پل حيات " را بكشيد و اجازه دهيد تا غير مسيحيان حقايق انجيل را براى خودشان كشف كنند.

- اجازه دهيد غيرمسيحيان از كتاب مقدس آياتى بخوانند كه انجيل را توضيح مى‌دهد.
- آنها را تشويق كنيد با پرسيدن سؤالات زير حقايق را براى خودشان از كتاب مقدس كشف كنند:
  الف) اين آيه كتاب مقدس در مورد خدا چه مى‌گويد؟
  ب) نتايج گناه چيست؟
  پ) چرا بايد عيسى مسيح مى‌مرد؟
  ت) ازنظرعيسى چه بايد بكنيد تا نجات يابيد؟
  ث) مسئوليتها و امتيازات يك مسيحى چيست؟
- درحاليكه به كشف و گفتگو كردن ادامه ميدهيد، " تصوير پل حيات " را رسم كنيد.
- درحاليكه تصوير تكميل مى‌شود، مراجع كتاب مقدس و كلمات كليدى را يادداشت كنيد.
- درپايان، اين تصوير را به او بدهيد، تا انجيل (خبر خوش) را به خاطر بياورد.

ت – شخص را دعوت به پذيرش مسيح كنيد.
بعد از اينكه تصوير پل حيات كامل شد آن شخص را دعوت كنيد تا عيسى مسيح را به عنوان نجات‌دهنده خود بپذيرد يا قلب و زندگيش را مطيع عيسى‌مسيح به عنوان پادشاهش بسازد. اگر اين اشتياق را دارد اجازه دهيد، دعا كند.

ث – نسبت به روح خدا حساس باشيد.
درحاليكه انجيل را درميان مى‌گذاريد در قلبتان دعا كنيد. به خاطر داشته باشيد كه گرچه شما خادم خدا هستيد ولى فقط خدا مى‌تواند زندگى جديد را در قلب او ايجاد كند. بنابراين نسبت به آنچه به وسيله خدا در قلب و زندگى او در حال انجام دادن است حساس باشيد.

۲ – در ميان گذاشتن انجيل را تمرين كنيد.

الف) با استفاده از ۲۰ آيه كتاب مقدس، " پل حيات " را دو به دو با يكديگر در ميان بگذاريد.
ب) با استفاده از يوحنا ۱۰: ۷ – ۱۸ يا افسسيان ۲: ۱ – ۱۰، " پل حيات " را دو به دوبا يكديگر درميان بگذاريد.

پ – شهادت نجات خود را درميان بگذاريد.

۱- شهادت نجات پولس

بخوانيد: اعمال رسولان ۲۶: ۱ – ۲۹
كشف و گفتگو كنيد: پولس شهادت نجات خود را چگونه درميان مى‌گذارد؟
ملاحظات:

الف) پولس شهادت نجات خود را به چهار قسمت تقسيم مى‌كند:
۱) مقدمه (اعمال رسولان ۲۶: ۱ – ۳)
۲) دوره قبل از تبديل (اعمال رسولان ۲۶: ٤ – ۱۱)
۳) واقعه تبديل او (اعمال رسولان ۲۶: ۱۲ – ۱۸)
٤) دوره بعد از تبديل او (اعمال رسولان ۲۶: ۱۹ – ۲۳)

ب) مقدمه (اعمال رسولان ۲۶: ۱ – ۳)
هر وقت پولس فرصت پيدا مى‌كرد تا در مورد ايمانش به عيسى مسيح حرف بزند، شهادت نجات خودش را درميان مى‌گذاشت. او نخست ارتباط دوستانه‌اى با شنوندگانش برقرار مى‌كرد (آيات ۲ – ۳).

پ) دوره قبل از تبديل او (اعمال رسولان ۲۶: ٤ – ۱۱)
۱) پولس در مورد گذشته خودش صحبت مى‌كرد تا به شنوندگانش كمك كند او را بشناسند (آيات ٤ – ٥).
۲) پولس بعضى نكات مثبت زندگى گذشته خود را اضافه مى‌كرد (تحصيلات عالى، تعصب مذهبى و نيت خالص).
۳) پولس بعضى نكات منفى گذشته خود را اضافه مى‌كرد (جفاى مسيحيان توسط او و خشونت عليه كليساى مسيح).

٤) پولس در مورد چیزهایی صحبت می‌کرد تا شنوندگانش بتوانند او را بشناسند. بنابراین آنها را به عکس‌العمل وا می‌داشت. (فریسی‌ها به موضوع قیامت توجه نشان می‌دادند و پادشاه به اختلافات و سنتهای یهودیان توجه داشت). پولس به شنوندگانش که ممکن بود سؤالات مشابه او را داشته باشند کمك می‌کرد تا علاقه‌مند شوند که بدانند، او چگونه پاسخ سؤالاتش را دریافته است.

ت) واقعه تبدیل او (اعمال رسولان ٢٦: ١٢ – ١٨).
١) پولس نمی‌گفت " فکر می‌کنم " یا " احساس می‌کنم " بلکه به وضوح اتفاقات عینی تبدیل خود را توضیح می‌داد.
٢) پولس آشکار ساخت که او در جستجوی خدا نبود بلکه خدا در جستجوی او بود و او را یافت. همچنین این را آشکار ساخت که مسیح خودش را زمانی بر او ظاهر کرد که هنوز زندگی او آلوده بود و نه بعد از اینکه او خود را پاك ساخته بود.
٣) پولس دقیقاً کلماتی را که عیسی به او گفته بود نقل قول می‌کرد.
او نکات مختلف انجیل را به شهادت نجات خود اضافه می‌کرد. (پولس باید از تاریکی به سوی نور و از شیطان به سوی خدا بازگشت کند. مردم باید به عیسی مسیح ایمان آورند. ایمانداران بخشش از گناهان را دریافت خواهند کرد و به قوم خدا ملحق خواهند شد) (آیه ١٨). این نیز به شنوندگانش کمك می‌کند تا اگر آنها بخواهند، به عیسی مسیح ایمان آورند.

ث) دوره بعد از تبدیل او (اعمال رسولان ٢٦: ١٩ – ٢٣)
١) پولس تغییر اصلی زندگیش را توضیح می‌دهد (جفا کننده کلیسای مسیحی تبدیل به واعظ کلیسا می‌شود). در "مسیر افکارش" در باره چیزی قبل از تبدیلش صحبت میکند که پس از تبدیل یافتنش تغییر کرده بود.
٢) پولس می‌پذیرد که باز هم موقعیتهای سختی را پیش روخواهد داشت. اما همچنین می‌گوید که خدا درموقعیتهای دشواربه او کمك می‌کند.
٣) پولس بعنوان مرجع موثق خود از کتاب مقدس نقل قول می‌کند (آیه ٢٢).
٤) پولس نکات بیشتری از انجیل را به شهادت نجات خود اضافه می‌کند (عیسی مسیح مرد و قیام کرد، خبرهای خوش انجیل برای تمام مردم است یعنی هم یهودیان و هم امتها همه باید توبه کنند (تبدیل) و به سوی خدا بازگشت کنند، سپس هر شخص بایستی زندگی مطیع مسیحی داشته باشد و از طریق آن توبه خود را با اعمالش ثابت کند) (آیات ٢٣، ٢٠).

٢ – گفتگویی که پس از شهادت نجات پولس آغاز شد.

الف) پولس همچنان محترمانه برخورد می‌کرد (اعمال رسولان ٢٦: ٢٤ – ٢٥).
وقتی مورد اهانت قرار می‌گرفت او همچنان مودبانه برخورد می‌کرد.
ب) پولس تلاش می‌کرد شنوندگانش را متقاعد کند (اعمال رسولان ٢٦: ٢٦ – ٢٧).
او شنوندگانش را تهدید یا مجبور نمی‌کرد اما سعی می‌کرد شنوندگانش را متقاعد کند تا پیرو عیسی مسیح شوند.
پ) پولس شنوندگانش را ترغیب می‌کرد (اعمال رسولان ٢٦: ٢٨ – ٢٩).
او شنوندگانش را ترغیب می کرد تا پیرو عیسی مسیح شوند.

٣ – شهادت نجات تیموتائوس

بخوانید: اول تیموتائوس ١: ٢ ؛ دوم تیموتائوس ١: ٥ ؛ ٣: ١٠ – ١٥
تعلیم دهید: بعضی مسیحیان مانند تیموتائوس وقتی هنوز جوان هستند، ایمان می‌آورند و ممکن است به یاد نیاورند که چطور به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند. اما می‌دانند که پیرو عیسی‌مسیح هستند.
جوانان همانند تیموتائوس، بایستی شهادت نجات خود را به صورت زیر بنویسند:
١) گذشته خود را درمیان بگذارید (پدربزرگ و مادربزرگ، والدین مسیحی، کلیسا یا معلمین خود).
٢) مفهومی که عیسی مسیح در طی این سالها برای شما داشته است و اینکه چطور زندگی شما را تغییر داده است.
٣) نکات اصلی انجیل، که شما اکنون قادربه درك آنها هستید.

٤ – در میان گذاشتن شهادت نجات خود را تمرین کنید.

الف) شهادت نجات خود را روی یك ورق کاغذ بنویسید.
ب) آن را برای سرگروه خود بخوانید و اجازه دهید او به شما پیشنهادات مثبتی ارائه کند.
پ) شهادت نجات خود را در گروه یا در کلیسا درمیان بگذارید.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های درس " درمیان گذاشتن انجیل و شهادت زندگی خود " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت یوحنا ۱۸: ۲۸- ۲۱: ۲۵ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید. (اول قرنتیان ۱۳: ۱ – ۱۳) "خصوصیات محبت مسیحی چیست؟" از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.

٤ - دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)

۵ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۱٤

۱	دعا

سر گروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) یوحنا

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (یوحنا ۱۸: ۲۸- ۲۱: ۲۵)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه) مسیح – دوم قرنتیان ۵: ۱۷

الف – تعمق

آیه حفظی: مسیح – دوم قرنتیان ۵: ۱۷
متن آیه: " پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است، چیزهای کهنه در گذشت،اینك همه چیز تازه شده است. "

۱) چگونه ارتباط پولس با مسیح تغییر کرد؟
قبل از تبدیل پولس، او یك فریسی متعصب بود. شناخت او از مسیح کاملا " به حسب جسم " بود. به همین دلیل به عیسی مسیح " به حسب جسم " هماهنگ با معیارهای ظاهری دنیا نگاه می‌کرد (دوم قرنتیان ۵: ۱٦). دنیا طبق ظاهر خارجی مردم بر آنها قضاوت می‌کند و نه بر طبق آنچه آنها واقعاً در قلبشان میباشند. چون عیسی یك نجار بود آنها او را به عنوان یك معلم رد کردند. چون عیسی در یکی از مدارس ربی‌ها تعلیم ندیده بود حکمت او را رد کردند. چون عیسی دوست گناهکاران و باجگیران بود او را هم گناهکار به حساب آوردند. این دقیقاً چیزی است که عیسی مسیح به فریسیان گفت " لیکن شما نمی‌دانید از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم. شما به حسب جسم حکم می‌کنید اما من بر هیچ کس حکم نمی‌کنم " (یوحنا ۸: ۱٤ – ۱۵). به هرحال در زمان تبدیل، پولس، عیسی مسیح را رو در رو دید (اعمال رسولان ۲٦: ۱۲ – ۱۸). از آن به بعد او دیگر مثل قبل به عیسی مسیح نگاه نمی‌کرد.

۲) " در مسیح " بودن یعنی چه؟
از نقطه نظرآسمان مردم تنها دو نوعند. مردم یا " در مسیح " هستند یا " در دنیا ".
سؤال بزرگ این است " آیا شما در مسیح هستید؟ " به این معنی که " آیا تولد تازه دارید؟ " ، " آیا روح‌القدس را دارید؟" (دوم قرنتیان ۱۳: ۵) ، " آیا شما خلقت تازه‌ای هستید؟ " ، " آیا چیزهای کهنه در گذشته است؟ " ، " آیا همه چیز تازه شده است؟ " این مطلبی است که آیه ۱۷ در مورد آن سخن می‌گوید.
راه وارد شدن " در مسیح " ایمان آوردن به عیسی مسیح، به مرگ وقیام او برای شما است. از طریق ایمان به مرگ و قیام عیسی مسیح، شخص با عیسی مسیح متحد می‌شود. از لحظه‌ای که یك شخص به عیسی مسیح ایمان می‌آورد او " در مسیح " است.
عبارت " درمسیح " کوتاهترین توصیف از نجات مسیحی و خلاصه کوتاهی از ثروت بی‌پایان آن است.
عیسی مسیح هر که هست و هر آنچه عیسی مسیح انجام داده است، بزرگترین نتایج را برای آن فردی که شما بایستی بشوید، دارد.
مثالها: چون عیسی مسیح مرد، شما مردید. چون عیسی مسیح مجازات گناهان شما را برخود گرفت، شما بخشیده شده و عادل شمرده شدید و هرگز محکوم نخواهید شد. چون عیسی مسیح قیام کرد، روح شما قیام کرده است، تولد تازه یافته یا خلقتی تازه یافته اید و جسم شما با آمدن ثانویه عیسی مسیح قیام خواهد کرد. چون عیسی مسیح تنها کسی است که خدا از او کاملا خشنود است، خدا نیز حالا شما را می‌پذیرد و از شما خشنود میباشد. چون عیسی مسیح شریر را به بند کشید شما هم می‌توانید در برابر شریر مقاومت کنید و همراه با عیسی مسیح مردم را از ملکوت ظلمت رهانیده و به ملکوت

مسیح یعنی ملکوت نور بیاورید. چون عیسی مسیح حقیقت است، حالا شما حقیقت خدا، حقیقت خودتان، حقیقت دنیا و حقیقت آینده را می‌دانید. چون عیسی مسیح وارث است شما در میراث او، یعنی آسمان و زمین جدید، شریك خواهید بود.
چون عیسی مسیح پادشاه ملکوت خدا است شما با او سلطنت خواهید کرد. در این جهان هرکس اگر بخواهد می‌تواند " در مسیح " باشد. تمام آن چیزی که لازم است این شخص انجام دهد، ایمان آوردن به عیسی مسیح و تسلیم کردن قلب و زندگیش به او است.
ایمان آورید که او مرد تا گناهان شما آمرزیده شود و او قیام کرد تا زندگی تازه بیابید.

۳) کدام چیزهای کهنه در گذشته است؟
خلقت تازه چنین توصیف شده است " چیزهای کهنه در گذشته است ". به زبان یونانی این جمله در زمان گذشته نوشته شده و بیانگر این است که **چیزهای کهنه با یك اتفاق مشخص یعنی با تجربه تولد تازه درگذشته است.** چیزهای کهنه، تبعیضات قدیمی، تعصبـــات، سوء تفاهمات و بندگی زندگی راههای قبل از تولد تازه، هستند که در گذشته اند. عیسی مسیح برای گناهان همه ایمانداران مرد (اول پطرس ۲: ۲٤). پس هر مسیحی از هم اکنون خلقت تازه‌ای است و دیگر برای خودش زندگی نمی‌کند بلکه برای عیسی مسیح که برای او مرد (آیه ۱۵) رابطه او با خودش تغییر کرده است. دیگر فقط از نقطه نظر دنیوی عیسی مسیح نگاه نمی‌کند (آیه ۱٦). رابطه او با عیسی مسیح تغییر کرده است. او دیگر به سایر مردم نیز از دیدگاه دنیوی نگاه نمی‌کند (آیه ۱٦). رابطه او با سایر مردم هم تغییر کرده است.

٤) کدام چیزها تازه شده است؟
خلقت تازه چنین توصیف شده است " همه چیز تازه شده است. " به زبان یونانی این جمله در زمان گذشته نوشته شده و بیانگر این است که **چیزهای کهنه تازه شده و به تازه بودن خود در زمان حال و تا به ابد ادامه می‌دهند.** تازگی خلقت جدید خدا، شبیه چیزهای تازه‌ای نیست که ما می‌خریم و طی گذشت زمان شروع به کهنه و قدیمی شدن می‌کنند. این خلقت هرگز پژمرده، فاسد یا هلاك نخواهد شد (اول پطرس ۱: ۳ – ٤). این تازگی و طراوت تا به ابد باقی می‌ماند. زندگی تازه در عیسی مسیح چقدر فوق‌العاده است. دیگر مسیحیان سعی نمی‌کنند شریعت را نگه دارند (غلاطیان ٦: ١٤ – ۱۵) اما در عوض با فیض خدا زندگی می‌کند (یوحنا ۱: ۱٦ – ۱۷). یك مسیحی در ارتباط با سایر مردم دارای زندگی عادلانه و در ارتباط با خدا دارای زندگی مقدس است (افسسیان ٤: ۲٤). او می‌تواند طبق نقشه خدا زندگی کند و نقشه خدا را از طریق انجام کارهای خوبی که خدا به او محول کرده به انجام برساند (افسسیان ۲: ۱۰).

ب – حفظ کردن و مرور

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی یك کارت سفید یا یك صفحه از دفترچه یادداشتتان بنویسید.
۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را به شیوه صحیح حفظ کنید. (مسیح: دوم قرنتیان ۵: ۱۷) را حفظ کنید.
۳- **مرور کنید:** به گروه های کوچک دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه حفظی را از یکدیگر بپرسید.

٤	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **خصوصیات محبت مسیحی چیست؟ اول قرنتیان ۱۳: ۱ – ۱۳**

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، اول قرنتیان ۱۳: ۱ – ۱۳ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: اول قرنتیان ۱۳: ۱ – ۱۳ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه بخوانید تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید: در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

کشف ۱)
يك حقيقت مهم از نظر من در اول قرنتيان ۱۳: ۱ – ۳ است. محبت *با هفت چيز مقايسه شده است كه از نظر مردم دنيا بسيار مهم به شمار مى‌روند.* (به زبانها سخن گفتن، نبوت كردن، كشف اسرار، داشتن علم و حكمت، آشكار كردن ايمان، دادن دارايى خود به فقرا، زندگى خود را فدا كردن). اما اگر من همه اين كارها را بتوانم انجام دهم و محبت نداشته باشم، هيچ هستم. هيچ كارى كه داراى ارزش جاودانى باشد انجام نمى‌دهم. اگر فصيحانه سخن بگويم و افكارو قلوب مردم را با سخنرانى‌ام تكان دهم اما محبت نداشته باشم كلماتم توخالى است و هيچكس را ترغيب نخواهد كرد. اگر تمام دارايى‌ام را به فقرا بدهم اما محبت نداشته باشم، فقط خود را از دست يك وجدان گناهكارخلاص ميكنم يا احساس همدردى ناشى از بدبختى آنها را از بين مى برم. اگر مبشر شوم و قربانى‌هاى بزرگ تقديم كنم و حتى زندگيم را در موقعيتهاى مشكل يا جفا از دست بدهم اما محبت نداشته باشم هيچ سود نمى‌برم. اگر تمام اين قربانى‌ها را بگذرانم اما محبت نداشته باشم، ارزشمند نخواهد بود.

کشف ۲)
از نظر من در اول قرنتيان ۱۳: ۸ – ۱۳ يك حقيقت مهم وجود دارد. *محبت به عنوان بزرگترين دارايى معرفى شده است.* دليل اينكه محبت بزرگترين دارايى است ابدى بودن آن است. آيه ۸ مى‌گويد " محبت هرگز ساقط نمى‌شود " يعنى هيچگاه پايان نمى‌پذيرد. ساير چيزهايى كه تمام مردم در سرتاسر جهان، جزو دارايى‌هاى مهم مى‌شمارند پايان خواهند يافت. نبوتها وقتى انجام مى‌شوند پايان مى‌پذيرند. چون كارشان را كامل كرده‌اند و چيز بيشترى براى گفتن ندارند. زبانهاى انسانها يا فرشتگان پايان خواهند يافت. حتى زبانى كه اول قرنتيان ۱۳ با آن نوشته شده است يعنى يونانى رايج، ديگر زياد براى سخن گفتن استفاده نمى‌شود. علم بسيار مهم شمرده مى‌شود و مردم براى كسب آن سالها را در مدارس و دانشگاهها مى‌گذرانند و براى بدست آوردن آن، هر روز ساعتها صرف خواندن روزنامه و تماشاى تلويزيون مى‌كنند. با اين وجود تمام علم پايان مى‌پذيرد. روزنامه‌هاى ديروز را آتش مى‌زنند و كتابهاى علمى ده سال پيش منسوخ شده و به عنوان كاغذ باطله فروخته مى‌شوند. تمام علوم به زودى قديمى شده و عملكرد آنها پايان مى‌پذيرد. پولس رسول مى‌توانست مثالهاى بيشترى بياورد. او به پول، موفقيت، قدرت يا شهرت اشاره‌اى نكرد. همه اين چيزها تمام خواهد شد. پولس نمى‌گويد كه اين چيزها به خودى خود نادرست هستند، بلكه فقط منظورش اين است كه ابدى نيستند. جان غيرفانى بايستى خودش را وقف چيزهاى غيرفانى كند. فقط سه چيز غيرفانى و ابدى است: ايمان، اميد و محبت. محبت از همه عظيم‌تر است چون " خدا محبت است. "

قدم ۳: سؤال كنيد
توجه كنيد: در اين متن چه سؤالاتى در زمينه‌هاى مختلف وجود دارند كه مايليد در گروه آنها را بپرسيد؟
سعى كنيم تمام حقايق مربوط به اول قرنتيان ۱۳: ۱ – ۱۳ را درك كنيم و در مورد آنچه نمى‌فهميم، سؤال‌هاى خود را مطرح كنيم.
بنويسيد: تا آنجايى كه امكان دارد سؤال‌هاى خود را واضح و صريح مطرح كنيد و سپس آنها را در دفتر يادداشت خود بنويسيد.
در ميان بگذاريد: (بعد از اين كه مدتى به اعضاى گروه فرصت فكر كردن و نوشتن داده شد اجازه دهيد كه هر كدام ازافراد سؤال خود را براى ديگران مطرح سازد).
گفتگو كنيد: (سپس چند سؤال را از بين همه سؤالها انتخاب كنيد و سعى كنيد با گفتگو كردن در مورد آنها در گروه، جوابى برايشان پيدا كنيد. درادامه نمونه‌هايى از سؤالهايى كه شاگردان ممكن است بپرسند و همچنين ملاحظاتى در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) (اول قرنتيان ۱۳: ٤) " محبت حليم است " به چه معنايى است؟
ملاحظات: *حلم محبتى است كه مى‌تواند منتظر بماند.* حلم به عنوان اولين بخش محبت فهرست شده است چون معمولاً محبت از آنجا شروع مى‌شود. محبت مهربانى را تحميل نمى‌كند اما مى‌تواند با انتظار، مهربانى را نشان دهد. محبت با عجله دست به عمل نمى‌زند بلكه با انتظار براى وقتشناسى خدا خود را بروز مى‌دهد. پس حلم وسيله‌اى است كه خدا براى كنترل ابراز محبت از آن استفاده مى‌كند. حلم منتظر كارخدا در زندگى و مشكلات مردم مى‌ماند. درحاليكه حلم منتظر مى‌ماند، خود را با زيور زيباى تواضع و روحى آرام ابراز مى‌كند. حلم مشكلاتى مانند خشم، درد و ضعفهاى مردم را تحمل مى‌كند بدون اينكه حساس، نااميد يا خشمگين شود.

سؤال ۲) (اول قرنتيان ۱۳: ٤) " محبت مهربان است " به چه معنايى است؟
ملاحظات: *مهربانى محبتى است كه دست به عمل مى‌زند.* مهربانى راهى براى مفيد بودن و انجام كارهاى خوب است. كتاب مقدس به ما مى‌گويد كه عيسى چگونه به اطراف مى‌رفت وكارهاى خوب انجام مى‌داد (اعمال رسولان ۱۰: ۳۸). او بيماران را شفا مى‌داد، ديوزده‌ها را آزاد مى‌كرد و انجيل را به فقرا بشارت مى‌داد (متى ۱۱: ٤ – ٥). مهربانى، به جاى منتقد و زننده بودن، صميمى و آرام است. نمى‌توانيد با همه دوست باشيد اما مى‌توانيد نسبت به همه ملايمت داشته

باشید (فیلیپیان ٤: ٥). مهربانی فرصت خوشحال کردن دیگران را از دست نمی‌دهد. شخصی نوشته است " فقط یکبار به این دنیا می‌آیم ". پس بگذارید هر کار خوب یا مهربانی که می‌توانم نسبت به انسانها نشان دهم همین الآن انجام دهم. آن را به تاخیر نمی‌اندازم و از آن غافل نمی‌شوم چون دوباره از این راه عبور نخواهم کرد.

سؤال ٣) (اول قرنتیان ١٣: ٤) محبت حسد نمی‌پذیرد (حسود نیست) یعنی چه؟
ملاحظات: *محبتی که فخر فروشی نمی‌کند بزرگوار است.* بزرگواری محبتی است در رقابت با دیگران. هر وقت تلاش می‌کنید کارهای خوبی انجام دهید در می‌یابید که بعضی انسانهای دیگر هم هستند که می‌توانند همین کارها را بهتر از شما انجام دهند. نسبت به آنها حسادت نکنید. حسادت، احساس اراده‌ای بیمارنسبت به آنانی است که با شما در زمینه‌های مشابه‌ای مشغول فعالیت هستند. حسادت روح به چنگ آوردن چیزهایی است که متعلق به دیگری است یا از بین بردن اعتبار یا احترامی است که دیگری سزاوار آن است. بزرگواری نسبت به آنچه که خود هست، آنچه که دارد و آنچه که می‌تواند انجام دهد قانع و شکرگزار است. بزرگواری آزرده نمی‌شود بلکه قدر آنچه را که دیگران هستند، دارند و می‌توانند انجام دهند، می‌داند.

سؤال ٤) (اول قرنتیان ١٣: ٤) " محبت کبر ندارد " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبتی که کبر ندارد متواضع است. تواضع، محبت در زمانی است که شما کاری را انجام داده‌اید.* بعد از اینکه حلم، مهربانی و بزرگواری را نشان دادید به وجود این محبت نیاز هست. تواضع، نسبت به آنچه انجام شده است سکوت می‌کند. تواضع کمالات و فضایل خود را در حد معمولی ارزشیابی می‌کند. اغراق نمی‌کند. بیش از اندازه علم خود را به دیگران نشان نمی‌دهد. عملاً سعی نمی‌کند که تحسین دیگران را نسبت به خود برانگیزد. فخرفروشی یا خودنمایی نمی‌کند. عمداً توجه دیگران را به سوی خود جلب نمی‌کند.

سؤال ٥) (اول قرنتیان ١٣: ٤) " محبت غرور ندارد " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبتی که مغرور نباشد فروتن است. فروتنی، محبت قبل از انجام عمل است.* فروتنی قوتهای خودرا تبلیغ نمی‌کند و ضعف‌های خود را پنهان نمی‌سازد. فروتنی نسبت به آنچه می‌تواند انجام دهد واقع بین است. فروتنی از اهمیت، توانایی‌ها، دارایی یا کمالات خود تبلیغ نمی‌کند. فروتنی خودش را متکبرانه ابراز نمی‌کند. فروتنی به دیگران زور نمی‌گوید و آنها را دست کم نمی‌گیرد.

سؤال ٦) (اول قرنتیان ١٣: ٥) " محبت اطوار ناپسندیده ندارد " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبتی که اطوار ناپسندیده ندارد با نزاکت است. نزاکت، محبت در تبادلات اجتماعی است.* نزاکت داشتن محبت درچیزهای کوچك است. نزاکت، داشتن رفتار و تدبیر خوب در هر موقعیت است. نزاکت باادب، مهربان، ملاحظه‌گر و همدرد در رفتار و برخورد با دیگران است. نزاکت نسبت به عادتها، فرهنگ و ارزشهای سایر مردم حساس است. برای نیازهای سایر مردم و احساسات آنها فکر می‌کند. نزاکت گذرنامه‌ای است که اجازه می‌دهد شما با هر اجتماعی آمیخته شوید.

سؤال ٧) (اول قرنتیان ١٣: ٥) " محبت نفع خود را طالب نمی‌باشد " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبتی که نفع خود را طالب نمی‌باشد از خود گذشته است. از خودگذشتگی، محبت در برخورد با حقوق دیگران است.* از خودگذشتگی حقوق خود را جستجو نمی‌کند. به دنبال چیزهای بزرگ برای خود نیست. هیچ عظمتی در این چیزها نیست. عظمت تنها در خدای از خود گذشته است. از خودگذشتگی به دنبال گسترش هدف و ملکوت خدا در بین سایر مردم است. از خودگذشتگی به دنبال جاه‌طلبی‌های خودخواهانه، مقام دوستی، موقعیت اجتماعی، قدرت، شهرت، دارایی و لذت نیست. از خودگذشتگی نه فقط به دنبال نفع خود نیست بلکه به هیچ دلیلی از دیگران سوءاستفاده نمی‌کند. مردم دنیا به دنبال شادی هستند و فکر می‌کنند که شادی در داشتن، به جایی رسیدن و خدمت شدن است. هیچ شادی در داشتن یا به جایی رسیدن نیست بلکه فقط دربخشیدن و خدمت کردن است. عیسی گفت " هرکه می‌خواهد در میان شما مقدم باشد غلام شما باشد " (متی ٢٠: ٢٦).

سؤال ٨) (اول قرنتیان ١٣: ٥) " محبت خشم نمی‌گیرد " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبتی که به آسانی خشمگین نمی‌شود بردبار است. بردباری، محبت در خلق وخوی یك شخص است* یعنی در طبیعت خارجی شخص. هیچ چیز مخرب‌تر از خلق و خوی شریرانه در ذات انسان نیست. خلق و خوی شریرانه روابط، خانواده‌ها و حتی جوامع را از هم می‌پاشد. ازدواج‌ها، دوستی‌ها و همسایگی‌ها را تباه می‌کند. عظیمترین قدرت برای ایجاد بدبختی در وجود بشری است. خلق و خوی شریرانه شامل زود رنجی، خشم، ستمگری، حق به جانب بودن، لجاجت، تنفر، روح عدم بخشش و افسردگی است. خلق وخوی شریرانه نشانه وجود یك مشکل عمیق‌تر است. فساد پنهانی را برملاء می‌کند که در یك لحظه نسنجیده آشکار می‌شود. وجود قلبی تغییر نیافته و بی‌حاصل را آشکار می‌کند. فقط با دادن تمام قسمتهای‌های زندگیتان به مسیح است که، او می‌تواند خلق و خوی شما را تغییر دهد و محبت به طبیعت درونی شما جاری خواهد شد. بردباری، جراحات و صدماتی که توسط دیگران یا در شرایط مختلف ایجاد می‌شوند، صبورانه

تحمل می‌کند. بردباری به راحتی عصبانی نمی‌شود و عکس‌العمل منفی نشان نمی‌دهد. بردباری آنچه دیگران می‌گویند یا انجام می‌دهند سریع تفسیر نمی‌کند و به عنوان حملات شخصی در نظر نمی‌گیرد.

سؤال ۹) (اول قرنتیان ۱۳: ۵) " محبت سوءظن ندارد " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبتی که سوء ظن ندارد بخشنده است. محبت بخشاینده محبتی است که روابط را به هم نمی‌زند.* بعضی از مردم فهرست بلند بالایی را نزد خود نگه می‌دارند که شامل اشتباهاتی است که دیگران نسبت به آنها انجام داده‌اند. آنها نفرت خود را بی وقفه تخلیه می‌کنند. به شدت از حق به جانب بودن خودشان دفاع می‌کنند و بارها و بارها سعی می‌کنند طرفداری شما را نسبت به خودشان و برعلیه خاطی بدست آورند. آنها آدم‌های تلخی هستند. عبرانیان ۱۲: ۱۵ هشدار می‌دهد که این انسانهای تلخ مشکل ایجاد می کنند. بسیاری را آلوده می‌سازند. در مورد همه، سوءظن ایجاد می کنند. باعث از هم پاشیدگی روابط می‌شوند و فضا را با غیبت، شایعات کاذب و تهمت‌آلوده می‌کنند. فقط محبت خدا می‌تواند چنین بیماری را شفا بخشد. فقط وقتی شخص می‌تواند ببخشد و فراموش کند که پی می‌برد خدا گناهان او را بخشیده و دیگر آنها را به یاد نمی‌آورد. محبت بخشاینده، خاطی را بسرعت می‌بخشد و فراموش می‌کند. محبت بخشاینده، تلخ و نفرت‌انگیز نیست. کینه‌ای نیست و چیزهای غلط کهنه را به خاطر نمی‌آورد.

سؤال ۱۰) (اول قرنتیان ۱۳: ٦) " از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد ولی با راستی شادی می‌کند " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبتی که از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد ولی با راستی شادی می‌کند صداقت دارد. صداقت، محبت درمیان ضعف‌ها و شکست‌ها است.* صداقت می‌داند که هر شخص دارای ضعفهایی است و همه بعضی مواقع شکست می‌خورند. صداقت هیچوقت با اشتباهات یا شکست‌های دیگران دلش شاد نمی‌شود و احساس پیروزی نمی‌کند. درعوض، وقتی دیگران در راستی و عدالت پیشرفت می‌کنند، صداقت شادی می‌کند.

سؤال ۱۱) (اول قرنتیان ۱۳: ۷) " محبت همیشه محافظت می‌کند " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبت دلسوز، محبت نسبت به انسانهای بی‌احتیاط است.* این محبت هر نوع تهدید را از دیگران دور می‌کند. درمقابل هر چه که دیگران را ناراضی می‌کند سکوت می‌کند. از اعتبار دیگران حفاظت می‌کند و درمورد دیگران غیبت نمی‌کند.

سؤال ۱۲) (اول قرنتیان ۱۳: ۷) " محبت همه را باور می‌نماید " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبت خوش‌بین، محبت نسبت به آدمهای بدگمان است.* انسانهایی که شما را تحت تاثیر قرار می‌دهند کسانی هستند که به شما اعتماد دارند. اما انسانها در فضای بدگمانی پژمرده می‌شوند. بدون اینکه چیزی را کاملاً بدانند، بعضی اوقات فکر می‌کنند انگیزه‌ها یا مقاصد سایر اشخاص شریرانه است. به هرحال محبت خوش‌بین، درمورد سایر اشخاص خوب و مثبت فکر می‌کند و بدون دلیل قانع کننده نسبت به نیت یا اعمال دیگران، مضنون و بدگمان نیست. محبت خوش‌بین همیشه با درمیان گذاشتن عمیق‌ترین افکار و احساسات و مشکلات و ضعف‌هایش، خودش را در معرض خطر قرار می‌دهد. آنها می‌توانند از این حقیقت سوء استفاده کنند اما چون شما آنها را دوست دارید به آنها اعتماد می‌کنید.

سؤال ۱۳) (اول قرنتیان ۱۳: ۷) " محبت در همه حال امیدوار می‌باشد " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبت امیدوار، محبت نسبت به آدمهای حق به جانب است.* آدمهای حق به جانبی که فکر می‌کنند همیشه حق با آنها است و دیگران همیشه در اشتباه می‌باشند. هرکس به آسانی دچار اشتباه می‌شود و هیچکس نمی‌تواند همیشه درست عمل کند. انسان حق به جانب ازدیگران انتظار ندارد که عوض شوند. بدتر اینکه او نمیخواهد آنها عوض شوند تا همیشه فکر کند که حق به جانب خودش است. به هرحال محبت امیدوار هیچوقت از کسی به عنوان اصلاح‌ناپذیر خسته نمی‌شود بلکه در عوض انتظار دارد خدا در او کار کند و او را عوض کند. محبت امیدوار هیچگاه در مشکلات ناامید نمی‌شود، بلکه از خدا انتظار دارد از طریق آن وضعیت دشوار بهترین نقشه خودش را به انجام برساند.

سؤال ۱٤) (اول قرنتیان ۱۳: ۷) " محبت هر چیز را متحمل می‌باشد " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبت با استقامت محبتی است که با گذشت زمان سنجیده می‌شود.* محبت با استقامت همیشه کارهایی می‌کند که در نظر خداوند صحیح است و از انجام کارهای خوب، ثمر آوردن، دویدن در مسابقه ایمان و در برخورد با تجربه یا وسوسه خسته نمی‌شود. محبت با استقامت حقیقتاً پایان نمی‌پذیرد. محبت، هوس لحظه‌ای نیست قدرتی ضروری در زندگی روزمره يك مسيحی است.

سؤال ۱۵) (اول قرنتیان ۱۳: ۸) " محبت هرگز ساقط نمی‌شود " یعنی چه؟
ملاحظات: *محبت پایدار، خلاصه محبت است.* محبت تا به ابد می‌ماند. همیشه در دسترس است و به اثرات بیش از حد خود ادامه می‌دهد و همه کسانی که آنرا دارند کاملاً خشنود می‌سازد. محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد چون خدا محبت است.

قدم ٤: به کاربرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس (اول قرنتیان ۱۳: ۱ – ۱۳) تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.

(فهرست زیرنمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر (اول قرنتییان۱۳ : ۱ – ۱۳)

- ۱۳: ۱ – ۳ اجازه دهید محبت بر سخن گفتن، بخشیدن و قربانی‌های شما حاکم باشد.
- ۱۳: ٤ نسبت به شریك زندگی و فرزندانتان صبور باشید. بدون اینکه حساس شوید، مشکلات و دردها را تحمل کنید.
- ۱۳: ٤ مهربان باشید. با هرکس که ملاقات می‌کنید دوستانه برخورد کنید و به دنبال راههایی برای کمك کردن به او باشید.
- ۱۳: ٤ بخشنده باشید. از دارایی‌ها و کمالات سایر مردم تقدیر کنید.
- ۱۳: ٤ در برابر کمالات و فضایل خود فروتن باشید.
- ۱۳: ٤ فروتن باشید. متکبرانه اظهار نظر نکنید، به دیگران زور نگویید و آنها را دست کم نگیرید.
- ۱۳: ٥ باادب باشید. در هر موقعیت، رفتار وتدبیر خوب نشان دهید.
- ۱۳: ٥ خودخواه نباشید. جاه‌طلبی‌های خودخواهانه را دنبال نکنید بلکه گسترش ملکوت خدا را در بین سایر مردم طالب باشید.
- ۱۳: ٥ فروتن باشید. از خلق وخوی بد، اجتناب کنید و حرفها و اعمال دیگران را بسرعت به عنوان حمله‌های شخصی در نظر نگیرید.
- ۱۳: ٥ آنانی را که به شما بدی می‌کنند ببخشید. همانطور که خدا شما را بخشیده است.
- ۱۳: ٦ صادق باشید. از شکست‌های مردم خوشحال نشوید بلکه با پیشرفت آنها شادی کنید.
- ۱۳: ۷ با غیبت نکردن درمورد دیگران آبروی آنها را حفظ کنید.
- ۱۳: ۷ خوش‌بین باشید. هیچگاه بدون داشتن دلیل قانع کننده نسبت به نیت‌ها یا ایمان مردم بدگمان و بدبین نباشید.
- ۱۳: ۷ امیدوار باشید. هیچوقت از کسی ناامید نشوید اما انتظار داشته باشید که خدا نقشه‌اش را از طریق مشکلات به انجام رساند.
- ۱۳: ۷ پشتکار داشته باشید. هیچگاه از اتمام کارهایی که در نظر خدا خوب هستند خسته نشوید.
- ۱۳: ۸ – ۱۳ محبت نسبت به خدا و نسبت به سایر مردم را بزرگترین هدف زندگیتان قرار دهید.

نمونه هایی از کاربردهای شخصی

الف) وقتی بچه‌ها کاری را که به آنها می‌سپارم سریع انجام نمی‌دهند خشمگین می‌شوم پس می‌خواهم تمرین کنم تا بیشتر نسبت به آنها صبور و مهربان باشم.

ب) متوجه شده‌ام که بعضی اوقات نسبت به انگیزه‌های یکنفر بدگمان هستم. چون محبت خوش‌بین است، می‌خواهم مثبت فکرکردن در مورد او را تمرین کنم یعنی باور کنم که او حرفها و اعمالش را با نیت خوب می‌گوید یا انجام می‌دهد.

قدم ٥: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در اول قرنتیان ۱۳: ۱ – ۱۳ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ـ تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با اول قرنتیان ١٣: ١ – ١٣ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

٢ـ رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت اعمال رسولان ١: ١ – ٣: ١٠ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

٣ـ حفظ کردن - آیه مسیح: دوم قرنتیان ٥: ١٧ را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

٤ـ دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ٥: ٣)

٥ـ آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۱۵

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) خدا صلح دهنده است

موضوع: خدا صلح دهنده است.

بخوانید:
رومیان ۵: ۱ – ۲ ، ٦ ، ۸ ، ۹ – ۱۰ ؛ افسسیان ۲: ۱ – ۳ ، ۱۲ – ۱۳ ؛ کولسیان ۱: ۲۱ ؛ ۳: ۵ – ۹
" دشمنان خدا " به چه معنایی است؟ آیا همه مردم در وضعیت طبیعی خود دشمنی علیه خدا را می‌پرورانند و خدا را دشمن خود به حساب می‌آورند؟ یا اینکه خدا نسبت به مردم در وضعیت طبیعی شان خشمگین است و آنها را دشمن خود می‌پندارد؟ پاسخ هردوی اینها است.
در وضعیت طبیعی خود همه مردم از مسیح جدا هستند از شهروندی قوم خدا محرومند و نسبت به عهدهای وعده بیگانه هستند. ناامید و بی‌خدا در دنیا، دورافتاده و در عقل خود تاریك و از حیات خدا محروم اند (افسسیان ۲: ۱۲ ـ ۱۳ ؛ ٤: ۱۸). این وضعیت جدایی به دلیل نادانی یا بی‌گناهی بوجود نیامده است. قطعاً هیچ بی خدایی وجود ندارد که بی گناه باشد. در وضعیت طبیعی همه مردم با خدا غریبه هستند و همینطور که با اعمال شریرانه خود نشان می‌دهند فطرتاً با او دشمنی دارند (کولسیان ۱: ۲۱). مقصر خود آنها هستند که از خدا دور مانده‌اند برای اینکه در واقع از خدا نفرت دارند و دشمن خدا بوده‌اند. وقتی خدا بارها از طریق وجدان و مکاشفه خود در طبیعت و تاریخ، خود را به آنها شناسانـــد، درهمان وضـــعیت دشمنی با خدا حقیقت را با شرارتشان پایمال کردند (رومیان ۱: ۱۸ – ۲۳). نفرت ذاتی و درونی آنها از خدا، تنفر آنها از صدای وجدان و نادیده گرفتن حقایق در طبیعت و تاریخ، در اعمال شریرانه آنها آشکار می‌شود که یك به یك در کولسیان ۳: ۵ – ۹ شمرده شده‌اند. دشمنی نابخشودنی آنها که در زندگی شریرانه‌شان نشان داده می‌شود سزاوار خشم و غضب خداست (رومیان ۱: ۱۸ ؛ کولسیان ۳: ٦). بنابراین در وضعیت طبیعی و عادی همه مردم گناهکارند (رومیان ۳: ۲۳) و " فرزندان غضب خدا " هستند (افسسیان ۲: ۳).

۱ ـ <u>مصالحه در سه نوع ارتباط ضروری است.</u>

الف) <u>**خدا** نخست با ما مصالحه می‌کند.</u>
در وضعیت طبیعی و قبل از اینکه تولد تازه بیابیم، خدا ما را دشمنان خود به حساب می‌آورد. به این معنی که خدا ما را اشخاصی می‌داند که ارتباطی غلط با او داریم و کارهای اشتباه انجام می‌دهیم. پس خدا نسبت به ما خشمگین است. خشم یا غضب خدا متوجه همه بی‌دینان و مردمان شریر جهان است (رومیان ۱: ۱۸) خشم یا غضب خدا نسبت به همه کسانی که به عیسی مسیح ایمان نمی‌آورند و او را اطاعت نمی‌کنند باقی می‌ماند (یوحنا ۳: ۱۸، ۳٦). واژه " دشمنان " (رومیان ۵: ۱۰) مشابه کلمه " بی‌دینان " (رومیان ۵: ٦) و " گناهکاران " (رومیان ۵: ۸) است. به هر صورت خشم یا غضب خدا هیچوقت همراه با احساس نفرت یا اعمال غیرعادلانه نیست. خشم و دشمنی خدا همیشه مقدس و کاملاً عادلانه (منصفانه) است و هیچگاه " گناه‌آلود " نیست (افسسیان ٤: ۲٦). عدالت (انصاف) و محبت فقط در ذات الهی خدا کاملاً با یکدیگر هماهنگ هستند.
"محبت " خدا با این حقیقت ابراز می‌شود که او اولین قدم را دربازگشت ما به سمت خودش برداشت و با ما مصالحه نمود. این ما نیستیم بلکه خداست که در مصالحه با ما قدم اول را برمی‌دارد. قربانی کفاره‌ای عیسی مسیح بر روی صلیب، خشم مقدس و عادلانه (منصفانه) و دشمنی خدا برعلیه گناهان ما (بی‌دینی و شرارت) را دور ساخت. قربانی کفاره، خشم خدا را فرو نشاند و درنتیجه خدا را با ما مصالحه داد. از طریق صلیب عیسی مسیح، خدا با ما صلح می‌کند. او دیگر ما را دشمن خودش به حساب نمی‌آورد، او با ما آشتی کرده است.

ب) بنابراین فقط **ما** می‌توانیم با خدا مصالحه کنیم.
فقط وقتی می‌توانیم با خدا آشتی کنیم که به عیسی مسیح ایمان آوریم (رومیان ٥: ١ – ٢). با ایمان می‌پذیریم که خدا از طریق عیسی مسیح با ما آشتی کرده و ما را با خود مصالحه داده است. امروز روح القدس کار کامل نجات مسیح در گذشته را، در زندگی ایمانداران به کار می‌گیرد. روح‌القدس سخاوتمندانه در قلبهای ما صلح ایجاد می‌کند و به عنوان ثمره کار کامل نجات مسیح در قلب ما زندگی می‌کند (غلاطیان ٥: ٢٢ – ٢٣). با ایمان، با خدا آشتی می‌کنیم و صلح خدا را در قلبهایمان می‌پذیریم. دیگر در ذات خود دشمن خدا نیستیم واز او نفرت نداریم. دیگر خدا را دشمن خود به حساب نمی‌آوریم. ما با خدا آشتی کرده‌ایم.

پ) سرانجام، **ما** برروی زمین با دیگران صلح می‌کنیم.
تنها بعد از اینکه شخصاً تجربه می‌کنیم خدا چطور با ما آشتی کرده است، می‌توانیم با دشمنانمان بر روی زمین آشتی کنیم. قبل از مرگ و قیام عیسی مسیح، قوانین تشریفاتی باعث شد یهودیان و امتها (غیریهودیان) با یکدیگر دشمن شوند. در زمینه‌های اجتماعی و مذهبی یهودیان و امتها با یکدیگر در تضاد بودند. از نظر قوانین اجتماعی و مذهبی و سنتها، زندگی در صلح با یکدیگر برای آنهاغیرممکن بود. اما مرگ عیسی مسیح برروی صلیب قوانین شریعت را *به انجام رسانید* (متی ٥: ١٧). تشریفات شریعت را با فرامین وقوانینش *نابود* (افسسیان ٢: ١٥) و محو *ساخت* (کولسیان ٢: ١٤). بدین ترتیب عیسی مسیح صلح دهنده میان امتها و قومی شد که قبلاً دشمن همدیگر بودند (افسسیان ٢: ١٤). یهودیان و امتها که از طریق عیسی مسیح با خدا مصالحه نموده‌اند، حالا از طریق عیسی مسیح می‌توانند با یکدیگر آشتی کنند. عیسی مسیح انتظار دارد مسیحیان با دشمنانشان آشتی کنند و بگویند " خوشا به حال صلح کنندگان " (متی ٥: ٩) و پـولس می‌گوید " اگر ممکن است به قدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکوشید " (رومیان ٢: ١٨).

٢- صلح شامل دو بخش است.

کلمه " صلح " در کتاب مقدس به صراحت دارای دو معنی مهم است.

الف) صلح به معنی نبودن چیزی بد است.
صلح به معنی *نبودن نزاع و جنگ خارجی* است. صلح همینطور به معنی نبودن خشم، آزردگی، احساسات محرك یا تناقضات اخلاقی درونی یا غیره است. اغلب اوقات مردم جهان کلمه صلح را با نبودن جنگ و مبارزه ارتباط می‌دهند.

ب) صلح به معنی وجود چیزی خوب است.
صلح به معنی *وجود یکپارچگی* است. صلح، یکپارچگی را که قبلاً از هم گسیخته شده دوباره ایجاد می کند. صلح احیای يك ارتباط ازهم گسیخته و از سرگیری هدفی است که متوقف شده است. شفای احساسات جریحه‌دار، برقرار کردن چیزهایی که خدا وجود آنها را در زندگی ضروری تشخیص داده است و غیره. برای مثال وقتی در سنین کودکی والدین خود را از دست داده‌اید و احساس شکست‌خوردگی می‌کنید یا اینکه در گذشته زندگی بسیار آلوده‌ای داشته‌اید، خدا می‌تواند جراحت شما را برطرف کند و شما را دوباره کامل سازد گویی آن اتفاق غم‌انگیز هرگز رخ نداده است. خدا پدر، مادر و دوستی بهتر از پدر، مادر یا دوست زمینی است. خدا نه فقط گناهان گذشته شما را می‌بخشد بلکه نتایج گناهان گذشته شما را محو می‌کند. او نه تنها دشمنی را محو می‌کند و نقایص شما را *می‌بخشد* بلکه *نتایج گناهان گذشته شما را نیز محو می‌کند*. او دشمنی را محو می‌کند و نقایص را برطرف می‌کند. خدا نه تنها صلح دهنده عظیم است بلکه شفا دهنده و کامل کننده عظیم است.

٣- صلح برپایه حقیقت است نه احساسات

بخوانید: یوحنا ٨: ٣١ – ٣٢ ، ٣٦

الف) حقیقت ابدی است.
تنها پایه و اساس پایدار صلح، حقایق کتاب مقدس هستند. فقط حقایق الهی است که می‌تواند شما را از تمام چیزهایی که فکرتان، احساساتتان و روابطتان را بسته آزاد کند.

ب) احساسات قابل تغییر هستند.
احساسات شما می‌تواند بسته به تغییراتی که به شرایط می‌دهید بسیار متفاوت باشد. عدم وجود صلح در شما، همیشه براساس حقیقت نیست. برای مثال، اعتماد به نفس کم یا ترس اینکه خدا به شما توجه نمیکند، براساس دروغ شیطان است

(یوحنا ۸: ٤٤ ؛ افسسیان ٦: ١٦). بعضی اوقات عدم وجود صلح در شما غیرقابل اجتناب است. برای مثال، وقتی کاری را که در نظر خدا درست است انجام می‌دهید، ممکن است کسانی که از کار شما متنفر هستند باز هم با شما مخالفت کنند. مخالفت، تمسخر و جفا موقعیتهای صلح‌آمیزی نیستند و می‌توانند موجب احساس نگرانی، ناامیدی و حتی ترس در وجود شما شوند. این چیزها برای مسیحیان اتفاق می‌افتد. صلح درونی، ایمان شما است به آنچه خدا را خشنود می‌سازد واز طرف دیگر عدم وجود صلح خارجی، احساس نگرانی شما است در مواقعی که دیگران با ایمانتان مخالفت می‌کنند و شما باید یاد بگیرید بین این دو تمایز قائل شوید. به هر حال وقتی کاری انجام می‌دهید که در نظر خدا اشتباه است یا آنچه را که او از شما می‌خواهد باشید یا انجام دهید به تعویق می‌اندازید، منجر به عدم وجود احساس صلح و آرامش در احساسات و روابط شما می‌گردد. اما تسلیم بودن، اطاعت سریع از خواسته خدا و وقف شدن جدی به آنچه خدا از شما می‌خواهد باشید یا انجام دهید، قطعاً منجر به ایجاد صلح و آرامش در احساسات و روابط شما خواهد شد. خدا نه فقط صلح دهنده اعظم شما بلکه رهاننده عظیم شما نیز هست. او می‌خواهد شما از هر آنچه اسیرتان می سازد، آزاد شوید.

پرستش کنید: خدا را به عنوان صلح دهنده، شفا دهنده و رهاننده بپرستید. خدا را بپرستید چون با شما صلح کرده، شما را شفا داده یا آزاد کرده است. در گروههای کوچك سه نفره پرستش کنید.

۳	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اعمال رسولان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اعمال رسولان ۱: ۱ – ۳: ۱۰) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

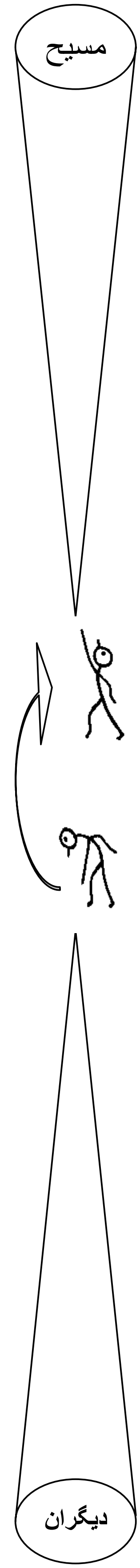
٤	**تعلیم (۷۰ دقیقه)** **اعتماد به نفس مسیحی**

الف - مردم درمورد خودشان چه فکر می‌کنند.

" اعتماد به نفس " برآورد ارزش شما است. بسیاری از مردم می‌گویند" خودم را دوست ندارم " یا " زندگیم بی‌ارزش است ". شما چقدر خودتان را باارزش می‌دانید؟ در مورد ارزش خودتان چطور قضاوت می‌کنید؟ آیا درمورد خودتان، اعتقادی مساعد یا نامساعد دارید؟ آیا نسبت به سایر مردم احساس پست بودن می‌کنید؟ آیا احساس می‌کنید زندگی شما هدفی ندارد؟ کتاب مقدس در مورد اعتماد به نفس چه تعلیمی می‌دهد؟

ب - متمرکز بر خدا (مسیح)

(هروقت این تصویررا می کشید، **شماره‌ها را به ترتیب دنبال کنید**:
نخـــست شماره‌های ۱ تا ۳ را پایـــین سپس شماره ٤ را در وسط و در آخر شماره‌های ٥ تا ۷ را بالا).



۷- شخصیت من بیشتر و بیشتر شبیه مسیح می‌شود.
بخوانید: افسسیان ۵: ۱ – ۲ و دوم قرنتیان ۳: ۱۸ **سؤال:** چطور می‌توانم شبیه مسیح شوم؟ با سرمشق‌گیری از مسیح با محبت زندگی می‌کنم. با منعکس کردن همیشگی مسیح دائماً تغییر می‌کنم و بیشتر و بیشتر به شباهت مسیح درمی‌آیم.

٦- با رشد کردن در مسیح اعتماد به نفسم افزایش می‌یابد.
الف) بخوانید: اشعیاء ٤۳: ٤ و ارمیاء ۲۹: ۱۱ **سؤال:** ارزشیابی خدا از من چیست؟
از نظر خدا من ارزشمند هستم. از نظر خدا من مورد احترام و محبت هستم. خدا برای زندگی من برنامه‌ای باارزش دارد.
با باور کردن آنچه خدا در مورد من می‌گوید ارزیابی من از خودم در جهت مثبت تغییر می‌کند.
ب) بخوانید: کولسیان ۲: ٦ – ۷ **سؤال:** چگونه " ریشه کردن " و بنا شدن در مسیح باعث رشد اعتماد به نفس شما می‌شود؟ با رشد در مسیح به سوی بلوغ، ریشه‌های من (امنیت من: احساس می‌کنم که بی‌قید و شرط توسط خدا محبت می‌شوم) عمیق‌تر و عمیقتر رشد می‌کنند و بنای من (اهمیت من: می‌دانم که زندگی من برای خدا بسیار باارزش است) بلندتر و بلندتر می‌شود.
پ) بخوانید: عبرانیان ۱۰: ۲٤ – ۲۵ **سؤال:** سهم برادران و خواهرانم چیست؟ با ملاقات منظم یکدیگر، با ایمانداران، محبت من نسبت به خدا، نسبت به دیگران و نسبت به خدا پیوسته رشد عمیق‌تری می‌کند و اعمال خوب من (وظایف من در ملکوت خدا) دائم رشد می‌کنند.

۵- بیشتر بر مسیح متمرکز می‌شوم و نه برجهان.
بخوانید: کولسیان ۳: ۱ – ٤ ، ۲۳ – ۲٤ **سؤال:** تمرکز من باید بر چه چیز باشد؟
باید تمرکز بر مردم و سایر چیزهای دنیوی را کنار بگذارم و در عوض بر مسیح و زندگی کردن و کار کردن برای او متمرکز شوم. چون می‌دانم سرنوشت آینده من ظاهر شدن با مسیح در جلال و دریافت میراث ابدی من است.

٤- تمرکز خود را تغییر می‌دهم.
بخوانید: اول یوحنا ۱: ۸ – ۹ **سؤال:** چطور می‌توانم تمرکز بر چیزهای غلط را به سمت تمرکز برچیزهای درست تغییردهم؟ مقایسه کردن خودم با سایرمردم (یا با خود ایده‌آل) گناه است.
نتایج بسیار ناشی از این مقایسه نیز گناه هستند.
تمرکز خود را با اعتراف گناهانم، با دریافت بخشش خدا و پاك شدن تغییر می‌دهم.

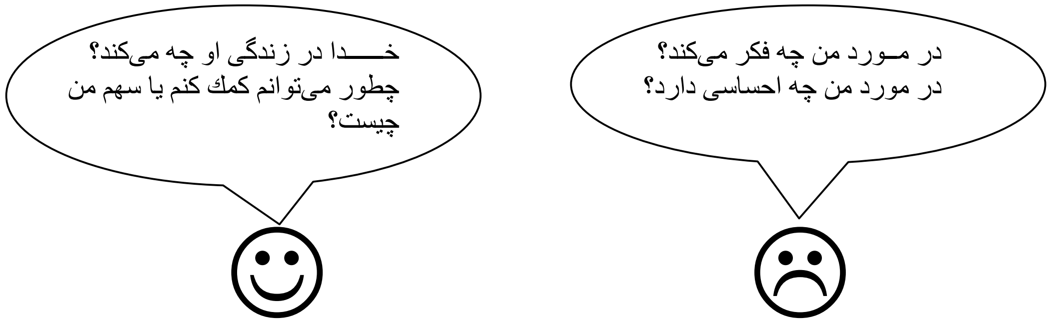
۱- خودم را با شخص دیگری (یا با خود ایده‌آل) مقایسه می‌کنم.
این امر منجر به *احساسات و افکار منفی* زیر می‌شود:
یا احساس ***پست بودن*** (کمتراز دیگران بودن) می‌کنم یا احساس ***برتری*** (برتر از دیگران بودن).
الف) خودم یا او را ***دوست ندارم***.
ب) از اینکه خدا اینطور مرا آفریده ***راضی نیستم*** یا به خودم مغرورم و به خود می‌بالم.
پ) نسبت به آنچه او دارد ***حسادت می‌کنم*** یا آنچه را که دارد بی ارزش می بینم.
ت) از افکار او نسبت به خودم ***می‌ترسم*** یا نسبت به آنچه در مورد من فکر می کند، بی‌توجه هستم.
ث) از ضعف‌های خود ***انتقاد می‌کنم*** و خودم را خوار می‌سازم، یا از ضعفهای او انتقاد می‌کنم و او را خوار می‌سازم.
ج) از او ***دوری می‌کنم*** چون ***می‌ترسم*** به من آسیب برساند و مرا رد کند، یا بی‌فکر و بی‌توجه هستم و اهمیتی نمی دهم که ممکن است به او آسیب برسانم و یا او را طرد کنم.
چ) سعی می‌کنم او را ***راضی کنم*** تا مرا دوست داشته باشد و بپذیرد. یا مستبد هستم و توقع دارم (انتظار دارم) که او مرا راضی کند، غیره.

۲- هر بار که او را می‌بینم بدتر می‌شوم.
هر بار که این شخص را می‌بینم بیشتر اعتماد به نفسم را از دست می‌دهم و نسبت به خودم منفی‌تر می‌شوم یا اینکه در حرف و رفتارم نسبت به مردم بیشتر متکبر و زورگو می‌شوم و غیره. به مرور زمان در زندگیم بدتر میشوم.

۳- شخصیت من دقیقاً شبیه احساسم و افکارم می‌شود.
سرانجام دقیقاً شبیه آنچه در مورد خودم فکر می‌کنم و احساس می‌کنم می‌شوم. حتی شبیه آن شخص دیگر می‌شوم.
بخوانید: غلاطیان ٦: ۷ – ۸ **سؤال:** چه اصولی شخصیت مرا شکل می‌دهند؟
الف) اصل این است که:
وقتی مدام افکار یا الگوهای رفتاری مشخصی می‌کارم، پس شخصیت مشابه‌ای را هم درو خواهم کرد.
ب) مدام افکار و رفتار تحقیرآمیزی را می‌کارم که منجر به ایجاد شخصیتی ***نا اطمینان***، ***ترسان*** و ***ناراضی*** می‌شود. خودم را تحقیر می‌کنم و از سایر مردم می‌ترسم. اعتماد به نفس کمی دارم.
پ) مدام افکار و رفتار مغرورانه‌ای دارم که منجر به ایجاد شخصیتی ***متکبر***، ***مغرور***، ***بی‌توجه*** و ***نفرت‌انگیز*** می‌شود. دیگران را تحقیر می‌کنم یا بر آنها حکمرانی می‌کنم. اعتماد به نفس غلط یا کاذب دارم.

خلاصه: **خودتان را با دیگران مقایسه نکنید بلکه بر مسیح متمرکز شوید.**

پ - <u>متمرکز بر اهداف خدا</u>



شـــخص خود مـحور
فرد " متمرکز بر خود "

شخص دیگر مـحور
فرد " متمرکز بر اهداف خدا در دیگران "

بخوانید: فیلیپیان ۲: ۳ – ۵ ، ۲۰ – ۲۱
کشف و گفتگو کنید: خدا دستور می‌دهد شما چکار کنید؟
ملاحظات: خدا به شما دستور می‌دهد براهداف او در سایر مردم متمرکز شوید نه فقط بر علایق خودتان. وقـتی با خودتان مشغول می‌شوید از خودتان این سؤال را بپرسید " چرا بر خودم متمرکز هستم؟ " البته بعضی اوقات ممکن است هر شخص که با مشکلات یا احساسات جریحه‌دار خود مشغول شود. پس به محبت و توجه دیگران نیاز پیدا می‌کند و باید این توجه و کمك را از دیگران بطلبد تا بعد دوباره بتواند خودش را وقف دیگران کند.

خلاصه: برخودتان متمرکز نشوید بلکه بر اهداف خدا در سایر مردم.

ث - <u>متمرکز بر حقایق خدا</u>

۱- <u>شما خلقت فوق‌العاده خدا هستید.</u>

بخوانید: مزمور ۱۳۹: ١٤
توجه و گفتگو کنید: خدا چقدر شما را فوق‌العاده آفرید؟ بخصوص توجه کنید که بعضی از قسمتهای بدن شما چقدر فوق‌العاده هستند. مثل چشمها یا دستهای شما. همچنین به روح خود تـوجه کنید (توانایی شما برای شناخت خدا)، وجدانتان (توانایی شما برای تشخیص درست از غلط)، درك شهودی شما (توانایی شما در تشخیص فریب یا خطر به صورت شهودی) و خلاقیت شما (توانایی اختراع کردن یا ساختن چیزهای جدید).
درمیان بگذارید: چه چیزی را در مورد خودتان دوست ندارید؟
درس: دوست نداشتن طریقی که خدا شما را با آن ساخت باعث می شود نتوانید به او اعتماد کنید. اما پذیرش شیوه ای که خدا شما را با آن ساخته باعث می شود به او اعتماد کنید.

۲ - <u>با خدا، کمبود هیچ چیز خوبی را احساس نخواهید کرد.</u>

بخوانید: مزمور ۲۳: ۱ ؛ ۳٤: ۱۰
درمیان بگذارید: ۱) احساس می‌کنید چه کمبودهایی دارید؟ ۲) وقتی احساس می‌کنید چیزی ندارید چکار می‌کنید؟ (برای مثال وقتی فکر می‌کنید چیزهایی مثل غذا و پناهگاه، امنیت یا استراحت، کمك در وادی سایه موت و یا کمك در مقابل دشمن و یا کمك در تماس با خدا را ندارید).
گفتگو کنید: با هم در مورد راههای مختلف انسان برای جبران کمبودها گفتگو کنید. مثل سرپوش گذاشتن (نهان کردن)، سخت کار کردن، افراط کردن، اعتیاد، خرید کردن، اقدام کردن (فعالیت) یا غیره. این راهها را با راههای روحانی که این کمبودها را برطرف می‌کنند مقایسه کنید. مثل دعا، پرستش، قناعت، شکرگزاری و غیره.
درس: تمرکز دائمی بر چیزهایی که تصور می‌کنید ندارید باعث یافتن اولویتهای غلط می‌شود. اما تمرکز بر چیزهایی که در مسیح دارید باعث بدست آوردن اولویتهای درست می‌شود.

۳- <u>وقتی با خدا هستید برای افزایش اعتماد به نفس خود به هیچ کس یا هیچ چیز دیگر احتیاج ندارید.</u>

بخوانید: غلاطیان ۱: ۱۰ ؛ ارمیاء ۱۷: ۵ – ۸
درمیان بگذارید: برای برطرف کردن نیاز پذیرش خود توسط سایر مردم چه می‌کنید؟
گفتگو کنید: چگونه انسان تمایل دارد تسلیم اینگونه احساسات بشود احساساتی نظیر: چشم دوختن به تنگی ها، راضی کردن دیگران، جبران ضعف‌های اجتماعی از طریق مادیات یا فرار از مردم به طرف فعالیتهایی که شما را برای خدمت کردن مسیح بی‌کفایت می‌کند؟
درس: دوست داشتن یا نداشتن دیگران با انگیزه اشتباه، باعث بی‌کفایتی شما در خدمت کردن به مسیح می‌شود. متمرکز شدن مدام بر خود (پذیرش خود)، منجر به بی ثمر بودن می‌شود. اما وقتی مسیح، " چشمه " (مزمور ۳٦: ۹ ؛ یوحنا ۷: ۳۷- ۳۹) یا " تاك " (یوحنا ۱۵: ۵) زندگی شما است، زندگی شما میوه بسیار خواهد آورد.

خلاصه: به ارزشهای دنیوی اعتماد نکنید، بلکه بر حقایق خدا و ارزشـهای کتاب مقدس متمرکز شوید.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های درس " اعتماد به نفس مسیحی " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت اعمال رسولان ۳: ۱۱ – ۷: ٦۰ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید. (یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵) "خصوصیات دوستی مسیحی چیست؟" از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)
۵ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ١٦

١	دعا

سر گروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

٢	**درمیان گذاشتن برکات (٢٠ دقیقه)** **اعمال رسولان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اعمال رسولان ٣: ١١ – ٧: ٦٠)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٣	**تعمق و حفظ کردن (٢٠ دقیقه)** **کلام – متی ٤: ٤**

الف - <u>تعمق</u>

آیه حفظی: متی ٤: ٤
متن آیه: عیسی پاسخ می‌دهد " مکتوب است انسان نه محض نان زیست می‌کند بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد ".

١ - <u>معنی ضمنی عبارت " مکتوب است " چیست؟</u>

عیسی هر وقت می‌خواست از کتاب مقدس نقل قول کند از این عبارت استفاده می‌کرد. *عیسی دید عالی نسبت به کتاب مقدس داشت.* او برای اعتقادات و زندگی، کتاب مقدس را معیار نهایی راستی می‌دانست. عیسی کتاب مقدس را به عنوان داور نهایی برای پاسخ به برهان عقل وخرد می پنداشت. عیسی برای *جواب دادن* به وسوسه‌های شیطان، سه بار از کتاب مقدس نقل قول کرد (تثنیه ٨).

٢ - <u>چگونه در گذشته سخنان خدا به زندگی مردم حیات می‌بخشید؟</u>

الف) مثال اول: در اولین باب کتاب مقدس می‌خوانیم که خدا کلامی گفت " روشنایی بشود " و روشنایی بوجود آمد. کلمه‌ای که از دهان خدا بیرون آمد آنقدر قدرت داشت که زمین را و هر چه روی آن است و همینطور جهان را با ستارگان بی شمارش آفرید (مزمور ٣٣: ٦ ؛ عبرانیان ١١: ٣).

ب) مثال دوم: خدا بنی‌اسرائیل را به مدت چهل سال در بیابان هدایت کرد تا آنها را " فروتن سازد " و امتحان کند (تثنیه ٨: ١ – ٥). کلمه " <u>فروتن کردن</u> " بهتر است " تحت فشار قرار دادن " ترجمه شود. خدا بنی اسرائیل را در موقعیتی تحت فشار قرار داد تا آنها را امتحان کند. آنها بدون نان در بیابان بودند و از گرسنگی رنج می‌بردند. گرچه خدا همه چیز و هرآنچه را که در قلب بنی‌اسرائیل می‌گذشت می‌دانست اما باز هم آنها را امتحان کرد تا باعث شود افکار و تمایلات قلبی خودشان را آشکار کنند. اما خدا در تنگی‌ها هم به آنها توجه داشت و با کلامش " منا " را برای آنها آفرید. او همچنین مسئولیت داشت تا لباسهای آنها کهنه نشود و از اینکه مدام در بیابان راه می‌رفتند پاهایشان ورم نکند. دلیل اینکه خدا آنها را در تنگنا قرار داد و در همان موقعیت سخت به آنها توجه داشت، این بود که آنها به خودشان و هیچ مخلوق دیگری اعتماد نکنند بلکه فقط به خدا توکل کنند. درسی که خدا می‌خواست به بنی‌اسرائیل بیاموزد این بود که آنها و سایر مردم دنیا کاملاً وابسته به کلام خدا باشند که هر روز زندگی آنها را تداوم می‌بخشد.

پ) مثال سوم: جبرئیل فرشته به مریم گفت " نزد خدا هیچ امری محال نیست " (لوقا ۱: ۳۷). او به این حقیقت اشاره می‌کرد که مریم بدون اینکه با هیچ انسانی ارتباط داشته باشد حامله خواهد شد. عیسی مسیح از طریق کلام پرقدرت خدا بدن انسانی اختیار کرد (لوقا ۱: ۳٤ – ۳۸).

ت) مثال چهارم: عیسی بعد از ٤۰ روز روزه در بیابان، گرسنه شد. شیطان سعی کرد عیسی را وسوسه کند تا با تبدیل سنگها به نان به جای اینکه به خدا اعتماد کند به توانایی‌های خودش تکیه کند. شیطان می‌خواهد مردم باور کنند که خود می‌توانند برای زندگیشان موقعیت بیافرینند و احتیاجی به خدا ندارند. به همین دلیل عیسی آشکار ساخت که این خدا است که از طریق کلامش برای زندگی هر انسان موقعیتهای حیاتی می‌آفریند نه انسان. اگر خدا کلام قدرتمند و آفریننده خودش را جاری نکند ابداً نانی نخواهد بود چه به خدا ایمان داشته باشید چه نداشته باشید.

۳ - <u>چرا هر کلامی که خدا می‌گوید برای انسان مهم است؟</u>

کلام خدا به اندازه ای قدرت دارد که هوا برای تنفس انسان، باران، آفتاب برای محصولات و غذایی را که او می‌خورد آفرید. آنقدر قدرتمند است که زندگی انسان را دائماً و هر لحظه تداوم می‌بخشد. اگر خدا کلام آفریننده و قدرتمند خودش را جاری نکند نه بارانی خواهد بود نه آفتابی، نه غذایی، نه آبی، نه هوایی برای نفس کشیدن، نه درختان زیبا و نه گل‌ها. خلاصه هیچ چیز وجود نخواهد داشت چون خدا هرچیزی را که با کلام او بوجود آمده آفریده و آن را تداوم می‌بخشد. به همین دلیل عیسی گفت که انسان به هر کلمه‌ای که از دهان خدا خارج می‌شود زیست می‌کند. *کلام خدا توصیف حاکمیت مستقل خدا بر تمام مخلوقات، برتمام شرایط و تمام اتفاقات تاریخ است.*

٤ - <u>چرا هر کلام مکتوب خدا برای انسان مهم است؟</u>

خدا فرمان داد تا ازمیان کلماتی که گفته است کداميك درکتاب مقدس ثبت شود و کلام مکتوب او گردد. کلام مکتوب خدا در کتاب مقدس نیز قدرتمند و مؤثر است. انسان فقط وقتی می‌تواند آنطور که خدا برای او در نظر داشته زیست کند که زندگی او براساس کلام مکتوب خدا در کتاب مقدس باشد. کلام مکتوب خدا در کتاب مقدس قدرت دارد رازهای خدا را آشکار کند (لوقا ۸: ۱۰) همانند چکشی که صخره‌ها را خرد می‌کند، قلبهای سخت را بشکند وهمانند آتشی که کاه را می‌سوزاند، مشاجرات کاذب انسانی را نابود سازد (ارمیاء ۲۳: ۲۹). کلام مکتوب خدا قدرت دارد افکار و تمایلات قلبی را داوری کند (عبرانیان ٤: ۱۲). آنانی را که به کلامش ایمان می‌آورند نجات بخشد (رومیان ۱۰: ۱۳ – ۱۷) و باعث می‌شود ایمانداران درمسائل روحانی رشد کنند (اول پطرس ۲: ۲) کلام مکتوب خدا برای تعلیم حقایق خدا بسیار مفید است، گناهان مردم را به آنها نشان می‌دهد، اشتباهاتشان را اصــلاح می‌کند و آنها را آموزش می‌دهد تا برای خدمت خدا تجهیز گردند (۲ تیموتائوس ۳: ۱٦ – ۱۷).

ب - <u>حفظ کردن و مرور</u>

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی يك کارت سفید یا روی يك صفحه از دفترچه یادداشت خود بنویسید.
۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را (کلام: متی ٤: ٤) به روشی صحیح حفظ کنید.
۳- **مرور کنید:** به گروههای دو نفره تقسیم شوید وآخرین آیه حفظی از کتاب مقدس را از یکدیگر بپرسید.

٤	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **خصوصیات دوستی مسیحی چیست؟ یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵**

با استفاده از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس، یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵ را با یکدیگر بررسی کنید.

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه بخوانید تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>

توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.

(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

<u>کشف ۱)</u> یك حقیقت مهم از نظر من در یوحنا ۱۵: ۱۳ می‌باشد. عیسی می‌گوید کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد. آنچه عمیقاً مرا لمس می‌کند، این حقیقت است که عیسی مرا دوست خود می‌خواند. در رومیان ۵ می‌خوانم که قبل از مسیحی شدنم چه بودم. در آن زمان ضعیف، بی خدا، گناهکار و دشمن خدا بودم. بخصوص از نظر شخصیت ضعیف و کاملاً از تغییر دادن خود عاجزبودم. بی خدا بودم، گرچه به شخصی اعتقاد داشتم که مردم آن را خدا می‌خواندند، اما مفهوم کاملاً اشتباهی از تنها خدای حقیقی و زنده داشتم. فکر می‌کردم او آنقدر بلند مرتبه است که هیچکس نمی‌تواند با او ارتباط داشته باشد. چند بار در روز دعا می‌کردم، روزه‌های طولانی می‌گرفتم، دیگران را در اموالم شریك می‌ساختم. بقیه رسومات مذهبی را به جا می‌آوردم چون می‌ترسیدم که خدا جایی در بهشت به من ندهد. هیچوقت فکر نمی‌کردم که ممکن است خدا علاقه داشته باشد با من دوست شود. اما حالا عیسی مرا دوست خود می‌خواند. روی زمین دوستانی دارم، اما هیچ دوست زمینی به عنوان یك دوست با عیسی قابل مقایسه نیست. به عنوان دوست، او واقعاً می‌خواهد به من نزدیك شود وبا من کارهایی انجام دهد. مهمترین حقیقت از نظر من این است که من، یعنی دشمن قبلی او، حالا دوست عیسی مسیح نامیده می‌شوم.

<u>کشف ۲)</u> یك حقیقت مهم از نظرمن در یوحنا ۱۵: ۱٤ می‌باشد. عیسی می‌گوید " شما دوست من هستید، اگر آنچه به شما حکم می‌کنم به جا آورید ". می‌دانم که دوستی خودبخود اتفاق نمی‌افتد. دوستی شامل مسئولیتها می‌شود. فقط وقتی می‌توانم دوست عیسی باشم که از فرامین و تعالیم او اطاعت کنم. قبل از آن عیسی در یوحنا ۱۵: ۹ – ۱۰ می‌گوید " در محبت من بمانید اگر احکام مرا نگاه دارید در محبت من خواهید ماند ". فقط با انجام همیشگی اراده مسیح می‌توانم مطمئن باشم که در محبت او می‌مانم. این وظیفه من است که فرامین او را بشناسم و همینطور این وظیفه من است که از فرامین او اطاعت کنم. مهمترین حقیقت از نظر من این است که اگر طالب دوستی واقعی هستم پس در آن ارتباط دوستانه دارای مسئولیتهایی می‌باشم.

<u>قدم ۳: سؤال کنید</u>

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.

بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام ازافراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. درادامه نمونه‌هایی از سؤالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) (یوحنا ۱۵: ۱۳) <u>جان خود را برای دوستانتان دادن یعنی چه؟</u>

ملاحظات: باید بین طریقی که عیسی زندگی خود را برای ما به عنوان دوستانش داد و از طرف دیگر با طریقی که ما زندگیمان را فدای دوستانمان می کنیم تمایز قائل شویم.

۱) <u>محبت مسیح به یك مفهوم، منحصر به فرد است.</u>

محبتی که مسیح در هنگام مرگش بر صلیب نسبت به ما داشت منحصر به فرد است. ارزش نامحدود محبت او، *ویژگی جانشینی محبت او* و *نتایج رهایی‌بخش محبت او* هیچگاه نمی‌توانند برای محبت ما الگو باشند. از این لحاظ محبت مسیح کاملاً منحصر به فرد است و قابل دنباله روی نیست. عیسی نه فقط *به خاطر منافع ما* بلکه *به جای ما* نیز مرد. محبت

مسیح، محبت جانشینی است. محبت او باعث شد جریمه گناهان ما را پرداخت شود. او به جای ما عذاب دوری از خدا را متحمل شد. هیچگاه نمی‌توانیم این نوع محبت جانشینی را نسبت به دوستانمان داشته باشیم.

۲) <u>محبت مسیح به مفهوم دیگر نمونه است.</u>
به هر حال یوحنا ۱۵: ۱۲ – ۱۳ می‌گوید " این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید همچنان که شما را محبت نمودم کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد ". این نشان می‌دهد که راهی وجود دارد تا محبت عیسی مسیح نسبت به ما به عنوان دوستانش، الگویی برای محبت ما نسبت به دوستانمان شود. این ویژگی محبت مسیح که ما بایستی آن را پیروی کنیم *طبیعت از خود گذشته محبت او* است. عیسی می‌گوید " با از خودگذشتگی، یکدیگر را محبت کنید همانطور که من با ایثار شما را دوست داشته‌ام ". وقتی می‌توانیم با از خودگذشتگی محبت کنیم که خودمان و علایق خود را انکار کنیم. محبت ایثارگرانه همیشه بهایی دارد. بهایی که وقت، پول، انرژی و انکار خود است. گرچه نمی‌توانم نسبت به دوستانم محبت جانشینی داشته باشم، می‌توانم و باید محبت فداکارانه خود را نسبت به دوستانم نشان دهم. من زندگیم را در راه دوستانم میدهم، وقتی محبت از خودگذشته را به آنها نشان میدهم.

۳) پس <u>نخستین ویژگی دوستی مسیحی این است</u> که دوستی حقیقی همیشه اولین قدم را برای دیگران برمی‌دارد و نسبت به شخص دیگر نقش شخصی ازخود گذشته را ایفاء کند. دوستان مسیحی هیچگاه نمی‌پرسند که " چطور می‌توانم از این رابطه فرار کنم؟ " دوستان مسیحی همیشه می‌پرسند " چطور می‌توانم در این رابطه سهمی داشته باشم؟ "

سؤال ۲) (یوحنا ۱۵: ۱٤) <u>چرا یك شخص فقط درصورتی می‌تواند دوست عیسی باشد که احکام اورا نگاه دارد؟</u>
ملاحظات:
۱) <u>مسئولیت عیسی: او با محبتی ایثارگرانه ما را محبت می‌کند.</u>
اگر بعضی از احکام عیسی را نتوانم نگاه دارم آیا باز هم دوست او بشمار می‌آیم؟ این سؤالی بسیار جالب است. بیائید توجه کنیم که شاگردان در آن زمان به چه چیز شباهت داشتند؟ در مسیربرای شام فصح و در حین خوردن غذا همین شاگردان با یکدیگر گفتگو می‌کردند که چه کسی از همه بزرگتر می‌باشد (لوقا ۲۲: ۲٤) و وقتی به بالاخانه وارد شدند هیچکس مایل نبود پایهای دیگران را بشوید (یوحنا ۱۳). بلافاصله بعد ازخوردن غذا حتی نتوانستند یکساعت با او بیدار بمانند و دعا کنند. وقتی آن جماعت برای دستگیری عیسی آمدند پطرس خشمگین شد، شمشیرش را کشید و گوش یکنفر را برید. بعد از آن شاگردان عیسی را تنها گذاشته و فرار کردند. روز بعد، صبح زود، پطرس سه بار عیسی را انکار کرد. در بسیاری موارد شاگردان کمبودهای شخصیت خود را نشان دادند و باز هم عیسی با وجود این حقیقت که می‌دانست چه اتفاقاتی خواهد افتاد آنها را دوستان خود خطاب می‌کرد. چقدر محبت عیسی فروتنانه بود. محبت عیسی نسبت به ما به عنوان دوستانش با ضعف‌ها و شکستهای ما تعیین نمی‌شود بلکه با محبت ایثارگرانه‌اش نسبت به ما مشخص میگردد.

۲) <u>مسئولیت ما: باید از واژه‌های او برای گسترش دوستی خود استفاده کنیم.</u>
برای حفظ روابط دوستانه با عیسی مسیح ما هم مسئولیتهایی داریم. مسئولیت ما گسترش دوستی خود با عیسی براساس واژه‌های او است. *دوستی با عیسی براساس واژه‌های ما نیست بلکه بر اساس واژه‌های او است.* عیسی تعیین می‌کند که چه چیزهایی دوستی با او را تشکیل می‌دهد و چه چیزی متعلق به دوستی او نیست. او شخصی است که فرامین را می‌سازد و محدودیت‌های این ارتباط دوستانه را تعیین می‌کند. این خیلی مهم است. دوستی با عیسی مثل دوستی‌های دنیا نیست. دوستی در دنیا ترکیب مشخصی از احساسات است، مجموعه‌ای از دوست داشتنها و دوست نداشتنهای متقابل، هیجان ناشی از با هم بودن و انجام کارها با یکدیگرمیباشد. اما دوستی با مسیح متفاوت است. معیارها و محدودیتهای واضح دارد. فقط وقتی از فرامین او اطاعت می‌کنیم می‌توانیم دوست عیسی مسیح باشیم. عیسی واژه‌ها و همینطور محدودیتهای رابطه دوستی با خود را تعیین می‌کند.

۳) <u>بوجود آمدن محبت عیسی نسبت به ما و همینطور محبت ما نسبت به عیسی امکان پذیر است، چون ما قوم منتخب او هستیم.</u>
چطور می‌توانیم از یك طرف مسئولیت خود یعنی اطاعت از فرامین عیسی را با محبت فروتنانه عیسی نسبت به خودمان مطابقت بدهیم در حالیکه از طرف دیگر ضعفهای بسیاری داریم؟ پاسخ در یوحنا ۱۵: ۱۹ است جایی که عیسی می‌گوید " من شما را از جهان برگزیده‌ام ". او شاگردانش را انتخاب کرد تا مال او باشند. او آنها را از تسلط بارز شیطان و گناه نجات داد. به زودی روح‌القدس را بر آنها میریزد. با قدرت و حکمت روح‌القدس آنها خواهند توانست از فرامین عیسی اطاعت کنند. عیسی با ما هم همینطور رفتار می‌کند. عیسی از طرف ما فقط به چیزهایی احتیاج دارد که خودش نیز سخاوتمندانه آنها را به ما می‌بخشد. عیسی هیچوقت بی‌دلیل چیزی را از ما انتظار ندارد. او آنچه را که برای اطاعت ما مورد نیاز است سخاوتمندانه به ما می‌بخشد. عیسی نه تنها به ما فرمان می‌دهد که او را اطاعت کنیم بلکه با روح‌القدس ما را تقدیس می‌کند تا *بخواهیم او را اطاعت کنیم*، *بتوانیم اطاعت کنیم* و او را *اطاعت خواهیم کرد*.

٤) بنابراین **<u>دومین ویژگی دوستی مسیحی این است</u>** که دوستی واقعی معمولاً دارای معیارها و محدودیتهایی است که با فرامین و تعالیم عیسی مسیح تعیین می‌شوند. دوستان مسیحی هیچگاه راهها و معیارهای دنیای گناه‌آلود را دنبال نمی‌کنند. در عوض دوستان مسیحی همیشه راهها و معیارهای عیسی مسیح را دنبال می‌کنند که او آنها را در کتاب مقدس تعلیم و فرمان داده است. آنها *می‌خواهند* راههای عیسی را پیروی کنند. *می‌توانند* راههای او را پیروی کنند و راههای او را *پیروی خواهند کرد*. دوستان خوب همیشه برای گسترش دوستی خود تعالیم کتاب مقدس را به عنوان معیارها و محدودیتهای دوستی خود دارا می‌باشند.

سؤال ۳) (یوحنا ۱۵: ۱۵) <u>چرا دیگر شاگردان عیسی " بنده " خوانده نمی‌شوند؟</u>
ملاحظات: عیسی می‌گوید " دیگر شما را بنده نمی‌خوانم زیرا که بنده آنچه آقایش می‌کند نمی‌داند، لکن شما را دوست خوانده‌ام زیرا هرچه از پدر شنیده‌ام به شما بیان کردم " همان شب کمی قبل عیسی گفته بود که اگر او که آقا و معلم است پایهای آنها را شست بر آنها نیز واجب است که پایهای همدیگر را بشویند چون هیچ غلامی بزرگتر از آقای خود نیست (یوحنا ۱۳: ۱٤ – ۱٦). در یوحنا ۱۳ شاگردان غلامان خوانده شدند. در اینجا یعنی باب ۱۵ دیگر غلامان خوانده نمی‌شوند. چرا شاگردان عیسی دیگر غلامان خوانده نمی‌شوند؟

۱) <u>واژه " غلام " برموقعیت شاگردان در ارتباط با عیسی و در ارتباط با یکدیگر تاکید می‌کند.</u>
در آغاز شب، عیسی اهمیت خدمت فروتنانه را به آنها تعلیم داد. در دنیا هیچگاه غلام بزرگتر از آقایش نیست. اما اگراستاد، عیسی، پایهای شاگردانش را می‌شوید چقدر بیشتر شاگردانش باید پایهای یکدیگر را بشویند. بله شاگردان باید به این کار یعنی " غلام یکدیگر بودن " ادامه دهند و پایهای یکدیگر را بشویند. " شستن پایهای یکنفر" یعنی اشتیاق به داشتن پایین‌ترین مقام در بین مردم و انجام وظایف سختی است که هیچکس مشتاق یا قادر به انجام آنها نباشد. بنابراین در یوحنا فصل ۱۳ تاکید بر *موقعیت شاگردان در ارتباطشان* با عیسی و با سایرین است. شاگردان دارای مقام يك " غلام " هستند.

۲) <u>کلمه " دوست " به نزدیکی شاگردان در ارتباط خود با عیسی و سایرین تاکید می‌کند.</u>
عیسی قبلاً چیزهای بسیار مهمی به شاگردانش گفته بود. او گفت که چرا به زمین فرستاده شد. خدای پدر، عیسی را به زمین فرستاد تا گمشده را بجوید و نجات بخشد. او گفت که رنج خواهد کشید. او رنج می‌کشد تا جریمه گناهان تمام مردم را بپردازد. گفت که چرا زمین را باید ترك کند. او زمین را بعد از قیام و صعود ترك می‌کند تا روح‌القدس را برشاگردانش بریزد و جایی برای آنها در آسمان آماده کند. او گفت که چطور يك شخص می‌تواند نجات یابد. مردم میتوانند با ایمان آوردن به او نجات یابند. معمولاً یک ارباب چنین مطالبی را با غلامانش در میان نمی گذارد. عیسی به شاگردانش این چیزها را گفت چون آنها دوستان او شده بودند. وقتی تاکید بر *نزدیکی ارتباط بین استاد و شاگردانش* است دیگر نام " غلام " واژه صحیحی نیست بلکه " دوست " توصیف صحیحی از ارتباط آنها است. ضمن اینکه شاگردان *مقام يك " غلام "* را در ارتباط خود با عیسی و سایرین دارند، *صمیمیت (نزدیکی) يك دوست* را نیز در ارتباط با او و یکدیگر دارا می‌باشند.

۳) بنابراین <u>ویژگی سوم دوستی مسیحی این است</u> که دوستان حقیقی همیشه آنچه را که از خدای پدر می‌آموزند با یکدیگر درمیان می‌گذارند. دوستان مسیحی هیچگاه بهترین آموخته‌هایشان را برای خود نگه نمی‌دارند، بلکه بهترین آموخته‌هایشان را با یکدیگر درمیان می‌گذرانند.

٤) <u>مسیحیان دیگر غلامان شریعت نیستند بلکه دوستان عیسی یعنی شخص قانونگذار هستند.</u>
تفاوت دیگری بین غلامان ودوستان وجود دارد. یهودیان احکام و سنن انسانی بسیاری را به دوش می‌کشیدند. آنها غلامان و حتی برده‌های شریعتی بودند که توسط انسان تفسیر می‌شد. اما شاگردان نور را دریافتند، حمل " یوغ سبك عیسی " را پذیرفتند (متی ۱۱: ۲۸ – ۳۰) و دیگر *غلامان شریعت* نبودند، که خود را در اختیار قوانین و سنتهای انسانی بگذارند. آنها *دوستان عیسی* بودند که خود را در اختیار کارعیسی مسیح در این جهان گذاشتند. دوستان عیسی خود را با احکام بی‌پایان شریعت مشغول نمی‌کنند بلکه با گسترش ملکوت خدا. دوستان عیسی می‌خواهند عیسی مسیح بیشتر و بیشتر پادشاه قلبها و زندگیشان باشد و کمك می‌کنند تا سایر مردم هم عیسی مسیح را پادشاه قلب و زندگی خود بسازند.

سؤال ٤) (یوحنا ۱۵: ۱۳) <u>چطور می‌توانم در عمل با دیگران طرح دوستی بریزم و چطور می‌توانم دوستان خود را حفظ کنم؟</u>
ملاحظات: عیسی انسانهایی را دوستان خود می‌خواند که جانش را به صورت جانشینی و فداکارانه فدای آنها کرد. او کسانی را که از فرامینش اطاعت می‌کنند دوستان خود می‌خواند و همینطور کسانی را که دوستان خود خواند، در هر آنچه از پدر آموخته بود شریك ساخت.
این قسمت همینطور به ما تعلیم می‌دهد که چطور به عنوان مسیحیان می‌توانیم دوستی‌های واقعی برقرار کنیم. یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵ سه اصل مهم در مورد دوستی مسیحی را به ما می آموزد.

۱) اصل اول دوستی مسیحی از یوحنا ۱۵: ۱۳استنباط می‌شود. با محبت کردن یکنفر به صورت ایثارگرانه می‌توانید با او طرح دوستی بریزید.

منتظر نمانید که کسی با شما دوست شود. قدم اول را شما بردارید و با او دوست شوید. مردم جهان اغلب می‌پرسند " چه کسی دوست من است؟ " اما یك مسیحی باید بپرسد " من دوست چه کسی هستم؟ " عیسی قدم اول را برمی‌داشت و با کسانی دوست می‌شد که زمانی دشمنان او بودند. مثل عیسی، مسیحیان بایستی قدم اول را بردارند و به سمت آدمهای بی‌محبت بروند و محبت فداکارانه خود را به آنها نشان دهند. آنها باید به سمت آدمهای متخاصم بروند و رفتار دوستانه‌ای نسبت به آنها نشان دهند. به سمت آدمهای تنها بروند و با آنها دوست شوند و همچنین به طرف آدمهای گمشده بروند و آنها را نزد مسیح آورند.

۲) اصل دوم دوستی مسیحی از یوحنا ۱۵: ۱٤ استنباط می‌شود. دوستی خود را در صورتی حفظ می‌کنید که یکدیگر را به سمت معیارها و محدودیتهای فرامین مسیح سوق دهید.

یکدیگر را به سمت معیارها و شیوه زندگی گناه‌آلود این دنیا به عقب سوق ندهید، بلکه یکدیگر را به سمت معیارها و روش زندگی اطاعت از عیسی مسیح بالا بکشید. دوستی واقعی فقط در فضای دوست داشتن مسیح و فرامین او می‌تواند دوام بیابد و تغذیه شود. مردم دنیا احساس می‌کنند که بایستی خود را در حد ارزشها و شیوه زندگی دیگران پایین بیاورند تا بتوانند در دنیا " دوستان " آنها خوانده شوند و احساس کنند توسط آنها پذیرفته شده‌اند. اما مسیحیان می‌دانند که بایستی ارزشها و شیوه زندگی دیگران را در جهتی مثبت تحت تاثیر قرار دهند تا دوستی باارزش و ابدی با آنها داشته باشند. مسیحیان *با دیگران طرح دوستی می‌ریزند ولی نه از راه همرنگ شدن با مردم شریر دنیا بلکه با تغییر آنها که بیشتر و بیشتر شبیه عیسی مسیح شوند.*

۳) اصل سوم دوستی مسیحی از یوحنا ۱۵: ۱۵استنباط می‌شود. با درمیان گذاشتن آنچه از خدا یاد گرفته‌اید دوستی‌ها را عمیق می‌سازید.

صحبتهای خود را محدود به چیزهای مادی و خبرهای روزمره نکنید. درمورد خدا، کتاب مقدس و چیزهایی که خدا دائماً به شما می‌آموزد نیز حرف بزنید. مردم دنیا اغلب می ترسند که در مورد موضوعات روحانی صحبت کنند چون در مورد آنها اطلاعی ندارند. مسیحیان بایستی در کشف حقایق روحانی طوری به آنها کمك کنند که برایشان آزاردهنده نباشد.

پس من در صورتی دوست واقعی کسی هستم، که قدم اول رابرداشته و او را فداکارانه محبت کنم، درصورتی که او را به سمت معیارها و محدودیتهای فرامین مسیح بیاورم و صادق باشم و آنچه که از خدا آموخته‌ام با او درمیان بگذارم.

قدم ٤: به کارببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.

(فهرست زیرنمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر (یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵)

- ۱۵: ۱۳ اولین قدم را بردارید و با شخصی که با شما مخالفت می‌کند یا تنها، بی‌محبت و گمشده است، دوست شوید.
- ۱۵: ۱٤ همه دوستانتان را به سمت معیارها و محدودیتهای فرامین و تعالیم مسیح بکشانید.
- ۱۵: ۱۵ آنچه از خدا آموخته‌اید با دوستانتان درمیان بگذارید.

نمونه هایی از کاربردهای شخصی

الف) انجیل یوحنا به من یاد داده است که چگونه دوست پیدا کنم. به عوض اینکه همیشه خودم را با این سؤال که چه کسی دوست من است سرگردان کنم می‌خواهم قدم اول را بردارم و با محبت کردن دیگران به صورت فداکارانه با آنها دوست شوم. می‌خواهم برای دیگران دوست باشم به عوض اینکه بخواهم آنها دوست من باشند واقعاً می‌خواهم در مورد انکار خود و فداکاری، بیشتر یاد بگیرم. می‌خواهم کتاب امثال را که تعالیم زیادی در مورد دوستی واقعی دارد مطالعه کنم. سه واژه‌ای که می‌خواهم به خاطر بسپارم اینها هستند: انکار خود، ایثار و انضباط شخصی.

ب) به عنوان يك دوست می‌خواهم به رشد مسئولیتهایم ادامه دهم. انجیل یوحنا به من تعلیم می‌دهد که مسئولیت دارم دوستانم را به سوی معیارها و محدودیتهای شناخت عیسی مسیح و اطاعت از فرامین و تعالیم او سوق دهم. می‌خواهم آنچه را از خدا یاد می‌گیرم با آنها درمیان بگذارم. کتاب امثال چنین مرا تعلیم می‌دهد که مسئولیت تراشیدن شخصیت دوستانم به عهده من است تا آنها برای خدا و سایر مردم بهترین شوند. تنها کلمه‌ای که می‌خواهم به خاطر بسپارم "تاثیر" است. می‌خواهم از راهی صحیح و به بهترین وجه دوستانم را تحت تاثیر قرار دهم.

قدم ٥: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ١٥: ١٣ – ١٥ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با یوحنا ١٥: ١٣ – ١٥ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

٢ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل را از قسمت اعمال رسولان ٨: ١ – ١١: ١٨ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

٣ - حفظ کردن - آیه کلام: متی ٤: ٤ را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

٤ - دعا - در این هفته برای يك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ٥: ٣)

٥ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل يك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۱۷

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) خدا امین است

موضوع: خدا امین است.

بخوانید و شرح دهید: هرکدام از این قسمتها را بخوانید و برای پرستش به یکی از اعضاء گروه محول کنید.

۱- خروج ۳٤: ٦ – ۷ خدا نسبت به رحمت، فیض، محبت و آمرزش خود امین است، اما همچنین نسبت به امر مجازات آنانیکه از تقصیرات خود توبه نمی کنند، وفادار میباشد.
۲- اعداد ۲۳: ۱۹ خدا نسبت به کلام و وعده‌هایش در کتاب مقدس امین است.
۳- مزمور۳۳: ٤ – ٥ خدا در هر آنچه انجام می‌دهد امین است. او دوست دارد آنچه که درست و عادلانه است، انجام دهد. محبت او خطا نمیکند.
٤- مزمور ۳۳: ۱۰ – ۱۱ خدا نسبت به نقشه ها و هدفهای خود که درکتاب مقدس آشکار کرده، امین است.
٥- مزمور ٤۰: ۱ – ۳ ، ۹ – ۱۰ خدا نسبت به نجات شما از گودال لجن، وفادار است.
٦- فیلیپیان ۱: ٦ (اول تسالونیکیان ٥: ۲۳ – ۲٤) خدا امین است و قطعاً کاری را که در شما شروع کرده است، کامل خواهد ساخت.
۷- دوم تیموتائوس ۲: ۱۳ خدا امین می‌ماند حتی اگر شما بعضی اوقات بی‌وفا می‌شوید.
۸- عبرانیان ۱۰: ۲۳ خدا یقیناً نسبت به وعده‌هایش در کتاب مقدس امین است.
۹- عبرانیان ۱۱: ٦ خدا وفادارانه، به هرکس که با جدیت او را جستجو می‌کند، پاداش می‌دهد.
۱۰-عبرانیان ۱۳: ٥ – ٦ خدا هیچگاه مرا رها و ترك نخواهد کرد.

پرستش کنید: از هرکدام از اعضاء گروه بخواهید که با استفاده از آیه‌اش ازکتاب مقدس خدا را پرستش کند.
به نوبت خدا را به خاطر اینکه کاملاً نسبت به وعده‌هایش و قومش وفادار است، پرستش کنید.
در گروه بزرگ یا در گروههای کوچك سه نفره پرستش کنید.

۳	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اعمال رسولان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اعمال رسولان ۸: ۱ – ۱۱: ۱۸) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٤	تعلیم (۷۰ دقیقه) روابط مردان - زنان

این بررسی نتیجه اشتیاقی جدی برای جلال دادن خدا در این ارتباط خاص دوستانه است. کاربرد عملی آن، تنها، پیشنهاداتی است که بایستی با دعا و با توجه به فرهنگ خود بررسی کنید.

الف - **عاشق شدن و عشق خالص مسیحی**

۱ - **عاشق شدن**

ما در" دوران رمانتیک " زندگی می‌کنیم. مردم انتظار دارند که به سرعت يك ارتباط نزدیک صمیمانه بین آنها بوجود آید. بسیاری از مردم باور دارند که اگر نسبت به ارتباطشان *احساس* خوبی بکنند و بخصوص از ارتباط جنسی خود احساس رضایت داشته باشند ازدواج موفقی خواهند داشت. به هر حال افزایش وحشتناك طلاق در همه فرهنگ‌ها نشان می‌دهد که نزدیکی جنسی یا راههای هیجان‌انگیز، رضایت خاطر کامل را به بار نمی‌آورند. "عاشق بودن"، نوعی دوست داشتن است که از طریق آن يك زن و يك مرد حس می‌کنند از جنبه‌های اجتماعی، جنسی و احساسی زندگیشان به سمت یکدیگر جذب می‌شوند. دیدن رویاها و ساختن خیالات نسبت به یکدیگر آغاز میشود. آنها می‌خواهند همیشه باهم باشند و حتی یکدیگر را لمس کنند.
در دوران نوجوانی هورمون هایی در بدن شما شروع به بالا رفتن می‌کنند و شما از وجود آنها اطلاع پیدا می‌کنید. به عنوان يك نوجوان، قبل از بزرگسالی بارها عاشق افراد مختلف می‌شوید و هر بار که عاشق می‌شوید فکر می‌کنید که "او شخص مناسبی برای من است. دوست دارم با این شخص ازدواج کنم." اما بعد وقتی آن شخص را بهتر می‌شناسید، جذابیتش ازبین می‌رود و احساسات عاشقانه ناپدیـد می‌شود. فقط بعد از آن *می‌فهمید که احساسات، شما را اشتباه راهنمایی کرده است. عاشق شدن احساس بسیار زیبایی است ولی مشاور بدی است.* احساسات غیر قابل پیش‌بینی، ناپایدار و قابل تغییر هستند. اغلب جهت احساسات به سوی شما است و نه به سوی شخص دیگر. به منظور تصمیم‌گیری در امر مهم ازدواج، به بنیاد ثابت و پایدار دیگری به نام " محبت آگاپه " احتیاج دارید.

۲ - **محبت " آگاپه "**

" آگاپه "، کلمه یونانی است که اغلب برای محبت در عهد جدید استفاده شده است. محبت " آگاپه " محبت خالص مسیحی است. ذات خدا، محبت " آگاپه " است (اول یوحنا ٤: ٨). خدا ما را با محبت " آگاپه " دوست دارد (یوحنا ۳: ١٦) و به ما فرمان داده تا همسایه خود را با محبت " آگاپه " دوست بداریم (مرقس ۱۲: ۳۰ – ۳۱). وقتی خدا محبت " آگاپه " را به قلبهای ما می‌ریزد ما هم <u>می‌خواهیم</u> و <u>می‌توانیم</u> دیگران را با این محبت " آگاپه " دوست بداریم و آنها را با این محبت " آگاپه " دوست <u>خواهیم داشت</u>.
محبت " آگاپه " دارای ویژگی‌های واضحی مانند حلم، مهربانی، قناعت، تحمل، فداکاری، روحی بخشنده، راستی، پایداری، امانت و وفاداری (اول قرنتیان ۱۳: ٤ – ۸) است. محبت " آگاپه " بزرگترین محبت فداکارانه و غیر خود محور، که میتوان تصور کرد، میباشد. محبت " آگاپه " ایثارگرانه در جهت رشد دیگران است. محبت " آگاپه " شخص دیگر را دوست دارد ولی نه برای آنچه که از این ارتباط حاصلش می‌شود بلکه برای آن سهمی که می‌تواند در این ارتباط بپردازد. فداکار و ایثارگر است. محبت " آگاپه " شخص دیگر را به جای تضعیف، بنا می‌کند. محبت " آگاپه " به شخص كمك می‌کند تا به بهترین فرد ممکن تبدیل شود.
محبت " آگاپه " برای نشان دادن عشق رمانتیک خود، به جای اینکه بی‌اختیار هیجان زده اقدام کند، می‌تواند منتظر بماند. درحالیکه يك عشق احساساتی معمولاً يك یا دو سال به طول می‌کشد. محبت " آگاپه " می‌تواند بخش ثابتی از شخصیت و زندگی شما گردد.
نزدیکی جنسی هیچوقت نباید در ارتباط بین زن و مرد هدف باشد بلکه میوه محبت " آگاپه " است. وقتی دو نفر با دید ازدواج با یکدیگر آشنا می‌شوند (به عبارت دیگر " نامزد " یکدیگر میگردند) بایستی رشد يك ارتباط سالم محبت "آگاپه" را هدف خود قرار دهند. در چنین ارتباطی، افکارشان (اعتقادات و انگیزه‌ها) احساساتشان (هیجانات و حالتها) و تصمیماتشان (آرزو و انتخابهایشان) و چیزهای بیشتری را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. مهمترین ارتباطاتشان، مثل ارتباط با خدا، رابطه با پدر و مادرشان و ارتباط با دوستانشان را نیزبا یکدیگر درمیان می‌گذارند. هدف آشنایی يك زن و مرد، رشد چنین ارتباطی است یعنی محبت " آگاپه " و یافتن اراده خدا که آیا می‌خواهد آنها با هم ازدواج کنند یا نه. نتیجه يك ارتباط سالم محبت " آگاپه "، دوستی خالص و صمیمیت خالص و فداکارانه است.

ب – **آماده شدن برای شناخت يك شخص**

۱ – **دوستی بین ایمانداران**

تمامیت انسان و زندگی او از دید خدا مقدس و باارزش است. مهم نیست که آیا ما کار می‌کنیم، مطالعه می‌کنیم، ورزش می‌کنیم، به کلیسا می‌رویم یا دوستانمان را ملاقات می‌کنیم. چون روشی که با آن از ادراکات و فرصتهای خود استفاده می‌کنیم بر آنکه هستیم و آنچه که می‌کنیم تاثیرزیادی دارد. *آنچه فکر می‌کنیم (حقیقت یا دروغ) تاثیر مهمی بر آنچه احساس می‌کنیم می‌گذارد. آنچه که احساس می‌کنیم تاثیر زیادی بر نحوه لباس پوشیدن و رفتار ما دارد. وضعیت روحی*

ما تاثیر زیادی بر چگونگی رابطه ما با دیگران دارد. همچنین نمیتوانیم نسبت به بدن خود چیزهایی انجام دهیم، بدون اینکه بر روی چگونه فکر یا احساس کردن ما تاثیر بزرگ بگذارد.
دوستی بین ایمانداران به معنی ارتباط داشتن آنها با یکدیگر به عنوان " ایمانداران " است. ایمانداران با یکدیگر طوری ارتباط می‌یابند، گویی همه آنها یك خانواده بزرگ هستند. این رابطه دوستانه بین ایمانداران باقی میماند وقتیکه آنها با یک دید جهت ازدواج یکدیگر را بهتر بشناسند، این رابطه حتی در دوران ازدواج هم ادامه پیدا می‌کند. علاوه براینکه دوستان خاص یکدیگر می‌شوند، در سرتاسر زندگی نیز، در مسیح خواهر و برادر یکدیگر باقی می‌مانند. هدف یك ارتباط سالم دوستانه بین ایمانداران بنای یکدیگر و در نهایت بنای کلیسا است. هدف هیچگاه تضعیف یکدیگر نیست. معمولاً ارتباطات خاص دوستانه از یك ارتباط دوستانه معمولی شروع می‌شود. ایمانداران در ارتباط دوستانه خود با سایر ایمانداران چندین مسئولیت دارند:

الـف) <u>به عنوان ایمانداران نسبت به شخص خودمان مسئولیت داریم.</u>
بایستی تولد تازه بیابیم (یوحنا ۳: ۳ – ۸)، بایستی در جستجوی انجام اراده خدا باشیم (مرقس ۳: ۳۱ – ۳۵) و بایستی مسیح را به عنوان شاگرد پیروی کنیم (لوقا ۹: ۲۳ – ۲٦).

ب) <u>به عنوان ایماندار نسبت به یکدیگر مسئولیت داریم.</u>
کتاب مقدس می‌گوید که ما بایستی مواظب باشیم کسی قلب بی‌ایمان یا گناهکار نداشته باشد تا او را از خدای زنده جدا سازد (عبرانیان ۳: ۱۲ – ۱۵)، بایستی یکدیگر را در ارتباطاتمان به محبت مسیحی و در فعالیتهایمان به انجام کارهای خوب ترغیب کنیم (عبرانیان ۱۰: ۲٤ – ۲۵). بایستی یکدیگر را تعلیم دهیم و نصیحت کنیم (کولسیان ۳: ۱٦). بایستی برای یکدیگر دعا کنیم (کولسیان ٤: ۲). بایستی همراه با یکدیگر درمبارزه شرکت کنیم و با یکدیگر به خاطر ایمان مسیحی رنج بکشیم (فیلیپیان ۱: ۲۷، ۲۹) و بایستی با جنس مخالف با کمال پاکدامنی رفتار کنیم (اول تیموتائوس ۵: ۱ – ۲).

پ) <u>به عنوان ایماندار، نسبت به کسانی که در ایمانشان ریاکار هستند مسئولیت داریم.</u>
باید از آدمهای بد (امثال ٤: ۱٤ – ۱۵ ؛ افسسیان ۵: ۷) و از برادران و خواهران ریاکاراجتناب کنیم (دوم تسالونیکیان ۳: ٦ ؛ اول قرنتیان ۵: ۹ – ۱۳).

ت) <u>بعضی ویژگی‌های دوستی در کتاب مقدس</u>
دوستـان واقعی دوستان خدا نیز هستند (یعقوب ٤: ٤). دوستان با حکمت رفتار می‌کنند (امثال ۱۳: ۲۰). دوستان نصیحت می‌کنند و خود نیز نصیحت‌پذیر هستند (امثال ۲۷: ۵ – ٦ ، ۹ – ۱۰ ، ۱۷). دوستان زندگیشان را فدای یکدیگر می‌کنند، یکدیگر را به سمت معیارهای خدا برای زندگی می‌کشانند وآنچه را که از خدا آموخته‌اند صادقانه با یکدیگر درمیان می‌گذارند (یوحنا ۱۵: ۱۳ – ۱۵).

۲ – <u>پیشنهادات عملی برای رشد دوستی بین ایمانداران</u>

الـف) <u>به یك گروه از مسیحیان ملحق شوید.</u>
اگر فرهنگ کشور شما اجازه می‌دهد که مردان و زنان جوان با یکدیگر ارتباط سالمی داشته باشند، پس موارد زیر می‌توانند در رشد رابطه سالم بین مردان و زنان مسیحی نقش داشته باشند. فقط بعد از اینکه در یك گروه مسیحی با چند مرد و زن ارتباط برقرار کردید می‌توانید تفاوت بین یك دوست با دوست دیگر را تمیز دهید. در حالیکه در یك گروه مسیحی رشد می‌کنید و همدیگر را با وظایف مختلف مسیحی خدمت می‌کنید قادر خواهید بود که نقاط قوت و ضعیف یك دوست را با دوست دیگر مقایسه کنید. در یك گروه مسیحی، شناخت شخصیت دیگری، اخلاق و تاثیری که بر دیگران دارد و رابطه‌ای که هرکس با خدا دارد احتیاج به زمان و وارد شدن به زندگی او دارد.

ب) <u>درگروه مسیحی صحبت کنید و شراکت داشته باشید.</u>
درمورد ارتباط خود با خدا صحبت کنید و با یکدیگر در مورد حقایق کتاب مقدس گفتگو کنید. اگر این کارها را درگروه مسیحی خود انجام بدهید وقتی ازدواج کردید نیز آنها را ادامه خواهید داد.

پ) <u>به عنوان یك گروه مسیحی کارهایی را با یکدیگر انجام دهید.</u>
درفعالیتهای روحانی شرکت کنید مثل گروههای بررسی کتاب مقدس، گروه دعا، تعلیم به بچه‌ها، گروه جوانان و غیره. همچنین در فعالیتهای اجتماعی مثل بازی‌های گروهی، گروهی غذا خوردن و معاشرت گروهی.

۳ ــ هفت اصل در تشخیص اراده خدا در انتخاب صحیح شریك ازدواج

قبل از اینکه تصمیم بگیرید با جنس مخالف خود ارتباط خاص برقرار کنید باید چند تصمیم بسیار مهم در زندگی خود بگیرید. این هفت تصمیم همه براساس کتاب مقدس است.

الـف) تصمیم بگیرید که می‌خواهید ازدواج کنید یا نه.
گفتگو کنید: مزایای ازدواج و مزایای تجرد چیست؟
بخوانید: جامعه ٤: ۹- ۱۲ ؛ اشعیاء ٥٤: ۱ ــ ٥ ؛ متی ۱۹: ۱۰ ــ ۱۲ ؛ اول قرنتیان ۷: ۱ ــ ۷ ، ۳۲ ــ ۳٥
ملاحظات: مزایای تجرد این است که می‌توانید خودتان را به صورت کامل وقف عیسی مسیح و گسترش ملکوت او در جهان کنید. انسانهایی که بچه ندارند می‌توانند دارای فرزندان روحانی باشند. مضرات تجرد، تنهایی، عدم وجود شریکی که در وقت نیاز به کمك انسان می‌آید و سوختن در شهوت است.
یك کاربرد امکان‌پذیر: می‌توانید با خدا تصمیم بگیرید که فقط برای مدتی در زندگیتان تنها بمانید تا از نظر روحانی و احساسی رشد کنید یا آموزش‌های مهم مسیحی را دوره ببینید یا در خدمت مسیحی خود تجربیات مهمی بدست آورید. وقتی خدا بعدها شما را برای ازدواج هدایت می‌کند شما بالغتر و در زندگی با تجربه‌تر خواهید بود. خدا بعضی مسیحیان را دعوت می‌کند تا در تمام زندگیشان مجرد بمانند و وظایف خاصی را در ملکوت او به انجام رسانند.

پ) تصمیم بگیرید فقط با یك ایماندار ازدواج کنید.
گفتگو کنید: چرا مسیحیان فقط بایستی با یك مسیحی دیگر ازدواج کنند؟
بخوانید: تثنیه ۷: ۳ ــ ٤ ؛ اول قرنتیان ۷: ۳۹ ؛ دوم قرنتیان ٦: ١٤ ــ ۷: ۱ ؛ افسسیان ٥: ۲۲ ــ ۲٥
ملاحظات: کتاب مقدس به مسیحیان دستور داده است که فقط با یك ایماندار ازدواج کنند (اول قرنتیان ۷: ۳۹ ؛ دوم قرنتیان ٦: ١٤ ــ ۷: ۱). یك بی‌ایمان اغلب ایماندار را از ایمان به عیسی مسیح دور می‌کند (تثنیه ۷: ۳ ــ ٤). رابطه ازدواج منظور شده است تا تصویری قابل رویت و اعلانی باشد از ارتباط بین عیسی مسیح و کلیسای مسیحی. پس در هر ازدواج مسیحی آبروی عیسی مسیح و کلیسای مسیحی در معرض خطر است (افسسیان ٥: ۲۲ ــ ۲٥).
کاربرد: قبل از اینکه تصمیم بگیرید به منظور ازدواج، شخصی را بهتر بشناسید بایستی در وهله نخست او یك مسیحی راستین باشد.

پ) تصمیم بگیرید که فقط با شخصی ازدواج کنید که او را به خوبی می‌شناسید.
گفتگو کنید: عملاً چه می‌توانید بکنید برای اینکه متوجه شوید که شخص دیگرواقعاً کیست؟
بخوانید: امثال ۲۷: ۱۹ ، ۲۳
ملاحظات: مهم است که بخصوص وضعیت قلبی و روحانی شخص دیگر را بشناسید. هیچگاه حتی تصور ازدواج با شخصی را که خوب نمی‌شناسید نداشته باشید.
کاربردهای امکان‌پذیر: به یك گروه مسیحی ملحق شوید. صحبت کردن و مشارکت با یکدیگر را یاد بگیرید. به عنوان یك گروه فعالیتهایی را با هم انجام دهید. بخصوص ویژگی‌های زیر را یادداشت کنید:

- آیا او شخصی است که من را به داشتن ارتباط با خدا و سایر مردم تشویق می‌کند؟
- آیا او شخصی است که برزندگی من تاثیر خوبی دارد و باعث می‌شود تا من در زندگی عملکردهای خوبی داشته باشم؟ آیا او شخصی است که باعث می‌شود زندگی پرنشاط تر، باارزش و سازنده داشته باشم؟ آیا باعث می‌شود که من بهتر رفتار کنم؟ آیا هرگزمرا به گناه نمی‌کشاند بلکه همیشه مرا به سمت معیارهای عیسی مسیح می‌کشاند؟
- آیا او شخصی است که به من گوش می‌دهد، سخنان مرا جدی می‌گیرد و می‌پذیرد؟
- آیا او شـــخصی آماده و دردسترس است و من می‌توانم همـــیشه ازاو مشورت و کمك خالصانه دریافت کنم؟
- آیا او شخصی است که همیشه در خانه او را حس می‌کنم و می‌توانم با او بخندم، گریه کنم و به طور جدی صحبت کنم؟
- آیا او شخصی صادق و بی‌ریا است که همیشه حقیقت را می‌گوید و نقش شخص دیگر را بازی نمی‌کند؟
- آیا او شخصی است که می‌تواند مرا با دوستانش آشنا کند و هیچوقت از دیگرروابط مرا حذف نمی‌کند و مرا به سمت داشتن روابط سالم با سایر مردم می‌کشاند؟

ت) تصمیم بگیرید که فقط با شخصی ازدواج کنید که پرهیزگار است.
گفتگو کنید: خدا در خصوص ارتباط بین زن و مرد، در مورد پرهیزگاری چه می‌گوید؟
بخوانید: غلاطیان ٥: ۲۲ ــ ۲۳ ؛ غلاطیان ٦: ۷ ــ ۸ ؛ اول تسالونیکیان ٤: ۱ ــ ۸ ؛ عبرانیان ۱۳: ٤
ملاحظات: ثمره داشتن یك ارتباط خوب با خدا، پرهیزگاری است (غلاطیان ٥: ۲۲ ــ ۲۳). درارتباط با جنس مخالف و تمام موارد مربوط به اخلاق جنسی، داشتن پرهیزگاری ضروری است. آنچه حالا در زندگی خود می‌کارید، قطعاً در آینده درو خواهید کرد (غلاطیان ٦: ۷ ــ ۸).

کاربرد های امکان‌پذیر: از هر نوع فساد جنسی اجتناب کنید. پرهیزگاری را تمرین کنید در ارتباط با چشمانتان آنچه را که می‌بینید، در ارتباط با فکرتان به آنچه فکر می‌کنید و در ارتباط با دستهایتان آنچه را که لمس می‌کنید و غیره. با خدا عهد ببندید که قبل از ازدواج و هرگز خارج از چارچوب ازدواج خود ارتباط جنسی نخواهید داشت (عبرانیان ۱۳: ٤).
خدا به شما فرمان داده که شریك آینده زندگیتان را از راهی مقدس و آبرومندانه بدست آورید و هرگز مانند بی‌خدایان اینکار را از طریق امیال شهوانی انجام ندهید (اول تسالونیکیان ٤: ۱– ۸). درنتیجه درارتباط خود با جنس مخالف محدودیتهای سالم کتاب مقدس را رعایت کنید.

ث) <u>تصمیم بگیرید که فقط با شخصی ازدواج کنید که با شما اهداف مشابه‌ای دارد.</u>
گفتگو کنید: چرا داشتن اهداف مشابه مهم است؟
بخوانید: عاموس ۳: ۳ ؛ متی ٦: ۳۳ ؛ فیلیپیان ۱: ۲۷ ؛ ۲: ۲ – ٤
ملاحظات: وقتی که اهداف مشابه‌ای ندارید هرگز نمی‌توانید با هم در جهتی مشابه حرکت کنید (عاموس ۳: ۳). عیسی مسیح تعلیم داد که اهداف زندگی مسیحیان بایستی موارد زیر باشد. نخست ملکوت خدا (پادشاهی در قلب خودتان) و عدالت او را بطلبید (ازاینکه آنچه او می آموزد راست است پیروی کنید) (متی ٦: ۳۳). مسیحیان بایستی همراه با یکدیگر، با اتحاد فکری ومشترك بودن اهداف، برای ایمان مسیحی مبارزه کنند (فیلیپیان ۱: ۲۷ ؛ ۲: ۲ – ٤).
کاربرد های امکان‌پذیر: یادداشت کنید که کدامیك از اعضاء گروه مسیحی دارای اهداف زندگی مشترکی با شما هستند. عملاً با سایر مسیحیان در مورد اهداف و آرزوهای آنها و خودتان صحبت کنید. از حالا اهداف زندگیتان را تعقیب کنید.

ج) <u>تصمیم بگیرید فقط با شخصی ازدواج کنید که زندگی تاریك گذشته‌اش را پاکیزه کرده است.</u>
بخوانید: خروج ۲۰: ٥ – ٦
گفتگو کنید: کدام اصل در اینجا تعلیم داده می‌شود؟ این اصل چگونه در تاریخ مردم و کتاب مقدس به تصویر کشیده می‌شود؟ چگونه ارتباطات غلط درخانواده والدین شما می‌توانند بعدها درارتباطات خانواده شما تاثیر گذارند؟
ملاحظات: اصل موجود در خروج ۲۰: ٥ – ٦ این است که *مشکلات حل نشده* بین شما و والدینتان (برادران و خواهران، دوستان، معلمین، همکاران و غیره) بعدها در زندگی و ارتباط زناشویی شما مشکل‌آفرین می‌شوند (دوم سموئیل ۱۱: ٤ ، ۱٥، ۲۷ را با دوم سموئیل ۱۳: ۱۲ – ۱٤ مقایسه کنید، دوم تواریخ ۲۲: ۲– ٤ را بخوانید و دوم تواریخ ۲٥: ۲ را با دوم تواریخ ۲٦: ٤ مقایسه کنید). برای مثال شیوه برخورد فرد با مادرش ممکن است بعدها روش رفتار او با همسرش بشود و شیوه‌ای که یك زن با پدرش رفتار می‌کند نیز ممکن است بعدها روش رفتار او با شوهرش شود.
علل مشکلات و نتایج بد آنها در گذشته، نیاز به برخورد و برطرف کردن دارد. ارتباطات از هم گسیخته احتیاج به احیاء دارند. احساسات مجروح احتیاج به شفا دارد. فیض خدا بسیارکفایت دارد در اینکه هرگناه تاریك گذشته را ببخشد، ارتباطات از هم گسیخته احیاء کند و هر جراحتی را شفا دهد. فیض خدا در رشد روحانی و احساسی به شما کمك می‌کند تا به شخصی سالم و بالغ تبدیل شوید.

چ) <u>در وقت مناسب تصمیم بگیرید ازدواج کنید.</u>
گفتگو کنید: چقدر مهم است که برای رسیدن وقت مناسب ازدواج منتظر بمانید؟
بخوانید: جامعه ۳: ٥ ؛ ۸: ٥ – ٦ ؛ پیدایش ۲۹: ۲۰ ؛ اول قرنتیان ۷: ۹
ملاحظات: برای هرکاری بر روی زمین وقتی هست. زمانی برای در آغوش کشیدن و زمانی برای امتناع از در آغوش کشیدن. قلب حکیم، زمان صحیح و شیوه صحیح برقراری ارتباط با جنس مخالف را می‌داند.
شخصی که به خدا اعتماد می‌کند، از این نیز اطمینان دارد که خدا اجازه می‌دهد چیزهای درست در زمان مناسب اتفاق بیفتد. محبت خالصانه صبور است و قبل از ازدواج منتظر می‌ماند (اول قرنتیان ۱۳: ٤).
کاربردهای امکان‌پذیر: در وهله نخست می‌توانید تحصیلات خود را کامل کنید. ابتدا مطمئن شوید که استقلال مالی دارید. نخست باید بتوانید قبل از ازدواج در کار یا خدمت مسیحی خود تجربه کسب کنید. در بعضی فرهنگها، بایستی از جانب طرفین وقت کافی به والدین خود بدهید تا اجازه آنها را برای ازدواجتتان بدست بیاورید. به هرحال وقتی دو نفر مسیحی کنترل خود در زمینه جنسی را امری مشکل می‌دانند بهتر است که فوراً ازدواج کنند (اول قرنتیان ۷: ۹).

٤ – <u>نصیحت عملی در هنگامی که عاشق می‌شوید.</u>

وقتی که عاشق شدید در وهله نخست بین احساسات و واقعیتها تمایز قایل شوید. آیا به خاطر زیبایی یا شکل ظاهری او احساس هیجان می‌کنید و یا صادقانه شخصیت و خصوصیات او را دوست دارید؟ کتاب مقدس می‌گوید که نباید شتابزده عمل کرده و راه را گم کنید (امثال ۱۹: ۲ – ۳) بلکه شما را وا می دارد که واقعیتها را بررسی و تحقیق کنید (جامعه ۷: ۲٥ – ۲٦). پس قبل از اینکه با دید ازدواج تصمیم به شناخت جنس مخالف خود بگیرید، احتیاج دارید موارد زیر را انجام دهید.

الـف) <u>درمورد این شخص دعا کنید.</u>
از خدا بخواهید کمك کند تا او را واقعاً بشناسید و اگر همان شخصی است که خدا می‌خواهد به شما نسبت به او محبت واقعی ببخشد. یا اینکه از خدا بخواهید تا احساسات شما را نسبت به او کاهش دهد. دعا کنید که بتوانید چیزی بیشتر از احساسات محض خود، ببینید.

ب) <u>این شخص را بشناسید.</u>
در فعالیتهای گروهی و شرایط مختلف به او توجه کنید بدون اینکه او متوجه احساسات شما نسبت به خودش بشود. مشاهده کنید و گوش کنید. کشف کنید که در ارتباطش با خدا، با سایر مردم و خودش چگونه شخصی است. شخصیت، اخلاق، نقاط قوت و ضعف و تاثیر او برشما و دیگران را بشناسید.
چطور می‌توانید بفهمید که او دارای اثری مفید است؟ وقتی از طریق ارتباط با او رشد کنید و بی‌عیب شوید. برای مثال وقتی که باعث رشد شخصیت مسیحی شما می‌شود (افسسیان ٥: ٢٦ – ٢٧).

پ) <u>در ارتباط با این شخص مشورت بخواهید.</u>
از شخصی دارای رابطه نزدیک با خدا و بالغ که ترجیحاً هردوی شما را می‌شناسد مشورت بخواهید (امثال ١٩: ٢٠ – ٢١). واقعیتهای مربوط به این شخص را جمع‌آوری کنید تا به شما کمك کنند که بدانید آیا احساسات شما براساس واقعیت است.

ت) <u>هیچگاه با یك بی‌ایمان بیرون نروید.</u>
با این حال اگرعاشق یك بی‌ایمان شدید با او به تنهایی بیرون **نروید** و فاصله خود را درتمام شرایط با او حفظ کنید. او را به جلسات مسیحی دعوت کنید او را به دوستان خود معرفی کنید وسعی کنید او را به نزد مسیح آورید. بهتر است که جنس مخالف غیر مسیحی مورد علاقه خود را، فقط در یك جلسه گروهی ملاقات کنید.

پ - <u>دوران‌های عملی برای رشد روابط به سوی ازدواج</u>

گفتگو کنید: برای بهتر شناختن جنس مخالف از دید ازدواج چه دستورالعمل های خوبی وجود دارد؟
ملاحظات: یک پیشنهاد عملی ودستورالعمل جهت ملاحظه گسترش رابطه میتواند در سه مرحله باشد:
(دوران آشنایی، دوران معاشرت برای ازدواج و دوران نامزدی). هرکدام از این مراحل دارای آغاز و پایان مشخص، هدف معین و قدم‌های عملی مشخص برای دسترسی به آن هدف، می باشد.

١ – <u>رابطه یا دوران آشنایی</u>

الف) معنی: " آشنایی " به معنی شناخت یکدیگر بدون ایجاد صمیمت.

ب) هدف: به اندازه کافی حقایق جمع‌آوری کرده‌اید که به شما کمك می‌کند تصمیم بگیرید که ارتباط خود را ادامه دهید یا نه.

پ) روش: وقتی خالصانه به شخصی علاقه‌مند یا عاشق او شدید موارد زیر را می‌توانید دنبال کنید:
١) بین احساسات عاشقانه و محبت واقعی مسیحی تمایز قائل شوید.
٢) از افرادی که هر دوی شما را می‌شناسد مشورت بخواهید.
٣) از او بپرسید که مشتاق آشنایی شما با خود می باشد (در بعضی فرهنگها ممکن است دخترهیچگاه قدم اول را برندارد).
٤) اگر او موافق بود یکدیگر را در زمان و مکانی مشخص ملاقات کنید برای مثال یکبار درهفته به مدت ٦ ماه تا با یکدیگر آشنا شوید.

ت) فعالیتهای عملی:
١) تا آنجا که می‌توانید یکدیگر را بشناسید. ارتباط یکدیگر را با خدا، اعتقادات مسیحی، آرزوها و ویژگی‌های او را دریابید.
٢) موارد زیر نکات عملی در ارتباط با پرهیزگاری است (غلاطیان ٥: ٢٢):
- بهتر است که هیچ تماس جنسی نداشته باشید چون شما را زندانی احساساتتان می‌کند. شما باید آزاد باشید تا بیشتر متقاعد شوید و تصمیمات درست بگیرید.

- ارتباط رسمی یا مقید شده به یکدیگر نداشته باشید یعنی اینکه شما دوست هم هستید و دیگر هیچ. بهتر است که انتظاراتی از یکدیگر نداشته باشید. از ارتباط خود به عنوان ارتباط " دوستانه " صحبت کنید نه "معاشرت برای ازدواج ". این امر از فشار اجتماعی که دوستا ن برشما وارد می‌کنند کم می‌کند.
- بهتر است در مورد همدیگر رویا و خیالات نسازید. در مورد احساسات خود با یکدیگر حرف نزنید و به هیچ صورتی به همدیگر ابراز احساسات نکنید. تا زمانی که هر دو برای این مرحله آماده شوید منتظر بمانید. اگر خیلی زود حرف زدن در مورد احساسات خود را شروع کنید یا آنها را توصیف کنید فقط انتظاراتی غیرواقعی بوجود می‌آورید که مانع رشد ارتباط واقعی روحانی شده و بعدها به شخص دیگر صدمه خواهد زد.
- بهتر است در مورد ازدواج یا نقشه‌های شخصی خود برای ازدواجتتان صحبت نکنید. این هم منجر به ایجاد انتظارات غیر واقعی می‌شود. در حال حاضر شما دوست هم هستید و نه چیزی بیشتراز این.

ث) خاتمه: این دوران وقتی تمام می‌شود که یا یکی از شما دو نفر احساس یا باور کنید که دیگر نباید همدیگر را ملاقات کنید ویا اینکه هر دوی شما این نیاز را باور دارید که دوستی خود را به یك دوستی خاص تغییر بدهید. باید تصمیم بگیرید ارتباط معاشرت ازدواج را شروع کنید.

۲ – <u>رابطه یا دوران معاشرت برای ازدواج</u>

الف) معنی: " معاشرت برای ازدواج " یعنی بنای یك دوستی قوی با این دید که امکان ازدواج وجود دارد.

ب) هدف: شما کشف کرده‌اید که این اراده خدا است که با یکدیگر ازدواج کنید (افسسیان ٥: ١٧). کشف کرده‌اید که دلایل کافی برای بستن پیمان طویل المدت ازدواج وجود دارد.

پ) روش:
۱) به عنوان دوستان خاص و کسانی که با یکدیگر به منظورازدواج معاشرت می‌کنند آشکارا با یکدیگر و در نزد سایرین ارتباط داشته باشید.
۲) صادقانه معاشرت ازدواج خود را گسترش دهید اما با توجه به محدودیتهای تعیین شده واضح و مورد توافق.

ت) فعالیتهای عملی:
۱) برای ارتباط معاشرت ازدواج، محدودیتهای تعریف شده و مورد توافق خود را بنویسید. محدودیتها بایستی براساس تعالیم کتاب مقدس باشد. عاقلانه است که محدودیتها در زمینه‌های زیر باشد:
<u>زمان:</u> در چه فواصلی و درچه مدتی یکدیگر را ملاقات می‌کنید؟ چه موقع از شب باید او را ترك کنید؟
<u>مکان:</u> کجا همدیگر را ملاقات می‌کنید؟ تصمیم دارید به چه جاهایی نروید؟
<u>تماس جنسی:</u> چه نوع تماس جسمی از نظر خدا صحیح و در فرهنگ شما پذیرفته شده است و نیزباعث بنای طرفین میشود؟ هر دوی شما از چه نوع تماس جسمی باید اجتناب کنید؟ نسبت به این جنبه کاملاً توافق نظر پیدا کنید.
<u>فعالیتها:</u> چه کارهایی را با همدیگر انجام دهید؟ تصمیم دارید چه کارهایی را انجام ندهید؟
در حضور خدا (به عنوان شاهد شما) به همدیگر قول بدهید که نسبت به معیارهای او قصور نکرده و همدیگر را تشویق به حفظ این معیارها خواهید کرد (اول تسالونیکیان ٤: ٣ – ٨).
۲) همدیگر را به رشد روحانی تشویق کنید. همدیگر را بناکنید. با یکدیگر خدا را خدمت کنید. با سایر مردان و زنان دوستی‌های جدید ایجاد کنید.
۳) فقط وقتی در مورد امکان ازدواج حرف بزنید که هر دو آمادگی آن را دارید. درغیر اینصورت باعث ایجاد انتظاراتی می‌شوید که تنش تولید می‌کند و وعده‌هایی می‌دهید که بعدها نمی‌توانید آنها را انجام دهید.

ث) خاتمه: این دوران وقتی خاتمه می‌یابد که یك یا هر دو نفر احساس یا باور می‌کنند که باید این رابطه را خاتمه دهند. پس تصمیم می‌گیرید که دیگر همدیگر را ملاقات نکنید و فقط در حد گذشته با همدیگر دوست باشید. بسیار دردناك است اما بهتر از یك طلاق عذاب‌آور است. اما اگر هردوی شما مطمئن هستید که خدا می‌خواهد ازدواج کنید، پس نامزد شوید. حتی اگر نامزد هم نشدید به هر حال باید آماده ازدواج شوید و برای روز ازدواج تدارك ببینید.

۳ – <u>رابطه یا دوران نامزدی</u>

الف) معنی: " نامزدی " به این معنی است که قصد خود را برای ازدواج با یکدیگر بیان می‌کنید و در تلاش این هستید که برای ازدواجی که درپیش است و روز ازدواج تدارك ببینید. نامزدی به این معنی است که با ازدواج، دیگر همیشه در دسترس سایرین نیستید.

ب) هدف: برای ازدواجی که در پیش است یا روز ازدواج آماده شده اید.

پ) روش:
۱) به همدیگر قول قطعی بدهید که باهم ازدواج کرده و تا پایان زندگی با هم بمانید.
۲) بسیار مفید است که تاریخ و روز ازدواج را تعیین کنید و یك برنامه مشخص برای آمادگی ازدواج طراحی کنید.
۳) اگر شما نامزدی خود را با خانواده و دوستانتان جشن بگیرید احتمالا آنها احساس افتخار خواهند کرد.
٤) بسیار مفید است که به سرعت شروع به آمادگی برای ازدواج کنید و دوران نامزدی را محدود کنید. این به شما کمك می‌کند تا وسوسه نشوید.

ت) فعالیتهای عملی:
۱) انتظارات خود را در رابطه با کارکردن و زندگی مشترك مورد گفتگو قرار دهید. در مورد انتظارات خود از هر جنبه مهم رابطه تان صادقانه گفتگو کنید. برای مثال خانه و شیوه زندگی آینده، کلیسای آینده و خدمت برای خدا، ارتباط با والدین و والدین همسر، کار یا شغل شما، سرمایه، موضوع مسائل جنسی و بچه‌ها. درمورد تجربیات بدی که در گذشته داشته‌اید صادق باشید و اگر لازم است گناهانتان را به یکدیگر اعتراف کنید و همدیگر را ببخشید (یعقوب ٥: ١٦).
۲) به حفظ محدودیتهای جسمی پذیرفته شده ادامه دهید. به پرهیزگاری بیشتری احتیاج دارید و متعهد شوید که همدیگر را تا روز ازدواج پاك نگه می‌دارید.
۳) عاقلانه است که والدین خود را در برنامه ریزی‌های ازدواج دخالت دهید.

ث) خاتمه: این دوران وقتی پایان می‌یابد که یك یا هر دو نفر احساس یا باور کنند که باید ارتباط با یکدیگر را قطع کنند. گرچه خیلی دردناك است ولی بهتر از یك طلاق دردآور می باشد. اما اگر هر دوی شما کاملاً متقاعد شوید که می‌خواهید با یکدیگر ازدواج کنید، ازدواج کنید و جشن ازدواج باشکوهی داشته باشید.

٥	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ ـ تعهد ـ متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های درس " روبط مردان ـ زنان " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲ ـ رازگاهان ـ هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت اعمال رسولان ۱۱: ۱۹ – ١٤: ۲۸ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ ـ بررسی کتاب مقدس ـ درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید. (اول تسالونیکیان ٤: ۱ – ۸) "ویژگی های ارتباط مسیحی با جنس مخالف چیست؟" از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ ـ دعا ـ در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ٥: ۳)
٥ ـ آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۱۸

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اعمال رسولان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اعمال ۱۱: ۱۹ – ۱٤: ۲۸)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه) دعا - یوحنا ۱۵: ۷

الف – تعمق

آیه حفظی: دعا – یوحنا ۱۵: ۷
متن آیه: " اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد."

۱- اطمینان از گرفتن جواب دعا دوشرط دارد.

عیسی از کلمه " اگر" استفاده می‌کند و تعلیم می‌دهد که او درصورتی پاسخ دعا را می‌دهد که این دو شرط انجام شود.

الف) اولین شرط برای اطمینان از اینکه عیسی مسیح به دعاهای شما پاسخ خواهد داد نیاز ضروری ماندن در عیسی مسیح و در محبت او است (یوحنا ۱۵: ۵ ، ۹).
۱) مسیح در مسیحیان می‌ماند. مسیح از طریق روح‌القدس درشما می‌ماند. کتاب مقدس می‌گوید:
" آیا نمی‌دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟ " (اول قرنتیان ۳: ۱٦).
۲) مسیحیان بایستی در مسیح و در محبت او بمانند. ارتباط بین مسیح و شما برای هر دو طرف مسئولیتهایی در بردارد. از يك طرف، اگر **مسیح** در شما نماند بهیچوجه نمی‌توانید ایماندار باشید. کتاب مقدس می‌گوید اگر شما مسیح را در قلبهایتان نداشته باشید متعلق به مسیح نیستید (رومیان ۸: ۹ – ۱۰). از طرف دیگر اگر**شما** در مسیح نمانید نشان می‌دهید که هیچوقت واقعاً متعلق به مسیح نبوده‌اید. این مسئولیت شماست که در مسیح بمانید. ماندن در مسیح به چه معنایی است؟ " ماندن در مسیح " یعنی خود را موظف کنید که دائماً با مسیح مشارکت شخصی داشته باشید. یعنی خود را به تلاش وا دارید تا ارتباط با مسیح را ادامه دهید. در زندگیتان خود را وقف مسیح و اهداف اوبسازید. کلمه " ماندن " به زمان " حال استمراری " نوشته شده و به این معنی است که این ارتباط بایستی هر روزه ادامه یابد. بدون این تلاش یا کوشش دائمی نجات، رشد و ثمری نخواهد بود.

ب) شرط دوم برای اطمینان از اینکه عیسی مسیح دعای شما را پاسخ خواهد داد نیاز ضروری ماندن در کلام او است (یوحنا ۱۵: ۷).
۱) مسیحیان باید در کلام مسیح بمانند. در یوحنا ۸ : ۳۱ – ۳۲ عیسی می‌گوید " اگرشما در کلام من بمانید (پایبند تعالیم من شوید) فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد." در اینجا مسئولیت شما ماندن در کلام مسیح است برای مثال با هفت اصل زیر:
بایستی هرگاه کلام مسیح موعظه یا تعلیم داده می‌شود آن را **بشنوید**. هر روز کلام مسیح را در کتاب مقدس **بخوانید**. هر هفته کلام مسیح را در يك گروه کوچك مطالعه کتاب مقدس **بررسی کنید**. بایستی کلام مهم مسیح را مرتب **حفظ کنید**.

بایستی برکلام مسیح **تعمق کنید**. یعنی در مورد مفهوم آن در زندگی شخصی خودتان فکر کنید و دعا کنید تا بفهمید که او چگونه از شما می‌خواهد آن را در زندگی شخصی خود به کار ببرید. بایستی کلام مسیح را در زندگی خودتان **به کار ببرید**. (متی ۷: ۲٤ ؛ یوحنا ۱۵: ۱۰) و باید کلام مسیح را با موعظه و تعلیم به سایر مردم **منتقل کنید**.

۲) مسیحیان اجازه می‌دهند کلام مسیح در آنها بماند. مسئولیت شما در یوحنا ۱۵: ۷ با مسئولیت شما در یوحنا ۸: ۳۲ متفاوت است. در اینجا مسئولیت شما این است که به کلام مسیح اجازه دهید شما را تحت تاثیر قرار دهد و عوض کند. با خواندن، بررسی و به کاربستن، کلام مسیح به درون فکر، قلب و زندگی شما وارد می‌شود. سپس باید به کلام مسیح که در فکر، قلب و زندگی شما است اجازه بدهید پویا شود، بر شما تاثیر جدی بگذارد و کنترل کامل داشته باشد. بایستی کلام مسیح در شما، افکار و اعتقادات، انگیزه‌ها و خواهش‌ها، حالتها و احساسات، کلام و کارهایتان را کنترل کند. عیسی هشدار داد " هرکه این سخنان مرا شنیده و به آنها عمل نکرد به مردی نادان ماند که خانه خود را بر ماسه بنا نهاد " (متی ۷: ۲٦) اگر شما فقط دانش کلام مسیح را جمع آوری کنید و در فکر، قلب و رفتارتان به آنها عمل نکنید حیات آن در زندگی شما فروکش می‌کند ومتلاشی می‌شود. باید اجازه دهید کلام مسیح بزرگترین نفوذ را در زندگی شما داشته باشد. کلام مسیح بایستی تاثیر عمده‌ای داشته باشد و اعتقادات و باورهای شما را تعیین کند. بایستی تاثیر عمده‌ای داشته باشد و انگیزه‌ها و حالتهایی را که ابراز می‌کنید، تعیین کند. آنچه که می‌گویید و آنچه زندگیتان را وقف آن می‌کنید، تعیین کند. فقط در اینصورت کلام مسیح درشما می‌ماند.

۲- آیا می‌توانید هرچه آرزو دارید بطلبید؟

بله، اما اگر مسیحی واقعی هستید هر آرزویی که دارید نمی‌طلبید. چون می‌دانید بعضی چیزها خدا را خشنود نمی‌کند. اگر در مسیح بمانید و اجازه دهید کلام مسیح در شما بماند فقط چیزهایی را خواهید طلبید که منطبق با اراده مسیح باشند. چیزهایی را که خلاف شخصیت یا خلاف اراده مکشوف مسیح در کتاب مقدس باشد، نخواهید طلبید. عیسی با یقین از خدا چیزها را طلبید اما اضافه کرد " اراده تو انجام شود " (لوقا ۲۲: ٤۲). هرگاه از خدا بطلبید که اراده اش به انجام رسد، دراین صورت همیشه خدا به شما پاسخ میدهد و سپس اراده اش همیشه به انجام خواهد رسید. هرگاه چیزهایی را بطلبید که برطبق اراده خدا باشد می‌توانید با اطمینان زیاد دعا کنید (اول یوحنا ۵: ۱٤). برای مثال، اگر چیزهایی را بطلبید که طمع شما را ارضاء می‌کند یا به شما قدرت خودخواهانه و شهرت دنیوی می بخشد، خدا به دعای شما پاسخ نخواهد داد. اما اگر کوشش می‌کنید همیشه درمسیح بمانید و خودتان را ملزم می‌کنید تا تحت تسلط کلام مسیح باشید، می‌توانید با اطمینان زیاد دعا کنید. دعاهای شما شنیده خواهد شد وموثروپرقدرت خواهد بود. یعقوب ۵: ۱٦ می‌گوید " دعای مرد عادل درعمل قدرت بسیار زیاد دارد".

ب – حفظ کردن و مرور کردن

۱ - **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی یك کارت سفید یا روی یك صفحه از دفترچه یادداشت خود بنویسید.
۲ - **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس رابه روش صحیح حفظ کنید. دعا – یوحنا ۱۵: ۷
۳ - **مرور کنید:** به گروههای دو نفره تقسیم شوید و آخرین آیه حفظی را از یکدیگربپرسید.

٤	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **ویژگی های ارتباط مسیحی با جنس مخالف چیست؟ اول تسالونیکیان ٤: ۱ – ۸**

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، اول تسالونیکیان ٤: ۱ – ۸ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید **بخوانید:** اول تسالونیکیان ٤: ۱ – ۸ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت یك آیه بخوانید تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار میدهد؟
بنویسید: يك يا دو حقیقتی را که درك میکنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان میگذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان میگذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

<u>کشف ۱)</u> يك حقیقت مهم از نظر من در اول تسالونیکیان ٤: ٣ است. <u>مسیحیان بایستی از فساد جنسی اجتناب کنند.</u>
کتاب مقدس میگوید " این است اراده خدا ... تا از زنا بپرهیزید ". ما در دورهای زندگی میکنیم که فساد جنسی رو به افزایش است. تعداد شاگردان در مدارس که روز به روز درگیر این مسئله میشوند بیشتر و بیشتر میشود. کتابهای جیبی ارزانی در خیابانها فروخته می شوند که عکسهای غیراخلاقی را نشان میدهند و درخانه هایی که تلویزیون دارند فیلمهای جنسی غیر اخلاقی پخش میشوند. با وجود این حقیقت که مسئولین از" رابطه جنسی مطمئن " (استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری) دفاع میکنند، سقط جنین نوجوانان افزایش چشمگیری در سرتاسر جهان نشان میدهد. الگوهای سنتی رابطه با جنس مخالف با الگوهای جدیدی جانشین شده اند که شامل هیچ نوع محدودیت جنسی نمیشوند. نوجوانان و حتی بسیاری از بزرگسالان خطرات فساد جنسی را نمیدانند. آنها نمیفهمند که حتی آنچه " رابطه جنسی مطمئن " نامیده میشود به هیچ وجه قابل اطمینان نیست. اغلب جوانان نمیدانند که چگونه با جنس مخالف رابطه دوستی برقرار کنند. تنها نمونههایی که دارند اغلب فیلم های غیراخلاقی و کتابهای جیبی و نمونههایی از دوستان فاسدشان است. درهر صورت میخواهم اصولی را که درکتاب مقدس تعلیم داده شده، یاد بگیرم.

<u>کشف ۲)</u> يك حقیقت مهم از نظر من در تسالونیکیان ٤: ١ است. <u>به مسیحیان آشکارا تعلیم داده شده است که چطور زندگی کنند تا خدا از آنها راضی باشد.</u>
کتاب مقدس میگوید " چنانکه از ما یافتهاید که به چه نوع باید رفتار کنید و خدا را راضی سازید " این عبارت خیلی واضح میگوید که مردم نمیتوانند آنطور که دوست دارند زندگی کنند بخصوص در زمینه رابطه با جنس مخالف. این قسمت از کتاب مقدس خیلی واضح به من تعلیم میدهد که چطور با جنس مخالف ارتباط داشته باشم تا خدا راضی باشد.
تنها چیزی که خدا را خشنود میکند تقدس ما است و تقدس ما درارتباط با جنس مخالف شامل چهار چیز است:
۱) نخست از فساد جنسی اجتناب کنیم.
۲) دوم یاد بگیریم که جسم خود را کنترل کنیم.
۳) سوم زنی برای خود بیابیم.
٤) چهارم هیچ برادری را درزمینه فساد جنسی به اشتباه نیندازیم.
میخواهم به تعلیم این حقایق به جوانان سرتاسر دنیا ادامه دهم تا آنها یاد بگیرند که چگونه خدا را راضی کنند.

<u>قدم ۳: سؤال کنید</u>
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینههای مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به اول تسالونیکیان ٤: ١ – ٨ را درك کنیم و در مورد آنچه نمیفهمیم، سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام ازافراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. درادامه نمونههایی از سؤالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) (اول تسالونیکیان ٤: ١ – ٢) چه تفاوتی میان فساد جنسی و زنا است؟
ملاحظات: عبرانیان ١٣: ٤ میگوید " ازدواج به هر وجه محترم باشد و بسترش پاك زیرا که فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد فرمود ".
زنا یعنی ارتکاب هر نوع عمل جنسی با همسر شخص دیگر، که دخالتی غیر مجاز در ازدواج شخص دیگرمحسوب شده و زانی یکی از شریکان مقصردر انجام طلاق است.

فساد جنسی، هر نوع عمل جنسی با شخص دیگر درکنار همسرتان است. شامل عمل جنسی در فکر، در تمایلات شهوانی و یا در حرف زدن است.
هر دوی این کلمات همچنین می‌توانند اشاره ای در مورد ارتداد نسبت به خدا و بت پرستی باشند، که فساد روحانی یا زنای روحانی است. نتیجه اینکه کتاب مقدس خیلی واضح تعلیم می‌دهد که تنها رابطه جنسی مجاز، رابطه شما با شریك جنسی خودتان و فقط پس از ازدواج است. کتاب مقدس هشدار می‌دهد که خدا زانیان و همه کسانی را که از نظر جنسی فاسد هستند داوری خواهد کرد.
تعلیم دهید: اول تسالونیکیان ٤: ٣ – ٤ میتواند به دو طریق فهمیده شود:
الف) " زیرا این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما تا از فساد جنسی دوری کنید تا هرکسی از شما بداند چگونه باید ظرف خویشتن را کنترل کند. " منظور از ظرف، بدن خودتان است.
ب) " زیرا این است اراده خدا یعنی قدوسیت تا از زنا بپرهیزید تا هرکسی از شما بداند چگونه باید ظرف خویشتن را در قدوسیت و عزت دریابد." منظور از ظرف، همسر خودتان میباشد.

سؤال ٢) (اول تسالونیکیان ٤: ٣ – ٤) چطور یاد بگیرم که برجسم خود تسلط داشته باشم؟
ملاحظات:
١) *یاد بگیرید که زبان خود راکنترل کنید.*
بخوانید: افسسیان ٥: ٣ – ٤ " اما زنا و هرناپاکی و طمع درمیان شما هرگز مذکور هم نشود چنانکه مقدسین را می‌شاید و نه قباحت وبیهوده‌گویی و چرب‌زبانی که اینها شایسته نیست بلکه شکرگزاری".
در ارتباط با زبان، کلمه فساد جنسی استفاده شده است. قباحت، گفتاری زشت مانند غیبت در مورد زندگی جنسی مردم یا استفاده از کلمات جنسی در فحاشی است. بیهوده‌گویی، گفتن جوکهای زشت یا جوکهایی با مفهوم جنسی است. مسیحیان بایستی روابط سالم جنسی را به فرزندانشان تعلیم دهند و درمورد نحوه ایجاد روابط جنسی درچارچوب ازدواج به طور جدی گفتگو کنند. به هرحال غیبت کردن یا گفتن جوك جنسی، فساد جنسی است. حتی نباید اشاره ای به غیبت کردن یا گفتن جوك درمورد مسائل جنسی میان مسیحیان باشد.

٢) *یاد بگیرید چشمان خود را کنترل کنید.*
بخوانید: ایوب ٣١: ١ " با چشمان خود عهد بسته‌ام پس چگونه بر دوشیزه‌ای نظر افکنم؟ "
تمام مردان دنیا با چشمان خود وسوسه می‌شوند اگر مردی زنی را ببیند که درست لباس نپوشیده یا اینکه آبرومندانه بدنش را نپوشانده، وسوسه می‌شود افکار جنسی فاسد داشته باشد. وقتی مردان به مجلات با تصاویر زنان فاسد نگاه کنند، ممکن است وسوسه شوند که افکار جنسی فاسد داشته باشد. اغلب اوقات فساد جنسی از آنچه می‌بینید شروع می‌شود و به دنبال آن، افکار فاسد در فکرتان شروع می‌شود. نبرد برعلیه فساد اخلاقی با آنچه می‌بینید، آنچه می‌شنوید و آنچه فکر می‌کنید شروع می‌شود. به همین خاطر خدا این کلمات را در کتاب مقدس می‌نویسد " با من عهد ببندید که شهوت‌آلود به زنی نگاه نکنید." با خدا عهد ببندید که از مکانهایی که زنان فاسد به نمایش گذاشته می‌شوند اجتناب کنید. از نگاه کردن به مجله‌ها یا فیلم‌های غیراخلاقی جنسی و خواندن کتابهای فاسد خودداری کنید. با خدا پیمان ببندید که وقتی با چنین افراد یا عکس‌هایی مواجه می‌شوید به خود اجازه ندهید که نگاهتان، حتی چند ثانیه به طول بکشد.

٣) *یاد بگیرید قلب و فکرتان را کنترل کنید.*
بخوانید: امثال سلیمان ٦: ٢٥ " در دلت مشتاق جمال وی مباش و از پلکهایش فریفته مشو".
خدا اغلب زنان دنیا را زیبا آفریده است. بعضی زنان از زیبایی خود سوء استفاده می‌کنند تا مردان را به فساد جنسی بکشانند و از طریق لباس پوشیدن، حرکت دادن اندامشان یا اشاره با چشمهایشان مردان را به سوی فساد جنسی فریب میدهند. فاحشه‌ها در سرتاسر دنیا ضعف خود و ضعف مردان را می دانند. مرکز کنترل داخلی انسان قلب او است. قلب ما، *افکار*، خواهش‌های *قلبی*، انتخابات و تصمیم‌گیری‌های *اراده* ما را کنترل می‌کند. گرچه بارها پیش می‌آید که نمی‌توانید این جور زنها را نبینید ولی می‌توانید تصمیم بگیرید که هرگز به آنها خیره نشوید. کتاب مقدس می‌گوید، به زیبایی و تلاش آنها برای تسخیر شما حتی توجه نکنید. به قلبتان اجازه ندهید تا مشتاق آنها شود. اجازه دهید که روح‌القدس در شما زندگی کند تا فکر و قلب شما را تحت کنترل خود دربیاورد. کتاب مقدس در دوم قرنتیان ١٠: ٥ می‌گوید ما باید " هرفکری را به اطاعت مسیح اسیر سازیم ".

٤) *یاد بگیرید که پایهایتان را کنترل کنید.*
بخوانید: امثال ٥: ٧ – ١٠ " الآن ای پسرانم مرا بشنوید و از سخنان دهانم انحراف مورزید. طریق خود را از او دورساز و به در خانه او نزدیك مشو. مبادا عنفوان جوانی خود را به دیگران بدهی و سالهای خویش را به ستمکیشان و غریبان از احوال تو سیر شوند و ثمره محنت تو به خانه بیگانه رود".
هرشهری در دنیا فاحشه‌ها و زن بازانی دارد. هر دهاتی زنان و مردان بدنام دارد. شما معمولاً می‌دانید که آنها کجا زندگی می‌کنند و درکجاها راه می‌روند و سعی می‌کنند مردم را به تله بیندازند. از این مکانها دوری کنید. کتاب مقدس می‌گوید " راه خود را از او دور کنید و نزدیك خانه او نروید ". از مناطق آلوده، مشروب فروشیها، سالن‌های ماساژ،

دیسکو و کلوب‌هایی که این اشخاص منتظر به دام انداختن شما هستند دوری کنید. از دوستی با دختران و پسران بدنام مدرسه خود اجتناب کنید. بایستی یاد بگیریم پایهای خود را کنترل کنیم و از رفتن به نزدیکی این مکانها خودداری کنیم.

٥) *یاد بگیرید دستهایتان را کنترل کنید.*
بخوانید: امثال ٥: ١٥ – ٢١ " آب را از منبع خود بنوش و نهرهای جاری را از چشمه خویش، جویهای تو بیرون خواهد ریخت و نهرهای آب در شوارع عام و از آن خودت به تنهایی خواهد بود و نه از آن غریبان با تو. چشمه تو مبارك باشد و از زن جوانی خویش مسرور باش مثل غزال محبوب و آهوی جمیل پستانهایش تو را همیشه خرم سازد و از محبت او دائماً محفوظ باش لیکن ای پسر من چرا از زن بیگانه فریفته شوی؟ و سینه زن غریب را دربرگیری؟ زیرا که راههای انسان در مد نظر خداوند است و تمامی طریقهای وی را می‌سنجد".
ویژگی شیوه جدید ارتباط با جنس مخالف، چه علنی و چه غیر علنی، نامحدود بودن آن است. مردم فکر می‌کنند می‌توانند هر کاری که دوست دارند و بدون در نظر داشتن عواقب آن انجام دهند. پس بسیاری از جوانان دستهایشان را کنترل نمی‌کنند و وقتی با جنس مخالف تنها هستند اعضاء بدن او را لمس می‌کنند و حتی دستهایشان را به زیر لباس آن شخص می‌برند. لمس کردن مردان معمولاً به آسانی باعث وسوسه کردن زنان نمی‌شود، پس مردان باید یاد بگیرند که دستهایشان را کنترل کنند. درست مثل قوانین کشوری، که محدودیتهای زندگی اجتماعی را شرح می‌دهند و مثل قوانین ترافیك، که محدودیتهای رانندگی با احتیاط را توضیح می‌دهند، کتاب مقدس محدودیتهای رابطه جنسی را توضیح میدهد. بایستی یاد بگیریم که دستهایمان را کنترل کنیم و یکدیگر را فقط مقدس و شرافتمندانه لمس کنیم.

سؤال ٣) (اول تسالونیکیان ٤: ٣- ٤) <u>چطور یاد بگیرم که زنی برای خود بدست بیاورم؟</u>
ملاحظات: به علت تمام موارد بالا *مسیحیان باید یاد بگیرند که به روشی متفاوت با غیرمسیحیان با جنس مخالف ارتباط برقرار کنند.* کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که مرد جوان بایستی برای خود همسری بدست آورد. اما کتاب مقدس صریح تعلیم می‌دهد که مردان نبایستی با شهوت جنسی همسرخود را پیدا کنند. خدا فرمان داده است که پیدا کردن همسر بایستی به روشی مقدس و شرافتمندانه و نه با شهوت جنسی اتفاق بیفتد. روش " مقدس " یعنی روشی متفاوت و جدا از روش گناه‌آلود دنیا. راه " شرافتمندانه " راهی است که مورد احترام خدا و سایر مردم است. خدا نباید راه همسر یافتن شما را محکوم کند و سایر مردم هم نبایستی به روش همسر یافتن شما تهمت بزنند. در طی دوران آشنایی قبل از ازدواج مرد و زن بایستی نسبت به جسم خود پرهیزگاری داشته باشند. بایستی زبان، چشم، فکر، پا و دستان خود را پاك کنند. خدا شخصی است که محدودیتهای بین زن و مرد را تعیین می کند. خدا دستور داده است که مرد و زن چه کارهایی را در دوران آشنایی و معاشرت برای ازدواج (که امروزه نامزدی نامیده میشود) **نباید** انجام دهند. مردان و زنان بایستی از فساد جنسی اجتناب کنند.

سؤال ٤) <u>چه محدودیتهایی را باید در ارتباط با جنس مخالف رعایت کنم؟</u>
ملاحظات: مسیحیان بایستی در ارتباط با جنس مخالف محدودیتهایی را تعیین کنند. والدین مسیحی و رهبران مسیحی بایستی این محدودیتها را به مردان و زنان جوان بیاموزند. وقتی جوان مسیحی شروع به معاشرت با شریك احتمالی زندگی خود می‌کند بایستی محدودیتهای مهمی را با یکدیگر تعیین کنند و باهم به توافق برسند که آنها را رعایت کنند. توافق آنها بایستی شامل محدودیتهای واضح در چهار زمینه زیر باشد. بایستی با یکدیگر معیارهایی تعیین کنند که در روابط خود حفظ خواهند کرد. بایستی در مورد موضوعات زیر با یکدیگر گفتگو کنند وبرای سؤالات زیر پاسخی پیدا کنند.
١) *<u>زمان</u>* – چه وقت همدیگر را ملاقات کنید؟ به چه فواصلی همدیگر را ملاقات کنید؟ ملاقات شما با یکدیگر چه مدت طول میکشد؟ درچه ساعتی باید ملاقات شما پایان یابد؟
٢) *<u>مکان</u>* – کجا همدیگر را ملاقات کنید؟ به چه مکانهایی می‌توانید بروید؟ به چه مکانهایی نخواهید رفت؟
٣) *<u>فعالیتها</u>* – چه کارهایی را باهم انجام می دهید؟ چه چیزهایی را باهم انجام نخواهید داد؟ قبول کنید که هر کاری می‌کنید خدا دارد می‌بیند.
٤) *<u>تماس جسمی</u>* – آنچه " روابط جنسی مطمئن " (استفاده از وسایل پیشگیری) نامیده شده است به هیچ وجه قابل اطمینان نیست. اغلب نه فقط در زمینه جسمی مطمئن نیست، بلکه قطعاً در زمینه روحانی نیز قابل اطمینان نمی باشند. کتاب مقدس بر خویشتن‌داری قبل از ازدواج اصرار می‌کند. مردم بایستی در مقابل خدا بپذیرند که قبل از ازدواج تحت هیچ شرایطی با همدیگر ارتباط جنسی و همخوابگی نخواهند داشت. مرد و زن بایستی معیارهای واضحی برای ارتباط خود تعیین کنند و این معیارها بایستی کاملاً براساس کتاب مقدس باشند. مرد و زن بایستی با همدیگربه سؤالات زیر پاسخ دهند. برطبق معیار خدا در کتاب مقدس چه تماس جسمی باید با همدیگر داشته باشیم؟ چه تماس جسمی نباید داشته باشیم؟ از نظر فرهنگی، چه تماس جسمی که حتی کتاب مقدس هم اجازه آن را داده، پذیرفته نیست؟ چه نوع تماسی طرفین را بنا می‌کند؟ چه نوعی تماسی، حتی اگر کتاب مقدس هم اجازه آن را داده، به طرف مقابل کمکی نمی‌کند؟
نتیجه – روشی که مردان و زنان مسیحی با جنس مخالف برقرار می‌کنند بسیار با روشهای غیر مسیحیان متفاوت است. کتاب مقدس دستور داده است که مردان و زنان مسیحی از راهی مقدس و آبرومندانه و نه به طریق شهوات جنسی با

یکدیگر ارتباط برقرار کنند. هر کس که این دستورالعمل را از جانب خدا رد می‌کند خدا را نیز رد کرده است (اول تسالونیکیان ٤: ٨).

سؤال ٥) (اول تسالونیکیان ٤: ٦) برادری که با او رفتار ناشایست شده چه برادری است؟
ملاحظات: هرگاه مردی آنچه خدا قدغن کرده انجام می‌دهد و با زنی رابطه ناپاك و قبیح داشته یا برای آشنایی ازدواج از طریق شهوات جسمانی مانند آنچه اغلب غیرمسیحیان می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کند، نسبت به برادر خود رفتاری ناشایست داشته است. این برادر که ناشایسته با او رفتار شده، ممکن است پدر آن زن، برادر آن زن و یا شوهر آینده او باشد. مسئولیت اصلی به عهده آن فرد است و در رابطه جنسی با آن زن، نقش فعال را داشته است. اگربا آن زن رابطه جنسی داشته باشد یا با او به طریق شهوت جسم ارتباط آشنایی ازدواج برقرار کند، در هر صورت نسبت به مردانی که خویشاوندان این زن هستند رفتاری ناشایست داشته است. او به ناحق از آن برادران سوء استفاده کرده، به آبروی آنان لطمه زده و شوهر آینده آن زن را از داشتن همسری باکره محروم کرده است. به هر حال کتاب مقدس به این برادران اجازه انتقام نمی‌دهد چون انتقام فقط از آن خداوند است (رومیان ١٢: ١٧ – ٢١). هرگاه مسیحیان مرتکب فساد جنسی شوند، بایستی آنچه انجام داده‌اند را درك کنند واقعاً پشیمان شده و گناه خود را به خدا اعتراف کنند. زنان و مردانی که مرتکب گناه فساد اخلاقی یا زنا شده‌اند در صورت اینکه به سوی عیسی مسیح بازگردند و صادقانه از گناهانشان توبه کنند، می‌توانند بخشیده شوند و در زندگیشان شروع کاملاً تازه‌ای را تجربه کنند .

<u>**قدم ٤: به کاربرید**</u>
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس اول تسالونیکیان ٤: ١ – ٨ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.
(فهرست زیرنمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>**نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر (اول تسالونیکیان ٤: ١ – ٨)**</u>

- ٤: ١ کتاب مقدس را با این سؤال بخوانید " چطور زندگی کنم تا خدا از من خشنود باشد؟ "
- ٤: ١ برای اینکه زندگی من بیشترو بیشترخدا را خشنود سازد چه تغییراتی باید ایجاد کنم؟
- ٤: ٣ برای اجتناب از فساد جنسی چه باید بکنم؟
- ٤: ٤ چه باید انجام دهم تا بهتر جسمم را کنترل کنم؟
- ٤: ٤ اگر هنوز ازدواج نکرده‌ام چطور می‌توانم به روشی مقدس و شرافتمندانه همسری بدست آورم؟
- ٤: ٥ چطور می‌توانم از تمام شهوات جسمی که همراه با شیوه زندگی غیرمسیحیان است اجتناب کنم؟
- ٤: ٦ اگر نسبت به زن یا برادری در زمینه فساد اخلاقی رفتاری ناشایست داشته‌ام می‌توانم از این گناه توبه کنم، بخشیده شوم و در زمینه ارتباط با جنس مخالف، شروع تازه و پاکی داشته باشم.
- ٤: ٧ می‌توانم این کلمات را " خدا شما را دعوت کرده تا زندگی پاکی داشته باشید " روی کارتی بنویسم و روی میزم بگذارم تا هر روز آن را ببینم.
- ٤: ٨ هیچوقت فراموش نمی‌کنم که اگر دستور خدا در مورد فساد جنسی و پاکی جنسی را رد کنم، خود خدا را نیز رد کرده‌ام.

<u>**نمونه هایی از کاربردهای شخصی**</u>

الف) می‌خواهم یاد بگیرم که چشمانم و افکارم را کنترل کنم. با خدا توافق کرده‌ام که شهوت‌آمیز به زنان و مردان نگاه نکنم و هرگاه افکارفسادآلود غیر اخلاقی وارد فکر من می‌شوند آگاهانه آنها را بیرون کنم.
ب) می‌خواهم به جوانان همه جا این تعلیم را آموزش دهم که ارتباط با جنس مخالف به شیوه مسیحی امکان‌پذیر است و شیوه عالی یافتن شریك زندگی آینده را به آنها یاد بدهم. می‌خواهم برای یافتن فرصت تاثیر گذاشتن بر دیگران، این بررسی کتاب مقدس را همراه با سایر جوانان انجام دهم.

قدم ٥: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در اول تسالونیکیان ٤: ١ – ٨ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ـ تعهد ـ متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با اول تسالونیکیان ٤: ١ – ٨ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٢ـ رازگاهان ـ هر روز نیمی از يك فصل را از قسمت اعمال رسولان ١٥: ١ – ١٨: ١٧ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٣ـ حفظ کردن ـ دعا ـ یوحنا ١٥: ٧ را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٤ـ دعا ـ در این هفته برای يك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ٥: ٣)
٥ـ آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل يك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۱۹

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) خدا از نظر اخلاقی کامل است

موضوع: خدا از نظر اخلاقی کامل است.
بخوانید: تثنیه ۱۰: ۱۷ – ۱۸ ؛ تثنیه ۱٦: ۱۸ – ۱۹

۱- خدا بی‌طرف است.

خدا از اغنیاء و قدرتمندان جانبداری نمی‌کند و نسبت به فقرا نیز تبعیضی نشان نمی‌دهد (لاویان ۱۹: ۱۵) او از هیچ نژاد خاصی طرفداری نمی‌کند اما با انسانها از هر نژاد، فرهنگ و موقعیت اجتماعی رابطه برقرار می‌کند (اعمال رسولان ۱۰: ۲۸ ، ۳٤– ۳۵).

۲- او هیچ رشوه‌ای را نمی‌پذیرد.

مزمور ۱۱۵، هشدار می‌دهد که بت‌پرستان یا انسانهایی که خدایان را می‌سازند سرانجام دقیقاً به شباهت "خدایانشان" خواهند شد. بت‌هایشان فاسد هستند چون با رشوه می توان جانبداری آنها نسبت به انسانها را خرید. بت‌پرستان و کسانی که خدایانشان را اختراع می‌کنند نیز فاسد می‌شوند چون با رشوه می توان جانبداری آنها را نیز نسبت به انسانها خرید. خدا را هرگز نمی‌شود با رشوه خرید. هیچکس نمی‌تواند طرفداری خدا را با دادن پول یا از طریق یك سازمان مذهبی یا انجام روزانه مراسم خاص مذهبی بدست آورد. هیچکس نمی‌تواند نظرخدای زنده را به خودش جلب کند و یا با انجام کارهای خوب یا هر وسیله دیگر منافع دنیوی بدست آورد. خدای زنده مطلقاً رشوه نمی‌پذیرد. انسان قادر به کنترل کردن خدای زنده نیست. خدای زنده با مردم نه براساس شرایط آنها بلکه براساس شرایط خودش ارتباط برقرار می‌کند.

۳- خدا از منافع ضعیفان دفاع می‌کند.

بسیاری از مردم دنیا به چیزهایی مثل " بقای بهترین‌ها " یا " این قدرت است که قوانین را وضع می‌کند " و یا "هرکس برای خودش" اعتقاد دارند. اینجور انسانها یتیمان، بیوه‌ها، سالمندان، زنان تنها و یا غریبه‌هایی که میان آنها زندگی می‌کنند استثمار می‌کنند و تحت فشار قرار می‌دهند. کارکردن وبرده‌سازی از بچه‌ها در دنیای مدرن رو به افزایش است. با بکارگرفتن ضعفا که دائماً ضعیف‌تر می‌گردند، ثروتمندان مدام پولدارتر می‌شوند. بیش از ۲٤۰۰۰ نفر هر روزه در اثر گرسنگی و سوء تغذیه می‌میرند. هر ساله بیش از ٦ میلیون کودك در اثر گرسنگی و سوءتغذیه می‌میرند. بیوه‌ها و سالمندان توسط فرزندان وملت خودشان روزبه روز بیشتر رو به فراموشی هستند. و غریبه‌ها و اقلیت‌ها روز به روز بیشتر تحت جفا قرار می‌گیرند. در قبال این رفتارهای ضد اخلاقی در بین همه قوم‌های جهان، خدای زنده از منافع ضعفا یعنی کسانی که تحت استثمار و ظلم قرار می‌گیرند حمایت میکند. برای کسانی که پدر زمینی ندارند او پدر آسمانی می‌شود و برای کسانی که روی زمین شوهری ندارند تا آنها را حمایت کند، حامی می‌شود. برای کسانی که غریبه هستند مدافع خاص آنها می‌شود. برای کسانی که تنها هستند دوست می‌شود. برای کسانی که به آغوش گرم نیاز دارند بازوانش را باز می‌کند (هوشع ۱۱: ۱ – ٤). خدا نسبت به مردم توجه دارد بخصوص نسبت به اینکه آنها غذا و لباس داشته باشند و سقفی بالای سرشان باشد. خدا ازتمام مسیحیان سرتاسر جهان استفاده می‌کند تا پایهای او شوند و به نزد کسانی بروند که تحت استثمار و ظلم هستند. برای کمك و بخشش به فقرا دستهای او باشند و دهان او باشند تا سخنان آرامش‌بخش و تشویق‌کننده به تهی دستان بگویند. سرانجام، در روز داوری نهایی، خدای زنده، تمام ظالمین، استثمارگران و زورگویان سرتاسر تاریخ زمین را تنبیه خواهد کرد.

٤- خدا دارای ارزشها و هنجارهای مطلق است.

بخوانید: مزمور ۳٤: ۱۵–۱٦ ؛ اشعیاء ۵: ۸ ، ۱۱ – ۱۲،۲۰ – ۲۳.
خدا برای تعیین ارزشها و هنجارها، دارای شیوه‌ای روحانی و اخلاقی است. خدا به طور مطلق از ناراستی، شرارت، بی‌انصافی، ناپاکی و خباثت به دور و جدا است. اما به همین اندازه و به صورت مطلق، خدا متعهد به راستی، نیکویی،

انصاف، تقدیس و پاکی است. شیوه ارزشگذاری خدا هیچگاه نسبی نیست و وابسته به شرایط و تغییر دورانهای انسان نمی‌باشد. شیوه اخلاقی و روحانی خدا مطلق است. هدف تمام کلمات خدا در کتاب مقدس این است که بگوید دقیقاً مفهوم آنها چیست. او می‌خواهد مردم سرتاسر تاریخ او را بشناسند و اراده او را درك کنند. شیوه ارزشگذاری خدا از طریق فرامین و احکام ممنوعه او بیان می‌شود. فرامین و احکام ممنوع خدا در هر فرهنگ ودر سرتاسر تاریخ جهان، ثابت باقی می‌ماند. پس شیوه ارزشگذاری خدا برای آنچه در هر دوره‌ای شایسته، نیکو و حقیقت میباشد، کانون ثابت و استاندارد نهایی است. هرکس که نسبت به ارزشها، هنجارها، فرامین و احکام ممنوعه خدا خطا ورزد در زمان حال آرامش را هرگز بدست نخواهد آورد و در آینده توسط خدا تنبیه خواهد شد. خدا برعلیه فرد شریراست، اما ازعادل جانبداری میکند (مزمور ٣٤: ١٥ – ١٦). بنابراین، هرکس که تسلیم شیوه ارزشگذاری خدا باشد و از فرامین و احکام ممنوعه او اطاعت کند، وجدان پاکی خواهد داشت، آرامش را بدست خواهد آورد و با امنیت بیشتری زندگی خواهد کرد. آنها می‌دانند خدای زنده در مورد آنها چه فکر می‌کند و از آنها می‌خواهد چطور رفتـارکنند.

پرستش کنید: خدا را با این عنوان که از نظر اخلاقی کامل است، پرستش کنید. در گروه های کوچك سه نفره پرستش کنید.

۳	**درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اعمال رسولان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اعمال رسولان ١٥: ١ – ١٨: ١٧) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٤	**تعلیم (۷۰ دقیقه)** **اولویتهای مسیحی**

الف – <u>اولویتها</u>

۱ - <u>یک اولویت چیست؟</u>

" اولویت " علاقه یا آن قسمت از زندگی که مدعی توجه نخست است و با توجه به وقت، ترتیب و یا اهمیت بالاتر از سایر علایق قرار می‌گیرد.

۲ - <u>آیا مجموعه مشخصی از اولویتها وجود دارند؟</u>

بسیاری از مسیحیان بر این باورند که چندین اولویت وجود دارد ولی بین ترتیب این اولویت‌ها اتفاق نظر ندارند. بعضی مسیحیان معتقدند که اولویت‌ها در وهله نخست خدا، دوم خانواده، سوم خدمت، چهارم کار و پنجم رشد شخصی است. این مسیحیان همیشه خانواده‌هایشان را بالاتر از خدمت خدا در جهان قرار می‌دهند. سایر مسیحیان معتقدند که اولویت‌ها در وهله نخست خدا، دوم خدمت، سوم کار، چهارم خانواده و پنجم رشد شخصی است. این مسیحیان همیشه خدمت خدا در جهان را بالاتر از سایر فعالیتهایشان قرار می‌دهند.

۳ - <u>خدا تنها اولویت ثابت است.</u>

مسیحیان در این مورد که چه قسمتهایی از زندگی اولویتهای نخست را دارند، با یکدیگراختلاف ندارند. کتاب مقدس صریح شرح می‌دهد که چه قسمتهایی از زندگی بیشترین اهمیت را دارند. کتاب مقدس این را نیز تعلیم می‌دهد که فقط خدا نخستین اولویت را دارد و اینکه خدا تعیین می‌کند در یك موقعیت خاص چه قسمتی از زندگی بایستی در اولویت قرار گیرد. دربعضی موقعیتهای خاص خدا تعیین می‌کند که خانواده مهمتر از خدمت است و در وضعیتهای خاص دیگر خدا، خدمت را مهمتر از خانواده می داند.

٤- <u>دیگر بخشهای زندگی نیز مهم هستند.</u>

مسیحیان بایستی مطمئن شوند که وقت و توجه درستی را به هر یک از پنج قسمت مهم زندگی خود اختصاص داده‌اند.

ب - <u>مهمترین قسمتهای زندگی</u>

کشف و گفتگو کنید:
۱) مهمترین قسمتهای زندگی چیست؟ خدا چه تعلیمی می‌دهد؟
۲) این قسمتها چگونه با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند؟ خدا چه تعلیمی می‌دهد؟

۱ – <u>ارتباط شما با کارتان</u>

الف) کشف و گفتگو کنید: کار (حرفه) شما چقدر اهمیت دارد؟
بخوانید: قسمتهای زیر را بخوانید.
ملاحظات:
۱) دوم تسالونیکیان ۳: ۱۰ ، بایستی کار کنید تا همسر، فرزندان و خودتان را تامین کنید.
۲) اول تیموتائوس ٦: ٨ ، اما وقتی نیازهای واقعی ضروری زندگی خود یعنی خوراك و پوشاك را بدست آوردید، قانع باشید.

ب) کشف و گفتگو کنید: خدا برای کارکردن محدودیتهایی قرار داده است.
با این وجود، در محدوده کارتان چه چیزی باید بیشتر در اولویت باشد؟
بخوانید: قسمتهای زیر را بخوانید.
ملاحظات: خدا نمی‌خواهد که شما تمام وقت و انرژی‌تان را صرف کار یا حرفه خود کنید. قسمتهای مهم دیگری نیز در زندگی وجود دارد که بایستی قسمتی از وقت و انرژی خود را صرف آنها کنید. با این وجود خدا می‌خواهد، شما در محدوده حرفه یا کارتان برای موارد زیر اولویت بیشتری قائل شوید.

۱) <u>پذیرش محدودیتها از سوی شما در چارچوب کار</u>
- مرقس ٨: ٣٦ ، گذراندن تمام زندگیتان در راه کار و حرفه خود، به جانتان ضرر نرسانید.
- امثال ٢٣: ٤ – ٥ ، برای ثروتمند شدن خودتان را از پا درنیاورید. حکمت داشته باشید و وقت و انرژی که صرف کار می‌کنید محدود کنید. مقداری از وقت و انرژی خود را برای سایر قسمتهای مهم زندگی ذخیره کنید. سایر قسمتهای مهم زندگی نباید آسیب ببینند.

۲) <u>ارتباط شما با خدا در محدوده کارتان</u>
- لوقا ١٠: ٣٨ – ٤٢ ، قبل از اینکه کار خود را شروع کنید به مشارکت شخصی با مسیح وقت بدهید.
- خروج ٢٣: ١٢ ؛ لاویان ٢٣: ٣ ؛ مرقس ٣: ٤ ، حداقل یك روز درهفته را به استراحت و فراغت از کار اختصاص دهید تا تجدید قوا کرده، با سایر ایمانداران به حضور خدا بروید و کارهای خوبی که خدا برای شما آماده کرده است انجام دهید.
- مزمور ١٢٧: ١ – ٢ ، برای داشتن حکمت، قوت، کفایت و نتایج کارتان به خدا توکل کنید.
- اعمال ٥: ٢٩ ، در محدوده کارتان بیشترین وفاداری را نسبت به خدا نشان دهید حتی اگر مجبور شوید درمقابل خواسته‌های شریرانه رئیستان مقاومت کنید.

۳) <u>خدمت خدا در محدوده کارتان</u>
- کولسیان ٣: ٢٢ – ٤: ١ ، در چارچوب کارتان هر خدمت شرافتمندانه‌ای را طوری انجام دهید، گویی آن را برای خداوند انجام می‌دهید و به روابط اداری در چارچوب کارتان احترام قایل شوید.
- اول تیموتائوس ٣: ٧ ، کارتان را با کیفیت ارائه کنید و در محیط کارتان در نزد مردم، برای خود اعتبار خوبی کسب کنید.
- متی ٦: ٣١ – ٣٣ ، به وسیله کارتان و در محیط کار خود، برای پیشبرد ملکوت (پادشاهی) و عدالت خدا جد و جهد کنید.

۲ – <u>ارتباط شما با خانواده‌تان</u>

الف) کشف و گفتگو کنید: خانواده شما (همسر و فرزندان) چقدر اهمیت دارند؟
بخوانید: قسمت زیر را بخوانید.
ملاحظات: کولسیان ٣: ١٨ – ٢١ (افسسیان ٥: ٢٢ – ٦: ٤) ، از قوانینی که خدا به همه خانواده‌ها بخشیده است اطاعت کنید.

ب) کشف و گفتگو کنید: خدا برای روابط خانوادگی محدودیتها و مرزهایی تعیین کرده است. با این وجود، در چارچوب خانوادگی شما چه چیزی باید بیشتر در اولویت باشد؟
بخوانید: قسمتهای زیر را بخوانید.
ملاحظات: خدا نمی‌خواهد که شما تمام وقت و انرژیتان را صرف روابط خانوادگی کنید. قسمتهای مهم دیگری نیز در زندگی وجود دارد که بایستی قسمتی از وقت و انرژی خود را صرف آنها کنید. با این وجود خدا می‌خواهد که شما در محدوده روابط خانوادگی برای موارد زیر اولویت بیشتری قائل شوید.

۱) <u>خدمت یا وظایف خاص شما نسبت به مسیح در چارچوب خانواده‌تان</u>

- تثنیه ٦: ٥ – ٧ ، کتاب مقدس را در محدوده خانواده مورد بررسی و گفتگو قراردهید و حقایق آن را بکار ببرید.
- افسسیان ٥: ٢٢ – ٣٣ ، روابط زناشویی خود را رشد دهید و از آن یك نمونه بسازید.
- افسسیان ٦: ٤ ، فرزندان خود را طبق تعلیم و دستور خداوند، یعنی در فهم و کاربرد حقایق کتاب مقدس، تربیت کنید .
- لوقا ٢: ٥٢ (افسسیان ٦: ١ – ٤) ، تمام قسمتهای مهم زندگی را در فرزندان خود رشد دهید.
- امثال ٢٣: ٢٢ – ٢٥ ، به فرزندان خود اطاعت، احترام، راستی، حکمت، عدالت و غیره را تعلیم دهید.

٢) <u>خدمت یا وظایف خاص شما نسبت به مسیح خارج از چارچوب خانواده</u>

- مرقس ١٠: ٢٩ – ٣٠ هر جا که عیسی مسیح شما را برای خدمت کوتاه مدت یا طولانی مدت خود دعوت می‌کند او را اطاعت کنید.
- اول تیموتائوس ٣: ٤ – ٥ ، ١٢ ، مدیریت صحیح خانواده‌تان مهمتر از مدیریت یا رهبری مسئولیتی در کلیسا است.

٣) <u>کار شما به منظور تامین خانواده‌تان</u>

- دوم قرنتیان ١٢: ١٤ ؛ اول تیموتائوس ٥: ٤ ، ٨ ، به تمام نیازهای واقعی خانواده‌تان توجه داشته باشید.

٤) <u>رابطه شخصی شما با خدا در چارچوب خانواده</u>

- متی ١٠: ٣٧ ، در محدوده خانواده‌تان بیشترین وفاداری را نسبت به خدا نشان دهید حتی بیش از عزیزترین اعضای خانواده‌تان.

٣ – <u>ارتباط شما با خدمتتان</u>

الف) کشف و گفتگو کنید: از نظر خدا چقدر خدمت شما اهمیت دارد؟
بخوانید: قسمت زیر را بخوانید.
ملاحظات: مرقس ١٠: ٤٥ ، مفهوم واقعی زندگی در خدمت کرد ن به مردم به خاطر عیسی‌مسیح است.

ب) کشف و گفتگو کنید: خدا برای خدمت مسیحی محدودیتهایی قائل شده است.
با این وجود، در چارچوب خدمت مسیحی چه چیزی باید بیشتر در اولویت باشد؟
بخوانید: قسمتهای زیر را بخوانید.
ملاحظات: خدا نمی‌خواهد که شما تمام وقت و انرژیتان را صرف فعالیتهای خاص یا خدمت مسیح در کلیسای محلی یا خارج از آن بکنید. قسمتهای مهم دیگری نیز در زندگی وجود دارد که بایستی قسمتی از وقت و انرژی خود را صرف آنها کنید. با این وجود خدا می‌خواهد که شما در محدوده خدمت مسیحی‌تان برای موارد زیر اولویت بیشتری قائل شوید.

١) <u>خدمت یا وظایف خاص شما نسبت به خدا در کلیسا</u>

- یوحنا ٤: ٢٣ – ٢٤ ، خدا را در روح و راستی بپرستید.
- یوحنا ١٣: ١٤ – ١٥ ، خدا را با خدمت کردن به مردم خدمت کنید، بخصوص در انجام کارهایی که هیچکس مشتاق یا قادر به انجام آنها نیست.
- یوحنا ١٣: ٣٤ – ٣٥ ، گسترش روابط مهمتر از اجرای فعالیتها و برنامه‌ها است.
- افسسیان ٤: ١٢ – ١٦ ، تمام مسیحیان گروه خود را، شاگردان عیسی مسیح بسازید و آنها را برای انواع مختلف خدمات که بدن مسیح را بنا می‌کنند تجهیز کنید.

۲) خدمت یا وظایف خاص شما نسبت به خدا در خارج از کلیسا

- دوم قرنتیان ۲: ١٤ – ١٦ ؛ ۳: ۲- ۳ ، شخصی باشید که دائماً بر انسانهای اطراف خود تاثیر مثبت می‌گذارد.
- متی ۱۰: ۳۲ – ۳۳ ، شاهد مسیح باشید، انجیل را موعظه کنید و حقایق کتاب مقدس را به دیگران تعلیم دهید.
- یعقوب ۱: ۲۷ ؛ ۲: ۱۵ – ۱۷ ، درخدمت بخشش به نیازمندان، مظلومین و غیره در دنیا شرکت کنید.

۳) خدمت یا ارتباط شخصی شما با عیسی مسیح

- یوحنا ۱۵: ۵ ، ارتباط شخصی خود را با مسیح گسترش دهید. اهمیت این ارتباط بیش از فعالیتهای خدماتی شما است، چون بدون داشتن ارتباط شخصی با مسیح، آوردن میوه واقعی و ماندنی غیرممکن است.

٤ – ارتباط شما با خودتان

الف) کشف و گفتگو کنید: رشد شخصی خودتان چقدر اهمیت دارد؟
بخوانید: قسمت زیر را بخوانید.
ملاحظات: مرقس ۱۲: ۳۱ (اشعیاء ٤۳: ٤) ، خودتان را آنطور دوست بدارید که عیسی مسیح شما را دوست دارد.

ب) کشف و گفتگو کنید: خدا برای رشد شخصی شما محدودیتهایی قرار داده است. با این وجود، در محدوده رشد شخصی‌تان چه چیزی باید بیشتر در اولویت باشد؟
بخوانید: قسمت زیر را بخوانید.
ملاحظات: خدا نمی‌خواهد که شما تمام وقت و انرژیتان را صرف رشد شخصی خود کنید. قسمتهای مهم دیگری نیز در زندگی وجود دارد که بایستی قسمتی از وقت و انرژی خود را صرف آنها کنید. با این وجود خدا می‌خواهد که شما در محدوده رشد شخصی خود برای موارد زیر اولویت بیشتری قائل شوید.

۱) مزمور ١٦: ۲ ؛ ۷۳: ۲۵ ، مواظب سلامت روحانی خود باشید. آرزومند چیزی نباشید مگر خدا.
۲) افسسیان ٥: ۲ ، سلامت روانی. در محبت سلوك كنيد.
۳) افسسیان ٥: ١٠، ۱۷ ، سلامت عقلانی. آنچه که خداوند را خشنود می‌سازد تشخیص دهید. به آنچه اراده خداوند است پی ببرید.
٤) اول قرنتیان ٦: ۱۹ – ۲۰ ، سلامت جسمانی. با جسم خود یعنی سلامتی، تناسب و ظاهرتان خدا را جلال دهید.
٥) اول قرنتیان ١٥: ۳۳ ، سلامت اجتماعی. از مشارکت بد اجتناب کنید چون اخلاق خوب شما را فاسد می‌کند.
٦) اول پطرس ۲: ۱۱ ، سلامت اخلاقی. از خواهشهای گناه‌آلود دوری کنید چون با نفس شما در جنگند.
۷) مزمور ٣٤: ۱۸ ، اجازه دهید که خدا دلشکستگی‌های شما یعنی جراحتهای روانی، ضعف‌ها، شکست‌ها و فقدانهای زندگی شما را درمان کند.
۸) خروج ۳۱: ۳ – ٥ ، توانایی‌های خدادادی خود را شکوفا کنید. استعدادهای خود را رشد دهید و خلاق باشید.
۹) افسسیان ٥: ١٥ – ١٦ (متی ٢٥: ١٥) ، از فرصتهای خدادادی به خوبی استفاده کنید.
۱۰) اول تسالونیکیان ٥: ۱۱ ، مردم را تشویق کنید و تشویق آنها را بپذیرید.

٥ – ارتباط شخصی شما با خدا

الف) کشف و گفتگو کنید: ارتباط شخصی شما با خدا چقدر اهمیت دارد؟
بخوانید: قسمت زیر را بخوانید.
ملاحظات: یوحنا ١٥: ٥ – ۸ ، در مسیح، در کلام مسیح و در محبت مسیح بمانید. بدون عیسی مسیح قادر به انجام کاری که دارای ارزش جاودانی باشد نیستید.

ب) کشف و گفتگو کنید: خدا برای ارتباط شخصی شما با خودش هیچ حد و حدودی قائل نیست. با این وجود، در ارتباط شخصی شما با خدا چه چیزی باید بیشتر در اولویت باشد؟
بخوانید: قسمت زیر را بخوانید.
ملاحظات: خدا نمی‌خواهد که شما تمام وقت و انرژیتان را صرف رشد ارتباط شخصیتان با او کنید. قسمتهای مهم دیگری نیز در زندگی وجود دارد که بایستی قسمتی از وقت و انرژی خود را صرف آنها کنید. با این وجود خدا می‌خواهد که شما در ارتباط شخصی خود با او برای موارد زیر اولویت بیشتری قائل شوید.

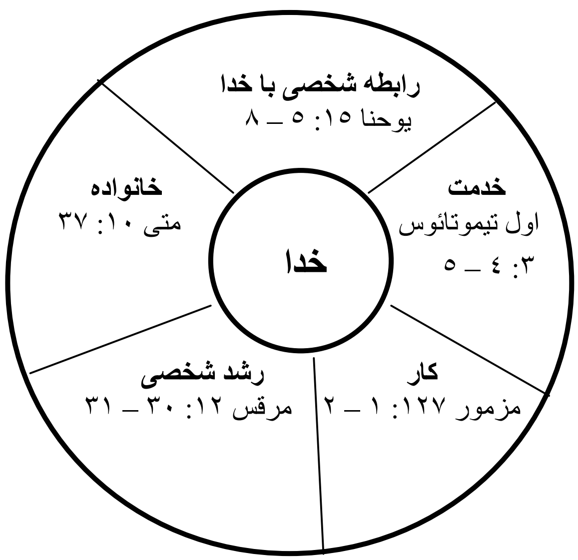
<u>وظایف خاص شما در ارتباط شخصی با عیسی مسیح</u>

- مکاشفه ۲: ٤ – ٥ - عیسی مسیح را در جای نخست قراردهید. هیچگاه محبت نخستین خود نسبت به عیسی‌مسیح را ترك نکنید.
- کولسیان ۲: ٦ – ۷ - مثل یك مسیحی زندگی و رشد کنید یعنی کاملا در مسیح ریشه دهید و در زندگی مسیحی خود پیشرفت قابل ملاحظه داشته باشید.
- کولسیان ۳: ۱٦ - اجازه دهید که کلام عیسی مسیح کاملاً در قلب و زندگی شما ساکن شود.
- متی ۷: ۲٤ – ۲۷ - تعلیم عیسی مسیح را در عمل به اجراء بگذارید و به سایر مردم منتقل کنید.
- متی ۷: ۷ – ۸ - هیچگاه دعا کردن را کنار نگذارید. از انجام هیچ اقدامی درارتباط با دعا کوتاهی نکنید. از استقامت در دعا دست نکشید.
- عبرانیان ۱۰: ۲٤ – ۲٥ - مرتبا سایر مسیحیان را برای مشارکت و یادگیری ملاقات کنید. همدیگر را به داشتن محبت در روابط و انجام کارهای خوب در خدمت ترغیب کنید.
- یوحنا ۱٥: ۱٦ - برای ثمر آوردن میوه در زندگی دیگران ابتکار داشته باشید.

٦ – **<u>خدا در تمام قسمتهای زندگی اولین اولویت را دارد.</u>**

بخوانید: متی ٤: ۱۰ فقط خدا را بپرستید. او را خدمت کنید. تمام قسمتهایی از کتاب مقدس که در بالا اشاره شد، نشان می‌دهند که خدا می‌خواهد او را در مرکز همه قسمتهای زندگییتان قرار دهید. **خدا** در همه قسمتهای زندگی شما تنها اولویت همیشگی است. پس در مورد اولویتها فهرستی وجود ندارد تا تعیین کند شما چگونه زندگی، وقت و انرژیتان را به آنها اختصاص دهید. بلکه این **خدا** است که در هر موقعیت خاص تعیین می‌کند شما چگونه زندگی وقت و انرژیتان را اختصاص می‌دهید. خدا دوست دارد از طریق سکونت روح‌القدس در قلبتان، در زندگی شما سلطنت کند.

خدا، پادشاه مقتدر همه قسمتهای زندگی شما است. نه فهرستی از اولویتها بلکه **خدا** است که باید تعیین کند که شما چگونه زندگی، وقت و انرژیتان را هر روزه اختصاص دهید.



۷ – **<u>برای هرچیز وقتی است.</u>**

شما چگونه بین این پنج اولویت و سایر چیزهای ضروری زندگی خود تعادل برقرار می‌کنید؟

۱) **<u>فعالیتها و وقت</u>**

کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس به ارتباط بین همه فعالیتهای شما و وقتتان چگونه نگاه می‌کند؟
بخوانید: جامعه ۳: ۱ – ۸ ؛ ۸: ٥ – ٦
ملاحظات: برای هرچیز وقتی هست.
حتماً اطمینان داشته باشید که به همه قسمتهای مهم زندگیتان وقت صحیح داده و توجه دارید.

۲) <u>کاری که خدا به شما محول کرده است کامل کنید.</u>

کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد کامل کردن وظیفه‌تان چه تعلیمی می‌دهد؟
بخوانید: قسمتهای زیر را بخوانید.
ملاحظات:

الف) اعمال رسولان ۲۲: ۱۰ ؛ ۲۰: ۲٤ ؛ دوم تیموتائوس ٤: ۷ - پولس کاری را که خداوند عیسی به او سپرد، به کمال رساند.

ب) مرقس ۱۳: ۳٤ ؛ اول قرنتیان ۳: ۵ ؛ افسسیان ٦: ۱۳ ؛ کولسیان ٤: ۱۷ - خدا به هر مسیحی وظیفه‌ای محول کرده است. او به مسیحیان در هر روز ۲٤ ساعت وقت داده است تا وظیفه خدادادی خود را به انجام رسانند. این چگونه انجام می‌شود؟

پ) مرقس ۱: ۳۵ ؛ یوحنا ۱۷: ٤ - گرچه عیسی همه بیماران را شفا نداد و انجیل را به تمام دنیا موعظه نکرد اما کاری که خدا به او سپرده بود به کمال رسانید. عیسی اینکار را چگونه کرد؟
عیسی برای انجام کارهای روزانه‌اش فهرستی نداشت. همانند گذشته، عیسی دعا می‌کرد و منتظر دستور خدا و قدرت انجام آن دستورات می‌ماند. در مشارکت روزانه‌اش با خدا عیسی یاد گرفت که اراده خدا را تمیز دهد و همینطور بین موضوعاتی که به عنوان مسائل فوری به او تحمیل می گردید و موضوعاتی که واقعا مهم بودند تمایز قائل می شد. پس او از فوریت های تحمیلی اجتناب کرده و موضوعات مهم را انجام می داد.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های درس " اولویتهای مسیحی " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت اعمال رسولان ۱۸: ۱۸ – ۲۱: ٤۰ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید. (افسسیان ۵: ۲۲ – ۳۳) " خصوصیات ازدواج مسیحی چیست؟ " از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)
۵ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۲۰

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اعمال رسولان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اعمال رسولان ۱۸: ۱۸ – ۲۱: ۴۰)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه)** **مشارکت - اول یوحنا ۱: ۷**

الف - تـــعمـــق

آیه حفظی: مشارکت - اول یوحنا ۱: ۷
متن آیه: " لکن اگر در نور درك نماییم چنانکه او در نور است با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر او عیسی مسیح ما را از گناه پاك می‌سازد. "

۱ – " نور" چیست؟
" نور" واژه‌ای برای شرح صفات یا ویژگیهای خدا است مثل محبت، عدالت، تقدس، مهربانی وغیره. عیسی مسیح خصوصیات خدا را قابل رویت ساخت. از پیروان عیسی مسیح دعوت شده است تا در نور سلوك کنند یعنی بر طبق ویژگی‌های خدا رفتار کنند.

۲ – فکر می‌کنید چرا خدا، مسیح و همینطور مسیحیان " نور" نامیده می‌شوند؟

الف) خدا " نور" نامیده می‌شود (اول یوحنا ۱: ۵) چون او منشاء تمامی حیات مادی و حیات روحانی است. او تمامی موجودات مادی که در سرتاسر هستی می‌شناسیم خلق کرده است. او با مرگ مسیح به ما حیاتی تازه داد.

ب) عیسی مسیح " نورجهان " نامیده شده است (یوحنا ۸: ۱۲) چون او شخصیت خدا، بخصوص صفات و ویژگی‌های او را برای ما آشکار کرد. ویژگی‌های پرجلال خدا از طریق عیسی مسیح به صورت فوق‌العاده ای در میان جهان درخشید. او معرفت را بر نادانان، حقیقت را برخطاکاران و حکمت را بر نادانان اعلام می کند. عیسی قدوسیت را برای ناپاکان، عدالت را برای شریران و محبت را برای کسانی که قلبشان با نفرت پر شده، آشکار می سازد. او شادی را بر غمگینان نمایان می سازد، به آنانی که می‌ترسند شجاعت می بخشد و نزدیکی و حضور خدا را به آنانی که تنها و مطرود هستند نشان می دهد.

پ) عیسی مسیحیان را " نور عالم " نامید (متی ۵: ۱۴). مسیحیان هرگز به خودی خود نور نیستند بلکه آنها ویژگی‌های خدا بخصوص تقدس، عدالت و محبت او را به جهان منعکس می‌کنند (افسسیان ۵: ۸).

۳ – مفهوم " مشارکت مسیحی " چیست؟
الف) مشارکت مسیحی به معنی داشتن ارتباط نزدیك، معاشرت و همکاری با خدا یعنی پدر و پسر و روح‌القدس (اول یوحنا ۱: ۳ ؛ اول قرنتیان ۱: ۹ ؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴) و با سایر مسیحیان جهان است (اول یوحنا ۱: ۷). مشارکت

مسیحی با مسیح بطور جداناپذیر با بدن مسیح یعنی اجتماع مسیحیان یا کلیسا ارتباط دارد (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ – ۱۳). مسیحیان خود را وقف تعالیم کتاب مقدس و دعاء، ملاقات یکدیگر به منظور مشارکت، کمك به همدیگر در رفع نیازها، خوردن غذا با هم و شریك کردن دیگران در پیغام انجیل میکنند (اعمال رسولان ۲: ۴۲ – ۴۷). مشارکت مسیحی نه فقط شامل ارتباطی نزدیك می‌شود بلکه از یك طرف مشارکت و سهیم شدن در برکات (غلاطیان ۶: ۹ – ۱۰) و از طرف دیگر شراکت در رنج‌ها است (فلیپیان ۳: ۱۰). مشارکت مسیحی شامل احساس قوی متعلق بودن به یکدیگرو دراختیار گذاشتن چیزهای خوب با یکدیگر است (دوم قرنتیان ۸: ۴).

ب) مشارکت و همکاری مسیحی هنگامی شروع می‌شود که شما بشارت را می‌شنوید و ایمان می‌آورید که عیسی مسیح به خاطر گناهان شما مرد و قیام کرد تا انسانها را از گناهانشان نجات بخشد (فلیپیان ۱: ۵). مسیحیان با بی‌ایمانان روابطی را برقرار نمیکنند که در بند عهد و پیمان باشند (دوم قرنتیان ۶: ۱۴). و اینکه مسیحیان همیشه درنور سلوك می‌کنند چون درغیر این صورت، داشتن مشارکت محال است (اول یوحنا ۱: ۷).

۴ – <u>معنی کلمات " خون عیسی مسیح " چیست؟</u>

" خون عیسی مسیح " ماده‌ای جادویی نیست که دارای نوعی قدرت خاص باشد. ایمان مسیحی جادوگری را رد می‌کند.
" خون عیسی مسیح " خونی است که برروی صلیب ریخته شده است. این عبارات سمبلی از مرگ عیسی مسیح برروی صلیب و همچنین برکت مرگ او برای ایمانداران است. مسیحیانی که درنور سلوك می‌کنند گناهان خود را اعتراف می‌کنند و بخشیده می‌شوند، چون عیسی مسیح قبلاً مجازات گناهان آنها را پرداخت کرده است.

ب - <u>حفظ و مرور کردن</u>

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی یك کارت سفید یا روی یکی از کاغذهای دفترچه یادداشت خود بنویسید.
۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را به شیوه صحیح حفظ کنید. مشارکت - اول قرنتیان ۱: ۷
۳- **مرور کنید:** به گروه‌های دونفری تقسیم شوید و آخرین آیه‌ای را که حفظ کرده‌اید از یکدیگر بپرسید.

۴	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **ویژگی‌های ازدواج مسیحی چیست؟ افسسیان ۵: ۲۲ – ۳۳**

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، افسسیان ۵: ۲۲ – ۳۳ را با یکدیگر بررسی کنید.

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲ – ۳۳ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه بخوانید تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

<u>کشف ۱)</u>
یك حقیقت مهم برای من در افسسیان ۵: ۲۲ ، ۲۵ است. " ای شوهران زنان خود را محبت نمایید چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود ... و ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را ". ازدواج بایستی از نظر خدا خیلی مهم باشد چون او در ازدواج مسیحی، رابطه بین زن و شوهر را با رابطه بین مسیح و کلیسای مسیحی مقایسه می کند. مسیح و کلیسا برای هر ازدواجی مسیحی نمونه هستند. هر ازدواج مسیحی توصیفی از مسیح و ارتباط او با کلیسای مسیحی

است. ازدواج مسیحی همیشه برای جهان شهادتی در مورد عیسی مسیح است. ازدواجهای مسیحی بایستی عیسی مسیح را جلال بدهند.

<u>کشف ۲)</u>
يك حقيقت مهم برای من در افسسیان ۵: ۳۱ است. " از اینجاست که فرد پدر و مادرخود را رها کرده به زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو يك تن خواهند بود ". در هر اجتماعی ازدواج يك اتفاق مهم اجتماعی به شمار میرود چون زمانی است که دو جوان والدین خود را ترك کرده و با هم خانواده جدیدی تشکیل میدهند. ازدواج به مرحله داشتن ارتباط خاص با والدینتان خاتمه داده و مرحله داشتن ارتباط خاص با شريك ازدواجتان را آغاز میکند.

<u>قدم ۳: سؤال کنید</u>
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینههای مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به افسسیان ۵: ۲۲ – ۳۳ را درك کنیم و در مورد آنچه نمیفهمیم، سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام ازافراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. درادامه نمونههایی از سؤالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) <u>ویژگیهای خاص يك ازدواج مسیحی چیست؟</u>
ملاحظات:
۱) <u>ازدواج ایده خدا و او مؤسس آن است.</u>
در زمان خلقت، خدا نیاز انسان به شريك زندگی را دید واو برای خلقت زن برای آدم، نخستین قدم را برداشت (پیدایش ۲: ۱۸ – ۲٤). خدا برای برقراری روابط زناشویی نیزنخستین قدم را برداشت. *قبل از* اینکه زن و مرد مرتکب گناه شوند، خدا ارتباط زناشویی را به صورت رابطهای خاص با ویژگیهای زیر بنیاد نهاده بود. در ازدواج مرد و زن حتماً خانوادههایشان را ترك میکنند. در ازدواج، *یک* مرد و *یک* زن با هم یکی میشوند و برای بقیه زندگیشان به هم می پیوندند. از هنگام ازدواج، رابطه جنسی موهبتی در چارچوب روابط زناشویی آنها میباشد (پیدایش۲: ۲٤). خدا نه تنها رابطه زناشویی را بنیان گذاشت بلکه بعد ازاینکه زن و مرد مرتکب گناه شدند باز هم به حفظ پیوند زناشویی ادامه داد. هم عیسی مسیح (متی ۱۹: ۱ - ٦) و هم پولس رسول (افسسیان ۵: ۳۱) تکرار میکنند که ازدواج هنوز هم پیوندی الهی است و بایستی برای آن پیوند از احکام خدا اطاعت کرد. در دوران عهد عتیق ازدواج تصویری از ارتباط بسیار نزديك بین خدا و قوم او اسرائیل بود (ارمیاء ۳). در دوران عهد جدید ازدواج تصویری از ارتباط بسیار نزديك بین عیسی مسیح و قوم او یعنی کلیسای مسیحی است (افسسیان ۵). گرچه فرهنگهای دنیوی پیوند اصلی الهی ازدواج را تغییر دادهاند، خدا هنوز هم مردم و تمام فرهنگها را دعوت میکند تا به سمت پیمان اصیل ازدواج بازگشت کنند.

۲) <u>پیمان زناشویی براساس تك همسری است.</u>
در تاریخ عهد عتیق چنین ثبت شده است که بعضی از افراد قوم بیش از يك همسر داشتهاند. تعدد زوجات در تاریخ عهد عتیق فقط موجب مسائلی نظیر حسادت، تبعیض و بتپرستی شدید شده است (پادشاه سلیمان، اول پادشاهان ۱۱: ۱ – ۱۱). تعالیم واضح عهد عتیق و عهد جدید چنین تعلیم میدهند که تعدد زوجات برخلاف هدف و پیمان الهی است. خدا هیچگاه برنامه نخستین خود در پیدایش ۲: ۲٤ را تغییر نمیدهد یعنی " و مرد به *زن خویش* خواهد پیوست و يك تن خواهند بود " خدا هیچگاه چنین نگفت که مرد با *زنان خود* یعنی به صورت جمع يك تن خواهد شد بلکه او با *زن خویش* یعنی به صورت مفرد يك تن خواهد شد. عیسی این فرمان را تکرار کرد. در متی ۱۹: ۵ گفت " شوهر و همسر يك تن خواهند شد ". او هیچگاه نگفت که شوهرباید با همسرانش يك تن شود. عیسی مسیح سایر مردم را از پیوستن به این اتحاد، بخصوص از اتحاد جنسی دررابطه زناشویی، حذف نمود. او تعدد زوجات و داشتن صیغه را ممنوع کرد. او زنا و داشتن رابطه عاشقانه با هر زن دیگر را قدغن کرد.

۳) <u>برای تمام طول زندگی، ازدواج در نظر گرفته شده است.</u>
در طی دوران عهد عتیق، موسی به مردم " به خاطر سختدلی خودشان " اجازه طلاق داد. اما موسی با طلاق موافق نبود. او فقط عملی شیطانی را در اسرائیل به صورت منظم درآورد که قبل از آن در بین قومهای اطراف وجود داشت و در اسرائیل نفوذ کرده بود. عیسی به وضوح تعلیم میدهد که طلاق از ابتدا شیوه خدا نبود. او دستور میدهد " آنچه را

خدا پیوست انسان جدا نسازد " (متی ۱۹: ۱ – ٦). خدا از طلاق متنفر است (ملاکی ۲: ١٤ – ١٦). کتاب مقدس فقط در دو مورد اجازه طلاق می‌دهد. نخست در موارد خیانت در ازدواج مثل فساد جنسی یا خشونت شدید (متی ۱۹: ۸ – ۹) و دوم در مواردی که یکی از زوجها غیر مسیحی باشد و زوج دیگر مسیحی شده باشد و شریك زندگی غیر مسیحی نخواهد با زوج مسیحی خود زندگی کند (اول قرنتیان ۷: ۱۲ – ١٦). اما چون ارتباط بین خدا و قومش یك ارتباط مبتنی برعهد است، ازدواج مسیحی نیز بایستی همیشه تا به آخر یك رابطه وفادارانه باشد.

٤) ازدواج موقتی است و فقط محدود به زندگی روی زمین است.
عیسی می‌گوید که هنگام بازگشت ثانویه او در قیامت نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند بلکه مثل ملائکه خدا در آسمان می‌باشند (متی ۲۲: ۳۰). پس ازدواج پیمان الهی *منحصر به روی زمین* است و نه در آسمان یا برروی زمین جدید. *ارزش ابدی* ازدواج روی زمین را بایستی دراین جستجو کرد که آن ازدواج چقدر به منعکس کردن و اعلام کردن مسیح بها می‌دهد، شخصیت مسیحی را پرورش می‌دهد و فرزندان تربیت می‌کند.

٥) ازدواج وضعیت عادی است اما برای همه بهترین وضعیت نیست.
ازدواج برای مسیحیان ورهبران مسیحی وضعیت عادی بشمارمی‌آید (اول قرنتیان ۹: ٥ ؛ اول تیموتائوس ۳: ۲). اما هم خداوند عیسی (متی ۱۹: ۱۰ – ۱۲) و هم پولس رسول (اول قرنتیان ۷: ۳۲ – ۳٥) برای آنانی که مجرد می‌مانند سخنان ویژه‌ای دارند. خدا بعضی را دعوت می‌کند تا در دوره خاصی از زندگیشان یا حتی در تمام زندگیشان مجرد بمانند تا برای خدا کار خاصی انجام دهند. خدا این اشخاص را دعوت می‌کند تا با وقفی کامل او را خدمت کنند. خدا به اشخاصی که مجرد می‌مانند وعده‌ای بسیار خاص می‌دهد یعنی آنها نسبت به کسانی که ازدواج می‌کنند و صاحب فرزندان می‌شوند، فرزندان روحانی بیشتری خواهند داشت. او وعده می‌دهد که می‌تواند از این اشخاص در کار ملکوت خدا اشخاص بسیار وفادار بسازد (اشعیاء ٥٤: ۱ – ٥).

٦) ازدواج رابطه‌ای است که بایستی در ملاء عام برقرار شود.
خدا برای ازدواج سه اصل ضروری قرار داد (پیدایش ۲: ٢٤). نخست اینکه شوهر و همسر او خانواده‌هایشان را ترك می‌کنند و دیگر به جای اینکه از نظر احساسی وابسته به والدینشان باشند به یکدیگر وابسته باشند. دیگر بایستی از نظر مالی وابسته به والدینشان نباشند بلکه خودشان مسئول درآمدشان باشند. دیگر نباید تحت سلطه اقتدار والدینشان باشند بلکه مطیع مقاماتی باشند که خدا قرار داده است. در صورت امکان دیگر نباید با والدینشان زندگی کنند بلکه ترجیحاً از آنها جدا زندگی کرده و خانواده خود را تقویت کنند. دوم اینکه شوهر و زن به یکدیگر بپیوندند. به یکدیگر قول بدهند که در سرتاسر زندگی‌شان نسبت به هم وفادار بمانند. سوم اینکه یك تن با یك بدن می‌شوند. اتحاد جسمی، اوج اتحاد روحانی، روانی و اجتماعی آنها است.
یك زوج با اعلام قصد ازدواج خود، آماده ترك والدینشان می‌شوند. سپس خود را آماده ازدواج آتی و مراسم ازدواج میکنند. درمراسم ازدواجشان قاطعانه والدینشان را ترك می‌کنند و خانواده‌های هر دو طرف و همچنین برادران و خواهران مسیحی و سایر دوستان شهادت می‌دهند که این دو نفر به یکدیگر قول داده اند که تا آخر عمر با یکدیگر ازدواج کرده، همدیگر را دوست داشته، نسبت به یکدیگر وفادار مانده و در تمام مسائل زندگی به همدیگر کمك کنند.
درکتاب مقدس ازدواج هیچگاه امری خصوصی یا سری نیست و همیشه به صورت اتفاقی است که در آن خانواده هر دو طرف نقشی را به عهده می‌گیرند. درزمان قدیم پیمان ازدواج شامل حق انتخاب همسر (پیدایش ۲۱: ۲۱)، دادن هدیه عوض به خانواده عروس (پیدایش ۲۹: ۱۸ ؛ ٣٤: ۱۲) و دادن هدیه به عروس و داماد می‌شد (پیدایش ٢٤: ٥۹ ، ٦۱ و اول پادشاهان ۹: ١٦).
مراسم ازدواج واقعه‌ای عمومی بود و شامل بعضی از عناصر زیر می‌شد: عروس و داماد لباس عروسی می‌پوشیدند (مزمور ٤٥: ۱۳ – ١٤). ساقدوش و دوستان داماد آنها را همراهی می‌کردند (مزمور ٤٥: ١٤ ؛ یوحنا ۳: ۲۹)، و برای مراسم آوردن عروس به همراه او به خانه داماد می‌رفتند (متی ۲٥: ۱ – ۱۳). ضیافتی برای آن ازدواج برپا بود که بعضی اوقات حتی یك هفته به طول می‌کشید (متی ۲۲: ۱ – ١٤ ؛ یوحنا ۲: ۱ – ۱۰؛ داوران ١٤: ۱۷) و جدی‌ترین بخش مراسم ازدواج بستن پیمان ازدواج بود که خدا خودش شاهد محسوب می‌شد (ملاکی ۲: ١٤ ؛ امثال ۲: ۱۷ ؛ حزقیال ١٦: ۸). فقط بعد از مراسم، ازدواج منجر به برقراری ارتباط جنسی می‌شود (پیدایش ۲۹: ۲۱ – ۳۱ ؛ تثنیه ۲۲: ۱۳ – ۲۱).

۷) ازدواج مسیحی با رابطه بین مسیح و کلیسا تعیین می‌شود.
کتاب مقدس دستور می‌دهد که شوهر سر زن باشد درست مثل مسیح که سرکلیسای مسیح است و مرد همسرش را دوست داشته باشد درست مثل مسیح که کلیسای مسیحی را دوست دارد. کتاب مقدس همینطور فرمان می‌دهد که زن مطیع شوهرش باشد و به شوهرش احترام بگذارد درست مثل کلیسای مسیح که بایستی مطیع مسیح باشد. ازدواج مسیحی نمایش قابل مشاهده‌ای از رابطه بین مسیح و کلیسای مسیح است (افسسیان ٥: ۲۲ – ۳۳). پس ازدواج مسیحی اعلام عیسی مسیح به جهان می‌گردد. با مشاهده یك ازدواج خوب مسیحی مردم دنیا بیشتر و بیشتر در مورد عیسی مسیح و قوم عیسی مسیح می‌آموزند. آنها نه تنها در مورد محبت خدا نسبت به خودشان می‌شنوند بلکه تصویر آن را در روابط یك

ازدواج مسیحی می‌بینند. آنها نه تنها در مورد خوشی ناشی از افزایش ارتباط با خدای زنده می‌شنوند بلکه نمونه‌ای از این خوشی را درنوع ارتباط یك ازدواج مسیحی می‌بینند و غیره. ارتباط در یك ازدواج مسیحی شهادتی قوی بر واقعیت و جذابیت ارتباط با عیسی مسیح است. هر ازدواج مسیحی می‌تواند تبدیل به سعی و تلاش برای بشارت دادن شود بخصوص وقتی خانه مسیحیان به روی مردم باز باشد و آنها بتوانند " بیایند و ببینند " که عملکرد آن خانواده مسیحی چگونه است.

سؤال ۲) **<u>مسئولیتهایی که از طرف خدا به شوهر و زن مسیحی سپرده شده است چیست؟</u>**

ملاحظات:

هرزن و هر مردی را خدا آفرید. خدا روابط ازدواج را زمانی برقرار کرد که زن را خلق نمود (پیدایش ۲: ۱۸ – ۲٤). پس خدا این حق را نیز دارد که مسئولیتهای زن و شوهر را نسبت به یکدیگر تعیین کند. او می‌داند که مخلوقاتش چگونه می‌توانند بهترین عملکرد را داشته باشند. فقط در صورتی شوهر و زن می‌توانند ازدواجی استثنایی داشته باشند که از مسئولیتهایی که خدا به آنها سپرده اطاعت کنند.

خدا به شوهر و زن اقتدار و مسئولیت داده است تا به یکدیگر **خدمت کنند**. اما خدا شوهر و زن را متفاوت خلق کرده است و چنین معین کرده است تا اقتدار و مسئولیتهای خدادادیشان را در خدمت به یکدیگر **بطور متفاوت آشکار کنند.** او میخواهد که شوهر خدمت خود را بخصوص در **بدست گرفتن ابتکار** در رابطه شان نمایان سازد. واوخواهان این است که زن خدمت خود را بخصوص در**دعوت از** شوهرش دریک رابطه گرم وقوی آشکار کند.

الف) <u>مسئولیتهای خدادادی شوهر مسیحی نسبت به همسرش، بخصوص محبت کردن او و رهبری او می‌باشد:</u>

۱) " **<u>محبت کردن</u>** " او یعنی نشان دادن علاقه‌ای فداکارانه نسبت به او، با تمام قلب او را پذیرفتن و کمك کردن به او برای اینکه تبدیل به بهترین شود. محبت عظیمترین ایثارگری و از خودگذشتگی قابل تصور میباشد. محبت به شکل زیبایی در اول قرنتیان ۱۳ بیان شده است. محبتی که حلیم است می‌تواند منتظر بماند. محبتی نیست که مهربانیش را به او تحمیل کند بلکه برای نشان دادن مهربانی خود نسبت به او منتظر می‌ماند. محبتی که مهربان است، محبتی است که کمك می‌کند و فرصت انجام کارهای خوب را از دست نمی‌دهد. محبتی که حسود نیست، در جایی که ضرورت داشته باشد قدردانی، تحسین و احترام خود را سخاوتمندانه نثار او می‌کند. محبتی که کبر ندارد، محبتی است که نسبت به ارزشها و مهارتهای خود متواضع است و سعی نمی‌کند آنها را به او خاطر نشان سازد. محبتی که غرور ندارد، محبتی است که در ارتباط با او، نسبت به قدرتها و ضعفهایش فروتن می‌باشد. محبتی که اطوار ناپسندیده ندارد، محبتی است که نسبت به او رفتارهای خوب نشان می‌دهد و مؤدب است. محبتی که نفع خود را طالب نیست، محبتی است که فداکارانه به جای خودش برای علایق او اولویت قائل است. محبتی که زود خشم نیست، محبتی است که لطمه‌ها و صدماتی که بعضی اوقات او ایجاد می‌کند با بردباری تحمل می‌کند و غیره.

۲) " **<u>رهبری کردن</u>** " او یعنی درست همانند رهبری کلیسا توسط مسیح، شوهر باید همسرش را مانند یك شبان هدایت کند، او را تغذیه کند، از او مواظبت و محافظت کند و در سختی‌ها او را حمایت کند. او باید مانند یك ناظر زنش را رهبری کند. او را به راههای خدا هدایت کند و نسبت به دارایی و فعالیتهای او توجه زیادی نشان دهد. او بایستی همسرش را همانند یك خادم رهبری کند و در مواقعی که بیشتر از همیشه به او نیاز دارد خدمتش کند.

ب) <u>مسئولیتهای خدادادی زن مسیحی نسبت به شوهرش، احترام کردن و اطاعت کردن از او می‌باشد:</u>

۱) " **<u>احترام گذاشتن</u>** " به شوهر یعنی اینکه زن نقطه نظر خود را به آرامی بیان کند و اجازه دهد که خدا از راه خودش عمل کند. نسبت به نصایح شوهربه دقت توجه می کند. شوهرش را در تصمیمگیری‌هایش دخالت می دهد و پیشرفتهایش را با او در میان می گذارد. یعنی به جای اینکه منتظر بماند تا شوهرش چیزی را از او بخواهد داوطلب است اولویت را به او بدهد. به معنی صبورانه به او گوش دادن است و اینکه سعی کند مشکلات و نقطه نظرات او را درك کند.

۲) " **<u>اطاعت کردن</u>** " شوهر به معنی این نیست که زن او را مانند یك برده اطاعت کند بلکه برای او مانند یك مددکارباشد (پیدایش ۲: ۱۸). اطاعت کردن او به صورتی است که زن تبدیل به بهترین عضو تیم او شود. به عنوان یکی از اعضاء تیم او، اطلاعات، پیشنهادات، نظریات خود و غیره را به او می‌دهد. او می‌تواند مسائل و نتایج آنها را با او درمیان بگذارد، با یکدیگر تصمیم بگیرند، کار را انجام دهند و با یکدیگر زحمت می‌بینند. اگر نتوانستند به توافقی منطقی دست یابند به عنوان آخرین چاره زن بایستی به شوهر اجازه دهد که تصمیم نهایی را بگیرد و مسئول عواقب تصمیم خود باشد.

وقتی که مرد زنش را چنین دوست بدارد و او را بدین صورت رهبری کند برای زن نیز سخت نخواهد بود که به او احترام بگذارد یا مطیع رهبری او در خانواده باشد.

قدم ٤: به کاربرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس افسسیان ٥: ٢٢ – ٣٣ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد مشخص بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.

(فهرست زیرنمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر (افسسیان ٥: ٢٢ – ٣٣)

- ٥: ٢٢ - **برای هردو -** زنان باید مطیع شوهرانشان باشند. اما موقعیتهایی هم وجود دارد که شوهر باید مطیع همسرش باشد (افسسیان ٥: ٢١). یك بررسی در مورد این موضوع انجام دهید که کلیسای مسیح چگونه از عیسی مسیح اطاعت می‌کند. آن را در مورد شریك ازدواجتتان به کار ببرید.
- ٥: ٢٣ - **برای شوهران -** در مورد اینکه عیسی مسیح چگونه سرکلیسا است و چگونه کلیسای مسیحی را رهبری می‌کند بررسی انجام دهید. آن را زن خود به کار ببرید.
- ٥: ٢٥ - **برای شوهران -** یك بررسی در این مورد انجام دهید که چگونه عیسی مسیح کلیسای مسیحی را محبت میکند وچگونه جان خودش را برای کلیسایش میدهد. آن را زنتان به کاربرید.
- ٥: ٢٦ – ٢٧ - **برای شوهران -** یك بررسی در این مورد انجام دهید که چگونه عیسی مسیح کلیسای مسیحی را پاك می‌سازد وآن را با سخنان خود شکوه و جلال میدهد. یعنی آن را بیشتر و بیشتر به شباهت مسیح در میآورد. آن را در رابطه با زنتان به کار ببرید.
- ٥: ٢٩ - **برای شوهران -** یك بررسی در این مورد انجام دهید که عیسی مسیح کلیسای مسیحی را تغذیه و مواظبت می‌کند. آن را در رابطه با زنتان به کار ببرید.
- ٥: ٣١ - **برای هر دو -** خودتان را در این مورد امتحان کنید که آیا هنوز در یك یا چند مورد وابسته به والدینتان هستید. به یکدیگر کمك کنید تا واقعاً والدین خود را ترك کرده و به یکدیگر بپیوندید.
- ٥: ٣٣ - **برای زنان -** یك بررسی در این مورد انجام دهید که چگونه درکتاب مقدس کلیسای مسیح احترام خود را به عیسی مسیح نشان می‌دهد. آن را در رابطه با شوهرتان به کار ببرید.

نمونه هایی از کاربردهای شخصی

- **برای شوهران:** عهدی جدید میبندم در اینکه رهبری همانند عیسی مسیح باشم. می‌خواهم همسرم را در مواقعی که بیشترین نیاز را به من دارد خدمت کنم. می‌خواهم از سلامتی جسم و سلامتی روحانی او مواظبت کنم. می‌خواهم او را محافظت کنم و در مشکلاتی که با آنها روبرو می‌شود او را همراهی کنم. من میخواهم تمام خودخواهیهای خود را کنار گذاشته و او را با فداکاری کامل خدمت کنم.

- **برای زنان:** درك جدیدی ازمفهوم اطاعت به دست آورده ام. اطاعت یعنی بدون اینکه به مسئولیت رهبری شوهرم درخانواده لطمه‌ای بزند او را فعالانه با پیشنهادات، برنامه ریزی‌ها وخدمات عملی کمك کنم. می‌خواهم این را به یاد داشته باشم و این نوع اطاعت را نسبت به شوهرم و رهبران تمرین کنم .

قدم ٥: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در افسسیان ٥: ٢٢ – ٣٣ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفره ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم سرتاسردنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ ـ تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با افسسیان ۵: ۲۲ – ۳۳ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی دیگر از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲ ـ رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت رومیان ۱ – ٤ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ ـ حفظ کردن - آیه مشارکت - اول یوحنا ۱: ۷ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

٤ ـ دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)

۵ ـ آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۲۱

۱	دعا

سر گروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) خدا عظیم و خلاق است

موضوع: خدا عظیم و خلاق است.
بخوانید: مزمور ۱۳۹: ۱۳ – ۱۸
خدا بدن ما انسانها را به صورت شگفت آوری ساخته است. خدا، خالق رشد است و پدیده رشد، خودش يك معجزه است. بدن انسان رشد می‌کند و پیوسته خودش را احیا می‌کند. خدا همچنین خالق کوچکترین موجوداتی است که می‌توانید فکرش را بکنید.

۱- <u>سلولهای بدن انسان</u>

بدن انسان شامل تعداد بی‌شماری سلول است. تخمین زده شده است که هر کیلوگرم از بدن انسان شامل ۲۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سلول است. هر سلول شامل ۱۰ دستگاه نیروی کوچك است که کل انرژی مورد نیاز برای عملکردهای مختلف بدن را تولید می‌کنند. هر دستگاه کوچك نیرو انرژی کارکردن و دویدن، فکر کردن و صحبت کردن و سایر عملکردهای بدن را تولید می‌کند. اما هر کدام از این دستگاههای نیرو کوچکتر از ۱ میکرومتر است (۱۰۰۰ میکرومتر معادل ۱ میلیمتر است). این منبع انرژی بسیار کوچك است و با این وجود تمام این سلولها، تولید کننده انرژی عظیمی است که انسان را قادر می‌سازد هرکاری می‌خواهد انجام دهد.

۲- <u>کیسه‌های هوایی ریه‌های انسان</u>

ریه‌های انسان شامل تعداد زیادی لوله‌های کوچك و در انتها شامل کیسه‌های هوایی است. تـخمین زده می‌شود که بیش از ۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کیسه هوایی در داخل ریه‌های انسان وجود دارد. دیواره‌های این کیسه‌های هوایی پر از عروق خونی است که اکسیژن را از کیسه‌های هوایی جذب کرده و به سایر نقاط بدن منتقل می‌کنند. دیواره‌های این کیسه‌های هوایی طوری با مهارت به داخل یکدیگر چین خورده‌اند که اگر می‌توانستید این چین‌ها را باز کنید این کیسه‌های هوایی می‌توانستند يك زمین فوتبال را بپوشانند. فقط تصور کنید که چیزی را آنقدر چین بدهید که از اندازه يك زمین فوتبال به فضای کوچکی مانند ریه‌های شما تبدیل شود.

با بـزرگترین میکروسکوپها می‌توانیم سلولهای بدن و کیسه‌های هوایی ریه‌هایمان را مطالعه کنیم. سلولها و کیسه‌های هوایی جزء کوچکترین مخلوقات هستند. اما **چه کسی** این سلولها و کیسه‌های هوایی را خلق کرده است؟ کتاب مقدس می‌گوید که **خدا** هر انسان را با تمام سلولها و کیسه های هوایی به صورت شگفت‌انگیزی آفریده است. اگر نمی‌توانیم به تمامی عجایب بدن انسان پی ببریم پس چه کسی می‌تواند خالق بدن انسان را درك کند؟ وجود بدنی که شگفت‌انگیز ساخته شده است وجود خدایی شگفت‌انگیز را ثابت می‌کند.

پرستش: خدا را به عنوان خالق شگفت‌انگیز کوچکترین موجودات بپرستید. خدا را به خاطر ایـنکه چقدر شما را شگفت‌انگیز آفریده است پرستش کنید. در گروههای کوچك سه نفره پرستش کنید.

۳	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) رومیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (رومیان ۱ – ٤) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٤	**تعلیم (۷۰ دقیقه)**	
	شخصیت و عملکرد روح‌القدس	

تعالیم زیر در باره روح القدس هستند:
الف) دستور عمل شاگردسازی – کتاب دوم : درس ۲۱ – ذات روح القدس ، کار او در مردم و در کلیسا
ب) دستور عمل شاگردسازی – کتاب دوم : ضمیمه ۲ – روح‌القدس، مسیحیان را درمیان رنج‌هایشان استوار می‌سازد.
پ) دستورعمل شاگردسازی – کتاب چهارم: درس ٤٥ – عملکردهای خاص روح القدس: تعمید روح القدس، پر شدن از روح القدس و ثمرات روح القدس
ت) دستورعمل بنای کلیسای مسیح – کتاب سوم: درس ۳۵ – عطایای روح القدس
ث) دستورعمل بنای کلیسای مسیح – کتاب سوم: ضمیمه ۲ – عطایای دیگر روح القدس

الف - ذات روح‌القدس

۱- روح‌القدس شخص است.

الف) روح القدس شخص است.
روح‌القدس فقط یك اثر یا قدرت غیر شخصی نیست بلکه او یک شخص است (یوحنا ١٤: ١٦ – ١٧). زیرا او می‌داند، اراده می‌کند، احساس می‌کند، سخن می‌گوید و عمل می‌کند. (یوحنا ١٤: ١٧، اعمال رسولان ١٦: ٦ – ٧ ؛ رومیان ٨: ٢٧ ؛ افسسیان ٤: ٣٠)

ب) رابطه با روح القدس
این حقیقت که روح القدس شخص است برای این مطلب که چگونه ما او را تجربه میکنیم بسیار مهم است.
۱) اگر روح‌القدس فقط یك تاثیر یا قدرت بود پس هدف اصلی ما این می شد که " چگونه می‌توانم قدرت و تاثیر بیشتری از روح‌القدس بدست بیاورم؟ " (۳۰ درصد ، ٤٠ درصد وغیره)
۲) در حالیکه اگر او یك شخص است تمایل همیشگی ما بایستی این باشد " چطور روح‌القدس می‌تواند بیشتر مرا تحت تسلط خود قرار دهد؟ چطور روح القدس میتواند بر قسمتهای بیشتری از زندگی من تسلط داشته باشد؟ چطور می‌توانم بهتر با روح‌القدس ارتباط داشته باشم و خودم را بیشتر مطیع هدایت او بسازم؟ "

۲- روح‌القدس خدا است.

الف) خدا خودش را بعنوان پدر، پسر و روح القدس مکاشفه کرد. (به ضمیمه ۱ مراجعه کنید.)
۱) اگرچه ذات خدا تغییرناپذیر است (ایوب ١١: ٧ – ٨ ؛ اول تیموتائوس ٦: ١٥ – ١٦)، خدا خودش را بطوریکه انسانها بتوانند او را بشناسند، ظاهر و آشکار کرده است. خدا خودش را در اعمال (اشعیاء ٤٣: ١٣) و در سخنان (متی ٤: ٤)، در آتش (خروج ٣: ٣ – ٤) و در بدن انسانی (یوحنا ١: ١ – ١٤ ، ١٨ ؛ فیلیپیان ٢: ٥ – ٨ ؛ کولسیان ١: ١٥ ، ١٩ ؛ ٢: ٩ ؛ عبرانیان ١: ١ – ٣) و در سکونت روح القدس درون قومش (رومیان ٨: ٩ – ١٠) آشکار ساخته است.
۲) مسیحیان در نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید می یابند (متی ٢٨: ١٩). کلمه " نام " به صورت مفرد است و نه جمع. *نام واحد* خدا نشان می‌دهد که او خدای *واحد* است، *یك* وجود الهی (تثنیه ٦: ٤). کلمات " پدر، پسر و روح‌القدس " *آشکار کننده تمایزی درونی در وحدت ذات الهی است*. بنابراین عیسی مسیح " خدا با ما " و " پسر خدا " و حتی " خدا " نامیده می‌شود. همچنین روح‌القدس " روح خدا " و " روح مسیح " و " مسیح در شما " (رومیان ٨: ٩ – ١٠) و حتی "خدا" (اعمال رسولان ٥: ٣ ، ٥) نامیده می‌شود.

ب) خصوصیات ذاتی روح‌القدس
روح‌القدس دارای صفات ذاتی خدا مانند قدوسیت (رومیان ١: ٤)، حیات (رومیان ٨: ٢)، محبت (رومیان ١٥: ٣٠)، راستی (یوحنا ١٦: ١٣) و ابدی بودن (عبرانیان ٩: ١٤) می باشد. محبت و راستی صفاتی هستند که به خودی خود وجود ندارند بلکه بین شخصیتهای تثلیث (تمایز درونی در وحدت ذات الهی) حتی پیش از خلقت به شراکت گذاشته می‌شوند. پس از خلقت، محبت و راستی با مردم نیز در میان گذاشته شد.

پ) خصوصیات روح‌القدس در ارتباط با جهان هستی
روح‌القدس در ارتباط با جهان هستی نیز دارای صفات خداست:
۱) حاضرمطلق (حاضر بودن درهمه جا) – خدا (مزمور ١٣٩: ٧ – ١٠) و روح‌القدس (یوحنا ١٤: ١٦ – ١٧)
۲) قادر مطلق (داشتن تمامی قدرت) – خدا (پیدایش ١: ١ – ٢) و روح‌القدس (مزمور ١٠٤: ٣٠)
۳) دانای مطلق (دانستن همه چیز) – خدا (مزمور ١٣٩: ١ – ٤) و روح‌القدس (اول قرنتیان ٢: ١٠ – ١١)

۳ - اسامی روح‌القدس

الف) در عهد عتیق
عهد عتیق ۹۰ بار مستقیماً به روح‌القدس اشاره می‌کند و به او ۱۸ نام مختلف می‌دهد. بعضی اسامی ارتباط او را با خدا شرح می‌دهند مثل " روح خدا " بعضی اسامی شخصیت او را شرح می‌دهند مثل " روح‌القدس " و بعضی اسامی کار او را در ارتباط با مردم مثل " روح حکمت " (اشعیاء ۱۱: ۲).

ب) در عهد جدید
عهد جدید ۲٥٤ بار مستقیماً به روح‌القدس اشاره می‌کند و به او ۳۹ نام مختلف می‌دهد. بعضی از اسامی بیانگر ارتباط او با پدر (متی ۱۰: ۲۰) و پسر(رومیان ۸: ۹ – ۱۰) هستند. بعضی اسامی الوهیت ذاتی او را تائید می‌کنند مانند "خداوند روح است" (دوم قرنتیان ۳: ۱۷). بعضی اسامی خصوصیت ذاتی او را آشکار می‌کنند مانند " روح قدوس ". بعضی اسامی ارتباط او را با مسیحیان و کاری که او در آنها انجام می‌دهد، شرح می‌دهند مثل " روح راستی " (یوحنا ۱٤: ۱۷) و " روح فیض " (عبرانیان ۱۰: ۲۹).

٤ - نمادهای روح‌القدس

کشف و گفتگو کنید: برای مثال آتش، باد و آب نمادهای روح‌القدس هستند. این نمادها چه معنی می‌دهند؟

الف) بخوانید: متی ۳: ۱۱ ؛ اعمال رسولان ۲: ۱ – ٤
ملاحظات: در متی ۳: ۱۱ – ۱۲ نوشته شده که " مسیح به آب و آتش مردم را تعمید خواهد داد " یعنی او ایمانداران را با عطای روح‌القدس برکت خواهد داد (و آنها را در ملکوتش جمع خواهد کرد)، اما آنانی را که ایمان نمی‌آورند را با آتش جهنم داوری خواهد کرد. در اعمال رسولان ۲: ۳ " زبانه های آتش " نمادی از عطای قدرتی است که روح‌القدس برای اعلام انجیل با غیرت و محبتی شدید میدهد (اعمال رسولان ٦: ۱۰).

ب) بخوانید: یوحنا ۳: ۳ – ۸ ؛ اعمال رسولان ۲: ۱ – ٤
ملاحظات: در اعمال ۲: ۱ – ٤ " صدایی مانند وزیدن باد شدید" نمادی از قدرت روح‌القدس است که نمایانگر قدرتی غیرقابل رویت میباشد. در یوحنا ۳: ۳ – ۸ روح‌القدس " بادی است که هرجا می‌خواهد می‌وزد " و نمادی از کارغیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل مقاومت تولد تازه و احیاء توسط او است.

پ) بخوانید: یوحنا ۷: ۳۷ – ۳۹
ملاحظات: در یوحنا ۷: ۳۷ – ۳۹ " نهر آبهای زنده " نمادی است از روح‌القدس به عنوان منبع نجات کامل و رضایت ابدی مسیحیان و همینطور منبعی است که از مسیحیان کانالی می‌سازد برای اینکه به سایر مردم برکت فراوان دهند.
ت) بخوانید: دوم قرنتیان ۱: ۲۱ – ۲۲
در دوم قرنتیان ۱: ۲۱ – ۲۲ " مسح با روغن " نمادی است از اینکه مسیحیان روح القدس را با عملکرد هایش دریافت کرده اند و برای وظایف نبوتی، کهانتی و ملکوتی خود در اینجا روی زمین تجهیز شده اند. " مهر زده شده " با روح القدس، نمادی از اینکه مسیحیان توسط روح القدس با صداقت دوباره متولد شده و اینک به خدا تعلق دارند و خدا از آنها محافظت میکند. روح القدس به عنوان ضمانت " بیعانه " نمادی است از اینکه مسیحیان روح القدس را به عنوان تضمینی دریافت کرده اند جهت همه آنچه خدا قصد دارد به عنوان سهم وراثت آنها به آنان در آینده عطا کند.

ب - کار روح‌القدس در مردم

روح القدس هم اکنون عیسی مسیح را در روی زمین نمایندگی کرده و در هردو، بی ایمانان و ایمانداران کار میکند.

۱- روح‌القدس عیسی مسیح را نمایندگی می‌کند.

الف) نماینده
عیسی وعده داد که شاگردانش را یتیم نخواهد گذاشت بلکه خودش در شخص روح القدس (یوحنا ۱٤: ۱٦ – ۱۸) به نزد آنها خواهد آمد. کلمه " مشاور" (پاراکلتس به زبان یونانی) را بهتر می‌توان با واژه " نماینده " ترجمه کرد یعنی "شخصی که فرا خوانده شده در کنارشخصی دیگر تا به او، بخصوص در مقابل مدعی یا داور کمك کند". پس این واژه همچنین به معنی وکیل، مشاور، تسلی دهنده و مددکار نیز ترجمه می‌شود.

ب) <u>روح القدس در روی زمین نماینده عیسی مسیح است.</u>
۱) روح القدس در مرحله اول نماینده مسیحیان نیست بلکه نماینده عیسی مسیح است. او عیسی مسیح را درمیان ما نمایندگی میکند. او هر آنچه را که عیسی مسیح به شاگردانش گفته بود به یاد آنها می آورد (یوحنا ١٤: ٢٦). او در مورد عیسی مسیح شهادت می‌دهد (یوحنا ١٥: ٢٦). او شاگردان را به جمیع راستی، که از عیسی مسیح میشنود، هدایت می‌کند (یوحنا ١٦: ١٣). او شاگردان را به شباهت عیسی مسیح تبدیل می‌کند (دوم قرنتیان ٣: ١٧ – ١٨). روح القدس از حق مسیح حمایت میکند، از نام مسیح دفاع میکند و از منافع مسیح حفاظت میکند. او بر دارایی مسیح نظارت می‌کند و به طور خلاصه روح‌القدس ***عیسی مسیح*** را در تجربیات شاگردان و در کلیسا جلال می‌دهد.
۲) روح القدس و عیسی مسیح هر دو " نماینده " و " وکیل مدافع " (در زبان یونانی: پاراکلتس) نامیده شده اند. در حالیکه روح‌القدس نماینده عیسی مسیح درروی زمین و حتی در مسیحیان مدافع عیسی مسیح است (یوحنا ١٤: ١٦، ٢٦)، عیسی مسیح خودش در نزد خدای پدر در آسمان نماینده یا مدافع مسیحیان است (اول یوحنا ٢: ١). درحالیکه روح‌القدس از طرف مسیح با مسیحیان سخن می‌گوید مسیح نیز از سوی مسیحیان با خدای پدر سخن می‌گوید (عبرانیان ٧: ٢٥ ؛ ٩: ٢٤).

پ) <u>روح‌القدس، عیسی مسیح در درون مسیحیان است.</u>
۱) قبل از اینکه عیسی مسیح به آسمان صعود کند، نماینده خدا روی زمین در نزد مردم بود – او " خدا با ما " بود. اما در رابطه با جسم زمینی خود، عیسی مسیح زمین را ترک کرد و به آسمان صعود نمود (لوقا ٢٤: ٥٠ ؛ اعمال رسولان ١: ٩).
۲) او از آسمان " نماینده یا وکیل مدافع دیگری " را برای مسیحیان فرستاد. وقتی مسیح وعده داد که " نماینده یا وکیل مدافع دیگری " می‌فرستد، منظورش " شخص متفاوت دیگری " نبود بلکه منظورش " نماینده یا وکیل مدافع دیگری درست مانند خودش " بود (یوحنا ١٦: ٧). عیسی مسیح در مجسم شدن در بدن انسانی نماینده یا مدافع خدا روی زمین بود. اکنون روح القدس جایگاه عیسی مسیح را گرفته است و خدا یا عیسی مسیح را نمایندگی میکند. روح القدس *برای مسیحیان روی زمین همان گونه است که عیسی مسیح می بود اگر او هنوز شخصاً در زمان حاضر روی زمین* بود. وقتی عیسی مسیح هنوز در بدن جسم یافته خود روی زمین بود، منحصر به یک مکان مشخص روی زمین (فلسطین) و یک دوره مشخص زمانی در تاریخ بشری (حدود سال چهارم قبل از میلاد تا ٣٠ میلادی) بود. اما اکنون عیسی مسیح به آسمان صعود کرده و روح القدس را فرستاده است. روح القدس بعنوان روح خدا یا روح مسیح به یک مکان مشخص روی زمین منحصر نیست و همچنین محدود به یک دوره مشخص زمانی در تاریخ بشری نیست. روح القدس به کار عیسی مسیح به عنوان نماینده یا وکیل مدافع خدا یا عیسی مسیح روی زمین ادامه می‌دهد. روح‌القدس تا ابد *با* مسیحیان و *در* مسیحیان زندگی میکند (یوحنا ١٤: ١٦ – ١٧).
۳) روح‌القدس و عیسی مسیح را نه می‌توان از هم جدا کرد و نه می‌توان آنها را بصورت مجزا دریافت نمود. زیرا آنها یک وجود خدایی هستند و یک ذات الهی دارند. روح‌القدس " خود دیگر عیسی " است. او " روح خدا" یا " روح مسیح" است که در ما زندگی می‌کند. او " مسیح در ما " است (رومیان ٨: ٩ – ١٠). روح القدس *برای مسیحیان روی زمین همان گونه است که عیسی مسیح می بود اگر او هنوز شخصاً در زمان حاضر روی زمین* بود.

۲ - <u>روح‌القدس جهان را نسبت به گناه متقاعد می‌کند.</u>

بخوانید: یوحنا ٣: ١٦ – ١٨ ، ٣٦ ؛ ١٦: ٨ – ١١ ؛ رومیان ١: ١٨، ٢٨ – ٣٢
کشف و گفتگو کنید: عملکردهای روح‌القدس در ارتباط با جهان که هم شامل غیرمسیحیان و هم مسیحیان میشود، چیست؟
ملاحظات: واژه " ملزم کردن " به معنی فاش کردن، توبیخ کردن، محکوم کردن، مجرم شناختن یا به طور خلاصه متقاعد کردن است.

الف) <u>روح‌القدس مردم را نسبت به گناه متقاعد می‌کند.</u>
۱) *او واقعیت گناه را آشکار می‌کند و گناه را افشا می کند.* روح‌القدس *بی‌خدایی* مردم را فاش می‌سازد به این معنی که ارتباط غلط آنها را با خدایی که خود را درکتاب مقدس آشکار کرد، به آنها نشان می‌دهد. مخصوصاً جدایی و یاغیگری آنها را نسبت به خدا برملا می‌سازد. او آنها را نسبت به اتکاء به خود، سرنوشت خود را تعیین کردن، حق به جانب بودن، از خود راضی بودن، خودخواهی، فقط در فکر نیازهای خود بودن و خودرای بودن متقاعد میسازد.
روح‌القدس *شرارت* مردم را برملا می‌سازد یعنی ارتباط غلط آنها نسبت به سایر مردم را به آنها نشان می‌دهد بخصوص بی‌محبتی آنها نسبت به دیگران. او نسبت به انجام بعضی کارهایی که خدا قدغن کرده و غفلت در انجام کارهایی که خدا فرمان انجام آنها را داده، آنها را ملزم می‌کند.
بنابراین او خود واقعی مردم، یعنی شخصیت و اخلاق واقعی‌شان، را در نزد نور مقدس الهی می‌آورد و به آنها می‌فهماند که نسبت به آنچه باید باشند، چه ماهیتی دارند.

۲) *او مردم را در رابطه با جدی بودن شرایطشان توبیخ می‌کند، رد میکند و متقاعد میسازد*. او آنها را توبیخ می‌کند، یعنی در فکر و قلبشان به آنها می‌گوید که آنها نادرست، بی خدا و شریر هستند و بنابراین نسبت به زیر پا گذاشتن قوانین مقدس خدا مجرم هستند. او تمام توجیهات و مشاجرات آنها برعلیه خدا را " رد میکند ". آنها را "متقاعد می‌کند" که از دید خدا مجرم هستند و باعث می‌شود در مقابل خدا احساس شرمساری کنند. او مردم را در مورد اینکه شایسته مجازات مرگ هستند متقاعد میسازد (رومیان ٦: ۲۳). بنابراین کاری می کند که آنها وخامت گناهانشان را *درک کنند* و با احساس عمیق گناهکار بودن، شرمساری و پشیمانی آنها را *متقاعد می‌کند*.

ب) <u>روح‌القدس مردم را نسبت به عدالت متقاعد می‌کند.</u>
او عدالت خدا و عدالتی را که خدا از مردم انتظار دارد آشکار می‌کند. روح‌القدس " باعث می شود تا مردم درك كنند " خدا چه عدالتی نسبت به مردم دارد یعنی او مردم را به حقیقت، واقعیت و ضرورت آنچه خدا از طریق عیسی مسیح برای نجات مردم از گناه و داوری انجام داد متقاعد می‌کند. او آنها را به حقیقت، واقعیت و ضرورت تجسم، مرگ، قیام و سلطنت گرفتن مسیح متقاعد می‌کند. و روح‌القدس همچنین کاری می‌کند تا مردم *درك كنند* خدا چه عدالتی از مردم انتظار دارد. مگر آنکه آنها ازدید خدا دارای عدالتی کامل باشند (۱۰۰ درصد)، درا‌ینصورت می‌توانند نجات پیدا نکنند (یعقوب ۲: ۱۰ ؛ غلاطیان ۳: ۱۰). او مردم را متقاعد می‌کند که بایستی به مسیح ایمان آورند و عدالت کامل او را برای خود دریافت کنند (دوم قرنتیان ۵: ۲۱). پس او مردم را متقاعد می‌کند که امکان عادل شدن آنها در نظر خدا وجود دارد اگر توبه کنند و به عیسی مسیح ایمان آورند.

پ) <u>روح‌القدس مردم را نسبت به داوری متقاعد می‌کند.</u>
او داوری خدا را آشکار می‌کند. روح‌القدس " کاری می‌کند که مردم درك كنند " که واقعاً گمشده هستند. او آنها را متقاعد می‌کند که پیش از این در مقابل خدای قدوس و عادل محکوم بوده‌اند و اگر توبه نکنند و ایمان نیاورند تا ابد هلاك خواهند شد. او " باعث می شود مردم درك كنند " که داوری نهایی خدا وجود دارد. اگرمردم راستی را تکذیب کرده و عیسی مسیح را رد کنند، آنها را نسبت به حقیقت، واقعیت و ضرورت داوری متقاعد میسازد.

۳ - <u>روح‌القدس درمسیحیان کار می‌کند.</u>

کشف و گفتگو کنید: عملکردهای روح‌القدس در ارتباط با مسیحیان چیستند؟
ملاحظات: از زمان پنطیکاست، روح‌القدس آنچه که مسیح برروی صلیب *مهیا نمود، در دسترس* مسیحیان قرار می‌دهد. آنچه مسیح درتاریخ گذشته *بدست آورد*، روح‌القدس در زمان حاضر در زندگی ایمانداران *بکار می‌برد*. او کار کامل عیسی مسیح در زمان گذشته را، در زندگی امروز مسیحیان به کار می‌برد. او مردم را احیاء می‌کند، کاری می‌کند که کلام خدا را بشنوند، آنها را به اطاعت کردن هدایت می‌کند و آنها را تقدیس می‌کند.

الف) در رابطه با کار روح‌القدس تاکید کتاب مقدس بر این است که ***او مردم را احیاء می‌کند.***
بخوانید: یوحنا ۳: ۵ – ۸
ملاحظات:
۱) *احیاء و تازه کردن به واقعیت درآوردن هدف ابدی خدا در زمان معین است* (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ – ۱٤). هدف ابدی خدا در انتخاب افراد معین این است که از طریق کار تقدیس روح‌القدس و از طریق ایمان به راستی نجات یابند. خدا هدف ابدی خود را با دعوت کردن از آنان در زمان خاصی در تاریخ و از طریق پیام انجیل به انجام می‌رساند (افسسیان ۱: ۱۱). هدف روح‌القدس احیاء و تازه کردن ایشان است (یوحنا ۳: ۳ – ۸) او آنها را شریك طبیعت الهی می‌سازد (دوم پطرس ۱: ٤). روح‌القدس به نحوی این کار را انجام می‌دهد که ایمانداران نیز این تازگی و احیاء را درك و تجربه می‌کنند. او در قلب یك مسیحی، شهادت می‌دهد که فرزند خداست و آن شخص مسیحی در خدا و خدا هم در او زندگی می‌کند (رومیان ۸: ۱٦ ؛ اول یوحنا ۲: ۲۰، ۲۷ ؛ ٤: ۱۳). مسیحی هرگز " خدا " نمیشود، اما خدا از طریق روح در مسیحیان ساکن است. هدف روح‌القدس جلال دادن مسیح توسط به اجرا در آوردن کار کامل نجات مسیح بر روی صلیب در زندگی‌های شخصی مردم، است.
۲) *احیاء و تازه کردن کاملاً مختص به عمل مستقل خدا است* (تیطس ۳: ۳ – ۷). به خاطر همین مسیحیان اعتراف می‌کنند که فقط با فیض و رحمت خدا نجات می‌یابند (افسسیان ۲: ۸). کار حیات بخش روح‌القدس، به وجدان شخص گناهکارچنان نفوذ می‌کند طوریکه او *تبدیل می‌شود* یعنی از خودخواهی،از دنیای گناه‌آلود و از شیطان به سوی خدا باز می‌گردد (اعمال رسولان ۲: ۳۷ – ٤۲ ؛ ۲٦: ۱۸). *تبدیل* شامل پشیمانی نسبت به گناه و ایمان به مسیح است. و *ایمان* نتیجه دعوت خدا (رومیان ۱۰: ۱۷)، عطایی از سوی فیض خدا (افسسیان ۲: ۸ ؛ فیلیپیان ۱: ۲۹ ؛ اعمال رسولان ۱۳: ٤۸) و در عین حال وسیله‌ای است که با آن شخص عادل می‌گردد (رومیان ۵: ۱). *ایمان* دستهایی خالی است که با آن، یک شخص نجاتی را که خدا سخاوتمندانه به او می‌بخشد، می‌پذیرد (یوحنا ۱: ۱۲). از طریق موعظه انجیل، مردم به تبدیل شدن دعوت می‌شوند (مرقس ۱: ۱۵ ؛ اعمال رسولان ۳: ۱۹ ؛ ۲۸: ۱۸). مردم از طریق پاسخ خود بر پایه ایمان *عادل شمرده می‌شوند* (رومیان ۳: ۲۲). عادل شمردگی منجر به رابطه‌ای جدید با خدا (رومیان ۵: ۱)، دریافت روح

پسرخواندگی (رومیان ۸: ۱۵ – ۱٦ ؛ افسسیان ۱: ۱۳ ؛ اعمال رسولان ۱۵: ۷ – ۱۱) و دریافت توانایی برای داشتن زندگی تازه و مقدس می‌شود (رومیان ٦: ٤ – ١٤).

ب) درررابطه با کار روح تاکید کتاب مقدس براین است که ***او کاری می‌کند مردم کلام خدا را بشنوند.***
بخوانید: یوحنا ١٦: ١٣ – ١٥ ؛ ١٤: ٢٦
ملاحظات:
۱) کتاب مقدس ابزار خاص روح‌القدس است. *شمشیری* که او با آن به افکار، قلب و زندگی هردو، غیر مسیحیان و مسیحیان نفوذ می‌کند. روح‌القدس همیشه از قسمتهای خاصی از کتاب مقدس برای تعلیم، انگیزش و تغییر مسیحیان در همه وضعیتهای مختلف زندگیشان استفاده می‌کند (افسسیان ٦: ١٧ ؛ عبرانیان ٤: ١٢). او مسیحیان را به جمیع راستی کتاب مقدس هدایت می‌کنند و آنها را با تمام چیزهایی که عیسی مسیح آموزش داده است تعلیم می‌دهد (یوحنا ١٦: ١٣ – ١٥ ؛ ١٤: ٢٦).
۲) هر کلمه کتاب مقدس به وسیله روح الهام شده و در محتوا خطاناپذیر است. فقط کتاب مقدس و کل کتاب مقدس تنها مقیاس مقتدر زندگی و اعتقادات مسیحی است. کتاب مقدس برای تعلیم راستی، برای افشاء کردن گناه و رد کردن توجیهات و مشاجرات علیه خدا، برای بازگرداندن مردم به سوی راههای خدا، برای آموزش آنچه در نظر خدا درست است و برای تجهیز آنها در انجام کار خدا، مفید است (دوم تیموتائوس ٣: ١٦- ١٧).
۳) کتاب مقدس به عنوان کلام خدا راستی است و روح‌القدس روح راستی است (یوحنا ١٧: ١٧ ؛ ١٤: ١٧). کلام عینی خدا در کتاب مقدس در مقابل نبوتهای ذهنی و خوابهای مردم در تضاد آشکار قرار می‌گیرد (ارمیاء ٢٣: ٩ – ٣٢). در ارمیاء ٢٣ درحالیکه مشخصه انبیاء کاذب تمایل آنها به پیشگویی آینده بود (برای مثال اسرائیل درآینده آسیبی نخواهد دید)، ویژگی انبیاء حقیقی این بود که آنها کلام مکشوف خدا را به مردم اعلام و آنها را به توبه دعوت می‌کردند. مسیحیان همیشه بایستی هدایت ذهنی روح در قلبشان را با کلام عینی خدا در کتاب مقدس امتحان کنند. خلاصه و از همه مهمتر این که روح‌القدس مسیحیان را در طریق کتاب مقدس هدایت می‌کند. بنابراین شنیدن، خواندن، بررسی، تعمق، حفظ کردن و به کاربردن کتاب مقدس در زندگیمان بسیار مهم است.

پ) در ارتباط با کار روح تاکید کتاب مقدس به این است که ***او مردم را به اطاعت از کلام خدا هدایت می‌کند.***
بخوانید: اول پطرس ۱: ۲
ملاحظات: روح‌القدس کاری می‌کند که مسیحیان حقایق کتاب مقدس را درك كنند (افسسیان ١: ١٧ – ١٨). او حقایق کتاب مقدس را در فکر، قلب و زندگی مسیحیان به کار می‌برد و باعث می‌شود که آنها بیشتر و بیشتر مطیع خدا و کلام او باشند. کار تقدیس روح‌القدس به خصوص شامل این می‌شود که مسیحیان از عیسی مسیح اطاعت کنند (اول پطرس ١: ٢). خدا روح‌القدس خود را به کسانی می‌دهد که او را اطاعت کنند (اعمال رسولان ٥: ٣٢). پس روح‌القدس می‌گوید " امروز اگر آواز او را بشنوید دل خود را سخت مسازد چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او " (عبرانیان ٣: ٧ – ٨). بنابراین مسیحیان مسئولیت دارند که به این موضوع توجه کنند کسی درمیان ایشان قلبی گناهکار (بی‌خدا و شرور)، بی‌ایمان (شکاك و منتقد) یا سخت (مقاوم و یاغی) نداشته باشد که او را از خدای زنده دور سازد. در عوض مسیحیان بایستی هر روزه یکدیگر را به اطاعت کردن از کلام خدا تشویق کنند. (عبرانیان ٣: ١٢ – ١٣) پس هرکس که گوش دارد باید آنچه روح به تمام کلیساهای مسیحی دنیا می‌گوید بشنود (مکاشفه ٢: ١، ٧). پس کسانی که طبق الزام روح‌القدس زندگی می‌کنند *می‌خواهند، می‌توانند و قطعاً خود را مطیع خدا و کلام خدا خواهند ساخت* و اطاعت و خشنودی خدا را هدف خود قرار خواهند داد. اما آنانیکه که طبیعت گناه‌آلود خود را پیروی می‌کنند *نمی‌خواهند، نمی‌توانند و قطعاً خود را مطیع خدا یا کلام خدا نخواهند ساخت* (رومیان ٨: ٥ – ٨ ؛ کولسیان ١: ٩ – ١٢). در ارتباط با کار روح، تاکید کتاب مقدس بر دریافت معرفتی تازه نیست بلکه اطاعت از معرفتی است که در کتاب مقدس آشکار شده است.

ت) در ارتباط با کار روح، تاکید کتاب مقدس براین است که ***مردم را به تقدس هدایت کند.***
بخوانید: غلاطیان ٥: ١٣ – ٢٦
ملاحظات:
۱) روح‌القدس مسیحیان را طوری تقدیس می‌کند که آنها بیشتر و بیشتر به شباهت عیسی مسیح تبدیل شوند (دوم قرنتیان ٣: ١٧ – ١٨). از طریق قدرت سکونت روح‌القدس، مسیحیان اعمال زشت جسم گناه‌آلود خود را می‌کشند (رومیان ٨: ١٣). آنها اینطور انتخاب می‌کنند که دیگر نه برطبق اعمال طبیعت گناه‌آلود بلکه با هدایت و قدرت روح‌القدس زندگی کنند و در نتیجه ثمرات روح القدس ببارآورده شود. طبیعت گناه‌آلود انسان، خود را به صورت گناهان جنسی ظاهر می‌کند. مثل فساد جنسی و افراط، در گناهان روحانی مثل بت‌پرستی و جادوگری (خرافه گرایی)، در گناهان اجتماعی مثل جاه‌طلبی‌های گناه‌آلود و نزاع. میوه روح خود را در کیفیت‌های بنیادین روحانی ظاهر می‌سازد مثل محبت خوشی و سلامتی، و در اثرات اجتماعی مثل حلم، مهربانی و نیکویی و در روابطی مثل وفاداری نسبت به خدا، فروتنی نسبت به مردم و پرهیزگاری نسبت به خود.
۲) " زندگی در روح "، " هدایت شدن ازروح " و یا " راه رفتن با روح‌القدس " همه به معنی این هستند که يك مسیحی به عیسی مسیح اجازه می‌دهد در درون یا قلب او به عنوان خداوند و استاد زندگی کند، زندگی او را کنترل کرده و بیش

از پیش او را تحت تاثیر خود قرار دهد و او همیشه خود را تسلیم اقتدار و اراده مسیح می‌سازد. دلیل قابل مشاهده زندگی روح‌القدس در شخص مسیحی ثمره روح است بخصوص محبت (غلاطیان ٥: ١٣ – ٢٦ ؛ افسسیان ٣: ١٦ – ١٧).

خلاصه: روح‌القدس مردم را هدایت می‌کند تا نسبت به وضعیت تباه شده خود متقاعد شوند، عیسی مسیح را بشناسند، جلال دهند و کتاب مقدس را درك و اطاعت کنند. روح‌القدس برطبق اراده کامل خدا برای مسیحیان دعا می‌کند (به ضمیمه ٢ مراجعه کنید). او تبدیلی واقعی در مردم ایجاد می‌کند و مردم حقیقتاً این تبدیل را تجربه می‌کنند.

پ - کار روح‌القدس در کلیسا

تعلیم دهید: در پنطیکاست، ریزش روح‌القدس سه اتفاق مهم را اعلام کرد:
١) پنطیکاست مهر خدا بر مقام مسیح بودن عیسی مسیح بود (اعمال ٢: ٣٢ – ٣٦).
٢) پنطیکاست سبب تاسیس کلیسا بود (اعمال ٢: ٣٧ – ٤٧).
٣) پنطیکاست به شاگردان برای انجام کارهایشان قدرت بخشید (اعمال ١: ٨).

اجازه دهید به این سه عملکرد روح‌القدس بیشتر توجه کنیم:

١- در تجربه مسیحیان روح‌القدس جلال دهنده عیسی مسیح است.

او در کلیسای مسیح، عیسی مسیح را در مرکزیت قرار می‌دهد.

کشف و گفتگو کنید: در ارتباط با عیسی مسیح عملکرد روح‌القدس چیست؟

الف) <u>روح‌القدس شناخت شخصی عیسی مسیح را عطا می کند.</u>
بخوانید: دوم قرنتیان ٤: ٦
ملاحظات:
او مکاشفه خدای نامرئی را در جسم یافتن عیسی مسیح شرح می‌دهد. او کاری می‌کند که نور خدا در قلبهای مسیحیان بدرخشد یعنی او مستقیماً به قلبهای آنان شناختی از ویژگی‌های پر جلال خدا می‌بخشد که آنها را در عیسی مسیح آشکار ساخته است (دوم قرنتیان ٤: ٦ ؛ کولسیان ١: ١٥). روح‌القدس شناخت نسبت به خدای زنده را که شامل مکاشفه عیسی مسیح می‌باشد از طریق موعظه و تعلیم کتاب مقدس به آنان عطا می کند (یوحنا ٢٠: ٣٠ – ٣٢ ؛ اعمال رسولان ٨: ٣٥).

ب) <u>روح‌القدس به عیسی مسیح شهادت می‌دهد.</u>
بخوانید: یوحنا ١٥: ٢٦ ؛ ١٦: ١٤
ملاحظات:
او نه خود بلکه عیسی مسیح را در مرکز قرار می‌دهد و در تجربه و زندگی مسیحیان عیسی مسیح را *جلال می‌دهد*. (یوحنا ١٦: ١٤)

پ) <u>روح‌القدس کلام مسیح را بازگو می‌کند.</u>
بخوانید: یوحنا ١٤: ٢٦ ؛ ١٦: ١٤ – ١٥
ملاحظات:
او بدون وابستگی به مسیح سخنی نمی گوید.

ت) روح‌القدس کاری می‌کند که مسیحیان واقعی عیسی مسیح را به عنوان خداوندشان *اقرار کنند*.
بخوانید: اول قرنتیان ١٢: ٣
ملاحظات:
او باعث می‌شود که آنها در زندگی روزمره خود نشان دهند که عیسی مسیح خداوند و استاد آنها است. او باعث می‌شود که مسیحیان *تسلیم* عیسی مسیح شوند و او را *اطاعت* کنند (رومیان ٨: ٥ – ٨ ؛ اول پطرس ١: ٢).

خلاصه: هر حرکتی که ادعا می‌شود از سوی روح‌القدس بوده است، چه در تجربه شخصی و چه در تجربه عمومی، بر این اساس که چه جایگاهی را به عیسی مسیح می‌دهد، امتحان می‌شود. اگر یك مسیحی یا کلیسای مسیحی، انسان را

جلال می‌دهد یا بعضی تجربیات روحانی را بزرگ جلوه می‌دهد بدینگونه آشکار می کند که نشانه روح‌القدس را ندارد. روح‌القدس نمی‌تواند محبت سرد را نسبت به عیسی مسیح تحمل کند.
عملکرد اصلی روح‌القدس در تجربه مسیحیان ***جلال دادن عیسی مسیح*** است.

۲ - روح‌القدس رئیس کلیسای مسیحی است.

کشف و گفتگو کنید: عملکردهای روح‌القدس درارتباط با کلیسا چیست؟

الف) روح‌القدس کلیسای مسیحی را مسکن روحانی خدا می‌سازد.
بخوانید: افسسیان ۲: ۲۲
ملاحظات:
قبل از پنطیکاست شاگردان، جمع بدون انسجامی از افراد بودند. در پنطیکاست آنها در مسیح تبدیل به بدن مسیح شدند که يك ساختمان یا فقط يك سازمان نیست بلکه موجودی زنده است (اول پطرس ۲: ٤ – ٥).

ب) روح‌القدس مسیحیان را تبدیل به اعضای واقعی کلیسای مسیحی می‌سازد.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۲: ۱۱ – ۱۳
ملاحظات:
فقط روح‌القدس يك فرد را تبدیل به عضو واقعی کلیسا، که بدن مسیح است، می‌سازد. ازطریق " تعمید با روح " یعنی فقط از طریق احیاء و تازه کردن، شخص مبدل به يك مسیحی واقعی و عضو واقعی کلیسای مسیح، که بدن مسیح است، می‌شود. از طریق احیاء و تازه کردن، مسیح می‌آید تا در مسیحی ساکن شود و شخص مسیحی می‌آید تا در مسیح ساکن شود (یوحنا ۱: ۱۲ – ۱۳). از طریق احیاء و تازه کردن، بدن شخص مسیحی تبدیل به هیکل روح‌القدس می‌شود (اول قرنتیان ۳: ١٦) و شخص مسیحی نیز قسمتی از بدن مسیح بر روی زمین می‌گردد.

پ) روح‌القدس رهبران را تبدیل به ناظرین واقعی کلیسای مسیحی می‌کند.
بخوانید: اعمال ۲۲: ۱۷، ۲۸
ملاحظات:
فقط روح‌القدس باعث می‌شود که عملکرد کلیساهای محلی که کلیسای جهانی را تشکیل می‌دهند، موثر واقع شود. روح‌القدس رهبران را با فعالیتهای زیر به کار می‌گیرد. به عنوان شبانان یا کشیشان (توجه کنید: به شکل جمع) کسانی که باید شبانی کنند و بخصوص تمرکز آنها بر مردم است یعنی آنها را مراقبت، تغذیه و محافظت کنند. به صورت *ناظرین یا مدیران* که تمرکز آنها بخصوص برفعالیتها، مخصوصاً مدیریت منظم فعالیتهای مختلف در کلیسای محلی است.

ت) روح‌القدس مسئول آموزه صحیح و شیوه کار کلیسای مسیحی است.
بخوانید: اعمال رسولان ١٥: ۲۸
ملاحظات:
فقط روح‌القدس می‌تواند در يك نظرخواهی، مباحثات کلیسای محلی را هدایت کند. شیوه جدید تصمیم‌گیری با رای‌گیری آزادانه، هیچگاه نباید جانشین اراده آشکار خدا در کتاب مقدس شود. کلیساهای مسیحی بایستی آنچه مسیح از طریق روح به آنها می‌گوید بشنوند (مکاشفه ۲: ۱، ۷).

ث) روح‌القدس آزادانه عطایای روحانی را به مسیحیان می‌بخشد.
بخوانید: رومیان ۱۲: ٤ – ۸ ؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۱
ملاحظات:
فقط روح‌القدس تعیین می‌کند چه عطایای روحانی را مسیحیان دریافت کنند. هدف عطایای روحانی بنای کلیسای مسیحی است. تنوع عطایای روحانی نشان می‌دهد که هدف خدا این نیست که مسیحیان یا کلیساهای مسیحی يك شکل باشند بلکه به *شکل‌های گوناگون*. کلیسای مسیح شامل انسانهایی نیست که بایستی در طرز لباس پوشیدن، حرف زدن و فعالیت کردن همرنگ یکدیگرباشند و همه آنها خدمات یکسانی در کلیسا انجام دهند. درست مثل هر جسم انسانی، کلیسای مسیحی شامل انسانهای مختلف با شخصیتهای متفاوت می‌باشد. آنها دارای عطایای مختلف زیادی هستند وعملکردهای روحانی مختلفی را نشان می‌دهند. بعضی مسیحیان مثل *دهان* هستند و عطایای روحانی را برای *موعظه و تعلیم* بکار می‌برند. آنها بیشتر برای صفاتی مثل شبانی یا مدیریت یا رهبری و تعلیم مناسب هستند و غیره. بعضی دیگر مسیحیان مثل *قلب* هستند و عطایای روحانی مثل *رحم و اعانات* را به کار می‌برند. آنها برای انجام خدماتی مثل ملاقات بیماران، کمك به نیازمندان و معلولین و اداره معتادین مواد مخدر و غیره مناسب هستند.

ج) روح‌القدس جلسات و خدمات مسیحی را هدایت می‌کند.
بخوانید: افسسیان ۵: ۱۸ – ۱۹ ؛ ۶: ۱۸ ؛ فیلیپیان ۳: ۳
ملاحظات:
فقط روح‌القدس می‌تواند باعث شود جلسات و خدمات مسیحی از روح پر شوند. برای مثال، به جای انتقاد کردن و داوری، مسیحیان به شکرگذاری از خدا برای همه چیز و در هر وضعیت ادامه خواهند داد. بنابراین روح‌القدس گفتگوها، شهادت دادن، موعظه، تعلیم، پرستش، دعا و سرود خواندن آنها را هدایت می‌کند.

خلاصه: روح‌القدس اعضاء و فعالیت کلیساهای مسیحی را به نحو موثری اداره می‌کند.

۳ - روح‌القدس مجری خدمات بشارت مسیحی در سرتاسر جهان است.

کشف و گفتگو کنید: عملکردهای روح‌القدس درارتباط با خدمات بشارتی چیست؟

الف) روح القدس را انتخاب و دعوت می‌کند تا مبشر باشند.
بخوانید: اعمال رسولان ۱۳: ۱-۴ (اعمال رسولان ۲۶: ۱۳- ۱۸ ؛ اول قرنتیان ۱: ۱)
ملاحظات:
فقط خدا می‌داند چه کسی کارهایی را که اجرای آنها در این دنیا ضروری است به بهترین نحو به انجام می‌رساند. او مسیحیان مشخصی را انتخاب و دعوت می‌کند تا مبشر باشند. کلیسای محلی بایستی به این اشخاص مسئولیتهای محلی واگذار نکند و آنها را با دعا و در صورت امکان از نظر مالی حمایت کند.

ب) روح‌القدس به هر خادم مسیحی وظیفه مخصوص خودش را می‌دهد.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۲: ٤ – ٦ ، ۱۱ (مرقس ۱۳: ۳٤ ؛ اول قرنتیان ۳: ۵ – ۹)
ملاحظات:
فقط خدا می‌داند که چه کاری برای هر مسیحی مناسب ترین است. پس، روح‌القدس آن عطای روحانی که بیشترین کمك را به او در انجام مسئولیتش می کند به هر یك از آنان می بخشد.

پ) روح‌القدس درها را باز و بسته می‌کند.
بخوانید: اعمال رسولان ۱٦: ٦ – ۱۰ (کولسیان ٤: ۳ ؛ مکاشفه ۳: ۷ – ۸)
ملاحظات:
فقط خدا می‌داند که در این لحظه کدام مکانها مهم به شمار می‌آیند و کدام اشخاص برای انجام وظایف مناسبترین می‌باشند. فقط او درب فرصت‌ها را برای خادمینش باز و بسته می‌کند. مسیح این کار را از طریق روح‌القدس با هدایت قلب خادمینش و با پیش آوردن موقعیتهای خاص انجام می‌دهد. روح‌القدس خادمین مسیحی را به سمت اشخاص تبدیل یافته مهمی مثل خواجه سرای حبشی (اعمال رسولان ۸: ۲۹ – ۳۵) و مامور نظامی رومی (اعمال رسولان ۱۰: ۱۹ – ۲۹) هدایت می‌کند. روح‌القدس به خادمین مسیحی قدرت تشخیص نیز می‌دهد تا نقشه‌های شرورانه روحهای شریر را بتواند ببیند و بتواند با اقتدار عمل کند (اعمال رسولان ۱۳: ۹ - ۱۱).

ت) روح‌القدس خادمین مسیحی را تشویق می‌کند.
بخوانید: اعمال رسولان ۱۳: ٤۹ – ۵۲
ملاحظات:
روح‌القدس تشویق می‌کند و به نوایمانان مسیحی حتی در مواقع جفا خوشی می‌بخشد.

خلاصه: روح‌القدس ماموریت بزرگ مسیحایی را به صورت موثری هدایت می‌کند.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ ـ تعهد ـ متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های درس " شخصیت و عملکردهای روح‌القدس " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲ ـ رازگاهان ـ هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت رومیان ٥ – ٨ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ ـ بررسی کتاب مقدس ـ درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید. (افسسیان ٦: ۱ – ٤) " ویژگی‌های خانواده مسیحی چیست؟ " از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.

٤ ـ دعا ـ در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ٥: ۳)

٥ ـ آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۲۲

۱	**دعا**

سر گروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **رومیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (رومیان ۵ – ۸)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه)** **شاهد بودن - متی ۱۰: ۳۲**

الف - <u>تــعمــق</u>

آیه حفظی: شاهد بودن - متی ۱۰: ۳۲
متن آیه: " پس هرکه مرا پیش مردم اقرار کند من نیز در حضور پدر خود که در آسمانست او را اقرار خواهم کرد."
عیسی این کلمات را به دوازده شاگردش وقتی گفت که به آنها فرمان رفتن و موعظه کردن پیغام ملکوت خدا را داد (متی ۱۰: ۵ – ۱۰). با وجود این حقیقت که شاگردان عیسی با مخالفت با پیغام و شیوه زندگیشان مواجه خواهند شد بایستی پیغام انجیل را بدون ترس اعلام کنند. برای اینکه شاگردان بدون واهمه شهادت دهند، عیسی چهار دلیل می آورد:

۱- <u>شما می‌توانید بدون ترس شاهد عیسی مسیح باشید، چون دشمنان شما نمی‌توانند مانع شرمندگی علنی خود شوند و شما نیز علناً مورد تایید قرار خواهید گرفت</u> (متی ۱۰: ۲۶ – ۲۷).

الف) دشمنان نمی‌توانند مانع این شوند که مخالفت شریرانه‌شان، جفا و کشتار مسیحیان يك روز علنی و آشکار خواهد شد. در روز داوری نهایی، دشمنان مسیح و دشمنان مسیحیان در مقابل تمام مردمی که برروی زمین زندگی کرده‌اند شرمنده خواهند شد. کتاب مقدس می‌گوید که خدا هر کار و همینطور هر چیز مخفی را داوری خواهد کرد (جامعه ۱٤: ۱۲).

ب) دشمنان نمی‌توانند مانع این شوند که روزی شاگردان در ملأ عام تایید خواهند شد. در روز داوری نهایی مسیح و شاگردانش در مقابل تمام مردم که تا به حال روی زمین زندگی کرده‌اند گرامی شمرده خواهند شد. کتاب مقدس می‌گوید که مسیح هرکس را برطبق اعمالی که انجام داده است پاداش خواهد داد (متی ۱٦: ۲۷).
پـس، شاگردان عیسی مسیح نباید از اعلام آشکارا، صریح و شجاعانه پیغام ملکوت (انـجیل) بترسند.

۲- <u>شما می‌توانید بدون ترس شاهد عیسی مسیح باشید، چون دشمنانتان نمی‌توانند روح شما را بکشند بلکه فقط جسمتان را</u> (متی ۱۰: ۲۸).
دشمنان مسیح و دشمنان مسیحیان آرزوی انجام هر کاری را هم که داشته باشند فقط يك کار را هرگز نمی‌توانند انجام دهند، یعنی نمی‌توانند روح شما را بکشند. در حالیکه جسمتان بخش مرئی و مادی وجود شما است روحتان بخش نامرئی و غیرمادی وجود شما است.

۳- شما می‌توانید بدون ترس شاهد عیسی مسیح باشید، چون دشمنانتان نمی‌توانند اراده خداوند و توجه محبت آمیزاو نسبت به شما را تباه سازند (متی ۱۰: ۲۹ – ۳۱).
واقعیت دارد که درست مثل گنجشك شما نیز روزی بایستی بمیرید. اما اگر خدا از همه گنجشکان که تقریباً هر کدام آنها بی‌ارزش بشمار می‌آیند، مواظبت می‌کند ، چقدر بیشتر درحال حاضر از شما محافظت خواهد کرد. چه کسی بیش از گنجشکان بسیار ارزش دارد؟ خدا وعده داده که از زندگی و کارشما به طریق خاصی محافظت خواهد کرد. هر آنچه که برروی زمین برای شما اتفاق می‌افتد، در مقابل چشمان همیشه ناظر خدا و فقط درصورتی که او از وقوع آن راضی بوده باشد رخ می‌دهد (رومیان ۸: ۲۸).

٤- شما می‌توانید بدون ترس شاهد عیسی مسیح باشید، چون عیسی شما را اعتراف می‌کند فقط در صورتی که شما او را درمقابل مردم اعتراف کنید (متی ۱۰: ۳۲ – ۳۳).
اعتراف کردن او یعنی اینکه آشکارا اقرار کنید که عیسی مسیح نجات دهنده و خداوند شما است. یعنی اینکه هیچوقت درحضور مردم یا جهان یا حتی دشمنانتان از عیسی مسیح خجل نخواهید شد (مرقس ۸: ۳٤ – ۳۸). در روز داوری نهایی، عیسی نیز آشکارا در مقابل تمام انسانهایی که برروی زمین زندگی کرده‌اند شما را اقرار خواهد کرد (متی ۲۵: ۳٤ – ۳٦).

ب - حفظ کردن و مرور

۱- بنویسید: آیه کتاب مقدس را برروی یك کارت سفید یا روی صفحه‌ای از دفترچه یادداشت خود بنویسید.
۲- حفظ کنید: آیه کتاب مقدس را به شیوه‌ای صحیح حفظ کنید. شاهد بودن – متی ۱۰: ۳۲
۳- مرور کنید: به گروههای دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه‌ای را که حفظ کرده‌اید از یکدیگر بپرسید.

٤	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **ویژگی‌های خانواده مسیحی چیست؟ افسسیان ٦: ۱ – ٤**

با استفاده از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس، افسسیان ٦: ۱ – ٤ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: افسسیان ٦: ۱ – ٤ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه بخوانید تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

کشف ۱)
از نظر من یك حقیقت مهم در افسسیان ٦: ۱ یافت می‌شود. " ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید، زیرا که این انصاف است ". بعضی فکر می‌کنند این آیه بدین معنی است که باید فقط درصورتی والدین را اطاعت نمود که آنها " در خداوند " یعنی *مسیحی می‌باشند*. اما این صحیح نیست. این فرمان به این معنی است که من بایستی والدینم را نه به خاطر اینکه مسیحی هستند اطاعت کنم بلکه به این خاطر که *خودم مسیحی می‌باشم*. درحالیکه بسیاری از فرزندان غیرمسیحی از والدینشان اطاعت نمی‌کنند، فرزندان مسیحی بایستی از والدینشان اطاعت کنند چون این فرمانی است که مسیح انجام آن را به آنها داده است. فرزندان مسیحی حتی اگر والدینشان با ملاحظه، منصف و مسیحی نباشند، بایستی از آنها اطاعت کنند.

کشف ۲)
از نظر من يك حقيقت مهم در افسسيان ٦: ٤ يافت می‌شود. " و ای پدران، فرزندان خود را به خشم نياوريد ". درحاليكه فرزندان وظيفه اطاعت از والدين را دارند، والدين نيز موظف به تشويق فرزندانشان می‌باشند. اين عبارت در كولسيان ۳: ۲۱ نيز نوشته شده است " ای پدران، فرزندان خود را خشمگين مسازيد مبادا شكسته دل شوند ". فرزندان خشمگين و تلخ صيرت ميشوند اگر هميشه روی اشتباهات آنها تاكيد كنيد و هرگز در باره كارهای درست آنها سخن نگوييد. چون دارای فرزندانی می‌باشم از نظر من مهم است كه هميشه فرزندانم را تشويق كنم. گرچه آنها كامل نيستند، نبايد عملاً آنها را خشمگين كنم و روح آنها را برنجانم. پس تصميم گرفته‌ام كه مشوق بودن را ترجيح دهم.

قدم ۳: سؤال كنيد

توجه كنيد: در اين متن چه سؤالاتی در زمينه‌های مختلف وجود دارند كه مايليد در گروه آنها را بپرسيد؟
سعی كنيم تمام حقايق مربوط به افسسيان ٦: ١ – ٤ را درك كنيم و در مورد آنچه نمی‌فهميم، سؤال‌های خود را مطرح كنيم.
بنويسيد: تا آنجايی كه امكان دارد سؤال‌های خود را واضح و صريح مطرح كنيد و سپس آنها را در دفتر يادداشت خود بنويسيد.
در ميان بگذاريد: (بعد از اين كه مدتی به اعضای گروه فرصت فكر كردن و نوشتن داده شد اجازه دهيد كه هر كدام ازافراد سؤال خود را برای ديگران مطرح سازد).
گفتگو كنيد: (سپس چند سؤال را از بين همه سؤالها انتخاب كنيد و سعی كنيد با گفتگو كردن در مورد آنها در گروه، جوابی برايشان پيدا كنيد. درادامه نمونه‌هايی از سؤالهايی كه شاگردان ممكن است بپرسند و همچنين ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) سؤال اول در ارتباط با اطاعت كردن از والدين است. در بعضی فرهنگهای دنيا، فرزندان می آموزند كه بايد در سرتاسر زندگی و تحت هر شرايطی از والدينشان اطاعت كنند و تا هنگام مرگ پدر و مادر، والدين بر فرزندانشان اقتدار مطلق دارند. <u>اما برطبق كتاب مقدس تا چه سنی فرزندان بايستی همچنان از والدينشان اطاعت كنند؟</u>
ملاحظات:
اين سؤال بسيار مهم است چون قلب تمامی فرهنگهای دنيوی را لمس می‌كند.
اجازه دهيد نخست به نمونه خود عيسی توجه كنيم. وقتی عيسی هنوز پسر بچه‌ای ۱۲ ساله بود، والدينش را اطاعت می‌كرد (لوقا ۲: ٤١ – ٥۲). در هر صورت وقتی عيسی بزرگ و مشغول كار زندگی خودش شد، ديگر مطيع والدينش نبود و آرزوهای آنها را به جا نمی‌آورد (مرقس ۳: ۳۱ – ۳٥). او شخصی بالغ با مسئوليتی مستقل در زندگيش بود. پس كتاب مقدس تعليم نمی‌دهد كه مسيحيان بايستی والدينشان را در سرتاسر زندگيشان و تحت هر شرايطی اطاعت كنند. بلكه كتاب مقدس تعليم می‌دهد كه مسيحيان تا وقتی كه *هنوز كودك هستند بايستی آنها را اطاعت كنند* يعنی تا وقتی كه زير سن بلوغ، نابالغ و وابسته به والدين خود می‌باشند. بزرگسالی هنگامی شروع می‌شود كه مسيحيان خانه والدين خود را ترك می‌كنند يا وقتی كه ديگر وابسته به والدينشان نمی‌باشند يا وقتی كه ازدواج می‌كنند. پس اطاعت از والدين دارای محدوده زمانی است. فرزندان تا زمان بزرگسالی بايد از والدينشان اطاعت كنند.

سؤال ۲) سؤال دوم در ارتباط با احترام گذاشتن به والدين است. <u>راههای عملی احترام گذاشتن به والدين چيست؟</u>
ملاحظات:
" احترام گذاشتن " يعنی توجه كردن زياد، نشان دادن توجه و محبت كردن بدون اكراه و بدون انگيزه‌های خودخواهانه يا ترس. مثالهای زير به ارتباط تمام مردم جهان با والدينشان، ارتباط با والدين همسرشان و به ارتباط آنها با خدا به عنوان پدر آسمانی اختصاص داده شده است. پنج راه برای بی‌احترامی كردن يا احترام گذاشتن به والدين خودتان، والدين همسرتان و خدا به عنوان پدر آسمانی شما وجود دارد.

۱- <u>با بحث نكردن، به والدينتان احترام بگذاريد.</u>
با آنها برسر مسائلی كه ارزش واقعی روحانی ندارند بحث نكنيد. برای مثال بر سر اينكه چه لباسی برای پوشيدن مناسب است يا اينكه كدام برنامه تلويزيونی را بايد ديد يا كارهای خانه را چه كسی بايد انجام دهد. بحث كردن باعث می‌شود كه والدين احساس كنند نظرياتشان مسخره است.
چطور می‌توانيد به طريقی مثبت به والدينتان احترام بگذاريد؟ به آرامی بر نقطه نظر خودتان تاكيد كنيد و سپس اجازه دهيد كه خدا به شيوه‌ای كه او را بيشتر خشنود می‌كند، آن را انجام دهد. به اين ترتيب شما ايمانتان را نشان می‌دهيد كه خدا بر هر شرايطی مسلط است و توانايی انجام آنچه را كه برای شما بهترين است، دارد.

۲ - <u>با اهميت دادن به پيشنهادات و مشورتهايشان، به والدينتان احترام بگذاريد.</u>
وقتی بدون توجه، مشورت والدينتان را رد می‌كنيد به آنها بی‌احترامی كرده‌ايد.

چگونه می‌توانید به طریقی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ هرگاه والدینتان پیشنهاد یا مشورتی به شما می‌دهند، از آنها یاد بگیرید. هر وقت فرصتی پیش می‌آید از سالهای تجربیات و حکمتی که اندوخته‌اند استفاده کنید. به خصوص در زمینه قوتها، استعدادها، دانش و مهارتهایشان از آنها چیزهایی یاد بگیرید.

۳ - با دخالت دادن آنها در زندگی واقعی‌تان، به والدینتان احترام بگذارید.

وقتی اجاره نمی‌دهید که والدینتان بدانند به چه فکر می‌کنید، چه احساسی دارید و واقعاً چه می‌کنید، به آنها بی‌احترامی کرده‌اید. همینطور وقتی اجازه نمی‌دهید که والدینتان بدانند چه برنامه‌ریزی کرده‌اید و به آنها هیچ فرصتی نمی‌دهید که برنقشه‌های شما تاثیر گذارند. وقتی والدینتان را در تفریحات، در دردها، در خوشی‌ها، در آسیبهایی که می‌بینید شریك نمی‌سازید به آنها بی‌احترامی کرده‌اید. روش حذف والدین از زندگی واقعی و تصمیماتتان باعث می‌شود که آنها احساس کنند ارزش ارتباط با شما را ندارند.

چگونه می‌توانید به طریقی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ با والدینتان ارتباط برقرار کنید. بعضی اوقات اینکار مشکل است اما هنوز هم یکی از بهترین روش‌ها برای احترام گذاشتن به والدین محسوب می‌شود. برای حرف زدن با آنها، قدم اول را شما بردارید. در مورد فعالیتهایتان، آنچه که در مدرسه یا سرکار انجام می‌دهید، آنچه که با دوستانتان و یا در کلیسا انجام می‌دهید با آنها صحبت کنید. با آنها در مورد آنچه که به آن ایمان دارید، درمورد خدا، مردم و دنیا، در مورد اعتقادات مسیحی، آنچه که فکر می‌کنید، احساس می‌کنید یا برای انجام آن نقشه کشیده‌اید، صحبت کنید. با دخالت دادن آنها در نقشه‌ها و تصمیماتتان به آنها احترام بگذارید. به تجربه و حکمت والدینتان احترام بگذارید و مشورت آنها را جویا شوید. حتی اگر تصمیم نهایی شما خلاف خواسته‌های آنها باشد، در آنها این احساس را ایجاد می‌کنید که به آنها گوش کرده‌اید و نظریات آنها را جدی گرفته‌اید.

٤ - با خدمت کردن آنها، به والدینتان احترام بگذارید.

اگر فقط در صورتی والدین خود را خدمت می‌کنید که آنها از شما خواهش انجام کاری را کرده باشند، به آنها بی‌احترامی کرده‌اید. تمرین کنید که به این موضوع توجه داشته باشید که کجا می‌توانید خدمت کنید، در کجا کسی به خدمت شما نیاز دارد و یا کاری هست که دیگران اشتیاق یا توانایی انجام آن را نداشته باشند و شما می‌توانید آن را انجام دهید. قدم اول را در خدمت کردن و کمك کردن بردارید و منتظر این نمانید که والدینتان از شما چیزی بخواهند.

٥ - با دوست داشتن آنها، به والدینتان احترام بگذارید.

وقتی شما فقط برطبق ضروریات فرهنگی به والدینتان محبت نشان می‌دهید مثل ملاقات کردن آنها، هدیه دادن به آنها و انجام خواسته‌هایشان، واقعاً به والدینتان بی‌احترامی کرده‌اید. محبت خالص مسیحی چیزی فراتر از تعصبات فرزندان است که از نظر فرهنگی ضروری به شمار می‌آیند. محبت اصیل مسیحی نسبت به قصورات صبور است و اشتباهات آنها را می‌بخشد. وقتی که مسیحی می‌شوید والدینتان می‌ترسند که اطاعت شما از عیسی مسیح بر روی شما تاثیرات منفی بگذارد. می‌ترسند که شما تحصیلاتتان را به خوبی انجام ندهید، کارخوبی نتوانید بدست آورید در زندگی موفق نباشید و نتوانید پس‌اندازی داشته باشید و والدینتان را از نظر مالی حمایت کنید. می‌ترسند که فرهنگتان را از دست بدهید و مذهب آنها را تحقیر کنید. ایمان مسیحی خود را با دقت برای آنها توضیح دهید و به آنها ثابت کنید که از طریق آنچه عیسی مسیح برای شما انجام داده است شما تبدیل به شخصی شده اید که مسئولیت‌پذیرتر و با محبت تر است .

سؤال ۳) سؤال سوم در ارتباط با تشویق فرزندان است. <u>پدران چگونه می‌توانند مشوق فرزندانشان باشند؟</u>

ملاحظات:

بعضی پدران، فرزندانشان را ناامید می‌کنند. ناامید کردن به معنی مایوس کردن آنها است. راههای زیادی هست که پدران از طریق آنها می‌توانند فرزندانشان را ناامید کنند. با مشاهده عکس‌العمل‌های بچه‌ها نسبت به والدینشان می‌توانید بفهمید که چه چیزهایی فرزندان را ناامید می‌کند. برای مثال تحریك‌پذیر و خشمگین و افسرده شدن، گوشه‌گیری و حمایت نکردن از والدین. این عکس‌العمل‌ها نشانگر این است که پدر بایستی شیوه رفتارش را نسبت به فرزندانش عوض کند.

یك پدر چطور می‌تواند احترام را به فرزندانش منتقل کند؟ فکر می‌کنم از این طریق که اجازه دهد این سه چیز در فرزندانش رشد کند، رشد مسئولیت‌پذیری، رشد اعتقادات شخصی و رشد روابط بالغانه آنها.

الف) <u>اجازه دهید که پسران و دختران شما مسئولیت‌پذیر رشد کنند.</u>

اگر هدف شما راضی کردن فرزندانتان است احتمالاً آنها را لوس، خودخواه و بوالهوس بار می‌آورید. اما اگر تمرین کنید در ارتباط با قسمتهایی از زندگیشان به آنها مسئولیتهای بیشتر و بیشتری بسپارید بنابراین تبدیل به شخص بالغ مسئولیت‌پذیری خواهند شد. برای رشد مسئولیت‌پذیری چهار مرحله وجود دارد:

۱) در مرحله اول تمام تصمیمات را شما برای فرزندانتان می‌گیرید. فرزند باید بیاموزد که اطاعت کند. اگر فرزند از پذیرفتن انتخابی که برای او مهیا کرده اید سرپیچی کرد، برایش انتخابی دیگر فراهم کنید. اما کودک باید یاد بگیرد که انتخاب کند. این مرحله را وقتی بچه‌ها هنوز خیلی کوچک هستند انجام می‌دهید. با تصمیماتی که می‌گیرید بچه‌ها آنچه که

صحیح و آنچه غلط است می‌آموزند. اما در حالیکه بچه‌ها رشد می‌کنند بایستی مسئولیتهای بیشتر و بیشتری را به آنها بسپارید.

۲) مرحله دوم مرحله انتخاب و تصمیم‌گیری و انجام آنها همراه با فرزندانتان می‌باشد. این مرحله را بخصوص وقتی بچه‌ها به مدرسه ابتدایی می‌روند انجام می‌دهند. نمونه خوبی برای آنها باشید و همچنین معیارهای کیفی و قوانین خانوادگی وضع کنید.

۳) در مرحله سوم به فرزندانتان اجازه دهید که برای خودشان انتخاب کنند و تصمیم بگیرند. اما باز هم احتیاج به تایید و نظارت دارند. این مرحله را بخصوص وقتی بچه‌ها به دبیرستان می‌روند انجام می‌دهید. آزادی بیشتر آنها بستگی به مسئولیت‌پذیری بیشتر و پاسخگویی آنها نسبت به شما دارد. بعضی قسمتهای مهم برای آموزش مسئولیت پذیری عبارتند از: کارهای مدرسه یا شغل، روابط خانوادگی، پرهیزگاری. حمل پول، به تنهایی مسافرت کردن، برقرار کردن دوستی و رشد روابط شخصی با خدا.

٤) در مرحله نهایی به فرزندانتان اجازه می‌دهید که هرکاری را خودشان انجام دهند. به بچه‌ها اجازه می‌دهید این را وقتی انجام دهند که شخصی بزرگسال شده باشند. حالا آنها بزرگسالان بالغی شده‌اند و نسبت به هر کاری که می‌کنند در برابر شما پاسخگو و مسئول نیستند بلکه در برابر خدا.

ب) <u>اجازه دهید که پسران و دختران شما در اعتقادات شخصی شان رشد کنند.</u>
تا زمانی که توقع دارید بچه‌ها به سوی اعتقادات و عقاید شخصی شما کشیده شوند، هرگز در ایجاد اعتقادات و عقاید شخصی رشد نخواهند کرد. پس توقع نداشته باشید فرزندانتان به صورت مطلق از اعتقادات، ایمان، ارزشها و اولویتهای شما اطاعت کنند بلکه آنها را تشویق و کمك کنید تا در ایجاد اعتقادات، ایمان، ارزشها و در داشتن عقاید سالم رشد کنند و کمك کنید تا آنها را براساس کتاب مقدس بنا کنند. بدین ترتیب آنها اشخاص بالغ مسئولی خواهند شد. رشد اعتقادات دارای سه قدم می‌باشد.

۱) قدم اول: اجازه دهید که فرزندتان حقایق کتاب مقدس را برای خودش کشف کند. (لوقا ۱۰: ۲۵ – ۲٦)

۲) قدم دوم: اجازه دهید که فرزندتان خودش کاربرد آن حقیقت را انتخاب کند.

۳) قدم سوم: نتایج کاربرد او را با یکدیگر مورد گفتگو قرار دهید.
برای مثال، در ارتباط با مسئله لباس پوشیدن، کتاب مقدس دارای دو اصل است. یعنی اینکه لباس بایستی از نظر اخلاقی پذیرفته شده باشد یعنی مردم را به گناه وسوسه نکند و بایستی از نظر فرهنگی مناسب شرایط باشد. این دو اصل برای تصمیم‌گیری محدودیتهایی را ایجاد می‌کند. در این محدوده فرزند شما انتخاب آزادانه دارد. فرزند شما انتخاب می‌کند یا تصمیم خود را می‌گیرد و شما نتایج انتخاب و تاثیر آن را بر سایرین و خودش مورد گفتگو قرار می‌دهید.

پ) <u>اجازه دهید که پسران و دختران شما ارتباطات بالغانه برقرار کنند.</u>
هدف شما نبایستی ایجاد استقلال باشد بلکه وابستگی سالم به یکدیگر. کتاب مقدس هر ایماندار را در یك خانواده خاص، در یك کلیسای خاص و در اجتماعی خاص قرار می‌دهد. نظریه کتاب مقدس نسبت به دنیا شامل افراد به صورت جداگانه نیست به این معنی که هرکس راه خود را برود، بلکه افراد در خانواده‌ها، افراد در کلیساها و افراد در اجتماعات. نظریه کتاب مقدس نسبت به دنیا این است که همه ما به یکدیگر نیاز داریم و نسبت به هم وظیفه خاصی برای انجام داریم. پس به بچه‌هایتان کمك کنید تا دوستان خوبی پیدا کنند، با مردم از اجتماعات مختلف وبا زمینه‌های اجتماعی متفاوت ارتباط برقرار کنند و با جنس مخالف رابطه سالم ایجاد کنند.

سؤال ٤) سؤال چهارم در ارتباط با تربیت فرزندان است. <u>والدین مسیحی بایستی چگونه فرزندانشان را تربیت کنند؟</u>
ملاحظات:
دومسئولیت اصلی پدر، محبت کردن به مادر فرزند، و تربیت فرزندش می‌باشند. تربیت بچه‌ها طبق دستورخداوند یعنی آموزش حقایق کتاب مقدس به فرزندتان است. تربیت بچه در تعلیم خداوند یعنی اینکه فرزندتان در عمل از حقایق کتاب مقدس اطاعت کند. در تربیت فرزندتان دومحدوده مهم وجود دارد.

الف) <u>فرزندتان را طوری تربیت کنید که شهروندان خوبی برای این دنیا باشند.</u>
مهمتر از همه تربیت بدین معنی است که بچه‌ها را تمرین دهیم حقایق را به اجراء گذارند. تربیت یعنی تشویق آنها دوباره و دوباره. بعضی مواقع تربیت کردن شامل نظم بخشیدن یا تنبیه کردن است. با آموزش زندگی شخصی او در زمینه‌های زیر فرزندتان را طوری تربیت می‌کنید که شهروند خوبی برای این جهان باشد.

۱) فرزندتان را به سوی بلوغ عقلی، جسمی، روحانی و اجتماعی آموزش دهید.
۲) فرزندتان را آموزش دهید تا حکیم باشد.
۳) فرزندتان را آموزش دهید تا دوست بدارد.

خانواده‌های سالم مصالح ساختمانی یك ملت سالم هستند.

ب) <u>فرزندانتان را طوری تربیت کنید تا شهروندان خوب ملکوت خدا باشند.</u>
آنها را طوری تربیت کنید تا خود را کاملاً به خدایی بسپارند که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است. آنها را طوری تربیت کنید که به خدا در تمام شرایط اعتماد کنند. آنها را تربیت کنید تا بی‌قید و شرط خدا را اطاعت کنند. آنها را تربیت کنید تا زندگی مقدس و عادلانه داشته باشند. از همه مهمترآنها را طوری تربیت کنید تا خدا و همسایه‌شان را دوست بدارند و خودشان را بپذیرند.

<u>قدم ٤: به کاربرید</u>
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس افسسیان ٦: ١ – ٤ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد مشخص بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.
(فهرست زیرنمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر (افسسیان ٦: ١ – ٤)</u>

- ٦: ١ - **برای بچه‌های زیرسن بلوغ:** درهرچیز والدینتان را اطاعت کنید مگر از شما بخواهند کاری برخلاف فرامین خدا و تعالیم کتاب مقدس انجام دهید.
- ٦: ٢ - **برای تمامی مردم:** در هر شرایطی به والدین، پدر و مادر همسرتان و خدا به عنوان پدر آسمانی احترام بگذارید. امکان عملی را انتخاب کنید که به آنها احترام بگذارید و آن امکان را برای مدت زمان معینی گسترش دهید.
- ٦: ٤ - **برای تمامی پدران:** هیچگاه فرزندتان را ناامید یا مایوس نکنید خواه زیر سن بلوغ بوده یا بالغ شده باشد.
- ٦: ٤ - **برای پدران فرزندان زیر سن بلوغ:** فرزندانتان را در حقایق کتاب مقدس تربیت کنید به طوری که آن حقایق را به اجرا بگذارند.

<u>نمونه هایی از کاربردهای شخصی</u>

- بخصوص می‌خواهم در زندگیم این عادت را داشته باشم که مشورت والدینم را بطلبم و از حکمت آنها در زندگی بیاموزم. خودم تصمیم می‌گیرم و انتخاب می‌کنم اما می‌خواهم با جدی گرفتن توجهات والدینم به آنها احترام بگذارم.
- بخصوص می‌خواهم مشوق فرزندانم باشم و آنها را به مسئولیت‌پذیری، ایجاد اعتقادات شخصی، روابط بالغانه با مردم و بیان احساساتشان به روش پرهیزکارانه تشویق کنم. می‌فهمم که این یکی از بزرگترین مسئولیتهایی است که خدا به عنوان پدر یا مادر به من محول کرده است.

<u>قدم ٥: دعا کنید</u>

در مورد حقیقتی که خدا به ما در افسسیان ٦: ١ – ٤ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های ۲ یا ۳ نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با افسسیان ٦: ١ – ٤ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

٢ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت رومیان ۹ - ۱۲ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

٣ - حفظ کردن - آیه شاهد بودن - متی ۱۰: ۳۲ را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

٤ - دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ٥: ۳)

٥ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۲۳

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**پرستش (۲۰ دقیقه)** **خدا فیاض است**

موضوع: خدا فیاض است.

۱ - <u>**سنت فریسیان**</u>

بخوانید: مرقس ۷: ۱- ۲۳
فریسیان خیلی " مذهبی " بودند و هر روز سه بار دعا می‌کردند، هفته‌ای دوبار روزه می‌گرفتند، ده یك جزیی‌ترین اموالشان را به معبد می‌دادند و سعی می‌کردند ٦١٣ قانون و تبصره ای که خود وضع کرده بودند حفظ کنند. فریسیان بسیار مذهبی بودند، اما آزاد نبودند. آنها بنده گناه (یوحنا ۸: ۳٤) و بنده قوانین و شریعت بدست خود ساخته خودشان (اشعیاء ۲۹: ۱۳) بودند.

۲ - <u>**سنت بعضی از مسیحیان زمان حاضر**</u>

بخوانید: مرقس ۷: ۷ " پس مرا عبث عبادت می‌نمایند زیرا که رسوم انسانی را به جای فرایض تعلیم می‌دهند " به همین شکل بعضی از کلیساها از اعضایشان می‌خواهند که هر روز بنحوی با کلیسا مشغول باشند، هر یکشنبه در دو جلسه شرکت کنند، روش معینی از پرستش یا تعمید را دنبال کنند. در کلیسا بشکل خاصی لباس بپوشند. میزان معینی از درآمد خود را به کلیسا بدهند. از شبان و رهبران کلیسا در هر امری اطاعت کنند، به آموزه‌هایی ایمان بیاورند که چندان روشن نیست چقدر براساس کتاب مقدس است، تا هر روز رازگاهان داشته باشند و غیره. هرچند کتاب مقدس این موارد را **تعلیم نمی‌دهد**. بعضی کلیساها تقاضاها، قوانین و شریعت جدیدی برای اعضایشان تولید می‌کند، که باعث می‌شود آنها از دنیای " من می‌خواهم در زیر فیض خدا زندگی نمایم "، به دنیای " من باید در زیر قوانین ساخته انسان در کلیسا زندگی کنم "، منتقل شوند.
وقتی چنین قوانینی که ساخته انسانها است تبدیل به شریعتی در بین انسانها می‌شود، مسیحیان آزاد دوباره تبدیل به غلامان می‌گردند. وقتی یك مسیحی این شریعت انسانی را حفظ نکند، رهبرانش او را ملزم می‌کنند و بعنوان یك مسیحی غیرروحانی یا نامطیع محکوم می‌نمایند. این وضعیت ممکن است باعث شود آن ایماندار دیگر آن شریعت انسانی را رعایت نکند و حتی دیگر به کلیسا نیاید، زیرا او احساس می‌کند که دیگر در انتخاب روش زندگی‌اش آزاد نیست. اشخاص دیگر هم قوانین و شریعت‌های دیگری ابداع می‌کنند برای مثال که او چطور باید زندگی کند تا در آن گروه یا کلیسای خاص پذیرفته شود.

۳ - <u>**زیر شریعت بودن یا زیر فیض بودن**</u>

بخوانید: رومیان ٦: ١٤ " مسیحیان در زیر شریعت نیستند بلکه زیر فیض. "

الف) <u>قانوناً در زیر شریعت بودن</u>
از آنجا که خدا قدوس و عادل است، عدالتش ایجاب می‌کند که تمام قوانین اخلاقی‌اش بطور کامل اطاعت شده و هر مورد سرپیچی از آن بطور کامل مجازات شود. تمام انسانها در وضعیت طبیعی قانوناً در زیر شریعت هستند. و چون همه انسانها گناه کرده‌اند (رومیان ۳: ۲۳) همه انسانها محکوم می‌شوند (غلاطیان ۳: ۱۰ ؛ یعقوب ۲: ۱۰).

ب) <u>قانوناً در زیر فیض بودن</u>
اما خدا چون خدای پرمحبتی هم هست، محبتش کفاره کاملی برای گناهان هرکسی که به عیسی مسیح ایمان بیاورد فراهم می‌کند (رومیان ۳: ۲٤ – ۲۵). عیسی مسیح جریمه گناهان ما را طبق معیار عادلانه شریعت بجای ما پرداخت کرد

(دوم قرنتیان ۵: ۲۱)، همه کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند قانوناً دیگر " زیر شریعت " نیستند بلکه " زیر فیض" هستند.
پولس بمنظور اطمینان بخشیدن به مسیحیان در کشمکش خود در مقابل گناه، می‌گوید آنها دیگر زیر سلطه گناه نیستند خواه گناه *درآنها و خواه در اطرافشان* باشد، آنها دیگر در زیر شریعت بعنوان شرط عادل شدن در مقابل خدا زندگی نمی‌کنند بلکه در زیر فیض که هدیه‌ای نه بخاطر لیاقت ما است زندگی می‌کنند. کسی که هنوز (قانوناً) در " زیر شریعت" زندگی می‌کند و در نتیجه از امتیاز بخشیده شدن، عادل شدن و مصالحه با خدا محروم است هرگز نمی‌تواند تقدیس شود. اما کسی که (قانوناً) در " زیر فیض " زندگی می‌کند و از امتیاز بخشیده شدن، عادل شدن و مصالحه با خدا برخوردار است، ***نمی‌تواند، نمی‌خواهد و دیگر به زندگی در گناه ادامه نخواهد داد.*** برای داشتن زندگی تقدیس شده و جدید در این دنیا، شخص احتیاج به دریافت فیض خدا دارد که در عیسی مسیح آشکار شده است.

پ) <u>از نظر احساسی در زیرشریعت بودن</u>
هرگاه یك مسیحی یا یك کلیسا قوانینی انسانی را وضع کند تا اعضای کلیسا از آن اطاعت کنند، در واقع با این کار آن افراد از نظر احساسی دوباره به " زیر شریعت " می‌آیند. از نظر احساسی در زیر شریعت بودن یعنی شما احساس می‌کنید " باید کارهای در خواستی خاصی انجام دهید " یا اینکه " مجبور هستید که کارهایی را انجام دهید ". این قوانین، شریعت و ضوابط انسانی نشانگر اجبار و وظیفه و نداشتن حق انتخاب هستند. و هنگامی که شما موفق نمی‌شوید این قوانین و شریعت ساخته شده بدست انسان را رعایت کنید، " گناهکار"، " فرد نامطیع " و " غیر روحانی " و حتی "شخص بدی" قلمداد می‌شوید. و بدین ترتیب در *احساسات* و *تجربیات* خود شما طوری احساس و رفتار می‌کنید که انگار محبت خدا یا محبت برادران و خواهران را از دست داده‌اید. پس برای اجتناب از این احساس گناه، محکومیت و بد بودن، شما مصرانه این قوانین و شریعت انسانی را حفظ خواهید کرد. وقتی شما از نظر احساسی در " زیر شریعت " باشید طبیعتاً به ***<u>آنکه هستید</u>***، از دید انسانهای دیگری که این قوانین را وضع کرده‌اند متمرکز خواهید شد. شما در واقع نه تنها بنده این قوانین انسانی بلکه همینطور بنده انسانهایی که این قوانین را ساخته‌اند می‌شوید.

ت) <u>از نظر احساسی در زیر فیض بودن</u>
" در زیر فیض بودن " یعنی شما خارج از قلمرو و شریعتی که شما را محکوم می‌کند قرار می‌گیرید. *قانوناً* ایمانداران در مسیح، دیگر درزیر شریعتی که محکوم می‌کند قرار نمی‌گیرند. وقتی خدا به شما نگاه می‌کند تنها عدالت عیسی مسیح را می‌بیند (دوم قرنتیان ۵: ۲۱). اما حتی از نظر *احساسی و تجربی*، ایماندار به مسیح دیگر در زیر هیچ شریعتی که او را محکوم کند و باعث شود او احساس گناهکار یا بد بودن داشته باشد قرار نمی‌گیرد. شما نه تنها قانوناً در زیر فیض خدا هستید بلکه حتی می‌باید از نظر احساسی و تجربی در زیر فیض خدا باشید. حتی وقتی شما در گناه خاصی می‌افتید نباید احساس کنید که محبت خدا یا محبت برادران و خواهران در مسیح را از دست داده‌اید.
نتیجه گناه برای یك ایماندار در مسیح هرگز محکومیت، مجازات یا رد شدن از طرف خدا نیست بلکه بالاتر از آن *خارج شدن از مشارکت با خدا*. بنابراین هرگاه که شما تصمیم اشتباهی می‌گیرید یا مرتکب گناه خاصی می‌شوید، می‌توانید انتخاب کنید که بازگردید و در زیر فیض زندگی کنید، بعبارت دیگر مشارکت خود را با خدا احیاء کنید. شما همیشه آزاد هستید تا بین حیات و مرگ و همینطور محبت کردن و محبت نکردن یکی را انتخاب کنید. تا بین کاملاً آزاد بودن از احساس گناه، محکومیت، ترس و بدی یا بندگی گناه، محکومیت، ترس و بدی قرار گرفتن، یکی را انتخاب کنید. وقتی شما از نظر *احساسی و تجربی* در زیر فیض زندگی می‌کنید، به رفتار عاری از محبتی که نسبت به خدا یا شخص دیگری انجام داده‌اید می‌اندیشید یعنی ***<u>برآنچه انجام داده‌اید</u>*** متمرکز می‌شوید. و بلافاصله بسوی خدا باز می‌گردید، گناهانتان را اعتراف می‌کنید، بخشش را می‌پذیرید و به مشارکت با خدا ادامه می‌دهید (اول یوحنا ۱: ۹).
بخاطر کار نجات‌بخش کامل مسیح شما قانوناً در " زیر فیض " هستید و قبلاً عادل شده‌اید. و بوسیله بازگشت بسوی خدا، اعتراف گناه و ادامه مشارکت با خدا، شما از نظر احساسی در " زیر فیض " هستید و در حال تقدیس شدن می باشید.

پرستش: خدا را بعنوان خدای فیاض بپرستید. او را بخاطر فیض، رحمت و نیکویی که فراتر از لیاقتتان به شما نشان داده پرستش کنید. او را در گروه‌های سه نفره پرستش کنید.

۳	**درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) رومیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (رومیان ۹ – ۱۲) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٤	**تعلیم (۷۰ دقیقه)** **مشخصات يك شاگرد**

الف - معنی کلمه شاگرد درعهد جدید

۱- يك شاگرد پیروی استاد یا سرگروه است.

بخوانید: مرقس ۲: ۱۸ ؛ لوقا ٦: ۱۷ ؛ یوحنا ٦: ٦٠، ٦٦ ؛ ۹: ۲۸
کشف و گفتگو کنید: معنی کلمه " شاگرد " در این قسمتها چیست؟
ملاحظات: در دوران باستان فلاسفه و رهبران مذهبی شاگردانی داشتند. فریسیان شاگردانی داشتند همینطور یحیی تعمید دهنده هم شاگردانی داشت. و عیسی هم شاگردان بسیار زیادی داشت. کلمه شاگرد در این قسمتهای کتاب مقدس بمعنای "پیرو" است، کسی که متعلق به استادی یا سرگروهی مشخص و در مشارکت و در حال پیروی او میباشد. بهرحال گرچه بسیاری در ابتدا عیسی را پیروی میکردند بعد از مدت کمی از متابعت او دست میکشیدند. علت این امر این بود که آنها فقط به معجزات عیسی علاقهمند بودند، نه شاگردی حقیقی او. آنها مشتاق نبودند بهای شاگردی حقیقی مسیح را بپردازند.

۲- يك شاگرد پیروی عیسی مسیح است.

بخوانید: یوحنا ۱: ۳۵ – ۵۱ ؛ لوقا ۵: ۱ – ۱۱ ؛ مرقس ۳: ۱۳ – ۱۵
کشف و گفتگو کنید: عیسی اولین شاگردانش را چطور دعوت کرد؟
ملاحظات: به دعوت عیسی توجه کنید " بیا و ببین " و " بدنبال من بیا ". دعوت از شاگردان، دعوت به " بودن با عیسی " در هرجا که او میرود بود. تاثیر پرقدرت و مستقیم شخص عیسی همراه با تعلیم پرقدرتش، انسانها را وادار میکرد تا شاگردان عیسی شوند. کلمه شاگرد در این قسمتها بمعنی " پیروی کننده " میباشد از این نظر که همیشه با عیسی در کار او هستند. دعوت عیسی از شاگردانش دارای هیچ محدودیت اجتماعی نیست، در بین شاگردانش ماهیگیران گناهکاری مثل پطرس، یعقوب و یوحنا، يك غیور به اسم شمعون و يك باجگیر طرد شده به اسم متی هم بودند.

۳- يك شاگرد از عیسی مسیح میآموزد.

الف) بخوانید: لوقا ٦: ٤٠
کشف و گفتگو کنید: در اینجا معنی کلمه " شاگرد " چیست؟
ملاحظات: کلمه عیسی در این قسمت کتاب مقدس بمعنی *یاد گیرنده، دانشآموز و کارآموز* است. عیسی تعلیم میدهد که يك شاگرد حقیقی ابتدا باید دانشآموز خوبی باشد تا بتوانند معلم یا سرگروه شود. قبل از اینکه او *مربی* شود باید *کارآموز* باشد.

ب) بخوانید: یوحنا ۱۳: ۱۳ – ۱۵ ؛ متی ٤: ۲۳؛ ۱۱: ۲۸ – ۳۰ ؛ اعمال رسولان ٤: ۱۳ ؛ فیلیپیان ٤: ۹ – ۱۲
کشف و گفتگو کنید: شاگردان چطور یاد میگیرند؟
يك شاگرد با دیدن، شنیدن و تقلید کردن یاد میگیرد. او در حین پیروی عیسی یاد میگیرد. او زندگی و خدمت عیسی را از نزدیك با دقت مشاهده میکند. او هم از تعالیم و هم از نمونه عیسی مسیح و رسولانش یاد میگیرد. همچنین او با انجام تعالیم عیسی یاد میگیرد و تجربیات بیشتری کسب میکند.

٤- يك شاگرد يك مسیحی است.

بخوانید: اعمال رسولان ٦: ۷ ؛ ۹: ۱ – ۲ ، ۱۹ ؛ ۱۱: ۲٦ ؛ ١٤: ۲۱ – ۲۲
کشف و گفتگو کنید: معنی کلمه " شاگرد " در این قسمتهای کتاب مقدس چیست؟
ملاحظات: در تاریخ کلیسای اولیه، مسیحیان گاهی " *مردمی که متعلق به راه هستند* " نامیده شدهاند، ولی اغلب آنها را *شاگرد* میخواندند. کلمه شاگرد بمعنای عضو يك جامعه مذهبی جدید میباشد و تقریباً همان معنای کلمه مسیحی را میدهد.

ب - ویژگیهای خاص يك شاگرد

معرفی کنید: يك شاگرد، يك دانشآموز و پیروی عیسی مسیح است.

عیسی تعلیم داد که شاگردانش ویژگی‌های خاصی دارند.

۱- بخوانید: یوحنا ۳: ۱٦ – ۲۱
کشف و گفتگو کنید: ویژگی‌های خاص شاگردان حقیقی عیسی مسیح چیست؟
ملاحظات: یکی از ویژگی‌های يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح این است که ***او شخصاً به عیسی مسیح ایمان دارد.*** يك شاگرد فقط بدنبال يك استاد خاص به اسم عیسی نیست بلکه او با تمام قلب و ذهنش به عیسی ایمان دارد. او ایمان دارد که عیسی مسیح خداست، که طبیعت انسانی را برخود گرفت و آمد تا در میان انسانها بر روی زمین زندگی کند. او ایمان دارد که عادل شده و حیات جاودان دارد. او ایمان دارد که عیسی مسیح، نورجهان است و او در پی آن نور است و در آن نور زندگی می‌کند.

۲- بخوانید: یوحنا ۸: ۳۱ – ۳۲
کشف و گفتگو کنید: دراین قسمت کتاب مقدس چه چیزی ویژگی خاص يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح است؟
ملاحظات: يك ویژگی شاگرد حقیقی عیسی این است که ***او از عیسی مسیح و تعالیمش اطاعت می‌کند.***
يك شاگرد عیسی مسیح به هرچه که دوست داشته باشد اعتقاد نخواهد داشت و هرکاری که بخواهد را انجام نمی‌دهد، بلکه به تعالیم عیسی مسیح ایمان داشته و از آنها اطاعت می‌کند. اطاعت از تعالیم عیسی مسیح شامل انجام فعالیت‌های اجتماعی بنفع بینوایان، رنجدیدگان و فقرا می‌گردد (متی ۲۵: ۳٤ – ۳٦ ؛ یعقوب ۱: ۲۷).

۳- بخوانید: یوحنا ۱۲: ۲٦ ؛ ۱۳: ۱۲ – ۱۷ (مرقس ۱۳: ۳٤ ؛ اول قرنتیان ۳: ۹)
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس چه چیزی ویژگی خاص يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح است؟
ملاحظات: یکی از ویژگی‌های يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح ***خادم بودن اوست.***
دعوت شاگردی، دعوتی برای کار با عیسی مسیح در انجام ماموریت او برروی کره زمین بود. هر ایماندار وظیفه خاصی را که در ملکوت خدا برای او در نظر گرفته شده دریافت میکند. یکی دیگر از مشخصات يك خادم مشتاق بودن او به انجام وظایفی است که دیگران یا تمایلی به انجام آن ندارند یا قادر به انجام آن نیستند. او حتی مشتاق است تا وظایف حقیرترین برده را دريك خانه طبق سنت آن زمان انجام دهد وظیفه‌ای مثل شستن پای کثیف مسافران.

٤- بخوانید: یوحنا ۱۳: ۳٤ – ۳٥ ؛ (اول قرنتیان ۱۳: ٤ – ۸)
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس چه چیزی ویژگی خاص يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح است؟
ملاحظات: يك ویژگی شاگرد حقیقی عیسی این است که ***او در روابطش محبت نشان می‌دهد.***
این نوع محبت، محبتی فداکارانه و غیر خودخواهانه مانند محبت عیسی است. محبت صبور و مهربان است، محبت فروتن است، حلیم و سخاوتمند است. محبت اطوار ناپسند ندارد و پرهیزگار است، محبت می‌بخشد و در پیشرفت دیگران شادی می‌کند. محبت به دیگران اعتماد می‌کند و امیدوار است که خدا بتواند شرایط را عوض کند. محبت در نیکی کردن به مردم استقامت دارد و سعی می‌کند روی انسانها تاثیر بگذارد تا آنها برای خدا و انسانهای دیگر مفید باشند.

٥- بخوانید: یوحنا ۱٥: ٥ – ۸ ، ۱٦
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس ویژگی‌های خاص يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح چیست؟
ملاحظات:
الف) مهمترین ویژگی يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح این است که ***او در عیسی مسیح می‌ماند.***
ماندن در عیسی مسیح به معنای قبول کردن عیسی مسیح در قلب و زندگی‌تان می‌باشد. این به معنای کوشش برای حفظ يك رابطه شخصی با مسیح و کتاب مقدس است. این به معنای تسلیم کردن خود و تمام زندگی خود به عیسی مسیح و تعالیم اوست. رابطه با مسیح باید بسیار صمیمانه باشد نه بشکلی مصنوعی. هرکس که تنها رابطه‌ای ظاهری با عیسی مسیح دارد به آتش افکنده خواهد شد.

ب) ویژگی دیگر يك شاگرد حقیقی عیسی، ***آوردن ثمرات زیاد و ماندگار است.***
درس اصلی این است که يك شاگرد تنها وقتی که در مسیح می‌ماند ثمرات روحانی می‌آورد. و يك مسیحی با آوردن ثمرات زیاد و ماندگار، نشان می‌دهد که شاگرد حقیقی عیسی مسیح است.
" ثمره " در کتاب مقدس معانی متفاوتی دارد:

۱) ثمره تولید شده بوسیله کسانی که انجیل را موعظه می‌کنند *نوایمانان* جدید می‌باشند (کولسیان ۱: ٦).
۲) ثمره تولید شده بوسیله کسانی که شاگردان را تربیت می‌کنند *ثمرات ماندگار نامیده شده که به مسیحیان بالغ و با پشتکار اشاره می‌کند* (یوحنا ۱٥: ۱٦).
۳) ثمره تولید شده بوسیله روح‌القدس *شخصیت* مسیحی است (غلاطیان ٥: ۲۲ – ۲۳).

با ماندن در مسیح، شاگردان ثمره بیشتری می‌آورند و با هرس خدا آنها باز میوه بیشتری می‌آورند. این هرس کردن شامل توبیخ شدن بوسیله خدا، اصلاح و انضباطی که از سختی‌ها حاصل می‌گردد می‌شود. یعنی خدا اجازه می‌دهد این وقایع در زندگی يك ایماندار اتفاق بیافتد. با توجهات دائمی و بنا کردن نوایمانان، شاگردان ثمره ماندگار می‌آورند یعنی تربیت ایماندارانی بالغ و با پشتکار.
در مثل برزگر عیسی تعلیم می‌دهد در بعضی از شاگردانش کلام او ۱۰۰ برابر، در بعضی ٦۰ برابر و در دیگران ۳۰ برابر ثمر می‌آورد. این بخاطر این است که همه مسیحیان به يك اندازه از گناهانشان پشیمان نمی‌شوند و از نظر توکل، امانت یا شجاعت و غیرت همه در يك سطح نیستند. همینطور در بشارت و شاگردسازی افراد با هم متفاوتند و همه ایمانداران عطایای روحانی، شرایط و ماموریت یکسانی ندارند.

پ) یکی دیگر از ویژگی‌های يك شاگرد حقیقی عیسی این است که ***او تحت کنترل کلام عیسی مسیح بوده و از تاثیر آن کلام دگرگون شده است.***
کلمات عیسی مسیح پاك می‌سازد، به عبارت دیگر شاگردان جدید را عادل می‌گرداند (یوحنا ۱۵: ۳). کلمات عیسی مسیح باید آنچنان بر ذهن، قلب و رفتار شاگرد تاثیر بگذارد که او دائماً و مرتباً در حال تغییر بسوی کمال باشد (یوحنا ۱۵: ۷).

ت) شخصیت دیگر شاگرد حقیقی عیسی ***دعا کردن طبق خواست عیسی مسیح است.***

٦- بخوانید: لوقا ٦: ۳۹ ــ ٤۲
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس ویژگی خاص يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح چیست؟
ملاحظات: یکی از ویژگی‌های شاگرد حقیقی عیسی این است که ***او مستعد است تا شخصیتش درحضور خدا شکل بگیرد.***
يك شاگرد ابتدا باید بیاموزد تا بوسیله خدا عوض شود تا خدا بتواند از او برای تغییر دادن دیگران استفاده کند. قبل از اینکه او دیگران را اصلاح کند باید متوجه ضعف‌ها و نواقص خود باشد. هدف يك شاگرد باید این باشد که در شخصیت و رفتارش شبیه مسیح گردد.

۷- بخوانید: لوقا ۹: ۲۳ ــ ۲٦
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس ویژگی خاص يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح چیست؟
ملاحظات: یکی از ویژگیهای شاگرد حقیقی عیسی این است که در ***او نشانه‌های انکار نفس و فداکاری دیده می‌شود.***
تنها تعهد او جلال دادن هر روزه مسیح است که بوسیله موعظه به مسیح و پذیرش طرد شدن، تحقیر شدن و رنج کشیدن ناشی از آن صورت می‌گیرد.

۸- بخوانید: لوقا ۹: ۵۷ ــ ٦۲
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس ویژگی خاص يك شاگرد حقیقی عیسی مسیح چیست؟
ملاحظات: یکی از ویژگی‌های شاگرد حقیقی عیسی این است که ***او کاملاً وقف عیسی مسیح می‌باشد.***
الف) <u>اولین شاگرد داوطلب پیروی از عیسی، میخواست بدون دعوت عیسی از او پیروی کند.</u>
او آنقدر مشتاق پیروی وی بود که از توجه به بهای شاگردی چشم‌پوشی کرد. او می‌دید که جمعیت انبوهی بدنبال عیسی هستند، معجزات رخ می‌دهند، و مردم کاملاً مشتاق او شده‌اند و او می‌خواست با مرکز این اتفاقات یعنی عیسی در ارتباط باشد. با ادامه داستان انجیل می‌بینیم منطقه یهودا عیسی را رد کرد (یوحنا ۵: ۱۸). جلیلی‌ها او را بیرون کردند (یوحنا ٦: ٦٦) جدریان از او خواهش کردند تا سرزمینشان را ترك کنند (متی ۸: ۳٤)، سامریان از جا دادن به او امتناع کردند (لوقا ۹: ۵۳)، زمین او را نپذیرفت (متی ۲۷: ۲۳) و بالاخره حتی آسمان او را رها کرد (متی ۲۷: ٤٦). ***شاگردی دائمی به معنایی درگیری، طرد شدن و رنج کشیدن است.*** این بهای شاگردی است (لوقا ١٤: ۲۵ ــ ۳۰).

ب) <u>دومین داوطلب شاگردی، میخواست با معیارهای خودش از عیسی پیروی کند.</u>
او آماده نبود که از عیسی بر اساس معیارهای عیسی پیروی کند. از يك طرف او می‌خواست چون رسولان يك پیرو نزديك به مسیح باشد. و از طرف دیگر برای پیروی عیسی شرط می‌گذاشت. او می‌خواست اول برود و پدرش را دفن کند، که بتازگی مرده بود. ولی عیسی می‌خواست ذهن این شخص خاص را متوجه این حقیقت کند که او خداوند حاکم است و باید بطور کامل و بدون هیچ شرط و اما و اگری اطاعت شود. او می‌خواست تا او درك کند که در ملکوت خدا، خانواده روحانی و الهی از وابستگی‌های خانوادگی معمولی بسیار مهمتر است. بخاطر آورید که این سخن عیسی خطاب به يك داوطلب شاگردی خاص و نه به همه شنونودگان است. عیسی نمی‌گوید مسیحیان نباید بفکر والدینشان باشند (یوحنا ۱۹: ۲٦ ــ ۲۷) یا به مراسم دفن آنها اهمیت ندهند (متی ۲٦: ۱۲). اما عیسی بصراحت می‌گوید که ***يك مسیحی باید عیسی را بیشتر از والدینش محبت کند و يك شاگرد باید عیسی را بدون قید و شرط اطاعت کند.***

پ) سومین داوطلب شاگردی، بدون در نظر گرفتن قدرتی که خانواده، دوستان و تأثیرات سخنان میتوانند بر او داشته باشند، میخواست از عیسی پیروی کند.
او احتمالاً خود را خیلی خوب نمی‌شناخت. عیسی می‌توانست درون قلب او را ببیند چیزی که برای خود آن شخص غیرممکن بود (یوحنا ۲: ۲۵)، عیسی می‌توانست قلب او را جستجو کند و ذهنش را بخواند. عیسی می‌دانست که وقتی این داوطلب شاگردی او به خانه می‌رسد به آسانی متقاعد می‌شود تا همانجا بماند و به عیسی ملحق نشود. عیسی می‌گوید که ***یك مسیحی هرگز نباید از پیروی عیسی دست بکشد. یك شاگرد راستین عیسی هرگز به عقب نگاه نمی‌کند یا حسرت زندگی گذشته خود را نمی‌خورد.***

۹- بخوانید: لوقا ۱٤: ۲٦ – ۲۷، ۳۳
کشف وگفتگو کنید: در این قسمت‌های کتاب مقدس یك شاگرد حقیقی عیسی مسیح چه خصوصیات خاصی دارد؟
ملاحظات:
الف) یکی از ویژگی‌های شاگرد حقیقی عیسی مسیح این است که *برای او، محبت عیسی مسیح، برتر از هر رابطه دیگری می‌باشد.*
یك شاگرد، مسیح را بالاتر از والدینش، خانواده خودش و حتی خودش می‌داند. این بدین معنا نیست که یك شاگرد باید از والدین و خانواده‌اش نفرت داشته باشد و آنها را ترك و فراموش کند. کتاب مقدس به مسیحیان فرمان می‌دهد تا به والدینشان توجه کنند، تا همسرانشان را محبت کنند، تا فرزندانشان را در اوامر خداوند بزرگ کنند و حتی همسایه‌اش را چون خودش محبت کند. کلمه تنفر در این قسمت به معنای *کمتر ترجیح دادن* می‌باشد (متی ۱۰: ۳۷). اگرباید بین مسیح و تقاضای یکی از اعضای خانواده یکی را انتخاب کرد، مسلماً درخواست آن عضو خانواده هرچه هم پر شور و حرارت باشد، بایستی رد شود. بالاترین وفاداری یك شاگرد باید نسبت به عیسی مسیح باشد و هیچ رابطه دیگری نباید جانشین آن گردد. یك شاگرد، عیسی مسیح را بدون هیچ قید و شرطی بعنوان خداوند و راهنمای خود انتخاب می‌کند. بدین ترتیب او تمام تعهدات و روابط دیگر خود را در مقابل وفاداری و عشقش به عیسی مسیح در الویت بعدی قرار می‌دهد.

ب) ویژگی دیگر یك شاگرد حقیقی عیسی این است که *او فداکاری و رنجهای ناشی از جدیت در ایمان خود را می‌پذیرد.* این معنی واقعی " حمل صلیب " اوست.

پ) ویژگی دیگر یك شاگرد حقیقی عیسی این است که *او عیسی مسیح را بالاتر از همه چیز و تمام آرزوهای مربوط به این جهان قرار می‌دهد.*
یك شاگرد آماده است تا برای پیروی مسیح هر چیزی را فدا کند. او اجازه نمی‌دهد محبت پول، پیروزی، شهرت و قدرت، او را فاقد صلاحیت شاگردی مسیح بسازد. وقتی او باید بین پول درآوردن، موفقیت، قدرت یا شهرت در یك طرف و پیروی مسیح در طرف دیگر یکی را انتخاب کند، به جاذبه مادی‌گرایی و موفقیت‌های دنیوی پشت می‌کند. چون شاگرد بیش از هر چیز دیگر خود را وقف عیسی مسیح می‌سازد.

۱۰- بخوانید: لوقا ۲٤: ٤۵ – ٤۸
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس ویژگی خاص یك شاگرد حقیقی عیسی مسیح چیست؟
ملاحظات: یك شاگرد حقیقی عیسی مسیح دارای این ویژگی است که *شاهد عیسی مسیح می‌باشد.*
نقش شاگردان این نبود که واسطه‌هایی امین برای انتقال تعالیم عمیق مسیحی و یا نگهداری سنتها باشند، بلکه آنان فقط شاهدان مطیع مسیح بودند. آنها هرگز جزو فلاسفه یا اساتید متبحر شریعت نبودند بلکه در میان *فرزندان* کوچکی بودند که خدا به آنها مکاشفه خود را بخشیده بود. (متی ۱۱: ۲۵ – ۲۷). آنها همان *گله* کوچکی بودند که خدا از بخشیدن ملکوت به آنها خشنود بود (لوقا ۱۲: ۳۲ ؛ متی ۵: ۱۰).

۱۱- بخوانید: متی ۲٤:۱۰ – ۲۵
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس ویژگی خاص یك شاگرد حقیقی عیسی مسیح چیست؟
ملاحظات: یك شاگرد حقیقی عیسی مسیح دارای این ویژگی است که *او مشتاق است تا بخاطرعیسی مسیح حقیر شمرده شود.*
مخالفان عیسی او را " وسیله‌ای در دست شیطان " خواندند (متی ۱۲: ۲٤ – ۲۷)، دیو زده و دیوانه (یوحنا ۱۰: ۲۰) و حتی شیطان مجسم (متی ۱۰: ۲۵) می‌خواندند. مردم با شاگردان مسیح همانطور که با مسیح رفتار کردند، رفتار می‌کنند. شاگردان نیز با چنین سوء تفاهماتی روبرو خواهند شد و مورد جفا قرار می‌گیرند (متی ۵: ۱۰ – ۱۲ ؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۲).

۱۲- بخوانید: متی ۱۳: ۵۲
کشف وگفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس چه ویژگی خاصی در یك شاگرد حقیقی عیسی مسیح وجود دارد؟
ملاحظات: یك ویژگی شاگرد حقیقی عیسی این است که *او حقایق ملکوت را در زندگی بکار می‌برد.*

عبارت، " در ملکوت تعلیم یافته است " از نظر تحت‌الفظی بمعنای " شاگرد شده در موضوعات ملکوت " است. یك شاگرد عیسی تعالیم عیسی درباره " ملکوت خدا " را درك و تمرین می‌کند. او تعلیم یافته و تربیت شده تا حیات ملکوت را آنطور که در متی بابهای ٥ تا ٧ تعلیم داده می‌شود، زندگی کند. تا در خدمت پیشرفت ملکوت باشد همانطور که در مثل‌های باب ١٣ انجیل متی تعلیم داده می‌شود. تا دارای روحیه و روابط ذکر شده در بابهای ١٨ و ١٩ انجیل متی باشد. و خزانه‌اش مملو از گنج‌های حقایق ابدی ملکوت خدا باشد، تا حقایق ملکوت را با سخاوتمندی و بفراوانی با دیگران در میان بگذارد. این حقایق ملکوت، نه تنها مطالبی باستانی و بخوبی اثبات شده، بلکه حقایقی جدید با کاربردی تازه برای تمام جوانب زندگی، برای همه مردم، در شرایط متفاوت میباشند. شاگردان عیسی " معلمین حقیقی شریعت " در این دوران هستند. آنها مفسران ملکوت میباشند که واقعیت قوانین مستقل الهی را در این دنیا آشکار می‌کند.

١٣- **بخوانید:** متی ٢٨: ١٨ – ٢٠
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس یك شاگرد حقیقی عیسی مسیح دارای چه ویژگی خاصی است؟
ملاحظات: یکی از ویژگی‌های یك شاگرد حقیقی عیسی مسیح این است که *او همیشه در حال شاگردسازی است*. او شروع به رفتن به میان مردم، چه همسایگان، چه حتی قوم‌های دیگر می‌کند و به آنها تعلیم می‌دهد که مطیع مسیح شوند. در کتاب اعمال رسولان اولین ویژگی یك شاگرد " اطاعتش از ایمان " بود (اعمال ٦: ٧). این وظیفه پولس رسول هم بود. در رومیان ١: ٥ می‌خوانیم که " به او فیض و رسالت یافتیم برای اطاعت ایمان در جمیع امت‌ها به خاطر اسم او". و این وظیفه شاگردان عیسی مسیح هم می‌باشد. شاگردان عیسی انجیل را اعلام می‌کنند و انسانها را از همه قومها رهبری می‌کنند تا به عیسی مسیح ایمان آورند و از او اطاعت کنند (رومیان ١٦: ٢٥ – ٢٦). اطاعت از تعالیم عیسی مسیح شامل تعهدات اجتماعی نسبت به فقیران، بینوایان و محرومان هم می‌شود (متی ٢٥: ٣٤ – ٣٦ ؛ یعقوب ١: ٢٧).

١٤- **بخوانید:** اعمال رسولان ٥: ٣٢
کشف و گفتگو کنید: در این قسمت کتاب مقدس شاگرد حقیقی عیسی مسیح دارای چه ویژگی خاصی می‌باشد؟
ملاحظات: یك ویژگی شاگرد حقیقی عیسی مسیح این است که *شواهد حضور و فعالیت روح‌القدس در او دیده شود.* پولس بعنوان یك شاگرد حقیقی پذیرفته شد. زیرا او به عیسی ایمان داشت و پر از روح‌القدس بود (اعمال ٩: ١٧، ٢٦ – ٢٧). روح‌القدس برای همیشه در شاگردان زندگی می‌کند (یوحنا ١٤: ١٦ - ١٧). او عیسی مسیح را جلال می‌دهد و شاگردان را قوت می‌بخشد تا کار عیسی مسیح را انجام دهند. شاگردان بدون روح‌القدس بهیچ وجه شاگردان حقیقی مسیح نیستند (اعمال رسولان ١٩: ١ – ٢).

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته های درس " مشخصات یك شاگرد " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٢ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت رومیان ١٣ – ١٦ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٣ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید. (دوم قرنتیان ٦: ١٤ – ٧: ١) "ویژگی‌های ارتباط تحت یوغ نابرابر چیست؟" از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ٥: ٣)
٥ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ٢٤

١	**دعا**

سر گروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

٢	**درمیان گذاشتن برکات (٢٠ دقیقه)** **رومیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (رومیان ١٣- ١٦) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٣	**تعمق و حفظ کردن (٢٠ دقیقه)** **مرور آیات در باره زندگی تازه در مسیح**

الف - شیوه مرور آیات حفظ شده کتاب مقدس

- مرور آیات قبلاً حفظ شده از کتاب مقدس دارای قسمتهای زیر است:

١ - مرور کنید: ٥ آیه آخری کتاب مقدس را که حفظ کرده‌اید روزی یکبارتکرار کنید. تکرار، بهترین روش برای بخاطرسپردن آیات کتاب مقدس و بازگو کردن صحیح آنها است. پس ٥ آیه آخری را که حفظ کرده‌اید حداقل یکباردرروزبه مدت پنج هفته مرورکنید. بنابراین شما هر آیه جدید کتاب مقدس را قبل از اینکه به مجموعه "*مرور مجدد* " آیات قبلی حفظ شده اضافه کنید، در حدود ٣٥ بار مرور می کنید.
٢ - مجدداً مرورکنید: "*مرور مجدد* " به معنی مرورکردن تمام آیات قبلاً حفظ شده از کتاب مقدس است که هرسه هفته یکبارانجام میشود. "*مرورمجدد* " آیات قبل، بهترین روش برای به خاطرآوردن تمام آیاتی است که قبلاً از کتاب مقدس حفظ کرده‌اید. پس ازبین هر ١٠٠ آیه قبلی که حفظ کرده اید، ٥ آیه از آن را هر روز دوباره مرور کنید. بنابراین همه آیاتی را که قبلاً حفظ کرده اید هر سه هفته یکبار دوباره مرورمی کنید.
٣ - همراه داشته باشید: مجموعه کارتها یا دفترچه یادداشت مربوط به آیات حفظی را با خودتان همراه داشته باشید. ازآنها در زمان مسافرت و وقتهای اضافی درطی روز، برای مرور، تعمق و دعا استفاده کنید. ٥ آیه آخرکتاب مقدس را که حفظ کرده‌اید مرور کنید، تعدادی از آیاتی را که قبلاً حفظ کرده اید، مجدداً مرورکنید، در مورد محتویات این آیات تعمق و دعا کنید.
٤ - امتحان کنید: از یکدیگر سؤال کنید تا مطمئن شوید آیا هنوز آیاتی را که حفظ کرده‌اید به طور صحیح می‌دانید. درطی هر ملاقات گروهی، دو به دو آخرین آیه ای را که حفظ کرده اید از یکدیگر بپرسید. همچنین گاهی به گروههای دو نفری تقسیم شوید و ٥ آیه ای را که قبلاً حفظ کرده‌اید از یکدیگر سؤال کنید تا مطمئن شوید آیا علاوه برتمام آیه کتاب مقدس، موضوع، عنوان ومحل آیه را *بدون حتی یك اشتباه* می‌دانید. به عنوان علامت راهنما، گاهی موضوع، عنوان یا محل آیه و بعضی اوقات چند کلمه نخست آیه را بگویید.

ب - مرور دونفری آیه های " زندگی تازه در مسیح "

١- مسیح - دوم قرنتیان ٥: ١٧ **٢- کلام - متی ٤: ٤** **٣- دعا - یوحنا ١٥: ٧**	**٤- مشارکت - اول یوحنا ١: ٧** **٥- شاهد بودن - متی ١٠: ٣٢**

٤	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **ویژگی‌های ارتباط تحت یوغ نابرابر چیست؟ دوم قرنتیان ٦: ١٤ – ٧: ١**

با استفاده از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس، دوم قرنتیان ٦: ١٤ – ٧: ١ را با یکدیگر بررسی کنید.

<u>قدم ١: بخوانید</u>
بخوانید: دوم قرنتیان ٦: ١٤ – ٧: ١ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه بخوانید تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ٢: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

<u>کشف ١)</u> يك نكته مهم برای من از دوم قرنتیان ٦: ١٤ این است که می‌گوید " زیر یوغ نابرابر با بی‌ایمانان نروید ". در زبان اصلی کتاب عهد جدید، ترجمه تحت‌الفظی کلمات این آیه می‌گوید، "*به هم یوغ شدن نامتناسب با بی‌ایمانان ادامه ندهید و ندهید و ندهید* ". این قسمت تلویحاً بما می‌گوید که بعضی مسیحیان در کلیسای قرنتس از قبل با بی‌ایمانان بشکلی نامتناسب هم یوغ شده بودند. پولس رسول به این مسیحیان دستور می‌دهد که دیگر بعد از این در این شرایط سازشکارانه باقی نمانند. چون من همیشه در بین بی‌ایمانان هستم، باید زندگی شخصی خود را ارزشیابی کنم تا ببینم آیا دربعضی قسمتهای زندگیم بشکل نابرابر با بی‌ایمانان هم یوغ شده‌ام؟ من باید خود را از تمام وضعیت‌ها یا روابط سازشکارانه، کنار بکشم.

<u>کشف ٢)</u> يك حقیقت مهم برای من از دوم قرنتیان ٦: ١٧ این بود که نوشته شده " خداوند می‌گوید از میان ایشان بیرون آیید و جدا شوید ". در زبان اصلی کتاب عهد جدید ترجمه تحت‌الفظی کلمات این آیه می‌گوید: "*و شما باید بلافاصله از بین بی‌ایمانان بیرون بیایید و باید کاملاً از بی‌ایمانان جدا شوید.* " دوباره این قسمت تلویحاً بما می‌گوید که بعضی ایمانداران در کلیسای قرنتس همچنان شرایط سازشکارانه خود را ادامه می‌دادند. پولس رسول به آنها دستور می‌دهد که یکبار و برای همیشه، بطور کامل و برای آخرین بار به این شرایط سازشکارانه خاتمه دهند. مسیحیان بصراحت از داشتن بعضی روابط خاص و شرکت در بعضی فعالیتهای خاص منع شده‌اند. از آنجایی که مسیحیان همیشه در بین بی‌ایمانان زندگی می‌کنند، من باید به ایمانداران دیگر اطلاع دهم که آنها باید از چه روابط و فعالیتهایی خودداری کنند.

<u>قدم ٣: سؤال کنید</u>
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به دوم قرنتیان ٦: ١٤ – ٧: ١ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام ازافراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. درادامه نمونه‌هایی از سؤالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ١) <u>(دوم قرنتیان ٦: ١٤) " یوغ " چیست؟</u>
ملاحظات: در اینجا یوغ وسیله‌ای است که دو حیوان بوسیله آن در کنار هم کار می‌کنند. وسیله‌ای است که دو حیوان را بهم می‌بندند و متصل می‌کنند بطوریکه آنها در يك جهت حرکت می نمایند. با يك سرعت راه می‌روند، باهم می‌ایستند و

بطور کلی همه چیز را در هماهنگی با هم انجام می‌دهند. اگر يك حيوان از راه راست منحرف شود ديگری را هم با خود به آن سو می‌کشاند. اگر یکی از حیوانات آرام حرکت کند و بایستد، او حیوان دیگر را هم مجبور به آرام حرکت کردن و ایستادن می‌کند. اگر این دو حیوان سعی کنند تا دو رهبر متفاوت را دنبال کنند. این امر باعث می‌شود که آنها همدیگر را هل بدهند یا بکشند و در نتیجه هیچ نوع پیشرفتی صورت نگیرد.
پولس رسول کلمات کتاب تثنیه ۲۲: ۱۰ را در ذهن داشت که می‌گوید " گاو و الاغ را باهم جفت کرده، شیارمنما". او این اصل را برای تاکید در مورد ناسازگاری ایماندارانی که با بی‌ایمانان ازدواج می‌کنند بکار می‌برد و آنرا با این شرایط تطبیق می‌دهد. ایمانداری که با يك بی‌ایمان هم یوغ می‌شود بزودی در می‌یابد که چطور فرد بی‌ایمان او را از راه راست خدا به طرف دیگری می‌کشد، رشدش را کند می‌کند و حتی او را تحت فشار قرار می‌دهد تا از ایمانش دست بردارد.

سؤال ۲) <u>(دوم قرنتیان ٦: ١٥) يك ايماندار چه وجه اشتراکی با يك بی‌ایمان دارد؟</u>
ملاحظات: يك ايماندار در موارد مشخصی با بی‌ایمان وجه اشتراك دارد. برای مثال، هر دو غذای یکسانی می‌خورند، لباس یکسانی می‌پوشند، سوار اتوبوس مشترکی می‌شوند و پول یکسانی استفاده می‌کنند و غیره. درعین حال چیزهای خاصی هم هست که مختص بی‌ایمانان است و مسیح، ایمانداران را از آن چیزها جدا کرده است. برای مثال، محور زندگی بی‌ایمانان خودشان هستند درحالیکه محور زندگی يك ايماندار، عیسی مسیح است. گنج بی‌ایمانان دردنیا است در حالیکه گنج ایمانداران در آسمان است. ارزشهای بی‌ایمانان ارزشهای دنیای حاضر است، درحالیکه ارزشهای مسیحیان ارزشهای ملکوت خدا است. بی‌ایمانان در جستجوی جلال انسان هستند در حالیکه ایمانداران بدنبال جلال خدا هستند. بنابراین مسیحیان در اموری مثل جهت زندگی، هدف زندگی و ارزشهای زندگی، هیچ وجه اشتراکی با بی‌ایمانان ندارند.

سؤال ۳) <u>(دوم قرنتیان ٦: ١٤) چه نمونه‌هایی از " روابط تحت یوغ نابرابر " وجود دارد که کتاب مقدس آنها را نهی می‌کند؟</u>
ملاحظات:
الف) <u>ارتباط تحت یوغ نابرابر در اول قرنتیان ٥: ٩ ــ ١١</u>
" در آن رساله به شما نوشتم که با زانیان معاشرت نکنید. لکن نه مطلقاً با زانیان این جهان یا طمعکاران و یا ستمکاران یا بت‌پرستان، که در این صورت می‌باید از دنیا بیرون شوید. لکن الان به شما می‌نویسم که اگر کسی که برادر نامیده می‌شود، زانی یا طماع یا بت‌پرست یا فحاش یا میگسار و ستمگر باشد، با چنین شخص معاشرت نکنید بلکه غذا مخورید. "
کتاب مقدس به مسیحیان فرمان می‌دهد تا از معاشرت با مسیحیان اسمی که مانند غیرمسیحیان رفتار می‌کنند خودداری نمایند. بنابراین يك مسيحی نباید " از نظر معاشرتی درگیرارتباط زیر یوغ " با مسیحیان اسمی که مانند غیرمسیحیان رفتار می‌کنند، شود.

ب) <u>ارتباط تحت یوغ نابرابر دراول قرنتیان ٦: ٥ ــ ٦</u>
" بجهت انفعال شما می‌گویم، آیا از میان شما يك نفر دانا نیست که بتواند در میان برادران خود حکم کند؟ بلکه برادر با برادر به محاکمه می‌رود و آن هم نزد بی‌ایمانان."
کتاب مقدس به مسیحیان فرمان می‌دهد که اختلافات حقوقی خود را پیش يك قاضی غیرمسیحی نبرند. وقتی يك مسيحی با مسیحی دیگری دچار اختلاف حقوقی می‌گردد، آنها باید به مسیحیان حکیم در کلیسا اجازه دهند تا در مورد اختلافاتشان داوری کنند. اگر این اختلاف غیرقابل حل می‌باشد بهتر است رنج متضرر شدن را بپذیرد و داوری نهایی را به دستان خدا واگذار کند. بنابراین يك مسيحی نباید " ازنظر حقوقی درگیر ارتباط زیر یوغ " با غیرمسیحیان شوند.

پ) <u>ارتباط تحت یوغ نابرابر در اول قرنتیان ٧: ٣٩</u>
" زن مادامی که شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هرکه بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط. "
کتاب مقدس به مسیحیان فرمان می‌دهد که از ازدواج با غیرمسیحیان خودداری کنند. از نظر کتاب مقدس يك مسيحی کسی است که واقعاً متعلق به خداوند است، بعبارت دیگر خداوند به واسطه روح‌القدس در او زندگی می‌کند و فعالانه زندگی‌اش را هدایت می‌کند. به زبان دیگر يك مسيحی کسی است که خود را کاملاً تسلیم حاکمیت و خداوندی عیسی مسیح نموده است. دوم قرنتیان ٦: ١٤ بروشنی می‌گوید يك ايماندار نباید درگیر يك ارتباط زير يوغ نابرابر با يك بی‌ایمان شود. یک مسیحی فقط بایستی با یک مسیحی ازدواج کند.
این نتیجه‌گیری شامل روابط مخصوص بین زن و مردی که با انگیزه ازدواج با هم معاشرت می‌کند هم می‌شود (در بعضی فرهنگها آنرا معاشرت نامزدی مینامند). درواقع حتی دوستی بسیار نزديك با يك غيرمسيحی هم موضوع خطرناکی است. وقتی دو دوست با هم صمیمی می‌شوند عمیق‌ترین افکار و احساسات خود را با هم درمیان می‌گذارند و آنچه شنیده‌اند را برای مدتها بیاد خواهند داشت. آنها به هم وابسته می‌شوند و عمیقاً برهم تاثیــر می‌گذارند. بهرحال دوستی بسیار نزديك با يك غيرمسيحی تبدیل به يك ارتباط زير يوغ نابرابر می‌شود. این مسیحیان نمی‌توانند بسادگی و با بی‌تفاوتی از کنار آرزوها، ارزشها و هدفهای غیرمسیحیان بگذرند. و با آن آرزوها، ارزشها و هدفهای دنیوی درگیر

می‌شوند. هر آنچه غیر مسیحیان ایمان دارند بر ایمان این مسیحیان تأثیر خواهد گذاشت. از آنجایی که رابطه خاص بین مرد و زن با داشتن تصمیم ازدواج (یا نامزدی)، جزء این روابط بسیار نزدیك محسوب می‌شود، یك مسیحی نباید چنین رابطه خاصی را با یك غیرمسیحی گسترش دهد. البته بعضی مسیحیان می‌گویند " اگر من با این شخص غیرمسیحی ازدواج كنم او را بطرف مسیح راهنمایی خواهم كرد." آیا این برای خدا خوش‌آیند نیست؟ نه این برای خدا خوش‌آیند نیست چون او بروشی این موضوع را در اول قرنتیان ۷: ۳۹ و دوم قرنتیان ٦: ١٤ منع می‌كند. خدا همچنان می‌فرماید: " از كجا می‌دانی كه باعث نجات او می‌شوی؟ " (اول قرنتیان ۷: ١٦). بنابراین یك مسیحی نباید درگیر" یوغ نابرابر ازدواج" یا " یوغ نابرابر نامزدی " با یك غیرمسیحی شود. ترك كردن عیسی مسیح بخاطر هر نوع رابطه دوستانه دیگر امر بسیار تاسف‌آوری است. حتی اگر دوست غیرمسیحی شما فقط بمنظور خشنود كردن شما تصمیم بگیرد مسیحی شود ولی با تمام قلب مسیح را پیروی نكند، در این امر هیچ نكته مثبتی وجود ندارد. و شما، هم در دوستی با خدا و هم آن شخص غیرمسیحی لطمه می‌خورید. اگرچه هیچ چیز برای خدا غیرممكن نیست. ما باید عاقل باشیم و از آنچه خدا گفته اطاعت كنیم. خدا بهما فرمان می‌دهد كه زیر یوغ نابرابر با بی‌ایمانان نرویم زیرا خدا حقیقتاً شادی ما را می‌خواهد.

ت) <u>ارتباط تحت یوغ نابرابر در اول قرنتیان ١٠: ٧</u>
" و نه بت‌پرست شوید، مثل بعضی از ایشان، چنانكه مكتوب است: قوم به اكل و شرب نشستند و برای لهو و لعب برپا شدند ".
كتاب مقدس به مسیحیان فرمان می‌دهد كه در لهو و لعب غیرمسیحیان شركت كنند. چنین جشن‌هایی همراه با افراط و زیاده‌روی می‌باشد. مردم زیاد غذا می‌خوردند و بخصوص الكل زیادی می‌نوشیدند. دربعضی از این جشنها، رقص‌های وحشیانه، موسیقی بلند، فریاد زدن و جوك‌های كثیف هم وجود دارد (اول پطرس ٤: ٣ – ٥ ؛ افسسیان ٥: ٣ – ٥). مردم اعمال شهوانی، زناكارانه و خرافی بجا می آوردند. امروزه چنین جشن‌هایی بطور مرتب و همیشگی در دیسكوها انجام می‌شود. و عده‌ای بشدت خود را، با مواد مخدر و روابط جنسی غیراخلاقی درگیر كرده‌اند. بنابراین یك مسیحی نباید " با شركت در چنین جشنهایی درگیر ارتباط زیر یوغ " با غیرمسیحیان شود.

ث) <u>خلاصه :</u> ارتباط زیر یوغ نابرابر با بی‌ایمانان شامل ارتباط بسیار نزدیك با بی‌ایمانان می‌شود بطوریكه انتظام مسیحی قادر به رشد كردن و افزایش نباشد. یعنی روابط بسیار نزدیكی با بی‌ایمانان كه منجر به سازش در اصول مسیحی گردد.

سؤال ٤) <u>مسیحیان از چه روابط تحت یوغ نابرابر دیگری منع شده‌اند؟</u>
ملاحظات: تعلیم درباره روابط زیر یوغ نابرابر درتمام زمینه‌هایی كه شامل ارتباط بسیار نزدیك با غیرمسیحیان می‌شود، كاربرد دارد، برای مثال:
الف) <u>یك مسیحی نباید در امور تجاری با یك غیرمسیحی شریك گردد.</u> یک مسیحی ممكن است تا وقتی مجبور به انجام اموری كه توسط خدا منع گردیده، نشده است، برای یك غیرمسیحی كار كند. اما یك شراكت تجاری غیر مجاز، شراكتی است بین یك مسیحی و یك غیرمسیحی كه در آن هر دو سرمایه‌گذاری می‌كنند و در تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌ها سهیم هستند. چنین شرایطی می‌تواند منجر به انجام اعمالی مثل رشوه‌دادن و فریب دادن دیگران توسط شخص غیرمسیحی و شریك شدن ناخواسته آن شخص مسیحی در نتایج این اعمال گردد.

ب) <u>یك مدرسه مسیحی نباید یك معلم غیرمسیحی را استخدام كند.</u>

پ) <u>یك مسیحی نباید به كلیسایی ملحق شود كه كتاب مقدس را بعنوان كلام مصون از خطای خدا قبول ندارد یا كلیسایی كه پیغام كتاب مقدس به روشنی در آن موعظه نمی‌شود.</u> یك مسیحی نباید مسیحی دیگری را كه كتاب مقدس را بعنوان معیاری مطمئن و دارای اقتدار نهایی الهی قبول ندارد بعنوان معلم و راهنمای خود بپذیرد.

ت) <u>یك مسیحی نباید درگیر ارتباط زیر یوغ توسط شركت در فعالیتهایی كه برخاسته از تفكری غیرمسیحی هستند، بشود.</u> مثل تماشا كردن برنامه‌های نامناسب تلویزیونی، خواندن كتابها و مجلات نامناسب، رفتن به كلوپ‌های نامناسب، پیوستن به جشن‌ها، احزاب و سازمان‌های نامناسب و غیره. یك مسیحی باید از هر زمینه‌ای كه معیارهای مسیحی را خسته كننده و قدیمی بحساب می‌آورد و ارزشهای ضد مسیحی را می‌ستاید، فاصله بگیرد. چه آنها ارزشهای ضد مسیحی، مذهبی، اجتماعی یا حقوقی و یا هر ارزش ضد مسیحی دیگری باشد.

خلاصه: مسیح میگوید كه مسیحیان نور جهان و نمك زمین هستند (متی ٥: ١٣ – ١٦). بنابراین مسیحیان نبایستی بطوركلی از اجتماع غیر مسیحی دوری كنند، بلكه روشنایی ببخشند در جایی كه ظلمت حاكم است و طعم باشند در جایی كه طعمی در جامعه نیست. مسیح همچنین میگوید كه مسیحیان در دنیا هستند اما نبایستی از این دنیا باشند (یوحنا ١٧: ١٤ – ١٦). مسیحیان نباید اجازه دهند كه دنیای گناه آلود آنها را تحت تاثیر قرار دهد، بلكه بر دنیا بخاطر مسیح تاثیر بگذارند.

سؤال ٥) اگر يك مسيحي هنوز درگير ارتباط تحت يوغ نابرابر در بعضي قسمتهاي زندگي خود با يك بی‌ايمان است، بايد چكار بكند؟

ملاحظات: او بايد كاری را كه دوم قرنتيان ٦: ١٧ می‌گويد را انجام دهد. " پس خداوند می‌گويد: « از ميان ايشان بيرون آييد و جدا شويد » ". فرمان " زير يوغ نابرابر با بی‌ايمانان نرويد ". با اين فرمان تكميل می‌شود كه " از ميان ايشان بيرون آييد و جدا شويد ". مسيحيان بايد بلافاصله قدمهای فعالانه‌ای برای تغيير شرايط نامناسب بردارند. ***مسيحيان بايد در زير يوغ برابر با مسيحيان ديگر بروند و در يك جهت حركت كرده، همديگر را در ايمان كمك و تشويق نموده با اتحاد، همديگر را خدمت كنند. مسيحيان بايد با ديگر مسيحيان، زير يوغ برابر ازدواج، خدمت و شاهد مسيح بودن بروند.***

قدم ٤: به كاربريد

توجه كنيد: كاربرد چه حقايقی در اين قسمت برای مسيحيان امكان پذير است؟

در ميان بگذاريد و بنويسيد: افكار خود را صريحاً با هم در ميان بگذاريد و فهرستی از كاربردهای امكان پذير بر اساس دوم قرنتيان ٦: ١٤ – ٧: ١ تهيه كنيد.

توجه كنيد: خدا از شما می خواهد كداميک از كاربردهای امكان پذير را تبديل به يك كاربرد مشخص بكنيد؟

بنويسيد: اين كاربرد شخصی را در دفتر يادداشت خود بنويسيد. كاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با ديگران در ميان بگذاريد. به ياد داشته باشيد كه افراد در هر گروه، كاربرد حقايق متفاوتی را پيدا می كنند وحتی از يك حقيقت كاربردهای متفاوتی می يابند.

(فهرست زيرنمونه هايی از كاربردهای امكان پذير در اين قسمت از كتاب مقدس ميباشند).

نمونه هايی از كاربردهای امكان پذير (دوم قرنتيان ٦: ١٤ – ٧: ١)

- درگير " يوغ معاشرتی " با مسيحيان اسمی كه مانند غيرمسيحيان رفتار می‌كنند نشويد. هرگز با مسيحيان اسمی كه مانند غيرمسيحيان رفتار می‌كنند وارد دوستی‌های بسيار نزديك نشويد. فقط با مسيحيان واقعی وارد دوستی بسيار نزديك شويد.
- درگير " يوغ حقوقی " با غيرمسيحيان نشويد. هرگز شكايت خود را از يك مسيحی ديگر به نزد يك قاضی غيرمسيحی نبريد. بلكه اين شكايت را نزد رهبران يا مسيحيان حكيم مطرح كنيد.
- درگير " يوغ ازدواج " يا " يوغ نامزدی " با غيرمسيحيان نشويد. هرگز با انگيزه ازدواج شروع به معاشرت با يك غيرمسيحی نكنيد. فقط به ازدواج با يك مسيحی فكر كنيد.
- درگير " يوغ جشن‌های ناهنجار " با غيرمسيحيان نشويد. هرگز به چنين جشن‌هايی نرويد. فقط در جشن‌هايی شركت كنيد كه درتضاد با ارزشهای مسيحی نباشد.
- درگير " يوغ شراكت شغلی " با غيرمسيحيان نشويد. هرگز با غيرمسيحی شريك شغلی نشويد.
- فقط به كليسايی ملحق شويد كه در آنجا كتاب مقدس بعنوان كلام خدا به روشنی موعظه و اطاعت می‌شود.
- با ارزشها و فعاليتهايی كه عادتی را بوجود می‌آورند و از زمينه غيرمسيحی هستند هم يوغ نشويد.

نمونه هايی از كاربردهای شخصی

- شخص مجرد: من بخصوص می‌خواهم برای ازدواج، به مسيحی واقعی بودن طرف مقابل و اينكه او واقعاً خداوند را می‌شناسد و دوست دارد، توجه بكنم. من تصميم گرفته ام هرگز برای ازدواج به افراد غيرمسيحی فكر نكنم. من زير يوغ نابرابر " ازدواج " و " نامزدی " با يك غيرمسيحی نخواهم رفت.
- من بخصوص می‌خواهم مواظب باشم كه چه كتابها، مجلات و روزنامه‌هايی می‌خوانم. من نمی‌خواهم افكار و قلبم را با ارزشها، آرزوها و تصورات دنيای غيرمسيحی آلوده بكنم. در ارتباط با ارزشها و فعاليتهايی كه عادات مرا شكل ميدهند، زير يوغ نابرابر با دنيای غير مسيحی نخواهم رفت.

قدم ٥: دعا كنيد

در مورد حقيقتی كه خدا به ما در دوم قرنتيان ٦: ١٤ – ٧: ١ آشكار كرده است، دعا كنيم. (در دعايتان به آنچه كه در طی اين بررسی كتاب مقدس دريافت كرده ايد، پاسخ دهيد، تمرين كنيد كه در فقط يک يا دو جمله دعا كنيد. بياد داشته باشيد كه افراد درهر گروه، در مورد حقايق متفاوتی، دعا خواهند كرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفره ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم سرتاسر دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با دوم قرنتیان ٦: ١٤ – ٧: ١ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

٢ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت پیدایش ١ – ٤ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

٣ - حفظ کردن - آیات در باره زندگی تازه در مسیح را مرور کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

٤ - دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ٥: ٣)

٥ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

ضمیمه ۱
ذات خدا

این بررسی کمک میکند تا افراد ذات خدا را بهتر بفهمند.

۱- <u>ذات خدا غیر قابل درک است.</u>

بخوانید: ایوب ۱۱: ۷ - ۸ ؛ اول تیموتائوس ٦: ١٥- ١٦ ؛ یوحنا ۱: ۱۸ ؛ عبرانیان ۱: ۱- ۳
کشف و گفتگو کنید: چگونه مردم میتوانند بقدر کافی ذات خدا را تشریح کنند؟
ملاحظات: ذات خدا غیر قابل درک است. بدون مکاشفه خدا ما انسانها هرگز نمیتوانیم حتی بدانیم که خدایی هست و هرگز نمیتوانیم مطلبی در باره ذات خدا بفهمیم. ما انسانها فقط تا آنقدر میتوانیم پی به ذات خدا ببریم که خود خدا آن را برای ما مکاشفه کند. بدون مکاشفه خود خدا، ذات الهی او برای انسان بصورت راز باقی میماند. ما فقط خدا را تا آنجا میتوانیم بشناسیم که خود او خودش را به ما آشکار سازد. ما میتوانیم در باره خدا آنچه را بگوئیم که او در باره خودش به ما گفته است.

۲- <u>خدا خودش را مکاشفه و ظاهر کرده است برای اینکه مردم بتوانند او را بشناسند.</u>

بخوانید: قسمتهای در داخل پرانتز را از کتاب مقدس مطالعه کنید.
کشف وگفتگو کنید: خدای غیر قابل درک خودش را چگونه به مردم مکاشفه کرد تا مردم بتوانند او را بشناسند؟
ملاحظات: مسیحیان به یک خدا ایمان دارند، یعنی به یک وجود خدایی با یک ذات خدایی که خودش را به بشر آشکار میسازد. خدا از مخلوقش، از قومش و از هرچه که برای قومش اتفاق میافتد بدور نمیماند. بلکه خدا خودش را در میان خلقت خود و تاریخ بشری آشکار و ظاهر کرده است.

الف) <u>خلقت:</u>

خدا به ما از طریق خلقت مکاشفه کرده است که او وجود دارد و اینکه بسیار قدرتمند و منظم است. خلقت قدرت، زیبایی و نظم خدا را آشکار می کند (مزامیر ۱۹: ۱- ۷ ؛ رومیان ۱: ۱۹- ۲۰).

ب) <u>قلب انسان:</u>

خدا، توسط نوشتن بخشی از قوانین اخلاقی خود روی قلب انسانها و وجدانی که به آنها داده که آنان را محکوم یا تبرئه میکند، مکاشفه کرده است که او خدایی است که از آنچه که بد است متنفر و آنچه که خوب است را دوست دارد. قلب انسان آشکار کننده این حقیقت است که خدا اصول اخلاقی دارد (رومیان ۲: ١٤- ١٥ ؛ اشعیا ٥: ٢٠).

پ) <u>اعمال و سخنان:</u>

خدا خودش را توسط عمل کردن (اشعیا ٤٣: ١٣) و سخن گفتن (متی ٤: ٤) در بین خلقت خود و در تاریخ بشری مکاشفه و ظاهر کرده است. اعمال و سخنان او در نوشته های کتاب مقدس ثبت شده اند. کتاب مقدس افکار، نقشه ها، سخنان و اعمال خدا را آشکار میسازد. خدا در گذشته از طریق پیامبران بدفعات واز طرق گوناگون با اجداد ما صحبت کرد اما در این دوران آخر او از طریق پسرش، عیسی مسیح، که جایگزین دقیق وجود خدایی است، با ما صحبت کرده است (عبرانیان ۱: ۱- ۳).

ت) <u>خدا با ما:</u>

خدا خودش را از طریق در بر گرفتن بدن انسانی مکاشفه و ظاهر کرده است. خدا بدون اینکه ذات الهی خودش را رها کند، ذات انسانی در بر گرفت و وارد خلقت خود و تاریخ بشری گردید (یوحنا ۱: ۱، ١٤، ١٨؛ کولسیان ۱: ١٥، ١٩؛ ۲: ۹). به این دلیل عیسی گفت: " هر که مرا دیده، خدا را دیده است. " (یوحنا ١٤: ۹). عیسی مسیح، وجود، شخصیت و ویژگی خدا را آشکار میکند.

بعضی افراد میگویند که خدا هرگز نمیتواند در یک بدن انسانی وجود داشته باشد.
اما عهد عتیق میگوید: " فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد، ... خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت « ای موسی، ای موسی » ... " (خروج ۳: ۲- ٤).

اگر خدا قادر است که در یک بوته سوزان وجود داشته یا ساکن شود، مطمئناً قادر است که در یک بدن پاک انسانی نیز باشد.

ث) روح خدا در ما:

خدا خودش را توسط سکونت در بدنهای فرد فرد ایمانداران (اول قرنتیان ٦: ۱۹- ۲۰) و در کلیسای مسیحی (افسسیان ۲: ۲۲) در میان خلقتش و در تاریخ بشری آشکار و ظاهر میکند. روح القدس قدرت حضور خدا را در زندگی های قومش و در توانایی خدا جهت تغییر اساسی قومش آشکار میسازد.

۳- خدا خودش را در عیسی مسیح، پسر خدا، مکاشفه و ظاهر میکند.

عبارت " پسر خدا "، بدانگونه که در کتاب مقدس بکار رفته، نبایستی اشتباه فهمیده شود.
کتاب مقدس از سه نوع پسرها صحبت میکند.

الف) یک پسر جسمانی:

کلمه " پسر" در زبانهای اصلی کتاب مقدس معنای جسمانی دارد.
به یک پسر جسمانی اشاره میکند. " از جسم، جسم متولد میشود" صحبت میکند از یک فرزند جسمانی که از یک مادر جسمانی بدنیا آمد (یوحنا ۳: ٦). عیسی یک پسر جسمانی بود که از مریم باکره متولد شده بود. اما بر خلاف همه اشخاص جسمانی، او کاملاً بدون گناه بود (عبرانیان ٤: ۱٥). و برخلاف همه اشخاص جسمانی، او یک پدر جسمانی نداشت. عبارت " پسر خدا " در ارتباط با عیسی مسیح بهیچوجه بمعنای یک مفهوم جسمانی نیست، زیرا خدا دارای بدنی نیست و هیچگونه رابطه جسمانی با انسانها ندارد. طبیعت جسمانی عیسی مسیح مربوط به این حقیقت است که خدا خودش بدون کنار گذاشتن طبیعت الهی خود، طبیعت انسانی در بر گرفت و"خدا با ما " شد. خدا اینچنین عمل کرد برای اینکه به انسانها مکاشفه کند که او کیست، برای اینکه نقشه نجات را آشکار کند و برای اینکه انسانها را نجات دهد.
عیسی مسیح فقط در طبیعت انسانی خود مرد و بنابراین کفاره را جهت گناهان قومش فراهم ساخت . و عیسی مسیح فقط در طبیعت انسانی خود از مرگ برخاست و بنابراین برای قوم خود تضمینی جهت یک زندگی تازه هم اکنون روی زمین و ضمانتی جهت یک بدن قیام کرده پس از مرگ شد.

ب) یک پسر سمبولیک:

کلمه " پسر" در زبانهای اصلی کتاب مقدس همچنین دارای یک معنی سمبولیک است.
کلمه " پسر" بهمراه یک مضاف الیه اشاره به چیزی میکند که این پسردرآن سهیم است، یا به شخصی که شایسته آن چیزاست و یا شخصی که در یک نوع رابطه نزدیک با آن چیز قراردارد. بعنوان مثال، عبارت " پسران نور" (لوقا ۱٦: ۸) اشاره به انسانهایی میکند که در یک رابطه نزدیک با نور، عیسی مسیح، میباشند و حتی در " نور" او سهیم هستند، یعنی در ویژگیهای والای انسانی اومانند حکمت، قدوسیت، عدالت و محبت او.
عبارات " بازوی خدا " و " چشم خدا " (اشعیا ٥۹: ۱- ۲) تحت اللفظی نبوده بلکه سمبولیک هستند. آنها بدین معنی نیستند که خدا بازوان و چشمان جسمانی دارد، بلکه بیش از آن خدا توانایی شنیدن دعاها و توانایی عمل کردن جهت نجات انسانها را دارد. عبارت " چشمان خدا " (دوم تواریخ ایام ۱٦: ۹) به این مفهوم نیست که خدا چشمان جسمانی دارد بلکه اینکه خدا بعنوان روح ابدی هر شخصی و هر چیزی را میبیند.
بهمین صورت، عبارت " پسر خدا " این معنی را ندارد که خدا یک پسر جسمانی دارد، بلکه بیش از آن خدا قادر است که خود را در طبیعت انسانی ظاهر و آشکار کند و اینکه خدا در واقع خود را در طبیعت انسانی عیسی مسیح آشکار و ظاهر ساخت. عیسی مسیح در یک رابطه نزدیک بی نظیر(یگانه) با خدا قرار دارد و سهیم در ویژگیهای بی مانند طبیعت الهی خدا می باشد. کتاب مقدس هرگز از خدا و عیسی مسیح بعنوان دو خدای جدا از هم صحبت نمیکند، بلکه بیشتر از یک خدا که خود را بعنوان خدا در آسمان و خدا " با ما " روی زمین مکاشفه و ظاهر کرد.

پ) یک پسر روحانی:

۱) کلمه " پسر " در زبانهای اصلی همچنین معنی روحانی نیز دارد.
" آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است." (یوحنا ۳: ٦). تفاوت بزرگی بین یک فرزند جسمانی و یک فرزند روحانی است. همه مردم روی زمین بعنوان فرزندان والدین انسانی متولد میشوند و یک طبیعت جسمانی دارند. اما تنها ایمانداران به عیسی مسیح بعنوان فرزندان خدا نیز متولد میگردند – آنان فرزندان جسمانی خدا نیستند، بلکه فرزندان روحانی خدا میباشند (یوحنا ۳: ۳- ۸). در حینی که طبیعت جسمانی آنها از والدین جسمانی آنها میآید، طبیعت روحانی آنان از خدای روح القدس میآید. طبیعت روحانی آنان دیگر پس از این برده خطا، شرم، قدرت و فریب گناه نیست، بلکه آزاد گردیده است تا بیشتر و بیشتر به شباهت عیسی مسیح رشد کند. و طبیعت روحانی آنان دیگر پس از این برده شریر نمیباشد – که مجبور باشند اراده او را انجام دهند (دوم تیموتائوس ۲: ۲٦) – اما یک فرزند خدا شده اند – که آنچه را که در دیدگان خدا درست است، انجام میدهند و خدا و برادرخود را دوست دارند (اول یوحنا ۳: ۱۰).

۲) بهمین صورت، از یک طریق بی نظیر روحانی، عیسی مسیح " پسر خدا " نامیده شده است – او پسر جسمانی نیست بلکه پسر روحانی خدا است. در حینی که عیسی مسیح طبیعت جسمانی خود را تنها از مریم باکره دریافت کرد، ذات الهی و روحانی خود را از خدای روح القدس دریافت کرد (لوقا ۱: ۳۰- ۳۵).

توجه کنید که کتاب مقدس در باره اینکه عیسی مسیح روح خدا و کلمه خدا میباشد، چه میگویند.
مزامیرمیگوید: " او (خدا) به من (مسیح) گفته است، تو پسر من هستی ... از من درخواست کن و امتها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید." (مزمور ۲: ۷- ۸)
عهد جدید میگوید: " اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی میآید. آنگاه خطابی از آسمان در رسید که « این است پسر حبیب من که از او خشنودم.» " (متی ۳: ۱٦- ۱۷)
" در باره پسر خود (پسر خدا) که بحسب جسم از نسل داود متولد شد، و بحسب روح قدوسیت، پسر خدا به قوت معروف گردید از قیامت مردگان یعنی خداوند ما عیسی مسیح " (رومیان ۱: ۳- ٤)

٤- خدای واحد دارای درون مجزا است.

بخوانید: قسمتهای در داخل پرانتز را از کتاب مقدس مطالعه کنید.
کشف و گفتگو کنید: اجزای درونی ذات الهی خدای واحد چیستند؟
ملاحظات:
الف) پدر و پسر و روح القدس

مسیحیان به خدای واحد ایمان دارند، یعنی به یک وجود الهی با یک ذات الهی که خودش را بعنوان خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس مکاشفه و ظاهر میکند.

۱) کلمه " پدر" فقط معنی روحانی دارد. خدای واحد، بعنوان پدر، سرچشمه نقشه الهی برای هستی و تاریخ و سرچشمه خلقت، مکاشفه و خلقت مجدد است. بعنوان پدر، این خدای واحد سرپرست خانواده خودش در آسمان و زمین است (افسسیان ۳: ١٤ – ۱۵)، آن یگانه ای که هر یک از فرزندان روحانی او با وی یک رابطه شخصی و نزدیک دارند (متی ٦: ۹ – ۱۳).

۲) کلمه " پسر" فقط معنی روحانی دارد. خدای واحد، بعنوان پسر، عیسی مسیح، خدای واحدی است که بدون کنارگذاشتن ذات الهی خود، طبیعت انسانی دربرگرفت و ازطریق مریم باکره وارد خلقت خود و تاریخ بشری شد (فیلیپیان ۲: ٦ – ۷ ؛ کولسیان ۱: ۱۵ ؛ ۲: ۹). عیسی مسیح " خدا با ما " گردید (اشعیا ۷: ١٤؛ متی ۱: ۲۳). عیسی مسیح " کلمه " خدا است که در میان خلقت و تاریخ بشری ظاهر شد (یوحنا ۱: ۱، ١٤، ۱۸).

۳) روح القدس، خدای واحدی است که میاید تا بعنوان روح الهی در درون بدنهای قوم خدا (رومیان ۸: ۹ – ۱۰ ؛ اول قرنتیان ٦: ۱۹ – ۲۰) و در بین اجتماع قوم خدا روی زمین (کلیساها) (افسسیان ۲: ۱۹ – ۲۲) زندگی کند.

ب) تثلیث

۱) کلمه " تثلیث " یک کلمه کتاب مقدسی نیست، بلکه کلمه ای مربوط علم الهیات است. مسیحیان، بطور سنتی اندیشه های بالا را با گفتن اینکه خدای واحد، خود را در سه شخص مکاشفه کرد، ابراز میکنند. اما، واژه " شخص" (در زبان یونانی: اوپستاسیس) هیچگاه نظریه یک شخص مفرد را بیان نمیکند، بلکه فقط نظریه یک تمیز درونی که درون وحدانیت ذات الهی وجود دارد را بیان میکند. این حقیقت بیان کننده این است که خدای واحد، خودش را در بین خلقت و در تاریخ بشری بعنوان پدر در آسمان و بعنوان پسر روی زمین و بعنوان روح ساکن درون قومش روی زمین مکاشفه کرده است.

۲) وقتی مسیحیان غسل تعمید میگیرند، در" نام پدر و پسر و روح القدس " تعمید میابند (متی ۲۸: ۱۹). کلمه " نام" کلمه ای مفرد و نه جمع میباشد. *نام واحد خدا* آشکار میسازد که او یک خدا، یک وجود الهی است (تثنیه ٦: ٤). کلمات " پدر، پسر و روح القدس " آشکار میکند که *یک تمیز درونی در بین وحدانیت ذات الهی وجود دارد*. خدای واحد یا وجود الهی واحد خودش را بعنوان پدر، پسر و روح القدس مکاشفه کرد. پدر، پسر و روح القدس دارای *ذات الهی یکسان* هستند.

۳) بنابراین، عیسی مسیح " خدا با ما " (متی ۱: ۲۳)، " پسر خدا " (متی ۲٦: ٦۳- ٦٤) و حتی " خدا " (اشعیا ۹: ٦ ؛ یوحنا ۱: ۱ ؛ رومیان ۹: ٥ ؛ ۲۰: ۲۸ ؛ تیطوس ۲: ۱۳ ؛ عبرانیان ۱: ۸ – ۹) نامیده شد. و بنابراین روح القدس " روح خدا " ، " روح مسیح " ، " مسیح در شما " (رومیان ۸: ۹- ۱۰) و حتی " خدا " (اعمال رسولان ٥: ۳ ، ٥) نامیده شد.

ضمیمه ۲
روح‌القدس، مسیحیان را در میان رنج‌هایشان استوار می‌سازد

یک نکته تاکید شده در کتاب مقدس در مورد کار روح این است که او مسیحیان را در میان رنج‌هایشان استوار می‌سازد.

بخوانید: رومیان ۸: ۲۶ – ۲۷
مسیحیان در میان رنج‌های فعلی خود با کمك دائمی روح‌القدس در تمام ضعف‌هایشان استوار می‌گردند. مخصوصاً بوسیله شفاعت روح القدس برای آنها و دعا مطابق اراده کامل خدا برای تمام نیازهایشان که خود مسیحیان نمی‌توانند با کلمات این مطالب را بیان کنند.

۱ - روح‌القدس، مسیحیان را در تمام ضعف‌هایشان مدد می‌کند.

" به همین طریق " یعنی همانطور که امید به جلال آینده، مسیحیان را در رنج‌های فعلی‌شان استوار می‌سازد، بهمین شکل روح‌القدس مسیحیان را در ضعف‌های فعلی‌شان مدد می‌کند. روح حاضر است که فروتنانه قسمتی از بار رنج مسیحیان را بر خودش بگیرد و دائماً به کمك آنها بیآید. *ضعف ها* می‌توانند هر نوع ضعفی باشند (عبرانیان ٤: ١٥؛ دوم قرنتیان ١٢: ٥)، رنج‌های عادی این دنیای پر از درد و رنج‌هایی که به طور خاص بخاطرپیروی مسیح گریبانگیر مسیحیان می‌شوند. این کمک مطمئناً تنها محدود به ضعف آنان در دعا نمی باشد.

۲ - روح‌القدس، مسیحیان را مخصوصاً در نیازهایی که نمی‌توانند بیان کنند یا حتی خود نمی‌دانند، یاری می‌کند.

همیشه مسیحیان با شکست‌هایی اخلاقی یا روحانی روبرو می‌شوند که باعث می‌شود آنها از آنچه باید باشند، یا انجام دهند یا دعا کنند، قاصر باشند. مسیحیان همیشه نمی‌دانند باید برای چه چیزی دعا کنند یا بعبارت دیگر چه دعایی برای این شرایط خاص مناسب است. اگرچه آنها بطور کلی می‌دانند باید برای چه دعا کنند (متی ٦: ٩ – ١٣؛ کولسیان ١: ٩ – ١٢). مسیحیان اغلب نمی‌دانند در هر نیاز، مشکل یا شرایط خاص برای چه چیزی دعا کنند. آنها نمی‌دانند کلمات چه دعایی با خواست خدا هماهنگ است (دوم قرنتیان ١٢: ٧ – ١٠ ؛ فیلیپیان ١: ٢٢ – ٢٤). مسیحیان اغلب از نیازهای مخفی قلب خود بی‌خبر هستند بنابراین نمی‌توانند آنها را در دعاهایشان ابراز کنند. اما روح‌القدس از نیازهای واقعی مسیحیان با خبر است، هم نیازهایی که نمی‌توانند آن را در دعا بیان کنند و هم نیازهایی که حتی در مورد آنها اطلاعی ندارند. بعنوان یک وکیل مدافع، روح از نیازهای واقعی مسیحیان با خبر است و برای برآورده شدن این نیازها به نزد خدا شفاعت می‌کند.
چهار نکته مهم در این مورد وجود دارد:

الف) نکته اول این است که این قسمت کلام تعلیم می‌دهد این روح‌القدس است که شفاعت می‌کند و نه مسیحیانی که دعا می‌کنند.

بعضی مسیحیان معتقدند این قسمت کلام نشان می‌دهد مسیحیان باید چگونه دعا کنند. آنها می‌گویند روح‌القدس باعث می‌شود مسیحیان با ناله‌هایی غیرقابل بیان دعا کنند یعنی آرزوها و احساساتی را که نمی‌توان با کلمات بیان کرد در دعا به حضور خدا بیاورند دعایی که می‌توان شنید ولی نمی‌توان درك کرد. این مسیحیان می‌گویند روح‌القدس آنچه که باید بگویند به آنها دیکته می‌کند. این تفسیر، به آسانی ناله‌ها یا صداهای غیرقابل بیان این مسیحیان را، دعای روح‌القدس در درون و بوسیله آنها قلمداد می‌کند. همچنین این تفسیر ممکن است باعث شود بعضی مسیحیان فکر کنند عالی‌ترین شکل دعا که مورد تأیید خداست دعا با کلمـات غیرقابل درك می‌باشد. بعضی مسیحیان این شکل دعا را " دعای به زبانها " می‌دانند (اول قرنتیان ١٤: ١٤ – ١٧، که گاهی گفته می‌شود این دعای پولس و نه دعای روح می‌باشد).
درك صحیح این قسمت نشان می‌دهد که این روح‌القدس است که شفاعت می‌کند. در اینجا تاکید براینکه ***مسیحیان چگونه دعا می‌کنند نیست*** بلکه ***چگونه روح‌القدس برای مسیحیان به نزد خدا شفاعت می‌کند***. این انسان نیست که دعا می‌کند بلکه روح‌القدس است که شفاعت می‌کند در اینجا انسان قصد دعا کردن ندارد بلکه روح‌القدس و این ناله‌ها، دعای انسان نیست بلکه ناله‌های دعای روح‌القدس که بصورت شفاعت بیان می‌شود (رومیان ٨: ٢٧).

ب) <u>نکته دوم این است که شفاعت روح‌القدس (رومیان ۸: ۲۷) مثل شفاعت مسیح است (رومیان ۸: ۳٤).</u>

در انجیل یوحنا، روح‌القدس *وکیل مدافع مسیح* است و مسیح، افکار و اراده او را در مسیحیان نمایندگی می‌کند (یوحنا ۱٤: ۱٦ – ۱۷ ، ۲٦ ؛ ۱٦: ۱٤ ؛ رومیان ۸: ۹ – ۱۰). اما در کتاب رومیان، روح‌القدس *وکیل مدافع مسیحیان* است و نیازها و خودشان را در حضور خدا نمایندگی میکند (رومیان ۸: ۳٤ ؛ عبرانیان ۷: ۲۵؛ اول یوحنا ۲: ۱ – ۲) او در کنار مسیحیان می‌ایستد و نیازهایشان را به حضور خدای پدر می‌آورد. بنابراین مسیحیان شفیعی در آسمان دارند که مسیح است و شفیعی دیگر در خانه قلبشان که روح‌القدس می‌باشد، شفاعت مسیح مثل دعای پدر برای همه اعضای خانواده است ولی شفاعت روح‌القدس مثل دعای مادری است که نیازهای یکی از بچه‌ها را به نزد پدر آسمانی بیان می‌کند.

پ) <u>نکته سوم این است که ناله‌های روح‌القدس دعاهایی تنظیم شده با کلمات قابل فهم نیست.</u>
آه یا ناله‌های روح‌القدس بیان نشدنی یا غیرقابل بیان هستند. شفاعت روح‌القدس مسلماً دارای محتوی است اما نمی‌توان آنرا با کلمات قابل درك انسانی بیان کرد.

ت) <u>نکته چهارم این است که شفاعت روح‌القدس به شکل آه یا ناله‌های بیان نشدنی یا غیرقابل بیان مسیحیان، به تخت خداوند می‌رسد.</u>
ناله‌های روح‌القدس را تنها می‌توان *بعنوان آنچه که در قلب مسیحیان ثبت شده*، درك کرد. زیرا خدا قلب مسیحیان را جستجو می‌کند و در آنجا این ناله‌های غیرقابل بیان و بدون کلمات را می‌یابد (رومیان ۸: ۲۷). شفاعت روح‌القدس بوسیله این ناله‌های غیرقابل بیان *از مسیحیان بعنوان وسایلی برای دعا، استفاده می‌کند*. بنابراین نه تنها ناله‌های روح‌القدس در قلب مسیحیان قرار می‌گیرند، بلکه گاهی هم بصورت ناله‌های خود ایمانداران ابراز می‌شود. بر طبق این تفسیر تاکید برآنچه است که روح‌القدس برای یک مسیحی انجام می‌دهد، و فرد مسیحی باید مواظب باشد که دعای خود را با دعای روح‌القدس اشتباه نگیرد. اگرچه یك مسیحی از این حقیقت آگاه است که روح‌القدس از ناله‌های غیرقابل بیان یا بدون کلمات او برای شفاعت استفاده می‌کند، او نمی‌تواند ادعا کند که وقتی دعایش را با کلماتی غیرقابل درك یا ناله‌ها یا صداهای دیگر ابراز می‌کند، این شفاعت روح‌القدس است. مسیحیان نباید فراموش کنند که خدا انگیزه‌های قلب را تفتیش و جستجو می‌کند (رومیان ۸: ۲۷؛ ارمیاء ۱۷: ۹ – ۱۰).

۳ - <u>خدا می‌داند که شفاعت روح‌القدس برطبق اراده کامل اوست.</u>

خدا دائماً قلب ایمانداران را تفتیش می‌کند. او از همه افکار قلب ما با خبر است (اول سموئیل ۱٦: ۷ ؛ اول تواریخ ۲۸: ۹؛ ارمیاء ۱۷: ۹ – ۱۰؛ اول قرنتیان ٤: ۵ ؛ عبرانیان ٤: ۱۳). و او از موضوع، معنی و انگیزه شفاعت روح‌القدس برای مسیحیان باخبر است. زیرا روش تفکر روح‌القدس همان روش تفکر خداست. پس شفاعت روح‌القدس همیشه موثر است و هرگز بی‌ثمر نمی‌ماند. بخاطر همین است که حتی یك مسیحی خالص و واقعی تاکنون هلاك نگشته است (رومیان ۸: ۲۹ – ۳۰) و بخاطر همین است که هیچ اتفاق خارج از اجازه خدا برای مسیحیان رخ نخواهد داد و همچنین اینکه آن اتفاق برای تحقق هدف عالی خدا برای آنان، کمکی نباشد (رومیان ۸: ۲۸). این ناله‌های بیان نشدنی وغیرقابل بیان درقلب مسیحیان به این حقیقت اشاره می‌کند که " خدا قادر است زیادتر از آنچه بخواهیم یا فکر کنیم " عمل کند (افسسیان ۳: ۲۰).

ضمیمه ۳
شخصیت مسیحی: غیبت و تهمت

۱ - غیبت و تهمت

کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد غیبت و تهمت چه می‌گوید؟
بخوانید:
امثال ۱۰: ۱۸ (کسی که تهمت می‌زند احمق است).
امثال ۱۱: ۱۳ (غیبت کننده، رازها را فاش می‌سازد).
امثال ۱۶: ۲۸ (غیبت کننده، دوستان خالص را از همدیگر جدا می‌کند).
امثال ۱۷: ۹ (غیبت کننده باعث جدایی بین دوستان خالص میشود).
امثال ۲۶: ۲۰ (غیبت کننده سبب نزاعها می‌شود).

۲ - آسیب

کشف و گفتگو کنید: غیبت و تهمت چه آسیبهایی ایجاد می‌کنند؟
بخوانید:
امثال ۲۵: ۱۸ (غیبت مثل زدن تبرزین و شمشیر و تبرتیز به همسایه است).
امثال ۲۶: ۲۸ (دروغگو از مجروح‌شدگان خود نفرت دارد).
متی ۵: ۲۱ – ۲۲ (خشم مانند قتل است).

۳ - قضاوت

کشف و گفتگو کنید: چگونه خدا غیبت و تهمت را مجازات میکند؟
بخوانید:
امثال ٦: ١٦- ١٩ (هفت چیز است که خدا از آنها نفرت دارد: ... ، زبان دروغگو، ... ، شاهد دروغگو ... و کسی که باعث نزاعها شود.)
امثال ۱۹: ۵ ، ۹ (شاهد دروغگو بی سزا نخواهد ماند و در نهایت هلاک خواهد شد.)
اعمال رسولان ۵: ۱- ۱۱ (حنانیا و سفیره به خدا دروغ گفتند و مردند.)

٤ - حکمت

کشف و گفتگو کنید: چگونه میتوانید شخصی حکیم بشوید؟
بخوانید:
امثال ۸: ۷- ۸ (فرد حکیم هرگز دروغ نمیگوید)
امثال ۱۳: ۳ (شخص حکیم دهان خود را نگه میدارد بنابراین جان خود را حفظ میکند)
امثال ١٤: ١٥ (شخص حکیم هرچه که میشنود باور نمیکند)
امثال ۱۸: ۱۳ (فرد حکیم اول گوش میدهد و سپس جواب میدهد)
امثال ۱۸: ۱۷ (فرد حکیم همیشه هر دو طرف را بررسی و تحقیق میکند)
امثال ۲۰: ۱۹ (شخص حکیم از رابطه با افراد زیاده گو پرهیز میکند)
امثال ۲۲: ٢٤ (شخص حکیم با فرد تندخو دوستی و معاشرت نمیکند)
متی ۵: ۳۷ (فرد حکیم همیشه صادق، شفاف و بی ریا است)

۵ - اصول

بخوانید: متی ۲: ۲۱- ۲۶ ؛ متی ۱۲: ۳۳- ۳۷
کشف و گفتگو کنید: تعدادی از اصول بر طبق کتاب مقدس چیستند (منظور حقایقی که همیشه حقیقت هستند)؟

الف) دل شخص مسیحی با گفتارش آشکار و شناخته می‌شود.
درخت را از میوه‌اش می‌شناسند. دل انسان با کلماتی که از دهانش خارج می‌شوند، شناخته می‌شود. غیبت یا تهمتی که مخفیانه گفته می‌شود و یا کلمات خشونت‌آمیزی که علنی بیان می‌گردد، آنچه را که در قلب انسان است، آشکار می‌سازد.

ب) مسیحیان بایستی از بابت هر حرف نابجایی که به زبان آورده باشند در روز داوری نهایی جوابگو باشند.

پ) عیسی مسیح مابین یك مسیحی و برادران و خواهران او قرار دارد.
با دعوت به شاگردی، عیسی مسیح بین شاگرد و برادران و خواهران او قرار می‌گیرد. نباید عیسی مسیح را جدا از خواهران وبرادران به حساب آورد. هر حرف باطلی (به صورت غیبت، تهمت و یا با لحن خشمگینانه) که برادر یا خواهری را در کلیسا بی‌احترام کند و یا باعث لجاجت و درگیری او با کلیسا شود، پرستش و قربانی‌های ما را در نظر خدا غیرقابل قبول می‌کند. پرستش مسیحی را نمی‌توان جدای از خدمت به برادر یا خواهر خود به حساب آورد (اول یوحنا ۲: ۹ – ۱۱). عیسی مسیح رفاه و خیریت برادران و خواهرانمان را به ما سپرده است. راه رسیدن به برادر مصلوبمان عیسی مسیح از طریق مصالحه با برادران و خواهران زمینی ما است. این فیض خدا است که به جای داوری شدن در روز داوری نهایی به ما اجازه می‌دهد که با برادران و خواهرانمان آشتی

ضمیمه٤
امتیازات استفاده از روشهای عملی در آموزش شاگردسازی

این دوره شاگردسازی چندین روش عملی را آموزش میدهد. کاربرد و مشخصات آن چیستند؟

۱- <u>امتیازهای پرستش</u>

الف) <u>با خدا آشنا شدن</u>

برای پرستش خدا بایستی در ابتدا بشناسیم که او کیست. هر زمان که جهت پرستش جمع می شوید، افراد، خدا را توسط آموزش دادن یا تعمق کردن با یکدیگر روی یک موضوع مشخص یا ویژگی خدا، بهتر و بهتر میشناسند. انسانهایی که از سوابق مذهبی مختلف با تصورهای کاملاً متفاوت در باره " خدا " میآیند با خدایی آشنا میشوند که خودش را در کتاب مقدس و در عیسی مسیح مکاشفه کرده است. موضوعات یا مشخصات متفاوت خدا بعنوان مثال، قدوسیت خدا، عدالت خدا، فیض خدا، رحمت خدا و وفاداری خدا می باشند.

ب) <u>یاد گرفتن پرستش</u>

پرستش بیش از خواندن سرودهاست. " پرستش " داشتن روحیه احترام، تمجید، تسلیم و وقف به خداست، که می‌توان آنرا با انواع متفاوت دعا و شیوه زندگی نشان داد.
۱) **<u>گوناگونی در محتوا</u> -** توسط پرستش بخصوص با نگاه به موضوعات و ویژگیهای مطروحه بالا، هر جلسه پرستشی، متفاوت، جذاب و بسیار آموزنده میشود.
۲) **<u>گوناگونی در روشها</u> -** پرستش در دعا ممکن است در کلمات، در سرودها یا در سکوت بیان شود. و پرستش در زندگی ممکن است در قطع رابطه با گناه، تغییر عادات، بطور نمونه زندگی کردن و خدمت به خدا و مردم آشکار شود.

۲- <u>امتیازات روش حقیقت محبوب دروقت رازگاهان</u>

رازگاهان (وقت خلوت) یک نظم مسیحی است که مسیحیان بایستی بطور مرتب، در صورت امکان، روزانه تمرین کنند. روش حقیقت محبوب در رازگاهان، مسیحیان را بطور همزمان در چندین نظام مسیحی تربیت میکند:
دعا، خواندن، انتخاب، تعمق، شفاعت و در میان گذاشتن با دیگران.

الف) <u>قدم اول: دعا کنید.</u>

شاگردان میآموزند که قلبهایشان را برای ملاقات با خدا آماده سازند. دعا میکنید تا بطور سنجیده و هوشیارانه بحضور خدا وارد شوید. میتوانید به این صورت کوتاه دعا کنید: " چشمانم را بگشا تا چیزهای شگفت انگیز در کلام تو ببینم." (مزمور ۱۱۹: ۱۸)

ب) <u>قدم دوم: قسمتی از کتاب مقدس را بخوانید.</u>

شاگردان یاد میگیرند که بتنهایی کتاب مقدس را بخوانند. خدا را فقط با جستجوی یک محل خلوت یا فقط با تعمق در افکار درونی خود یا در یک اندیشه بشری مانند شعر ملاقات نمیکنید. خدا را ملاقات می کنید در زمانیکه از خدا درخواست میکنید که کلامش را بطور آشکار به شما بگوید. به این دلیل است که شما باید قسمتی از کتاب مقدس را بخوانید و انتظار داشته باشید که خدا از طریق کلامش در کتاب مقدس شخصاً با شما صحبت کند.

پ) <u>قدم سوم: یک حقیقت محبوب را انتخاب کنید.</u>

شاگردان میآموزند که خود را توسط انتخاب کردن محدود کنند.

۱) **هدف -** در حالیکه هدف بررسی کتاب مقدس فهمیدن و کاربرد یک قسمت در کتاب مقدس است، هدف یک وقت رازگاهان گسترش یک رابطه شخصی و نزدیک با خدا برای آن روز مشخص میباشد. بنابراین بهترین این است که روی *یک حقیقت* در آن قسمت کتاب مقدس و نه روی همه حقایق در آن قسمت متمرکز باشید.
۲) **حد -** انتخاب کردن فقط یک حقیقت از تمام حقایق موجود در یک قسمت کتاب مقدس اراده و تصمیم شما را با رعایت امور روحانی رشد میدهد. به شما کمک میکند تا به آنچه واقعاً مهم است تمرکز داشته باشید و نه اینکه فقط به آن چیزهایی توجه کنید که تمایل دارید یا آن چیزهایی که خودشان را به شما بعنوان فوری نمایان میکنند. همچنین به شما کمک میکند تا وقت رازگاهان کافی بین ۲۰ دقیقه یا بیشتر داشته باشید. یک بررسی کتاب مقدس به وقت بسیار بیشتری نیاز دارد.

ت) قدم چهارم: روی حقیقت محبوب خود تعمق کنید.

شاگردان یاد میگیرند که روی حقایق محبوب تعمق کنند.
۱) **هدف -** تفاوت بزرگی است بین فقط خواندن یک قسمت کتاب مقدس و تعمق روی یک حقیقت خاص در کتاب مقدس. هدف از خواندن این است که اطلاعات بدست آورید و یک دید خوب عمومی از یک قسمت کتاب مقدس دریافت کنید. هدف تعمق این است که دید عمیقی از یک حقیقت درون یک قسمت از کتاب مقدس بدست آورید و اینکه آنچه که خدا میخواهد شما با آن حقیقت در زندگی خود انجام دهید را کشف کنید.
۲) **روش -** تعمق مسیحی شامل ***تفکر*** در باره معنی کلمات در حقیقت محبوتتان، ***دعا*** به آرامی در باره آنچه خدا قصد دارد به شما بگوید، ***ارتباط دادن*** آن حقیقت به زندگی شخصی خود، ***تنظیم کردن*** نتایج و ***ثبت کردن*** آنها در دفترچه یادداشت رازگاهان خود است.

ث) قدم پنجم: حقیقت محبوب خود را دعا کنید.

شاگردان میآموزند که به خدا پاسخ دهند زمانیکه خدا با آنها صحبت می کند. آنها یاد میگیرند که دعا کنند.
۱) دعا کردن در باره آنچه خدا در کتاب مقدس با شما سخن گفته است به شما کمک میکند تا بشناسید که برای چه چیزهایی دعا کنید.
۲) دعای شما یک گفتگو با خدا میشود – شما به آنچه که خدا در کتاب مقدس به شما گفته است پاسخ میدهید.
۳) یاد میگیرید که دعاهای بسیار مشخصی را دعا کنید.
٤) یاد میگیرید که نه تنها برای خود بلکه برای مردم دیگر، اعضای خانواده خود، افراد نزدیک و دور دعا کنید.

۳- امتیازات در میان گذاشتن برکات رازگاهان

الف) وقتی دو نفراز شما یا گروهی کوچک از افراد هر روز در هر هفته یک قسمت یکسان از کتاب مقدس را بخوانید و سپس آنها را باهم یکبار در هفته در میان بگذارید، هر روز یکدیگر را تشویق به رشد کردن میکنید. در میان گذاشتن برکات رازگاهانتان هر هفته در طی ملاقات گروه به همه کمک میکند تا یک وقت رازگاهان مرتب داشته باشند.

ب) جدا از ملاقات هفتگی گروه کوچکتان، توسط در میان گذاشتن برکاتی از وقت رازگاهانتان از هفته گذشته، در واقع یکدیگر را به محبت کردن در روابط و کارهای خوب در فعالیتها ترغیب میکنید. (عبرانیان ۱۰: ٢٤- ۲۵)

پ) توسط بنوبت در میان گذاشتن برکاتی از وقت رازگاهانتان از هفته گذشته، یاد میگیرید که یکدیگر را آموزش دهید (کولسیان ۳: ١٦). به این دلیل که روح القدس در هر مسیحی ساکن است، او اعضای گروه کوچک را میآموزد تا معلمین یا سر گروه شوند.

٤- امتیازات روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس

هدف روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس سهیم کردن هر عضو گروه کوچک در مشارکت کردن در هر یک از٥ بخش بررسی کتاب مقدس است. در غیر این صورت، برای هر سر گروه خیلی آسان است که بررسی کتاب مقدس را به یک آموزش کتاب مقدس و صحبت یکطرفه تغییر دهد یا خیلی آسان است که یک یا دو شاگرد فعال در سخنوری، بررسی کتاب مقدس را تحت سلطه خود قرار دهند.

الف) قدم اول - بخوانید:

شاگردان میآموزند که کتاب مقدس را با یکدیگر بخوانند.

۱) به جای اینکه یکی از اعضای گروه تمام قسمت کتاب مقدس را بخواند، هر عضو گروه بنوبت یک یا چند آیه از قسمت کتاب مقدس را میخواند. از ابتدا هر عضو گروه کوچک در مشارکت سهیم است.
۲) هدف خواندن کتاب مقدس بدست آوردن اطلاعات و دریافت یک دید عمومی از آن قسمت کتاب مقدس است. اما هدف بررسی کتاب مقدس فهمیدن همه حقایقی است که در آن قسمت کتاب مقدس موجود است و بجا آوردن کاربردهای امکان پذیر حقایقی است که در آن قسمت کتاب مقدس وجود دارد.

ب) <u>قدم دوم - کشف کنید:</u>

شاگردان یاد میگیرند که متمرکز باشند روی آنچه در آن قسمت کتاب مقدس میفهمند و نه روی آنچه هنوز نمیفهمند. قبل از اینکه شاگردان در تلاش برای فهمیدن همه حقایق مشکل و جواب همه سؤالها در آن قسمت کتاب مقدس فرو بروند، شاگردان ترغیب میشوند تا در ابتدا همه حقایقی را کشف کنند که میفهمند و افکار و قلوب آنها را لمس میکنند. وقت بررسی کتاب مقدس بایستی توسط فضای مثبت کشف حقایق و کاربرد مشتاقانه این حقایق مشخص باشد. آن وقت نبایستی توسط یک فضای منفی مشکلات و سؤالهای جواب داده نشده مشخص شود. به همین دلیل است که کشف حقایق قبل از سؤالها میباشد.

پ) <u>قدم سوم - سؤال کنید:</u>

شاگردان میآموزند که چگونه کتاب مقدس را بطور صحیح تشریح و تفسیر کنند.

۱) حقایق در کتاب مقدس بهیچوجه افکار انسانها نیستند، بلکه افکار خدا هستند (اشعیا ۵۵: ۸ - ۹). مطالبی در کتاب مقدس وجود دارند که فهمیدن آنها سخت میباشند (دوم پطرس ۳: ۱۶). بنابراین روح القدس باید به شاگردان آنچه که او قصد دارد در هر قسمت کتاب مقدس بگوید، آموزش دهد.
۲) همانطوریکه قوانین رانندگی وجود دارند تا مردم را کمک کند که بدون ایجاد تصادف رانندگی کنند، قوانینی نیز برای تشریح کتاب مقدس وجود دارند که به شاگردان کمک میکنند کتاب مقدس را بدون اشتباه کردن بفهمند. به کتاب سوم دستورعمل شاگردسازی، درس ۲۹ " تشریح صحیح کتاب مقدس " مراجعه کنید. کتاب مقدس خودش بهترین کتاب تشریح کتاب مقدس است. همیشه یک قسمت از کتاب مقدس را در نور کامل پیام کتاب مقدس تشریح کنید. و همیشه عهد عتیق را در نور عهد جدید تفسیرتشریح کنید. سرگروه بایستی شاگردان را هدایت کند تا بخشهای دیگر کتاب مقدس را جستجو کنند تا به آنان کمک کنند که سؤالهایی را که می پرسند، بفهمند.
۳) بجای اینکه سرگروه در همه سوالها اندیشه کند، هر عضو گروه این فرصت را دارد که حداقل یک سؤال را که او مایل است درون گروه گفتگو شود از آن قسمت کتاب مقدس بپرسد. بدین طریق همه سؤالهای شاگردان در گروه مطرح میشوند و سؤالها همیشه سؤالهای مناسب هستند.

ت) <u>قدم چهارم - بکار ببرید:</u>

شاگردان یاد میگیرند که آموزشهای کتاب مقدس را بکار ببرند (متی ۷: ۲٤ – ۲۷).

۱) قبل از اینکه شاگردان یک کاربرد شخصی از هر قسمت کتاب مقدس برداشت کنند، بهتر است که اعضای گروه در ابتدا با یکدیگر تبادل نظر کنند و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر از حقایق درون آن قسمت کتاب مقدس تهیه کنند.
۲) سپس هر شاگرد ممکن است از خدا بپرسد که از او چه میخواهد که بداند، باور کند، باشد یا انجام دهد. هر شاگرد ممکن است از یکی از این کاربردهای امکان پذیر را انتخاب کند و آنرا بعنوان یک کاربرد شخصی بکار ببرد. شاگردان ممکن است که کاربرد شخصی خود را با گروه کوچک در میان بگذارند، اما نبایستی از آنها درخواست شود که حتماً آنرا انجام دهند.

ث) <u>قدم پنجم - دعا کنید:</u>

شاگردان میآموزند که وقتی خدا با آنها صحبت میکند، به خدا پاسخ دهند.

۱) بعد از بررسی یک قسمت کتاب مقدس با یکدیگر، هر شاگرد در گروه کوچک بنوبت به آنچه خدا در آن بخش کتاب مقدس به او گفته است پاسخ میدهد و آن حقیقت را به سوی خدا دعا می کند.
۲) بررسی کتاب مفدس و دعا در کنار هم قرار گرفته اند تا دو سوی یک مکالمه را تشکیل دهند. در ابتدا خدا با ما از طریق بررسی کتاب مقدس سخن میگوید و سپس ما توسط دعا با خدا صحبت میکنیم.

۵- امتیازات تعمق و حفظ کردن

شاگردان دو اصل مسیحی تعمق کردن و حفظ کردن را که متفاوت از خواندن و بررسی کردن هستند، یاد میگیرند.

۱) یاد میگیرید که روی معنی یک قسمت کتاب مقدس قبل از اینکه آن بخش کتاب را حفظ کنید، تعمق کنید.
۲) یاد میگیرید که تعدادی از سخنان مهم خدا را در فکر و قلب خود مخفی کنید (مزمور ۱۱۹: ۹، ۱۱) برای اینکه روح القدس بتواند سخنان خدا را بخاطر شما بیاورد، هر گاه وسوسه میشوید که گناه کنید، هر زمان که میخواهید بر طبق اراده خدا دعا کنید، هر وقت که یک وعده خدا را در کتاب مقدس در نظر میگیرید، هر گاه که میخواهید به سؤال یک شخص جواب خدا را بدهید، هر زمان که میخواهید شهادت دهید یا یک حقیقت خدا را آموزش دهید.
۳) تعدادی از مهمترین آیات کتاب مقدس را حفظ میکنید.

٦- امتیازات دعای در پاسخ به کلام خدا

شاگردان میآموزند که به خدا وقتی با آنها صحبت میکند پاسخ دهند. شاگردان یاد میگیرند که خواندن و بررسی کتاب مقدس مانند خواندن و بررسی هر کتاب دیگری نیست. خواندن، بررسی، تعمق و حفظ کتاب مقدس نیمه اول یک مکالمه بین خدا و شما است. خدا توقع دارد که به آنچه به شما میگوید، پاسخ دهید. بنابراین دعای در پاسخ به کلام خدا پس از خواندن یا بررسی کتاب مقدس و پس از وقت رازگاهان بسیار مهم است.

۷- امتیازات تکلیف منزل

شاگردان یاد میگیرند که به آموزش شاگردی در گروه کوچک توسط انجام تکالیف خود در منزل ادامه دهند. یک شاگرد بایستی بیاموزد که نه تنها زمانی که با دیگر مسیحیان است، اصول منظم روحانی را انجام دهد، بلکه همچنین وقتی بتنهایی در خانه یا با دیگر غیر مسیحیان در محل کار است، این اصول منظم روحانی را عمل کند.